

# معرفیه



سال بیست و دوم - شماره ۱۸۹ (ویژه تغییرات جمعیتی)

شهریور ۱۳۹۲

ماهنامه علمی - ترویجی در زمینه علوم انسانی

صاحب امتیاز: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره

مدیر مسئول: سیداحمد رهنمایی

سر دبیر: ابوالفضل ساجدی

دبیر تحریریه: مرتضی رضایی

مدیر اجرایی: روح الله فریس آبادی

بر اساس مجوز شماره ۳/۶۷۷۶ مورخ ۱۳۸۶/۸/۱۴ کمیسیون  
بررسی نشریات علمی کشور (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)  
درجه علمی - ترویجی به ماهنامه معرفت اعطا گردید.

## هیأت تحریریه

حجت الاسلام استاد محمود رجبی (تفسیر و علوم قرآنی) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره - استاد

حجت الاسلام دکتر محمدرضا جباری (علوم قرآنی) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره - دانشیار

حجت الاسلام مصطفی کریمی (علوم قرآنی) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره - استادیار

حجت الاسلام دکتر محمدناصر سقایی بی ریا (روانشناسی) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره - استادیار

حجت الاسلام دکتر رحیم میردیری کوندی (روانشناسی) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره - استادیار

حجت الاسلام دکتر حمید پارسانیا (جامعه شناسی) - دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام - دانشیار

حجت الاسلام دکتر محمد فولادی وندا (جامعه شناسی) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره - استادیار

حجت الاسلام دکتر عباسعلی شاملی (علوم تربیتی) - جامعه المصطفی العالمیه - استادیار

حجت الاسلام عبدالرضا ضرابی (علوم تربیتی) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره - استادیار

حجت الاسلام دکتر علی مصباح (فلسفه) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره - دانشیار

حجت الاسلام دکتر مرتضی آقائهرانی (فلسفه) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره - استادیار

حجت الاسلام دکتر محمد سربخشی (فلسفه) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره - استادیار

حجت الاسلام دکتر محمدعلی شمالی (دین شناسی) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره - دانشیار

حجت الاسلام دکتر سیداکبر حسینی (دین شناسی) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره - استادیار

حجت الاسلام دکتر حامد منتظری مقدم (تاریخ) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره - استادیار

حجت الاسلام دکتر علیرضا کرمانی (عرفان) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره - استادیار

حجت الاسلام دکتر محمدجواد نوروزی (علوم سیاسی) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره - استادیار

دکتر علی رضائیان (مدیریت) - دانشگاه شهید بهشتی - استاد

دکتر عباسعلی کدخدایی (حقوق) - دانشگاه تهران - دانشیار

دکتر محسن خندان «الویری» (تاریخ) - دانشگاه امام صادق علیه السلام - استادیار

دکتر محمدکریم خداپناهی (روانشناسی) - دانشگاه شهید بهشتی - استاد

دکتر منوچهر محمدی (علوم سیاسی) - دانشگاه تهران - دانشیار

دکتر رحمت الله خالقی (علوم تربیتی) - دانشگاه اصفهان - استادیار

مقاله های این نشریه در سایت [www.isc.gov.ir](http://www.isc.gov.ir) و [www.sid.ir](http://www.sid.ir) قابل دسترسی می باشد.

نشانی: قم - بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، طبقه چهارم

تلفن: (تحریریه) ۳۲۹۳۶۰۸ و ۳۲۱۱۳۴۶۸ - (مشترکان) ۳۲۱۱۳۴۷۴ - دورنگار: ۳۲۹۳۴۴۸۳ (۰۲۵)

رایانامه: [marifat@qabas.net](mailto:marifat@qabas.net) اینترنت: [www.nashriyat.ir](http://www.nashriyat.ir) وبگاه: [nashriyat.ir/SendArticle](http://nashriyat.ir/SendArticle)

## راهنمای تهیه و تنظیم مقالات

### الف) شرایط عمومی

۱. مقالات ارسالی باید برخوردار از صیغه تحقیقی - تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، و مستند و مستدل بوده با قلمی روان و رسا به زبان فارسی نگارش یافته باشند.
۲. مقالات ارسالی را از طریق وبگاه نشریه (<http://nashriyat.ir/SendArticle>) ارسال نمایید. انتقادات و پیشنهادات را به نشانی [marifat@qabas.net](mailto:marifat@qabas.net) ارسال نمایید.
۳. حجم مقالات حداکثر در ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) تنظیم شود. از ارسال مقالات دنباله‌دار جداً اجتناب نمایید.
۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی، نشانی صندوق الکترونیکی، شماره تلفن تماس، شماره دورنگار، مؤسسه علمی وابسته، همراه مقاله ارسال شود.
۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی و یا به عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند. و نیز همزمان برای چاپ به سایر مجلات علمی ارسال نشده باشند.
۶. از ارسال مقالات ترجمه شده خوداری نمایید. نقد مقالات علمی و یا آثار و کتاب‌های منتشر شده، که حاوی موضوعات بدیع یا نکات علمی ویژه، که با مقتضیات و نیاز جامعه علمی تناسب داشته باشد، امکان چاپ دارند. البته، چاپ مقالات پژوهشی و تألیفی بر این‌گونه مقالات اولویت خواهد داشت.

### ب) نحوه تنظیم مقالات

- مقالات ارسالی باید از ساختار علمی برخوردار باشند؛ یعنی دارای عنوان مشخصات نویسنده، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.
۱. **چکیده:** چکیده فارسی مقاله (به همراه چکیده انگلیسی) ۱۵۰-۱۷۰ کلمه تنظیم گردد و به اختصار شامل: بیان مسئله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و اجمالی از یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آنها، ذکر ادله، ارجاع به مأخذ و بیان شعاری خودداری گردد.
  ۲. **کلیدواژه‌ها:** شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوی که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
  ۳. **مقدمه:** در مقدمه مقاله، تعریف مسئله، ضرورت و اهمیت پژوهش، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله تعریف گردد.
  ۴. **بدنه اصلی:** در سامان‌دهی بدنه اصلی مقاله لازم است:
    - الف. ماهیت، ابعاد و زوایای مسئله خوب توصیف و تحلیل شود.
    - ب. پیشینه تحقیق و جنبه نوآوری در مقاله مشخص شود.
    - ج. آراء و دیدگاه‌ها، به همراه ادله آنها به طور مستند بیان، تجزیه و تحلیل گردد.
    - د. نظریات رقیب، به طور مستدل نقد و ارزیابی شود.
    - ه. نظریه مقبول ابداع یا اختیار و سپس، تبیین و توجیه کافی از آن به عمل آید.
    - و. نتایج و کاربردهای پژوهش مشخص شود.
  ۵. **نتیجه‌گیری:** نتیجه بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است. از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.
  ۶. **فهرست منابع:** اطلاعات کتاب‌شناختی کامل منابع و مأخذ تحقیق (اعم از فارسی، عربی، و لاتین) در انتهای مقاله بر اساس شیوه زیر آورده می‌شود:

نام و نام خانوادگی نویسنده، (سال نشر)، نام کتاب، مترجم / محقق، شماره چاپ، محل نشر، ناشر.  
نام و نام خانوادگی نویسنده، «عنوان مقاله»، (ماه و سال نشر)، نام نشریه، شماره نشریه، صفحات ابتدا و انتهای مقاله.

### ج) یادآوری

۱. حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات برای مجله محفوظ است.
۲. مجله حداکثر پس از دو ماه از دریافت مقاله، نتیجه پذیرش یا عدم پذیرش را به نویسنده اطلاع خواهد داد.
۳. حق چاپ مقاله پس از پذیرش برای مجله محفوظ و امکان نقل مطالب در جای دیگر با ذکر نشانی نشریه بلامانع است.
۴. مطالب مقالات مبین آراء نویسندگان آنهاست و مسئولیت آن نیز بر عهده آنهاست.
۵. مقالات دریافتی، نرم‌افزارها، و... در صورت تأیید یا عدم تأیید بازگردانده نمی‌شود.

---

## در این شماره می‌خوانید

---

سخن آغازین (۴)

نجوای توسل جویندگان به معبود (۲): توسل از منظر پیشوایان معصوم علیهم‌السلام (۵)

آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح

## ویژه تغییرات جمعیتی

ویژگی‌های سیاست‌گذاری مطلوب جمعیت در ایران (۱۱)

اسماعیل نوده فراهانی - عباس مقامی - مهدیه کاظمی تکلیمی

بایسته‌های تغییر سیاست جمعیتی با تأکید بر نقش رسانه ملی (۲۵)

ابراهیم شفیعی سروستانی

تحدید نسل شیعه؛ تهدید جامعه ایران (علل کاهش جمعیت و پیامدهای آن) (۴۵)

زهرا سوختانلو - اعظم رحمت‌آبادی

چالش‌های روش‌شناختی و معرفتی در پژوهش‌های موجود جمعیتی (۵۹)

فروغ‌الصباح شجاع نوری - فرزانه شکری

جستاری در دیدگاه‌ها؛ فرصت‌ها و چالش‌های جمعیتی بر روی شهرها با تأکید بر توسعه پایدار شهری (۷۳)

یونس شاکری

بررسی عوامل مؤثر بر باروری با تکیه بر رویکردی چندسطحی (۸۹)

محمد شیری - طه نوراللهی - الهام رستمی

سکولاریزاسیون خانواده و تأثیر آن در کاهش جمعیت (۱۰۱)

سیدحامد عنوانی

بررسی آثار و پیامدهای رشد سریع جمعیت بر «مضیقه ازدواج» و مجرد دختران (تحلیلی بر مجرد قطعی

دختران به مثابه یک مسئله اجتماعی؛ چالش‌ها و راهکارها) (۱۱۷)

محمد رضا حسنی

المحتویات (۱۳۱)

ABSTRACTS: Trans. Language Department of IKI (136)

## سخن آغازین

یک جامعه بالنده و پیشرو با نیروی انسانی جوان و با نشاط خود محک می‌خورد. از این رو، لازم است متناسب با ظرفیت‌ها و نیازها، مسئله تغییرات جمعیتی با حساسیت بررسی، و برنامه تکثیر تولید نسل‌های آینده بر اساس آن به گونه‌ای تنظیم شود که همواره سطح مورد نیاز نیروی جوان و کارآمد در آن حفظ شود و ارتقا یابد. بی‌شک این موضوع یکی از مسائلی است که ابعاد مختلف اجتماعی، بهداشتی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و... و برنامه‌ریزی مناسب در این ابعاد را دربرمی‌گیرد. به همین دلیل، پرداختن به آثار تغییرات جمعیت نیز باید از منظرهای گوناگون باشد تا به نتیجه مطلوب برسد. از این رو، پس از تأکیدهای مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمین رحمته‌الله به منزله یک مرکز تخصصی علوم انسانی اسلامی بر آن شد تا با همکاری مراکز مرتبط با این موضوع، همایش ملی «تغییرات جمعیتی و نقش آنها در تحولات مختلف جامعه» را در دستور کار خود قرار دهد تا با بهره‌گیری از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مراکز و کارشناسان مسئولان فرهنگی و اجرایی کشور را در نیل به اهداف والای جمهوری اسلامی ایران در این زمینه یاری رساند. پس از تهیه و ارسال فراخوان محورهای همایش، مقالات زیادی به دبیرخانه همایش ارسال شد که پس از ارزیابی، تعدادی از آنها به عنوان مقالات برتر انتخاب شدند. آنچه پیش روی شماست، مجموعه‌ای از این مقالات است که در قالب ویژه‌نامه «تغییرات جمعیتی» در ماهنامه علمی - ترویجی «معرفت» به زیور طبع آراسته شده است.

امیدواریم این مجموعه بتواند ما را در تحقق اهداف و چشم‌انداز نظام جمهوری اسلامی ایران یاری رساند.

دبیر علمی همایش - محمدناصر سقایی‌بی‌ریا

## نجوای توسل جویندگان به معبود (۲)\*

توسل از منظر پیشوایان معصوم علیهم السلام

آیت الله علامه محمدتقی مصباح

### چکیده

این مقاله شرح و تفسیری است بر کلام امام سجاد علیه السلام، که به بحث از توسل و تقرب به خدای سبحان می پردازد. انسان از آن جهت که دارای فقر ذاتی است، هیچ چیز از آن خود برای عرضه و تقرب به خدای سبحان ندارد. ایمان هم چیزی است که خدای سبحان به او بخشیده است. انسان به دلیل این فقر ذاتی، نمی تواند وسیله ای به سوی خدا عرضه کند و به آن وسیله تقرب جوید؛ چون واسطه باید عرضه شدنی باد و خدای سبحان غنی مطلق است.

امام سجاد علیه السلام می فرمایند: «ما دو وسیله برای توسل و تقرب به خدای سبحان داریم: عواطف و رحمت و شجاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله» تنها ابزار نیل به قرب الهی، شفاعت معصومان علیهم السلام است.

کلیدواژه ها: توسل، شفاعت، رحمت الهی، معصومان علیهم السلام.

خداوند دارای منزلتی والا هستند و خدا، آنها را آفریده و چنان مقام و منزلتی به ایشان بخشیده و خود به آنان مقام شفاعت عنایت کرده است و با این مقام، آنها مظهری از رحمت الهی گردیده‌اند. درواقع این وسیله و واسطه را خداوند برای تقرب ما به خودش قرار داده است. بی‌تردید ما چیزی از خودمان نداریم که بخواهیم آن را وسیله تقرب به خدا قرار دهیم و آن چیز عرضه شدنی در پیشگاه خداوند نیز باشد. اگر ما ایمانمان را وسیله قرار دهیم و از خداوند بخواهیم به وسیله آن ما را بیامرزد، خداوند خواهد فرمود که این ایمان را من به تو عنایت کردم. اگر بخواهیم عباداتمان را وسیله قرار دهیم، آنها نیز با توفیق الهی انجام گرفته‌اند و از مصادیق عواطف رحمت او هستند. آنچه ما از خود داریم، فقر و ناداری است و اساساً فقر، ویژگی ذاتی همه مخلوقات است و آنها عین فقر هستند؛ خداوند نیز فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ (فاطر: ۱۵)؛ ای مردم، شما باید نیازمندان به خدا، و خداست بی‌نیاز و ستوده.

پس ما آنچه از خود داریم فقر است و این فقر نمی‌تواند وسیله ما به سوی خدا باشد، چون وسیله و واسطه باید عرضه شدنی در پیشگاه خداوند باشد و به اصطلاح به او برسد که به‌پاس آن خداوند، رحمتش را نازل کند و عذابش را از ما بردارد. اما این فقر هیچ‌گاه از ما جدا نمی‌شود و محال است که به خداوند برسد، چون او غنی مطلق است و ساحتش مبرا از فقر و عدم است. ازاین‌رو، امام حسین علیه السلام در تعبیر لطیفی که از آن حضرت نقل کردیم، می‌فرمایند: من آنچه از خود دارم، فقر است و آن را وسیله توسل به تو قرار می‌دهم، اما محال است که

با توجه به اینکه امشب، شب عرفه و ازجمله شب‌های با عظمت است که در آن و نیز در روز عرفه بیش از سایر ایام عواطف و بارقه‌های رحمت الهی وزیدن می‌گیرد، جا دارد که اشاره‌ای داشته باشیم به پاره‌ای از دعاهایی که به مناسبت روز عرفه وارد شده و در آن به مسئله توسل پرداخته شده است. ازجمله دعاهایی که برای روز عرفه وارد شده، دعای عرفه امام حسین علیه السلام است که ایشان، آن را در روز عرفه و در صحرای عرفات ایراد فرموده‌اند و از غرر ادعیه به‌شمار می‌آید. اگر ما از بین ادعیه‌ای که از اهل بیت علیهم السلام وارد شده، پنج دعا را بهترین دعاها بدانیم، بی‌شک دعای عرفه یکی از آنها خواهد بود. این دعا دارای مضامین و مفاهیمی بسیار متعالی است و جا دارد که با تدبر و تفکر و آمادگی روحی کافی خوانده شود و از مضامین آن بهره کافی برده شود. در این دعا، نکته‌ها و مطالبی وجود دارد که در سایر دعاها کمتر به آنها اشاره شده است. یکی از تعبیر لطیف و عالی که مربوط به مسئله توسل نیز هست و در دعاهای دیگر با این صراحت ذکر نشده، عبارتی است که حضرت در آن می‌فرمایند: «هَا أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ، وَكَيْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ»؛ آری، من به درگاهت به فقر و بیچارگی‌ام متوسل می‌شوم و چگونه فقر که راهی به ساحت قدس تو ندارد، وسیله من تواند بود؟

اگر انسان بخواهد بین خود و دیگری، کسی یا چیزی را وسیله یا واسطه قرار دهد، باید آن واسطه برای کسی که نزد او وساطت و شفاعت می‌شود، ارزش داشته باشد. ما اگر معتقدیم که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن حضرت برای ما نزد خداوند شفاعت می‌کنند، از آن‌روست که آنان نزد

این فقر به ساحت تو راه یابد؛ یعنی خدایا، من از خود چیزی ندارم که آن را واسطه و وسیله جلب عنایت و رحمت قرار دهم و هرچه دارم از توسل و آنچه را تو خود به من عنایت کرده‌ای، وسیله و واسطه خود و تو قرار می‌دهم.

دعای امام زین‌العابدین علیه السلام در روز عرفه نیز از غرر ادعیه به‌شمار می‌آید و دارای چنان مضامین عالی و عظمتی است که انسان را مبهوت می‌سازد و آن تعابیر زیبا همراه با ترتیب و نظم خاص تنها از امام معصوم قابل انشاست. جا دارد که صبح روز عرفه، دعای عرفه امام سجاده علیه السلام را بخوانیم و عصر عرفه، دعای عرفه امام حسین علیه السلام را؛ باشد که از معارف ناب و عرفان الهی نهفته در معارف اهل بیت علیهم السلام بیشتر بهره‌مند شویم و دلمان را با نورانیت این دعاها نورانی و مصفا گردانیم. در یکی از بخش‌های آن دعا، حضرت می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ وَجَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ وَحَذَرْتَ مَعْصِيَتَهُ وَأَمَرْتَ بِامْتِنَالِ أَوَامِرِهِ وَالْإِتِّهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ وَأَلَّا يَتَقَدَّمَ مُتَقَدِّمٌ وَلَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ فَهُوَ عِصْمَةُ اللَّائِذِينَ وَكَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَعُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ وَبَهَاءُ الْعَالَمِينَ» (صحیفه سجاده، دعای عرفه)؛ بار خدایا، تو دین خود [اسلام] را در هر زمان و روزگاری به وسیله امام و پیشوایی [یکی از معصومین] که او را برای [گمراهان] بندگان علامت [راه‌نما] و در شهرهای نشانه [راه حق] برپا داشته‌ای، تأیید و کمک کرده‌ای پس از آنکه دوستی آن امام را به پیمان [دوستی] خود پیوستی و او را سبب خشنودی [افاضه رحمت] خویش گرداندی. طاعت و فرمان‌بری از او را واجب کرده و از فرمان

نبردن از او برحذر داشته‌ای و به فرمان‌بری از فرمان‌هایش و بازایستادن از نهی و بازداشتن و به اینکه کسی از او پیشی نگیرد [جز به پیروی از فرمان او از پیش خود کاری نکند] و از او واپس نماند [خلاف فرمانش قدمی برندارد] فرمان داده‌ای. پس اوست نگه‌دار پناه‌جویان به خود و پناه اهل ایمان [در رهایی از تاریکی‌های نادانی و شبهات] و دستاویز چنگ‌زنندگان [به او] و جمال و نیکویی جهانیان.

در فراز مزبور، حضرت ارتباط و اتصال خاص امام معصوم به خداوند را بیان می‌کنند و از جمله می‌فرمایند: «وَجَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ». در پایان فراز اول مناجات متوسلین نیز حضرت درباره دو وسیله شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و عوطف رأفت و رحمت الهی فرمودند: «اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهُمَا لِي سَبَبًا إِلَى نَيْلِ غُفْرَانِكَ وَصَيْرُهُمَا لِي وَضْلَةً إِلَى الْفَوْزِ بِرِضْوَانِكَ»؛ خدایا، تو آن دو را برای من وسیله آمرزش و سبب وصول به مقام سعادت و بهشت رضوانت قرار ده. امام همچنین، برخی از ویژگی‌های امام معصوم همچون ضرورت اطاعت مردم از وی، انجام فرامین او، بازایستادن از نهی و عدم تقدم بر او را برمی‌شمارند. درسی که ما از این دعای امام سجاده علیه السلام می‌گیریم این است که همواره باید توجهات، دعاها و توسلاتمان، معطوف به اولیای خدا باشد و به یاد داشته باشیم که همواره وسیله حقیقی‌ای که ما را به خداوند متصل می‌کند، امام معصوم است و توسل و شفیع قرار دادن او ما را به سعادت می‌رساند. همچنین از دعای آن حضرت برمی‌آید که انسان در هر زمان و هر عصری باید در درجه اول به امام همان عصر و زمان توسل جوید. در برخی از روایات اشاراتی شده است به اینکه وقتی

کسانی در زمان یکی از ائمه اطهار علیهم السلام به امام دیگری توسل جسته‌اند، آنان را به امام همان عصر و زمان حواله داده‌اند. این مطلب گویای این است که در هر زمان توسل و توجه به امام همان زمان اهمیت خاصی دارد. ما به هرکس توسل می‌جوئیم، نباید فراموش کنیم که واسطه فیض الهی امام زمان علیه السلام است و به واسطه آن حضرت است که برکات الهی به سویمان سرازیر می‌شود و از رحمت الهی بهره‌مند می‌شویم. پس نباید در دعاهايمان، توسل به آن حضرت را فراموش کنیم.

#### امید به لطف و کرم الهی و درخواست فرجام نیک و منزلگاه بهشت

«وَقَدْ خَلَّ رَجَائِي بِحَرَمِ كَرَمِكَ وَحَطَّ طَمَعِي بِفَنَاءِ جُودِكَ، فَحَقَّقْتُ فِيكَ أَمَلِي، وَاخْتِمَ بِالْخَيْرِ عَمَلِي، وَاجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَتِكَ الَّذِينَ أَخْلَلْتَهُمْ بِحُبُوحَةِ جَنَّتِكَ، وَبَوَّأْتَهُمْ دَارَ كَرَامَتِكَ، وَأَفْرَزْتَ أَعْيُنَهُمْ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ يَوْمَ لِقَائِكَ، وَأَوْرَثْتَهُمْ مَنَازِلَ الصَّدَقِ فِي جَوَارِكَ»؛ امیدم به حریم کرمت بسته شده و طمعم در آستان جود و احسانت فرود آمده است. پس تو ای خدا، امید و آرزویم به لطف و کرمت را برآور و کارم را ختم به خیر گردان و مرا در زمره بندگان خاص و برگزیده‌ات قرار ده؛ آنان که در بهشت خود درآوردی و در منزل کرامت و عزت جایگاه بخشیدی و دیده‌هایشان را به مشاهده حسن و جمالت در روز ملاقات روشن کردی و وارث منزل‌های صدق و درستی در جوار خود گردانیدی.

حضرت پس از آنکه فرمودند خدایا من دو وسیله برای توسل و تقرب به تو دارم که عبارت‌اند از: عواطف رحمت و شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله، می‌فرمایند: امید من در حریم لطف و کرم تو فرود آمده است؛

یعنی من از خود چیزی ندارم و چشمم فقط به لطف و کرم تو دوخته شده است. عواطف رحمت و شفاعت نیز ناشی از لطف و کرم تو و جلوه‌های آن هستند. کسی باورمندانه و از صمیم دل چنین می‌گوید که هیچ امیدی به جز به کرم و لطف خداوند نداشته باشد و اعمال، توسلات، مناجات‌ها، فعالیت‌های علمی و اجتماعی، او را امیدوار نسازند؛ چون معلوم نیست این امور پذیرفته شوند و باعث نجات انسان گردند. تنها در پرتو لطف و کرم الهی گرفتاری‌هایمان برطرف، و گناهانمان بخشوده می‌شود و با لطف و کرم اوست که حوائج و نیازهای ما برآورده می‌گردد. بی‌تردید چنین دعایی که برخاسته از فقر ذاتی و به هیچ انگاشتن داشته‌های خود و توجه محض به کرم و لطف الهی است، به اجابت می‌رسد.

حضرت از خداوند می‌خواهند فرجام و عاقبتشان را به خیر و هدایت ختم کند: «واختم بالخير عملي»؛ یعنی پس از آنکه با لطف و کرمت توفیق توسل و مناجات یافتم و اعمال خیر انجام دادم، عنایتی کن که با اعمال شر و گناه، آنها را تباه نسازم. بزرگ‌ترین آفت برای مؤمن این است که مدتی به عبادت خداوند و انجام کار خیر مبادرت ورزد و در پایان، گناهی از او سرزند و همه آنها را تباه کند. از آموزه‌های اعتقادی ما که در قرآن نیز بدان تصریح شده و در کتاب‌های کلامی مورد بررسی قرار گرفته، این است که گاهی انسان گناهی انجام می‌دهد که خشم خداوند را برمی‌انگیزد و باعث حبط و نابودی اعمال خیر انسان می‌شود. برعکس، گاهی او مدتی به گناه و انجام کارهای زشت می‌پردازد و آنگاه کار نیکی انجام می‌دهد و آن اعمال زشت تکفیر و جبران می‌شوند و از پرونده‌اش محو می‌گردند. ازجمله



### دست نیاز به سوی پناه بی پناهان و یار بی کسان

«یا مَنْ لَا يَفِدُ الْوَافِدُونَ عَلَى أَكْرَمِ مِنْهُ، وَلَا يَجِدُ الْقاصِدُونَ أَرْحَمَ مِنْهُ، يَا خَيْرَ مَنْ خَلَا بِهِ وَجِيدٌ، وَيَا أَعْظَمَ مَنْ أَوَى إِلَيْهِ طَرِيدٌ إِلَى سَعَةِ عَفْوِكَ مَذْدُتُ يَدِي، وَبَذِيلُ كَرَمِكَ أَعْلَقْتُ كَفِّي، فَلَا تُؤْلِنِي الْجِزْمَانَ وَلَا تُبْلِنِي بِالْخَبِيَةِ وَالْخُسْرَانِ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»؛ ای خدایی که هیچ کس بر کریم تر از تو وارد نمی شود و حاجتمندان مهربان تر و بارحمت تر از تو نیافته اند. ای بهترین کسی که بی کسان در خلوت عنایت راه یافتند و مهربان ترینی که گریخته و طرد شده از سوی دیگران به تو پناه گرفته است. ای خدای من، به سوی وسعت مقام عفو دست دراز کرده ام و به ذیل کرم و احسانت چنگ زده ام. پس ای خدا، مرا محروم از خویش بر مگردان و به ناامیدی و خسران مبتلا نساز، ای شنوای دعای خلق و ای مهربان ترین مهربانان.

در این فراز پایانی مناجات، حضرت خداوند را این گونه توصیف می کنند که وارد شوندگان و مهمانان بر کریم تر و بزرگوarter از او وارد نمی شوند و او معدن کرم و بزرگواری است. همچنین جویندگان و درخواست کنندگان رحمت و عنایت، رحیم تر و مهربان تر از او نمی یابند و او دارای رحمت و خیر بی نهایت است و هر جوینده خیر و رحمتی باید دست به سوی او دراز کند. همچنین برای هر تنهای غریبی که خویشان و دوستان، او را از خویش رانده اند و کسی را ندارد که با او انس گیرد و جویای حالش شود، خداوند بهترین کسی است که می توان با او خلوت کرد و انس یافت و با او نجوا کرد و درد دل باز گفت. همچنین هرکس که از جایی رانده شده است و کسی نیست که به او پناه دهد، تنها خداست که پناهش می دهد و او تنها در مأمن آرامش بخش جوار الهی می آساید.

خداوند درباره حبط و نابود شدن اعمال خیر کافران می فرماید: «وَمَنْ يُوْتِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره: ۲۱۷)؛ و هر که از شما از دینش برگردد و کافر بمیرد، کارهایشان در این جهان و آن جهان تباه و نابود شود و همینان دوزخیان اند و در آن جاودانه اند.

همچنین خداوند درباره زدودن گناهان به وسیله تقوا می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (انفال: ۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر از خدا پروا داشته باشید برای شما مایه تمیز [میان حق و باطل] قرار می دهد و بدی هایتان را می زداید و شما را می آموزد، و خدا دارای بخشش بزرگ است.

حضرت همچنین از خداوند می خواهند ایشان را در زمره بندگان برگزیده و ممتازش قرار دهد که آنان را در وسط بهشت، که مرکز ثقل نعمت ها و خیرات الهی است، و در منزلگاه کرامت جای داده و از احترام و لطف خود بهره مندشان ساخته است؛ آنان که پیوسته چشمشان را با نگاه به جمال دلربای خویش روشن ساخته و وارثان منازل صدق در جوار خود قرارشان داده است. منازل صدق که در قرآن از آنها به «مقصد صدق» (قمر: ۵۴-۵۵) تعبیر می شود، جایگاه هایی در بهشت هستند که به راستی شایسته منزل گزیدن و قرار گرفتن مؤمن در آنها هستند و قرار و آرامش واقعی در آنها برای انسان حاصل می شود، چون در آن منزلگاه ها انسان در جوار خدا و در سایه مهر و محبت او قرار می گیرد.

آن‌گاه حضرت در بیانی لطیف می‌فرمایند: «إِلَى سَعَةِ عَفْوِكَ مَدَدْتُ يَدِي وَبِذِلِّ كَرَمِكَ أَغْلَقْتُ كَفِّي.»  
 بایسته است که ما مضامین این مناجات را در خود تمثیل و تحقق بخشیم، تا واقعیت آنچه حضرت می‌فرمایند برایمان ملموس و محسوس شود.  
 از جمله اگر ما دو جمله اخیر ایشان را در خود تمثیل بخشیم، حال کسی را خواهیم داشت که در بلندی و لبه پرتگاه قرار گرفته و در آستانه سقوط است و زیر پایش نیز انبوهی از آتش است که اگر در آن سقوط کند، نابود می‌شود. آن‌گاه از آن بلندی در آتش می‌افتد، اما در میانه راه دستگیره و وسیله‌ای می‌یابد و بدان چنگ می‌زند و خود را از نابودی حتمی می‌رهاند. حضرت می‌فرمایند: خدایا، من به عفو بی‌نهایت و کرم و بخشایش نامحدودت چنگ زدم؛ یعنی اگر عفو و بخشش و کرم تو نبود، گرفتار جهنم می‌شدم و راهی برای نجات از آن نداشتم. وقتی انسان در غفلت و ناآگاهی به سر برد، اعمال ناشایست، او را از خدا دور می‌سازند و فرجام آتش جهنم را برایش رقم می‌زنند. او با اعمال خود مسیر سقوط و انحطاطش را فراهم ساخته و برای خویش آتش سوزان جهنم را فراهم آورده است. او اگر بخواهد از آن آتش جهنم و نابودی حتمی رهایی یابد، راهی جز توسل و چنگ انداختن به بخشش و کرم الهی ندارد، چون در پرونده اعمال او کارهای شایسته‌ای یافت نمی‌شوند که امید داشته باشد باعث رهایی و نجات او گردند.

## ویژگی‌های سیاست‌گذاری مطلوب جمعیت در ایران

✍️ اسماعیل نوده فراهانی\*

\*\*عباس مقامی

\*\*\*مهدیه کاظمی تکلیمی

### چکیده

در این مقاله، دیدگاه‌های مطرح‌شده پیرامون «افزایش جمعیت» در قالب رویکردهای سه‌گانه «افزایش جمعیت به مثابه افزایش جویندگان رفاه»، «افزایش جمعیت به مثابه افزایش نیروی انسانی در خدمت توسعه» و «افزایش جمعیت به مثابه افزایش مسلمانان یا شیعیان» طبقه‌بندی شده است. سپس برای صورت‌بندی سیاست‌گذاری مطلوب جمعیت در ایران، از نوعی مطالعه تطبیقی - تاریخی بهره برده‌ایم. بنابراین، بررسی اجمالی برخی رویکردهای موجود در سیاست‌گذاری جمعیت، از جمله در انگلیس، هند، ترکیه، فلسطین اشغالی و لبنان و همچنین مروری تاریخی بر سیاست‌های جمعیتی پس از انقلاب اسلامی طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۴ و سرانجام، بررسی علل عدم توفیق رویکرد اصلاحی دولت نهم و دهم با عنایت به سایر سیاست‌های مؤثر بر مقوله جمعیت در ایران، از جمله سیاست‌های آموزش عالی، سیاست‌های کلان اقتصادی و... بخش‌های کلیدی این مقاله را تشکیل داده است.

یافته این پژوهش با تأکید بر سه گزاره تناقض‌آمیز ذیل برجسته شده است: ۱. جمعیت ایران باید افزایش یابد؛ ۲. جمعیت پایتخت باید کاهش یابد؛ ۳. سیاست تمرکززدایی توفیقی نداشته است.

**کلیدواژه‌ها:** سیاست‌گذاری جمعیت، رشد جمعیت، جمعیت ایران، دهه پیشرفت و عدالت.

## مقدمه

سیاست‌گذاری جمعیت یکی از انواع سیاست‌گذاری‌ها در جهان معاصر است که جمعیت را موضوع خود قرار داده و ضمن بررسی آن از جهات مختلف، تحولات جمعیت را در ارتباط با سایر موضوعات کلان یک جامعه، مورد بررسی قرار می‌دهد. علم جمعیت‌شناسی مبنای نظری سیاست‌گذاری جمعیتی به‌شمار می‌رود. عمده منابع، مالتوس را - که نظریاتش مربوط به دهه ۱۷۸۰م است - به‌عنوان یکی از پایه‌گذاران جمعیت‌شناسی و آغازگر شکل‌گیری پایه‌های اولیه سیاست‌گذاری جمعیت معرفی می‌کنند (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: شیخی، ۱۳۷۳، ص ۱۳؛ کتابی، ۱۳۷۷؛ ص ۲۹-۳۰). بالطبع، در بررسی جمعیت‌شناسی تاریخی ایران نیز دو دوره کلی را می‌توان از هم تفکیک کرد: دوره نخست، به سال‌های پیش از اولین سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال ۱۳۳۵ در کشور برمی‌گردد. ارقامی که برای جمعیت ایران و سایر شاخص‌های آن در قبل از این دوره گزارش شده است جنبه تخمینی دارد. دوره دوم، سال‌های بعد از سرشماری ۱۳۳۵ را دربر می‌گیرد (اسماعیلی و آل‌مولانا، ۱۳۸۹).

از این زمان به بعد همزمان با برگزاری سرشماری‌های جمعیتی با فاصله‌های منظم، به‌تدریج سیاست‌گذاری جمعیتی در ایران متناسب با سیاست‌های نهادهای بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد. بررسی جمعیت در برنامه‌ریزی‌ها و مطالعات کاربردی جمعیت در ایران از حدود سال ۱۳۴۴ که تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی آغاز شد و برای نخستین بار جمعیت به‌عنوان مهم‌ترین عامل در

برنامه‌ریزی تجلی یافت، آغاز شد (همان). سیاست‌گذاری جمعیت پس از انقلاب اسلامی نیز، مسیر پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است و از مخالفت با تنظیم خانواده و افزایش شدید موالید، تا اخذ مجوز تنظیم خانواده و کاهش شدید موالید، و در نهایت، ضرورت افزایش مجدد موالید را تجربه کرده است. علی‌رغم این تحولات، آنچه در طول سالیان گذشته مغفول مانده، استخراج ابعاد و زوایای سیاست‌گذاری کلان جمعیت و تلاش برای تدوین چارچوبی برای سیاست‌گذاری جمعیت در ایران است؛ امری که در سال‌های اخیر اهمیت و ضرورت آن در حال آشکار شدن است. بدین سبب، این مقاله در تلاش است تا با مروری تاریخی زمینه طرح سؤالات اساسی در این رابطه را فراهم نماید.

## طرح مسئله

مسئله جمعیت یکی از موضوعات موردنظر برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در هر جامعه‌ای به‌شمار می‌رود. این مسئله با توجه به اشارات اخیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، واکنش‌های بسیاری را برانگیخته است. واکنش‌های مذکور عمدتاً بر دو نوع هستند:

- تلاش نهادهای قانونگذار برای تنظیم و تصویب برنامه‌های اصلاحی. این برنامه‌ها مشتمل بر دو بخش است: سیاست‌های سلبی در جهت حذف برنامه‌های «کنترل جمعیت»، و سیاست‌های ایجابی - تشویقی در جهت تسهیل ازدواج و ترغیب فرزندآوری؛ با تأکید بر ابتدایی‌ترین مرحله یعنی تولد نوزاد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، جلسه ۷۱۲، ۱۳۹۱/۳/۲)؛

راهبردی مناسب نظیر منابع آبی و زمین‌های قابل کشت، افزایش جمعیت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل گسترش بازار و اشتغال‌زایی در کشورها، نقش جمعیت در بسیاری از عرصه‌ها نظیر علم و فناوری، ورزش و... تأکید دارند (رجانیوز، ۱۳۹۰/۵/۱۹).

تحقیقات صورت‌گرفته نیز نشان می‌دهند که رشد جمعیت به‌خودی‌خود اثرگذاری محدودی بر عملکرد اقتصادی جوامع داشته و بهره‌برداری بهینه از تحولات جمعیتی، در ارتباط مستقیم با سیاست‌های حاکم بر هر جامعه قرار دارد (سوری و کیهانی‌حکمت، ۱۳۸۴).

۳. اظهاراتی که افزایش جمعیت را به‌مثابه افزایش مسلمانان یا شیعیان می‌شناسند. این رویکرد، کمتر با اقتضائات جامعه پیشرفته یعنی اصالت توسعه و رفاه در ارتباط بوده و در چارچوب ارزش‌های اسلامی قابل ادراک و تحلیل است (ر.ک: حسینی طهرانی، ۱۳۷۳). روی دیگر این رویکرد، توجه به توطئه دشمن برای کاهش جمعیت مسلمانان است (کتابی، ۱۳۷۷، ص ۵۱-۵۲).

این رویکرد، تجلیل از «موفقیت‌آمیز بودن سیاست‌های تنظیم خانواده و کاهش شدید رشد جمعیت و نرخ باروری در ایران از طرف سازمان‌های بین‌المللی و معرفی ایران به‌عنوان یک الگو در بحث تنظیم خانواده برای کشورهای جهان سوم» را در کنار «مواجهه سازمان‌های بین‌المللی با پیشرفت‌های علمی و فناوری دیگر ایران نظیر حوزه هسته‌ای و...» قرار داده و سؤالاتی را که شاید بدبینانه ولی قابل تأمل هستند، مطرح می‌کند. این سؤالات با جملات دیگری تکمیل شده‌اند:

روند تغییرات جمعیت کشور به نفع ما نیست و

- بررسی و نفی و اثبات اصل موضوع؛ از طریق ارائه شواهد آماری، سناریوهای پیش‌بینی جمعیت و نقد و تحلیل سیاست‌های جمعیتی دهه‌های گذشته و... که عمدتاً در چارچوب اظهارنظرها گنجانده می‌شود. بررسی رویکردهای پیرامون افزایش جمعیت، نشان می‌دهد که کلیه این اظهارات در سه دسته قابل تقسیم می‌باشند:

۱. اظهاراتی که افزایش جمعیت را به‌مثابه افزایش جویندگان رفاه (اشتغال، مسکن، تحصیلات و... در سطوح آرمانی) می‌دانند. در این رویکرد، منابع محدود و تقاضای نامحدود، کاهش رفاه را به دنبال خواهد داشت (شیخی، ۱۳۷۳، ص ۴۹).

البته نگرش دیگری نیز وجود دارد که اصل ازدواج و به‌تبع، فرزندآوری را خلاف رفاه، آزادی و لذت فردی می‌داند. این نگرش، اگرچه در ایران در مقایسه با بسیاری از جوامع محدودتر است (رجانیوز، ۱۳۹۱/۸/۲)، اما در میان افراد وجود داشته و به صورت محدود در تحلیل‌ها نیز به چشم می‌خورد (شیخی، ۱۳۷۳، ص ۹۲).

۲. اظهاراتی که افزایش جمعیت را به‌مثابه افزایش نیروی انسانی در خدمت توسعه - اعم از نیروی کار یا مصرف‌کننده - می‌انگارند. در این رویکرد، افزایش نیروی کار به کاهش دستمزد و سهولت تولید منجر می‌شود و افزایش مصرف‌کننده، به توسعه بازار منتهی خواهد شد و از این جهت، شکوفایی اقتصادی را رقم خواهد زد (کتابی، ۱۳۷۷، ص ۶۲-۶۳).

موافقان این رویکرد بر عواملی نظیر: ظرفیت بالای اقلیمی کشور پهناور ایران در مقایسه با سایر کشورها، تراکم جمعیتی و زیستی پایین ایران نسبت به اکثر کشورهای منطقه و جهان، ظرفیت‌های

چشم‌انداز پیش‌روی خود می‌داند، اما این قدرت و تأثیرگذاری را به صرف گسترش کمی جمعیت شیعیان و ایجاد وحدت مسلمانان، محدود نساخته است.

منظومه فوق، سازنده اجرای سیاست «کنترل جمعیت» در دهه ۱۳۷۰ و عذرخواهی رهبری از کوتاهی در تغییر آن در دهه ۱۳۸۰ و تأکید معظم‌له بر رفع آن در دهه ۱۳۹۰ می‌باشد (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۵/۳؛ ۱۳۹۰/۵/۱۶؛ ۱۳۹۱/۷/۱۹؛ ۱۳۹۱/۷/۲۳). این مسئله بخصوص در دهه ۱۳۹۰ یعنی دهه «پیشرفت و عدالت» اهمیت خاصی دارد و این پیام را می‌دهد که همه باید در جهت بازنگری در سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی که تداوم سیاست‌های غلط پهلوی یا تحمیل‌های شبه‌علمی نهادهای بین‌المللی و یا خلاف مصالح پیشرفت و عدالت - در بلندمدت - بوده است، گام بردارند.

### برخی رویکردهای موجود در سیاست‌گذاری افزایش جمعیت

نکته اساسی درباره اظهارنظرهای برشمرده در بخش‌های قبلی نسبت به جمعیت، تأکید آنها بر اصل افزایش یا عدم افزایش است و این اظهارنظرها عملاً از مذاقه در مراحل بعدی یعنی کم و کیف افزایش جمعیت و آینده‌اندیشی پیرامون آن اجتناب کرده‌اند. به‌طور کلی، جمعیت را می‌توان با سه مؤلفه مورد بررسی قرار داد: کمیت، کیفیت، آمایش. به لحاظ کمی، جمعیت از طریق شاخص‌هایی نظیر نرخ رشد، نرخ باروری، مطلق جمعیت، نسبت گروه‌های سنی مختلف و... مورد بررسی قرار می‌گیرد (تاجداری، ۱۳۶۸، ص ۱۸).

به لحاظ کیفی نیز، جمعیت از طریق شاخص‌هایی

در کمتر از سه دهه، جمهوری اسلامی ایران به کشوری شدیداً سالخورده تبدیل خواهد شد و این یعنی کاهش نشاط و نوآوری در جامعه و افزایش فشارهای اقتصادی و اجتماعی برای رفع دغدغه خیل عظیم سال‌خوردگان، و این همان چیزی است که غربی‌ها می‌خواهند؛ افزایش مشکلات کشور و فروپاشی از درون.

در این میان، رویکرد انقلاب اسلامی که در خلال مباحثات ارزش‌های اسلام ناب، شرایط جهان امروز و محدودیت‌های ساختار اداری موجود در قالب نظام جمهوری اسلامی ایران عینیت یافته است به همه دیدگاه‌های موجود از منظری عالمانه نظر داشته و طرح کلان خود را پیگیری می‌نماید. از همین‌روست که اجرای سیاست «تنظیم خانواده» در دهه‌ای و رفع آن در دهه‌ای دیگر در دستور کار آن قرار گرفته است.

انقلاب اسلامی اگرچه با آسایش و برخورداری، همراهی و موافقت دارد، اما اولویت اصلی خود را مقوله «رفاه» نمی‌داند و اراده خدای تعالی و اتکا به او را در همه امور از جمله در تحقق آسایش و برخورداری، بر برنامه‌ها و اراده بشری مقدم می‌شمارد. همچنین، انقلاب اسلامی پیشرفت همه‌جانبه با محوریت ارزش‌های اسلامی و در جهت سعادت و تعالی انسان را سرلوحه خود قرار داده است، اما به هیچ‌روی، توسعه مادی بخصوص با الگوهای غربی را غایت حرکت خود نمی‌داند (آوینی، ۱۳۸۶، ص ۴۹-۵۷). درنهایت، اگرچه انقلاب اسلامی تأکید بر گسترش قدرت و اثرگذاری اسلام ناب در جهان معاصر و زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی (عج) را - در پرتو اتصال به قدرت لایزال الهی -

- مستعمره‌سازی برخی ممالک (نظیر هندوستان)؛

- تصرف سرزمین‌های کم‌جمعیت و بدون پیشینه تاریخی غنی و ایجاد دولت‌های وابسته (نظیر استرالای امروز)؛

- تبدیل ممالک تصرف‌شده از طریق تغییر نسبت‌های جمعیتی به دولت‌های قدرتمند وابسته آن‌گلو ساکسونی برای پیشبرد منافع بین‌المللی (نظیر کانادای امروز)؛

- ایجاد دولت‌های کوچک وابسته برای کسب سطحی از آراء ثابت در نشست‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی (نظیر جزایر سلیمان)؛

- گسترش نفوذ زبان انگلیسی به عنوان زبان علم و ارتباطات بین‌المللی؛

- گسترش سبک زندگی آمریکایی در جهان و...  
جالب آنکه نظرات توماس رابرت مالتوس، به عنوان یکی از مخالفان گسترش جمعیت، مصادف با همین دوره تاریخی است (شیخی، ۱۳۷۳، ص ۹۳-۹۴). همچنین، کشورهای آمریکا، کانادا، استرالیا و نیوزیلند از مهم‌ترین کشورهای تصرف‌شده انگلیسی‌ها در دوره موردنظر می‌باشند (زلینسکی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۹-۱۷۰).

ساختار حکومت در این کشورها - بجز آمریکا - به نحوی است که پادشاه یا ملکه بریتانیا، مشروعیت‌بخش دولت مستقر بوده و فرماندار کل به عنوان نماینده ملکه الیزابت در اداره کشور ایفای نقش می‌کند. گفته می‌شود امروزه این نقش، به حالت تشریفاتی درآمده؛ اما آنچه مسلم است، این کشورها در طول جنگ‌های جهانی به طرفداری از انگلستان وارد جنگ شدند و در تمامی تهاجمات نظامی

مورد قضاوت قرار می‌گیرد. این شاخص‌ها در جوامع مختلف تا حدی متفاوت است. برای مثال، ممکن است در جامعه‌ای میزان دارایی، تحصیلات و... نسبت به مواردی نظیر باورها و عقاید، سلامت روان و شخصیت، جسم و تن اولویت بیشتری داشته باشد (همان).

همچنین از منظر آمایشی، جمعیت از طریق شاخص‌هایی نظیر پراکنش جغرافیایی، نسبت‌های شهرنشینی، روستائینشی، کوچ‌نشینی، مرزن‌نشینی، مذاهب، اقوام، مشاغل و... موردنظر قرار می‌گیرد.

هنگامی که هریک از شاخص‌های فوق، رضایت‌بخش نبوده و یا نیازمند بازنگری و اصلاح به شمار آیند، تلاش برای تغییر شاخص‌های موردنظر در دستور کار برنامه‌ریزان قرار خواهد گرفت.

علاوه بر رویکردهای سه‌گانه فوق، رویکردهای دیگری نیز در جهت برنامه‌ریزی‌های جمعیتی وجود دارد. برخی از این رویکردها به شرح ذیل می‌باشد:

۱. یکی از قدیمی‌ترین سیاست‌های گسترش جمعیت در جهان مدرن، تلاش برای سرازیر کردن مازاد جمعیت به سایر کشورها و مناطق جهان در قرون ۱۸ و ۱۹ بود که توسط دولت‌های استعمارگر انجام می‌گرفت. دولت انگلستان به وسیله این سیاست، سلطه نظامی و پرهزینه خود بر جهان را به سلطه باثباتی تبدیل کرد. به عبارت دیگر، آن‌گلو ساکسون‌ها با سرازیر کردن مازاد جمعیت به سایر سرزمین‌ها به اهدافی دست یافتند که بخشی از آنها به شرح ذیل است:

- استثمار ممالک دیگر (نظیر کشورهای آفریقایی)؛

- فرستادن مستشاران نظامی، اقتصادی، فرهنگی به سایر ممالک (نظیر ایران عصر پهلوی)؛

آمریکا به کشورهای مختلف نظیر افغانستان، عراق، لیبی و... حضور داشتند.

۲. برخی از جوامع که سعی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی با مزیت نیروی انسانی ارزان داشته‌اند، از ازدیاد نسل با هدف ایجاد کارگر ارزان بهره برده‌اند. کشور هند در سال‌های اخیر با این رویکرد، سیاست مدیریت گسترش جمعیت را در دستور کار قرار داده و به سرعت مرز یک میلیارد نفر جمعیت را پشت سر گذاشته است (ر.ک: سایت خبری تابناک، ۱۳۹۰/۱/۱۲). چنین رویکردی مستلزم تربیت نیروی انسانی کم‌توقع، پرکار، دارای مهارت‌های فنی بالا، تحصیلات دانشگاهی محدود، خاضع در برابر سرمایه و سرمایه‌دار و... می‌باشد.

۳. برخی دیگر از جوامع با هدف استفاده از معضلات جمعیتی کشورهای صنعتی اقدام به ازدیاد نسل کرده‌اند. ازدیاد نسل به‌منظور پر کردن کمبود نیروی انسانی در کشورهای صنعتی، از سیاست‌های جمعیتی کشورهایی نظیر ترکیه به‌شمار می‌رود (سایت همشهری آنلاین، ۱۳۹۰/۱/۱۴). این کشور از طریق فرستادن مهاجران به کشوری نظیر آلمان، عملاً اقلیت قومی ترک را تبدیل به یکی از مهم‌ترین گروه‌های مهاجر در کشور آلمان کرده است (سایت شیعه آنلاین، ۱۳۸۹/۸/۱۷). چنین رویکردی مستلزم تربیت نیروی انسانی آشنا به مهارت‌های موردنیاز جامعه مهاجرپذیر، آشنایی به زبان جامعه مقصد، حفظ زبان مادری در جامعه مقصد، احترام به ارزش‌های جامعه مقصد، پایبندی نسبی به ارزش‌ها و پوستانه‌های جامعه مبدأ و... می‌باشد (فرید، ۱۳۸۳، ص ۳۲۸).

۴. بعضی از جوامع نیز با هدف حفظ نسبت‌های

جمعیتی و یا تغییر آنها اقدام به ازدیاد نسل کرده‌اند. گسترش جمعیت فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی و تلاش صهیونیست‌ها برای تغییر نسبت جمعیتی به نفع خود، از مصادیق چنین رویکردی است. زندگی توأم با قناعت، مبارزه و سخت‌کوشی برای فلسطینیان و وعده رفاه، تسهیل مهاجرپذیری و ممانعت از خروج جمعیت از الزامات چنین رویکردی برای صهیونیست‌ها به‌شمار می‌رود (سایت مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین).

۵. در برخی از جوامع، اقلیت‌های مذهبی، قومی و... با هدف تأثیرگذاری در جریان‌ات قدرت، اقدام به افزایش مولید می‌نمایند. کشور لبنان دارای چنین الگویی است. این مسئله در سایر کشورهای اسلامی که در آنها تنوع مذهبی، قومی، زبانی و... وجود دارد نیز به چشم می‌خورد. بدین ترتیب، گروه‌های تندرو وهایی دارای رشد جمعیتی بالا بوده و درگیر نوعی آمایش عقیدتی می‌باشند (شیعه‌نیوز). گروه‌های سکولار و غرب‌زده نیز عمدتاً دارای رشد جمعیتی پایین و رفاه‌طلب بوده و درصدد تولید نیروهای انسانی تحصیل‌کرده و دارای مصرف فرهنگی مدرن برای اشغال مناصب و سطوح بالای سیاسی - اجتماعی هستند.

۶. در جوامع صنعتی، افزایش جمعیت با هدف تسهیل چرخه تولید و مصرف صورت می‌پذیرد. بنابراین، جذب مهاجران ثروتمند و اهل علم به‌عنوان تسهیل‌گران چرخه تولید و مصرف در درون مرزهای ملی و جذب مخالفان دولت‌های مستقل به‌عنوان تسهیل‌گران چرخه استعمار و وابستگی در بیرون از مرزهای ملی در دستور کار قرار می‌گیرد (www.westpass.cam). همچنین، در چنین جوامعی با



صهیونیست‌ها معتقدند که جمعیت غیریهود باید محدود و در خدمت تأمین خواسته‌ها و رفاه بنی اسرائیل به‌عنوان قوم برگزیده و فرزندان خدای یهود باشد (مشرق‌نیوز، ۱۳۹۱/۵/۵).

### سیاست‌های جمعیتی پس از انقلاب اسلامی

در سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، احساس شور و نشاط معنوی و گسترش عدالت در حوزه‌های بهداشت و درمان، آب، برق و... سبب گسترش سطح برخورداری مادی، توأم با کاهش شدید مرگ‌ومیر نوزادان شد. این فرایند که افراد بتوانند بدون تهدید مرگ‌ومیر نوزادان و در سایه عدالت مادی و معنوی نظام اسلامی، جمعیت خانواده خود را افزایش دهند و برای این گسترش از مزایایی نظیر کوپن یا زمین‌های اعطایی به خانواده‌های پرجمعیت و... برخوردار شوند، افزایش محسوس زاد و ولدها را به دنبال داشت (فرید، ۱۳۸۳، ص ۴۶-۴۷). این مسئله که در سال‌های بعد با پناه آوردن گروه‌های افغانی، عراقی و کویتی به جمهوری اسلامی نیز همراه شد، سبب رشد کم‌سابقه جمعیت و نگرانی مسئولان وقت گردید. بنابراین، تداوم چنین فرایندی در درازمدت مطلوب نبود. به عبارت دیگر، کاهش مرگ‌ومیر نوزادان به موازات افزایش زاد و ولد، رشد جمعیت را به دنبال داشت، اما این میزان رشد جمعیت با کمبودها و زیرساخت‌های معیوب به‌جامانده از دوره پهلوی، جامعه را به سمت بحران می‌برد. از همین رو، مسئولان نظام، شعار «تنظیم جمعیت» را در دستور کار قرار دادند. این شعار به‌واسطه اعتماد توده‌های مردم به

توجه به پایین و یا حتی منفی بودن رشد جمعیت و در معرض تهدید قرار گرفتن ملیت به‌واسطه حضور دو رگه‌ها، حفظ نژاد - از طرق مشروع یا نامشروع - از جایگاه خاصی برخوردار است (فرید، ۱۳۸۳، ص ۳۳۶). علاوه بر آنچه گفته شد، ادیان نیز در قبال افزایش جمعیت موضع خاصی دارند. دیدگاه اسلام پیرامون جمعیت را می‌بایست در آیات و روایات جست‌وجو کرد. افتخار پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر سایر انبیای الهی در صحنه قیامت به دلیل تعدد پیروان دین خود، از روایات مشهور و آشنا برای همگان است (شیخی، ۱۳۷۳، ص ۱۶۴). این منظر با رویکردهای رفاه‌محور تفاوت‌های جدی دارد؛ چراکه مقوله رفاه نیز از عوامل تأثیرگذار بر سیاست‌های جمعیتی می‌باشد. در این رویکرد، تأمین ملاک‌هایی نظیر تحصیل، بهداشت، مسکن، اشتغال، درآمد سرانه و... تعیین‌کننده نیاز یا عدم نیاز جامعه یا گروه‌های اجتماعی خاص به ازدیاد مولید می‌باشد. به عبارت دیگر، نظر رایج آن است که جوامع برخوردار از سطوح پایین رفاه، نیازمند کنترل جمعیت هستند و افشار مرفه در هر جامعه‌ای از بیشترین صلاحیت برای گسترش جمعیت برخوردارند (همان، ص ۹۷). البته این مسئله در دین مبین اسلام صورت دیگری دارد؛ از میان بردن نسل به دلیل ترس از فقر، امری مذموم (اسراء: ۳۱) و زندگی در رفاه مطلق سبب طغیان فرد و جامعه (علق: ۷۶) به‌شمار می‌رود (کتابی، ۱۳۷۷، ص ۵۲).

نقطه مقابل رویکرد اسلام (یعنی نگرش جهانی و دعوت همه ملت‌ها در همه سرزمین‌ها و اعصار به اسلام و صراط مستقیم، و تقوا به‌عنوان ملاک برتری) رویکرد «قومی یهودیت منحرف» است. در این زمینه،

به‌طور هماهنگ و به وسیله وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مختلف در کشور ما پیاده شده‌اند اشاره می‌شود:

- جوانانی که قصد ازدواج دارند، پس از انجام آزمایش‌های لازم، موظف به شرکت در کلاس‌های تنظیم خانواده می‌باشند.

- درس تنظیم خانواده به مجموعه ضروریاتی که هر فرد دارای تحصیلات عالی باید بداند و به کار بندد، افزوده شد.

- عمل وازکتومی به‌طور رایگان انجام می‌شود.

- فرزند چهارم به بعد کوپن دریافت نمی‌کند (رجانیوز، ۱۳۸۹/۴/۵) و...

البته فعالیت‌هایی که تحت عنوان «توسعه فرهنگی» و «تعدیل اقتصادی» به وقوع پیوست نیز در این مسیر بسیار مؤثر واقع شد. ملموس‌ترین اثر این سیاست‌ها، ضرورت افزایش هرچه بیشتر وزن هزینه تحصیلات در سبد هزینه خانوار، افزایش سهم خانوار در تأمین هزینه‌های آموزشی و در نتیجه، گسترش روزافزون هزینه فرزند (فرزندان) بود.

جامعه ما در حالی وارد دوره بعدی شد که نه تنها ساختارهای اجتماعی از تبدیل نسبی ثروت و قدرت به ارزش، تشدید احساس نابرابری اجتماعی، تردید نسبت به رفتار و اعمال مسئولان، احساس محرومیت، انحراف و فساد و... رنج می‌برد (رفیعی‌پور، ۱۳۷۶، ص ۱۵۹-۱۷۱)، بلکه این ویژگی‌ها در سطوح فردی نیز تثوریزه شده و پیام‌آور ضرورت اصلاحات در ساختارهای نظام، متناسب با ارزش‌های سکولاریستی بودند. تداوم وضعیت فوق با شعار «توسعه به مثابه آزادی» در طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴، جامعه را تا مرز بحران‌های جدی

مسئولان نظام اسلامی، عدم مخالفت و فضا سازی روشن‌فکران (به دلیل وجود سابقه ذهنی در دولت پهلوی و حمایت نهادهای بین‌المللی) و... به سرعت به اهداف موردنظر دست یافت. اما پس از دستیابی به این نقطه، نه تنها متوقف نشد، بلکه به واسطه گسترش مدرک‌گرایی با شعار «تخصص‌گرایی»، توسعه بی‌ضابطه دانشگاه آزاد و بعدها پیام نور، افزایش ظرفیت و تقاضای تحصیلات عالی به‌ویژه در میان بانوان و... تغییر الگوهای ذهنی مرتبط با سبک زندگی را به دنبال داشت. مسائل متعدد دیگری از جمله آنچه در قالب مسئله «تهاجم فرهنگی» (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: نوده فراهانی، ۱۳۹۰ ب) صورت‌بندی می‌شود، جامعه را به سمت سبک زندگی جدیدی رهنمون کرد که - برای مثال - آموزش زبان مکالمه انگلیسی به عنوان یک ارزش برتر علمی و منزلتی (نوده فراهانی و مقامی، ۱۳۹۰)، گسترش استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای به عنوان نشانه تشخیص و آگاهی، آزاداندیشی و... بخشی از این عوامل به‌شمار می‌رود.

تبدیل تلویحی شعار «تنظیم جمعیت» به «کنترل جمعیت» و سپس «کاهش جمعیت» مهم‌ترین نشانه انحراف سیاست مزبور است. این انحراف به واسطه جای‌گیری گفتمان «توسعه» و «رفاه» در پوشش شعار «سازندگی» در طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ وارد مرحله جدیدی شد.

«فرزند کمتر، زندگی بهتر»، «یکی خوبه، دوتا کافیه» و... شعارهایی بود که در دهه هفتاد در همه‌جا از جمله رسانه‌ها، تبلیغات کالاها، توصیه‌های بهداشتی مراکز درمانی و... به چشم می‌خورد. در ذیل، به برخی از سیاست‌های جمعیتی که از آن زمان تاکنون

### علل عدم توفیق رویکرد اصلاحی دولت

عدم توفیق دولت طی سال‌های ۱۳۸۴ تاکنون در اصلاح رویکرد «کاهش جمعیت» را به مواردی نظیر طبیعی‌نمایی رویکرد غلط موجود به واسطه پایه‌های شبه‌علمی و نسخه‌های ترویجی نهادهای بین‌المللی، فضا سازی روشن‌فکران و جریان‌های فمینیستی و سکولار، سیاسی‌کاری مخالفان، غیرکارشناسی بودن جهت‌گیری دولت و... نسبت می‌دهند. اگرچه امروزه تحلیل‌های جمعیت‌شناختی تا حد زیادی بر ادعاهای دولت صحه می‌گذارند (رجانیوز، ۱۳۸۹/۷/۲۷) و مسئولان کشور به تبعیت از مقام معظم رهبری، موضع مذکور را پذیرفته‌اند، اما درباره توفیق اصلاح سیاست‌های جمعیتی کنونی، تردیدهای جدی وجود دارد. بخش بزرگی از این تردیدها مربوط به اقناع مردم و نه نخبگان درون یا بیرون دولت است. به عبارت دیگر، از یک‌سو، در هر حکومتی مهم‌ترین راه تحقق سیاست‌های مصوب، اقناع مردم است و از سوی دیگر، مهم‌ترین عامل توفیق سیاست‌های نظام اسلامی، تلاش و حرکت جهادی آحاد مردم. بنابراین، سؤال اساسی این است که چه مشکلی در مسیر افزایش زاد و ولد، ذهن جامعه مسلمان ایران را به خود مشغول کرده که مانع اصلاح رویکرد پیشین است؟

مردم مسلمان ایران علی‌رغم تمایل قلبی به اصلاح رویکردهای ناصحیح در راستای حرکت نظام در مسیر تعالی، از اصلاح رویکرد پیشین باز مانده‌اند. علت این امر را می‌توان در مشکلات موجود نظیر مسئله مسکن، اشتغال، ازدواج و... نسل جوان امروز دانست. جامعه ایرانی در حالی از همراهی با سیاست جدید، خودداری می‌کند که

پیش برد. تبدیل اوقات فراغت فرزندان به امری پرهزینه، گسترش اختیار و مطالبه فرزندان در خانواده - که در زبان عامیانه به‌عنوان فرزندسالاری شناخته می‌شود - و... از دستاوردهای منفی این دوره است (نوده فراهانی، ۱۳۹۰ الف).

چنانچه سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۵ را به‌عنوان سال‌های اوج باروری در جامعه پس از انقلاب به‌شمار آوریم، از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۴ بیشترین میزان نفرت، وارد دوره جوانی شده‌اند. مدیریت منابع انسانی و نحوه بهره‌مندی از نیروی جوانی جمعیت در این دوره به نحوی بود که برخی مسئولان، مهم‌ترین کارکرد افزایش سال‌های تحصیل به‌ویژه تحصیلات عالی را به تأخیر انداختن تقاضای کار می‌پنداشتند که البته این رویه کمابیش همچنان ادامه دارد. هنگامی که مدیریت کلان جامعه‌ای درباره نیروهای جوان خود، چنین سوءمدیریتی را به کار گیرد، بدیهی است که مردم نیز با بدبینی، تحولات را نظاره کرده و به سیاست‌های کنترل جمعیت تن دهند.

تبدیل رفاه‌طلبی و لذت‌جویی به یکی از ارزش‌های جامعه و هماهنگی این خواسته‌ها با شرایط اقتصادی و اجتماعی، شیوه زیست جدیدی را فراهم آورده است. این شیوه زیست جدید، اصلاح سیاست‌های جمعیتی را با دشواری‌های بسیاری همراه ساخته است. به همین دلیل، تلاش‌های دولت نهم و دهم برای تغییر شعار جمعیتی با تأکیدات شخص رئیس‌جمهور - بدون توسل به ابزارهای تشویقی سنگین مادی - با توفیق چندانی همراه نشد.

- در نظر گرفتن محدودیت‌ها و محرومیت‌هایی برای شهروندان و دستگاه‌های مستقر در تهران؛ مثلاً ممنوعیت استخدام در تهران یا عدم صدور مجوز ساخت و ساز برای دستگاه‌های اداری در تهران و...؛ - شناسایی ۱۶ پادگان بزرگ ارتش و سپاه در تهران به منظور خروج آنها از پایتخت؛

- ممنوعیت توسعه بیمارستانی در تهران؛ - تعیین مهلت برای نقل مکان ۴۵ کارخانه بزرگ به خارج از تهران؛ - ممنوعیت صدور اجازه استقرار واحدهای صنعتی در محدوده تهران؛

- جلوگیری از واگذاری زمین دولتی برای ساخت‌وسازهای مسکونی در داخل شهر تهران؛ - انتقال برخی مشاغل و اماکن به بیرون شهر تهران؛ مانند انتقال تمامی بنگاه‌ها و نمایشگاه‌های خودرو، نمایشگاه‌های فرش، انبارهای کالا و...؛ - واقعی ساختن هزینه زندگی در تهران و شهرستان‌ها از طریق هدفمندی یارانه‌ها، به عنوان عامل رونق در شهرستان‌ها و مانع بهره‌مندی بیشتر تهرانی‌ها و در نتیجه، جلوگیری از مهاجرت (رجانیوز، ۱۳۸۹/۱۱/۲۹) و... .  
بنابر آنچه گفته شد، جامعه ایران با گزاره‌های متناقضی مواجه است:

۱. جمعیت ایران باید افزایش یابد؛
  ۲. جمعیت پایتخت باید کاهش یابد؛
  ۳. سیاست تمرکززدایی توفیقی نداشته است.
- به این موارد، باید گزارش‌هایی را افزود که به راست یا به دورغ مدعی هستند: «دولت به وعده‌های خود در قبال کارمندان خارج شده از تهران پایبند نبوده است» (سایت صراط، ۱۳۸۹/۵/۹). این سؤال

نسبت به تداوم یا وخیم‌تر شدن مشکلات کنونی در سال‌های آتی عمیقاً نگران است. چگونه نگران نباشد، درحالی‌که زندگی در کلان‌شهرها به‌ویژه تهران در شرایط نامطلوبی قرار دارد و علی‌رغم وجود شعار تمرکززدایی از سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۴۶ تا به امروز نه تنها موفقیتی در این زمینه حاصل نشده است، بلکه لحظه به لحظه بر شدت مسائل افزوده می‌شود.

برای مثال، همزمان با سیاست «افزایش جمعیت کشور»، سیاست «کاهش جمعیت پایتخت» نیز از سوی مسئولان در حال طرح و پیگیری است. برخی از سیاست‌های اعلام شده و در شرف تصویب، به شرح ذیل است:

- کاهش ظرفیت پذیرش دانشجو در مقطع کارشناسی در تهران؛  
- انتقال سازمان‌ها و مؤسسه‌های آموزشی و پژوهشی؛

- انتقال خانوارهای تحت پوشش بهزیستی و کمیته امداد و همچنین مراکز وابسته به این دو سازمان (رجانیوز، ۱۳۹۱/۴/۵)؛

- انتقال پایتخت، تفکیک پایتخت سیاسی، علمی و...؛  
- کاهش حجم مهاجرت و تقویت مهاجرت معکوس؛ مثلاً از طریق ایجاد اشتغال در شهرستان‌ها، توسعه زیرساخت‌ها و...؛

- کاهش دستگاه‌های دولتی و کارمندان در تهران با اولویت انتقال سازمان‌های پرمراجعه؛

- انتقال شرکت‌ها و دستگاه‌هایی که محل اصلی فعالیت آنها در جای دیگری است؛ مثلاً شرکت‌های وابسته به کشتیرانی، شیلات، نفت و گاز و...؛

- کاهش مراجعه حضوری به دستگاه‌های دولتی از طریق گسترش خدمات دولت الکترونیک؛

۲. بخش خدمات در نسبت با تولید صنعتی و کشاورزی ارزش افزوده بالاتر و مشکلات کمتری دارد.  
 ۳. فعالیت اقتصادی غیردولتی در کلان‌شهرها در نسبت با همان فعالیت اقتصادی در سایر شهرستان‌ها ارزش افزوده بالاتر و مشکلات کمتری دارد.

۴. ارتقای اداری - سیاسی فعالیت دولتی در کلان‌شهرها در نسبت با همان فعالیت در سایر شهرستان‌ها سرعت بیشتری دارد (مهدوی، ۱۳۷۳، ص ۵۹-۵۷).

با این اوصاف، رشد بالای جمعیت در تهران و کلان‌شهرها و رشد پایین و بعضاً منفی جمعیت در روستاهای دوردست، امری طبیعی و منطقی به نظر می‌رسد (رجانیوز، ۱۳۸۹/۷/۱۶). به عبارت دیگر، از یک سو، تراکم پایین جمعیت در مناطق مرزنشین و ناامنی در مناطق دوردست و از سوی دیگر، بحران انسانی و نارضایتی ناشی از تجمع جمعیتی در مناطق مرکزی و کلان‌شهرها به وقوع خواهد پیوست.

همچنین، می‌دانیم که تحولات باروری و مهاجرت دو طریق عمده تحولات جمعیتی در جهان به شمار می‌آید. بنابراین، اصلاح سیاست‌های مهاجرتی به عنوان یکی دیگر از راه‌های افزایش جمعیت در جهان مطرح است. اما مهاجرت در کشورهای غیرصنعتی، به عنوان راهی برای افزایش جمعیت، چندان امر رایج و توصیه شده‌ای به شمار نمی‌رود؛ چراکه نیروهای مهاجر به کشورهای غیرصنعتی، عمدتاً دارای سطح تحصیلی، درآمد و ثروت محدود و یا حتی ناچیزی هستند. بالطبع این موضوع، در ایران نیز توافق نظری درباره سیاست مهاجرت وجود ندارد. برای مثال، بخشی از فعالان اقتصادی، کارشناسان و مردم، مهاجران افغانی را

که «چه کسانی باید از تهران خارج شوند؟» با این تفاسیر، علت سرگردانی مردم در پیشبرد سیاست‌های نظام، قابل فهم و نیازمند چاره‌اندیشی است.

### بی‌توجهی به دیگر سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مقوله جمعیت

سیاست‌های موجود در یک جامعه بر یکدیگر و ازجمله بر سیاست جمعیت اثرگذارند. یکی از مشهودترین این موارد، تأثیر و تأثرات سیاست آموزش عالی بر مقوله جمعیت است که از جهات مختلف، تأثیرات قابل توجهی دارد. برای مثال، همبستگی بالایی میان نوع و میزان تحصیلات، نوع و محل مناسب اشتغال، نوع و مکان مطلوب سکونت و... وجود دارد. هرچه تحصیلات دانشگاهی گسترش بیشتری یابد، تقاضای مشاغل کارمندی و دولتی افزایش یافته و سکونت در شهرها با تأکید بر کلان‌شهرها و بخصوص پایتخت فزونی خواهد یافت که این امر، تراکم جمعیت در برخی مناطق، افزایش هزینه‌ها و کاهش آسایش اجتماعی و آرامش فردی را به دنبال خواهد داشت (ر.ک: تافلر، ۱۳۸۹). این مسئله نیز به نوبه خود به افزایش بیماری‌های عصبی، فشارها و اضطراب‌های زندگی، افزایش خشونت و پرخاشگری، کاهش سلامت و گسترش بیماری‌های قلبی و عروقی منتهی خواهد شد.

مثال دیگر در این رابطه، تأثیر سیاست‌های اقتصادی بر مقوله جمعیت است. تقریباً همگان بر صحت این گزاره‌ها توافق دارند:

۱. ارزش افزوده ساخت‌وساز، واردات کالاهای لوکس، خرید و فروش سکه و ارز و... در نسبت با تولید صنعتی و کشاورزی نامتعارف است.

می‌گوید و بکلی فرض‌های دیگری از جمله مفروضات تأسیس تمدن دیگری مانند تمدن اسلامی را نادیده می‌گذارد.

همچنین، مروری بر تحولات سیاست‌گذاری جمعیت پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نشان می‌دهد که برنامه‌ریزان ابتدا به دنبال کسب مجوز شرعی «کنترل باروری» و سپس بررسی نسبت جمعیت با اقتضات اقتصادی - اجتماعی رفتند. در شرایط کنونی نیز سیاست جمعیتی در خدمت تأسیس تمدن اسلامی باید مدنظر قرار گیرد؛ مرحله‌ای که ایران امروز در آستانه آن قرار دارد. در این فرایند، جایگاه مذهب از «رویکردی غیرمنطقی که باید بدون ایجاد مقاومت کنار گذاشته شود» (۱۳۳۵-۱۳۵۷) به «جایگاه صادرکننده جواز شرعی برای افراد» و سپس به «جایگاه صادرکننده جواز مصلحتی برای حفظ جامعه اسلامی» (۱۳۸۵-۱۳۹۰) و سرانجام به «جایگاه صادرکننده جواز حکمتی برای ساخت تمدن اسلامی» (۱۳۹۰ به بعد) ارتقا یافته است.

بنابراین، تفاوت نگاه جمعیتی جمهوری اسلامی نسبت به دیگر کشورهای جهان در این مقوله، به غلبه نگاه دینی کلان و راهبردی برمی‌گردد که رهبر معظم انقلاب نیز بدان اشاره داشته‌اند. به عبارت دیگر، گزاره‌ای که معتقد است دین با تنظیم خانواده مخالفتی ندارد، یک حکم فقهی - فردی است؛ اما سیاست‌گذاری در جامعه اسلامی نیازمند حکم فقهی - اجتماعی (حکومتی) است که باید بر اساس عزت، حکمت و مصلحت جامعه و حکومت اسلامی تعیین گردد.

از این منظر، اصلاح سیاست «کنترل جمعیت» بخصوص در دهه «پیشرفت و عدالت» اهمیت

اشغال‌کننده فرصت‌های شغلی دارای مهارت پایین می‌دانند و بخشی دیگر، مهاجران افغان را انجام‌دهنده مشاغل پست و بر زمین مانده قلمداد می‌کنند. اما آنچه قابل انکار نیست، نداشتن سیاست مدون در این حوزه است؛ چراکه مهاجران قانونی و غیرقانونی افغان، نه به دلیل سیاست‌گذاری مهاجرتی ایران، بلکه به دلیل مشکلات کشور خود، راه مهاجرات را در پیش گرفته‌اند.

سیاست مدون مهاجرتی درباره مهاجرت ایرانیان به سایر جوامع نیز وجود ندارد. بالطبع، توافق نظری در این مورد نیز دیده نمی‌شود. به عبارت دیگر، به دلیل نداشتن برنامه مدون، امکان استفاده از ظرفیت مهاجران ایرانی در سایر کشورها و جهت‌دهی به فعالیت‌های آنان نیز مورد غفلت جدی واقع شده است. این درحالی است که گشودن باب سیاست‌گذاری مهاجرت - اعم از سیاست مهاجری‌پذیری و سیاست مهاجرفرستی - از ضرورت‌های تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی در جهان معاصر است.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

رجوع به منابع جمعیت‌شناسی متداول دانشگاهی، روشن می‌کند که علم جمعیت‌شناسی نسبت به دو مسئله توجه آشکاری از خود نشان نمی‌دهد: ۱. سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی - اجتماعی؛ ۲. سیاست‌گذاری‌های کلان تمدنی؛ یعنی همان دو مقوله‌ای که در قالب «برخی رویکردهای موجود در سیاست‌گذاری افزایش جمعیت» تا حدی درباره آن سخن گفته شد. به عبارت دیگر، علم جمعیت‌شناسی کمتر درباره اقتضات غیرعلنی و پیش‌فرض‌های پنهان تمدن غربی در سیاست‌گذاری جمعیت سخن

۱. با اولویت تربیت نسلی متقی (به‌عنوان مبنای کیفی جمعیت)؛
  ۲. تأمین نیروی انسانی موردنیاز در بخش‌های مختلف اقتصادی (آمایش اقتصادی)؛
  ۳. رعایت نسبت‌های جغرافیایی (آمایش جغرافیایی).
- بالطبع، مجموع موارد سه‌گانه فوق، سطحی از «امنیت»، «سلامت معنوی»، «آرامش روحی» و «برخورداري مادی» را نوید خواهد داد.
- ویژه‌ای دارد. در این چارچوب، هر آنچه با «عدالت» یعنی «قرارگرفتن هر چیز در جای خود»، منافات دارد، مانع شکوفایی، تعالی و پیشرفت انسان و جامعه انقلابی است. بنابراین، با عنایت به رویکردهای موجود در سیاست‌گذاری جمعیت، سیاست‌گذاری مطلوب جمعیت در ایران، مستلزم تبیین چشم‌انداز موردنیاز در جهت اهداف نظام جمهوری اسلامی از جمله در راستای ایجاد تمدن اسلامی است. به عبارت دیگر، پیش از هر اقدامی باید به این سؤالات پاسخ دهیم:
۱. چگونه شرایط کنونی جامعه ایران - با همه نقاط قوت و ضعف آن - پدید آمده است؟ (مربوط به نقد و بررسی سیاست‌گذاری‌های پیشین)؛
  ۲. چگونه می‌توان شرایط کنونی را بهبود بخشید؟ (مربوط به اصلاح سیاست‌گذاری‌های کنونی در قبال نسل کنونی)؛
  ۳. سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی مناسب نسل آتی چگونه باید باشد؟ (مربوط به تبیین سیاست‌گذاری‌های آتی با توجه به تجارب قبلی)؛
  ۴. نسل آتی باید دارای چه ویژگی‌ها و توانمندی‌هایی باشد؟ (مربوط به نسل آتی یا فرزندان)؛
  ۵. چگونه می‌توان نسل آتی با ویژگی‌های موردنظر را تربیت کرد؟ (مربوط به نظام تربیتی، خانواده و حاکمیت)؛
  ۶. چه کسانی، به چه دلایلی و با چه اهدافی باید اقدام به ازدیاد نسل نمایند؟ (مربوط به نسل فعلی یا والدین)؛
- در این چارچوب، ازدیاد موالید باید با در نظر گرفتن موارد ذیل باشد:

## منابع

- آوینی، سیدمرتضی (۱۳۸۶)، *توسعه و مبانی تمدن غرب*، تهران، ساقی.
- اسماعیلی، محمدمهدی و بابک آل‌مولانا، «بررسی سیاست‌های تحدید و تنظیم خانواده» (۱۳۸۹)، *برداشت دوم*، ش ۱۱ و ۱۲.
- «افزایش جمعیت و هابیت»، در: شیعه‌نیوز.
- «برنامه کاهش جمعیت پایتخت» (مصاحبه با عبدالعلی تاجی: معاون حقوقی معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی رئیس‌جمهور)، در: رجانیوز، ۱۳۹۱/۴/۵.
- «۲۷ پروژه برای نجات پایتخت از تمرکز جمعیتی» (مصاحبه مرتضی تمدن: استاندار تهران)، در: رجانیوز، ۱۳۸۹/۱۱/۲۹.
- تاجداری، پرویز (۱۳۶۸)، *جمعیت‌شناسی و بازسازی نیروی انسانی*، تهران، اتا.
- «تاریخچه و اوضاع مهاجران ترک در آلمان»، در: سایت همشهری آنلاین، ۱۳۹۰/۱/۱۴.
- تافلر، آلون (۱۳۸۹)، *موج سوم*، ترجمه شهیندخت خوارزمی، ج نوزدهم، تهران، فرهنگ نشر نو.
- «ترس آلمان از مهاجران مسلمان ترک»، در: سایت شیعه آنلاین، ۱۳۸۹/۸/۱۷.
- «چرا غرب برای ایران کاهش جمعیت را توصیه می‌کند»، در: سایت مشرق‌نیوز، ۱۳۹۱/۵/۵.
- حسینی‌طهرانی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۳)، *رساله نکاحیه یا کاهش جمعیت؛ ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین*، تهران، پرتو دانش.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶)، *توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- «روش‌های مهاجرت به کانادا»، در: [www.westpass.cam](http://www.westpass.cam)
- زلینسکی، ویلبر (۱۳۷۰)، *مقدمه‌ای بر جغرافیای جمعیت*، ترجمه فیروز جمالی، تهران، سمت.
- سوری، علی و رضا کیهانی‌حکمت (۱۳۸۴)، *متغیرهای جمعیتی، هزینه‌های دولت و رشد اقتصادی*، در: مجموعه مقالات همایش سیاست‌ها و مدیریت برنامه‌های رشد و توسعه در ایران، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- «شعار آرمانی خروج کارکنان دولت از تهران تا اجرای ناموفق آن؛
- تمسخر مردم با وعده انتقال از تهران»، در: سایت خبری تحلیلی صراط، ۱۳۸۹/۵/۹.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۱/۳/۲)، «راهنما و اقدامات ملی مربوط به جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن متناسب با آموزه‌های اسلامی و اقتضات راهبردی کشور».
- شیخی، محمدتقی (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی جمعیت و تنظیم خانواده*، تهران، دیدار.
- عالمی، مسعود، «آیا کنترل جمعیت در راستای منافع ملی است؟»، در: رجانیوز، ۱۳۸۹/۴/۵، [www.rajanews.com](http://www.rajanews.com)
- فرید، یدالله (۱۳۸۳)، *جغرافیای جمعیت*، تبریز، دانشگاه تبریز.
- قنادی، محمد، «ایران مقتدر؛ جمعیت ۱۵۰ میلیونی»، در: رجانیوز، ۱۳۹۰/۵/۱۹.
- کتابی، احمد (۱۳۷۷)، *درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناسی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- «کم‌جمعیت‌ترین روستای ایران با دو خانوار در سبزوار قرار دارد»، در: رجانیوز، ۱۳۸۹/۷/۱۶.
- مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین، [www.palestine-persian](http://www.palestine-persian)
- «مشوق‌های فرزندآوری بر کدام دهک‌های درآمدی تأثیرگذارند؟»، در: مشرق‌نیوز، [www.mashreghnews.ir](http://www.mashreghnews.ir)
- مهدوی، مسعود (۱۳۷۳)، *اصول و مبانی جغرافیای جمعیت*، تهران، قومس.
- «نگاهی به سبک زندگی ترویجی سینما و تلویزیون و رابطه آن با جمعیت»، در: رجانیوز، ۱۳۹۱/۸/۲.
- نوده‌فراهانی، اسماعیل (۱۳۹۰ الف)، *گزارش «ملاحظات سیاست‌گذاری فرهنگی نسل جوان: ۱. مفهوم شکاف نسل‌ها»*، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- نوده‌فراهانی، اسماعیل (۱۳۹۰ ب)، *گزارش «ملاحظات سیاست‌گذاری فرهنگی نسل جوان: ۲. مفهوم تهاجم فرهنگی»*، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- نوده‌فراهانی، اسماعیل و عباس مقامی (۱۳۹۱)، *گزارش «ملاحظات سیاست‌گذاری آموزش زبان در کشور»*، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- «هرم سنی جمعیت کشور به سمت پیرشدن است»، در: رجانیوز، ۱۳۸۹/۷/۲۷.



## بایسته‌های تغییر سیاست جمعیتی باتأکید بر نقش رسانه ملی

ابراهیم شفیعی سروستانی\*

### چکیده

نظام جمهوری اسلامی ایران با گذشت بیش از بیست سال از اجرای سیاست تحدید و کنترل جمعیت، با توجه به ملاحظات گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی، اینک در آن تجدیدنظر کرده و سیاست افزایش جمعیت را در پیش گرفته است. بی‌تردید، برای تحقق این سیاست جدید جمعیتی، باید اقدام‌های متعددی در حوزه‌های گوناگون انجام شود که یکی از مهم‌ترین آنها «فرهنگ‌سازی» و تغییر گفتمان جامعه، از «کاهش» جمعیت، به «افزایش» جمعیت است.

بر این اساس، رسانه ملی به‌منزله یکی از مهم‌ترین دستگاه‌های فرهنگ‌ساز کشور، باید بر مبنای طرح و برنامه‌ای دقیق، مشخص و زمان‌بندی‌شده، برای تحقق سیاست جدید جمعیتی کشور وارد میدان شود و از همه ظرفیت‌های خود در این زمینه استفاده کند. ولی پیش از هر اقدام باید راهبردها و سیاست‌های رسانه در این زمینه مشخص شود تا فعالیت‌های اجرایی و برنامه‌های تولیدی، اهداف را به‌خوبی برآورده سازند.

**کلیدواژه‌ها:** رسانه ملی، سیاست جمعیتی، مدیریت پیام، تحدید نسل، افزایش نسل.

## مقدمه

پس از تبیین مهم‌ترین بایسته‌های تدوین سیاست جمعیتی، به بررسی راهبردها و سیاست‌هایی می‌پردازد که رسانه ملی برای تحقق سیاست جدید جمعیتی نظام جمهوری اسلامی باید در پیش گیرد.

در نخستین گام، با ده نفر از کارشناسان حوزوی و دانشگاهی در چهار حوزه دین‌پژوهی، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی و رسانه و ارتباطات، بر اساس پرسش‌های از پیش طراحی شده مصاحبه شده و حاصل نکات مطرح شده در این مصاحبه‌ها به صورت نظام‌مند و منطقی استخراج شده است.

در گام دوم، بر اساس نکات مطرح شده در مصاحبه‌ها، مطالعات تکمیلی برای مستندسازی این نکات و تکمیل و متمیم آنها انجام شده است. در گام سوم، این مقاله براساس یافته‌های مصاحبه‌ها و مطالعات کتابخانه‌ای تدوین شده است.

## ۱. زمینه‌های تغییر سیاست جمعیتی نظام جمهوری اسلامی

در سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۹۰ برای تحقق شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر»، اقدام‌های فرهنگی، آموزشی، رسانه‌ای، بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای، با بهره‌گیری از ظرفیت همه مراکز سازمان‌های دولتی و برخی نهادهای غیردولتی برای کاهش نرخ رشد جمعیت انجام شد، تا جایی که میزان باروری کل از ۶/۳ در سال ۱۳۶۵ به ۱/۶ در سال ۱۳۹۰ رسید و میانگین رشد سالانه جمعیت نیز از ۳/۹ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۱/۲۹ درصد در سال ۱۳۹۰ کاهش یافت. این موضوع موجب نگرانی جمعی از کارشناسان کشور و زمینه‌ساز تغییر سیاست

با مطرح شدن موضوع ضرورت تغییر سیاست جمعیتی نظام جمهوری اسلامی ایران و اعلام خطر برخی کارشناسان در زمینه کاهش شدید جمعیت کشور، از اوایل سال ۱۳۹۱ موضوع تدوین «راهبردها و اقدامات ملی مربوط به جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن، متناسب با آموزه‌های اسلامی و اقتضائات راهبردی کشور»، در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت. سرانجام در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲ این راهبردها به تصویب این شورا رسید.

در این مصوبه به «فرهنگ‌سازی برای دستیابی به جمعیت مطلوب و اصلاح بینش و نگرش مسئولان و مردم نسبت به پیامدهای منفی کاهش باروری، به‌ویژه زیرحد جانشینی» توجه ویژه‌ای شده است. بر همین اساس بند ۱ ماده ۳ آن، «تهیه طرح جامع تولید و اجرای انواع برنامه‌های آموزشی، پژوهشی، اطلاع‌رسانی، نمایشی، تبلیغی و غیره در رسانه‌های جمعی، به‌ویژه صداوسیما و شبکه‌های استانی آن با هدف گفتمان‌سازی و ترویج فواید فرزندآوری و تبیین آثار منفی کاهش نرخ باروری، با رعایت شرایط و مقتضیات راهبردی»، یکی از اقدام‌های ملی متناسب با راهبردهای جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن بر شمرده شد.

با توجه به این مصوبه، رسانه ملی باید راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های خود برای تغییر گفتمان موجود در زمینه فرزندآوری را به روشنی تدوین و بر اساس برنامه‌ای دقیق و حساب شده، گفتمانی جدید را در جامعه حاکم کند؛ گفتمانی که در نهایت به عبور از مرحله بحرانی کاهش جمعیت و افزایش آن تا رسیدن به حد مطلوب بینجامد. از این رو، این مقاله

۶. اهتمام به ارتقای کیفی جمعیت کشور از طریق متناسب ساختن نرخ باروری خانواده‌ها با شرایط و اقتضائات سلامت، معیشت و فرهنگ آنها (مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی).

ماده ۳ این مصوبه، به بیان «اقدامات ملی متناسب با هریک از راهبردهای ملی موضوع ماده ۲» اختصاص یافته و در بند ۱ آن چنین آمده است: «تهیه طرح جامع تولید و اجرای انواع برنامه‌های آموزشی، پژوهشی، اطلاع‌رسانی، نمایشی، تبلیغی و غیره در رسانه‌های جمعی، به‌ویژه صداوسیما و شبکه‌های استانی آن با هدف گفتمان‌سازی و ترویج فواید فرزندآوری و تبیین آثار منفی کاهش نرخ باروری، با رعایت شرایط و مقتضیات راهبردی».

مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، بر ضرورت تجدیدنظر در سیاست تحدید نسل تأکید کرده و فرمودند:

جمعیت جوان و بانشاط و تحصیل‌کرده و باسواد کشور، امروز یکی از عامل‌های مهم پیشرفت کشور است. در همین آمارهایی که داده می‌شود، نقش جوان‌های تحصیل‌کرده و آگاه و پرنشاط و پرنیرو را می‌بینید. ما باید در سیاست تحدید نسل تجدیدنظر کنیم. سیاست تحدید نسل در یک برهه‌ای از زمان درست بود؛ یک اهدافی هم برایش معین کردند. آن‌طوری‌که افراد متخصص و عالم و کارشناسان علمی این قسمت تحقیق و بررسی کردند و گزارش دادند، ما در سال ۷۱ به همان مقصدی که از تحدید نسل وجود داشت، رسیدیم. از سال ۷۱ به این طرف، باید سیاست را تغییر می‌دادیم. خطا کردیم، تغییر ندادیم. امروز باید این خطا را جبران کنیم.... این مسئله افزایش نسل و اینها، جزو مباحث مهمی

جمعیتی نظام جمهوری اسلامی شد (امانی، ۱۳۸۸، ص ۹۸)، به‌گونه‌ای که از آغاز سال ۱۳۹۱ موضوع کاهش روزافزون جمعیت کشور، به دغدغه‌ای برای مدیران و مسئولان نظام جمهوری اسلامی تبدیل شد و آنان را به تکاپو برای اصلاح سیاست جمعیتی کشور واداشت (ر.ک: میزگرد تخصصی، ۱۳۹۱).

نخستین اقدام در این زمینه، تدوین «راهبردها و اقدامات ملی مربوط به جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن متناسب با آموزه‌های اسلامی و اقتضائات راهبردی کشور»، مصوب ۱۳۹۱/۳/۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی بود. در ماده ۲ این مصوبه با عنوان «راهبردهای ملی»، شش راهبرد به شرح ذیل پیش‌بینی شده بود:

۱. فرهنگ‌سازی برای دستیابی به جمعیت مطلوب و اصلاح بینش و نگرش مسئولان و مردم نسبت به پیامدهای منفی کاهش باروری، به‌ویژه زیرحدجانشینی؛
۲. تدوین سیاست‌ها، برنامه‌ها و قوانین و مقررات حمایتی و تشویقی برای دستیابی به نرخ باروری مناسب، جمعیت مطلوب و لغو سیاست‌ها، برنامه‌ها و قوانین و مقررات مشوق کاهش باروری؛
۳. تدوین الگوی سبک زندگی و ترویج آن، به‌ویژه فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی و اشتغال زنان متناسب با معیارهای اسلامی و هماهنگ با مصالح خانواده به منظور ایفای هرچه کامل‌تر نقش مادری و همسری؛
۴. ایجاد و استقرار نظام مدیریت فرابخشی و جامع جمعیت کشور؛

۵. آمایش مستمر جمعیتی کشور و تدوین سیاست‌های مهاجرتی، به منظور جهت‌دهی به جابه‌جایی‌های جمعیتی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛

#### الف. شناسایی دقیق عوامل بحران جمعیتی

لازم به یادآوری است که پیش از تدوین و تصویب هرگونه سیاست جمعیتی، باید عوامل و ریشه‌های شکل‌گیری بحران یا مسئله جمعیتی را به‌طور دقیق شناسایی کرد تا سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان جامعه به‌هنگام ارائه راه‌حل برای برون‌رفت از بحران جمعیتی دچار اشتباه نشوند.

#### ب. ایجاد وفاق اجتماعی درباره سیاست جمعیتی

بی‌تردید، شرط موفقیت هر سیاست جمعیتی، همراهی و همدلی اقشار گوناگون، به‌ویژه اندیشه‌ورزان جامعه و گروه‌های مرجع و اثرگذار اجتماعی با آن سیاست است. ازاین‌رو، باید پیش از ورود به مراحل اجرایی سیاست جمعیتی با به‌کارگیری ابزار گوناگون رسانه‌ای و ارتباطی و همچنین برگزاری نشست‌ها، هم‌اندیشی‌ها و همایش‌های علمی با روحانیان، دانشگاهیان، پژوهشگران، مسئولان سازمان‌های مردم‌نهاد، اصحاب رسانه و مطبوعات و... آنها را با وجوه گوناگون بحران و مسئله جمعیتی پیش‌رو، دلایل و ضرورت‌های درپیش گرفتن سیاست جمعیتی آشنا و نقش و مسئولیت آنها را در این زمینه روشن ساخت.

#### ج. تعیین دقیق اهداف عینی و عملی

سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان جامعه، به‌هنگام تدوین سیاست جمعیتی، باید اهداف عینی و عملی را که در پی تحقق آن هستند، به‌طور دقیق مشخص ساخته و معلوم کنند که در بازه زمانی موردنظر چگونه باید دگرگونی‌های جمعیتی را با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، هماهنگ ساخت. در مجموع، در ابعاد گوناگون جمعیت از جمله ساخت،

است که واقعاً همه مسئولین کشور، نه فقط مسئولین اداری، روحانیون، کسانی که منبرهای تبلیغی دارند، باید در جامعه درباره آن فرهنگ‌سازی کنند. از این حالتی که امروز وجود دارد - یک بچه، دو بچه - باید کشور را خارج کنند. رقم صد و پنجاه میلیون و دویست میلیون را اول امام گفتند - و درست هم هست - ما باید به آن رقم‌ها برسیم (در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۹۱/۵/۳)

#### ۲. بایسته‌های تدوین سیاست جمعیتی

«سیاست جمعیتی»، مجموعه اصول، تدابیر و تصمیم‌های مدون جمعیتی است که یک دولت در کشور خود در پیش می‌گیرد و حدود فعالیت‌هایش را درباره مسائل جمعیتی، یا اموری که نتایج جمعیتی دارند، تعیین می‌کند. هدف سیاست جمعیتی، منطقی‌کردن و هماهنگ‌ساختن دگرگونی‌های جمعیتی با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، برای رسیدن به رفاه و بهروزی بیشتر جمعیت است.

به‌طور کلی، سیاست جمعیتی هنگامی تدوین و تصویب می‌شود که پدیده و موضوع جمعیت در جامعه‌ای به «مسئله» اجتماعی تبدیل شود، درباره آن در اذهان عمومی، به‌ویژه اذهان اندیشمندان جامعه «شناخت» عینی پدید آید، و «برنامه کار» برای آن تدوین شود. هر سیاست مستلزم وجود «اهداف عینی و اساسی» و «اهداف عملی» است. به اقدام‌هایی که در جامعه به منظور رسیدن به اهداف عملی صورت می‌گیرد، «برنامه اجرایی» می‌گویند (تقوی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۵).

مهم‌ترین بایسته‌های تدوین سیاست جمعیتی کارآمد را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

برنامه‌ریزان جامعه بتوانند سیاست جمعیتی را با آخرین تغییرات ابعاد جمعیت هماهنگ سازند.

### ۳. دلایل کاهش شدید جمعیت در دو دهه اخیر

چنان‌که گفته شد، یکی از بایسته‌های مهم تدوین سیاست جمعیتی، شناسایی دقیق علل و عوامل شکل‌گیری بحران یا مسئله جمعیتی است. از این رو، پیش از تدوین و تصویب سیاست جدید جمعیتی نظام جمهوری اسلامی، باید دلایل کاهش شدید جمعیت کشور را در دو دهه اخیر به‌طور دقیق شناسایی کرد. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که شناخت میزان تأثیر هریک از عوامل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در این روند، می‌تواند سمت‌وسوی فعالیت‌های نظام اسلامی را برای اصلاح و تغییر روند موجود تعیین و اولویت‌های فعالیت آن را مشخص کند.

چنان‌که گذشت، در قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۶۸ تصویب شد، پیش‌بینی شده بود که در سال ۱۳۹۰ میزان باروری عمومی زنان از ۶/۴ نوزاد به ۴ نوزاد و نرخ رشد طبیعی جمعیت از ۳/۲ درصد به ۲/۳ درصد برسد، ولی در عمل رویدادی بسیار فراتر از این پیش‌بینی رخ داد و در سال ۱۳۹۰ میزان باروری عمومی (کل) زنان به ۱/۶ یا ۱/۵ نوزاد و نرخ رشد طبیعی جمعیت به ۱/۲۹ درصد رسید. حال این پرسش مطرح می‌شود که چه علل و عواملی موجب شد نظام جمهوری اسلامی در زمینه سیاست جمعیتی، به نتایجی بسیار فراتر از پیش‌بینی‌های خود دست یابد؟ آیا این نتایج، ناشی از اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های مستقیمی همچون

اندازه، حرکات، اجزاء، آمار حیاتی، مهاجرت، باروری و تنظیم موالید، چه تغییراتی باید ایجاد کرد.

### د. به‌کارگیری همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های جامعه

تحقق سیاست جمعیتی، مستلزم اقدام‌های گسترده آموزشی، تبلیغی، ترویجی، پزشکی، بهداشتی، اقتصادی و... است. بنابراین، برای تحقق اهداف پیش‌بینی شده در سیاست جمعیتی باید از همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی، به‌صورت هدفمند و سازمان‌یافته بهره‌گرفت.

### ه. ارزیابی دقیق عملکرد سازمان‌ها و نهادهای

#### مسئول

برای تحقق اهداف عینی و عملی سیاست جمعیتی در بازه زمانی معین شده باید به‌طور مستمر عملکرد سازمان‌ها و نهادهایی که در برنامه اجرایی سیاست جمعیتی به آنها نقش‌ها و مسئولیت‌هایی سپرده شده است، در شورایی که به ریاست بالاترین مقام اجرایی کشور تشکیل می‌شود، ارزیابی و سازمان‌ها و نهادهایی که به خوبی عمل کرده‌اند، تشویق و سازمان و نهادهایی که به خوبی عمل نکرده‌اند، تنبیه شوند.

### و. پایش مستمر تغییرات جمعیتی

تجربه سیاست جمعیتی نظام جمهوری اسلامی در دهه هفتاد و هشتاد نشان داد که عدم پایش نتایج حاصل از اعمال سیاست‌های جمعیتی، می‌تواند کشور را با بحران جمعیتی تازه‌ای مواجه کند. بنابراین، پس از تعیین دقیق اهداف عینی و عملی سیاست جمعیتی باید به‌طور دقیق و مستمر تغییرات ابعاد جمعیت پایش شود تا سیاست‌گذاران و

مصرف‌گرایانه بود که در پی اجرای الگوهای توسعه غربی از اواخر دهه شصت به بعد در کشور رخ داد (ر.ک: رفیع‌پور، ۱۳۸۰، ص ۱۴۷-۴۷۵).

بنابراین، در تدوین و تصویب سیاست جدید جمعیتی، باید به علل و عوامل یادشده در کاهش میزان باروری و کاهش جمعیت توجه کرد و راهکاری متناسب با آن برای افزایش میزان باروری و افزایش جمعیت در نظر گرفت (ر.ک: شفیعی سروستانی، ۱۳۹۰، ص ۹۷-۱۷۱).

#### ۴. راهبردهای رسانه ملی

مهم‌ترین راهبردهای رسانه ملی برای فرهنگ‌سازی در زمینه تغییر سیاست جمعیتی نظام جمهوری اسلامی، از کاهش جمعیت، به افزایش جمعیت را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

##### الف. گفتمان‌سازی در زمینه ضرورت افزایش زاد و ولد

اقدام‌های گوناگون فرهنگی، آموزشی، رسانه‌ای، اجتماعی، اقتصادی و... که در اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد در زمینه مهار رشد جمعیت در کشور صورت گرفت، موجب ایجاد گفتمان ویژه در زمینه زاد و ولد در جامعه ما شد؛ گفتمانی که به تدریج در سراسر کشور و در میان همه قشرهای شهری و روستایی، مرفه و مستمند، تحصیل‌کرده و بی‌سواد، مذهبی و غیرمذهبی نهادینه شد و این ذهنیت را برای همه ایجاد کرد که داشتن بیش از دو یا سه فرزند، ناهنجار و خلاف چارچوب‌های پذیرفته‌شده اجتماعی است. این گفتمان همچنان در جامعه ما حاکم است. به همین دلیل حتی افرادی که از تمکن مالی خوبی برخوردارند، حاضر نیستند

گسترش «فعالیت‌های واحد اجرایی تنظیم خانواده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» (بند ج قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، ۱۳۶۸/۱۱/۱۱) و «لغو کلیه مقررات مشوق رشد جمعیت و اتخاذ تدابیر متناسب با سیاست تحدید متناسب با سیاست تحدید موالید کشور» (همان) بود، یا از اعمال سیاست‌های غیرمستقیمی مانند «بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه، بخصوص افزایش ضریب پوشش تحصیلی لازم‌التعلیم» (همان) و «اعتلای موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی - اجتماعی جامعه و خانواده» (همان)، یا فعالیت سازمان صداوسیما در «جهت ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی در تأمین سلامت کودکان و مادران و جمعیت» (قانون تنظیم خانواده و جمعیت، ۱۳۷۲/۲/۲۶) بود. بی‌گمان، نمی‌توان نقش هریک از عوامل یادشده، به‌ویژه اجرای سیاست‌های غیرمستقیم جمعیتی را در کاهش نسبی رشد جمعیت انکار کرد، ولی به نظر می‌رسد این عوامل به تنهایی نمی‌توانند موجب کاهش شدید و بسیار فراتر از پیش‌بینی روند رشد جمعیت کشور شوند و باید این پدیده را ناشی از علل و عواملی فراتر از علل و عوامل یادشده دانست.

برخی صاحب‌نظران بر این باورند که مهم‌ترین عامل کاهش نرخ زاد و ولد در دهه هفتاد و هشتاد و به تبع آن، کاهش ناگهانی رشد جمعیت، بیش و پیش از آنکه ناشی از اعمال سیاست‌های تحدید جمعیت نظام اسلامی باشد، ناشی از تحولات ساختاری، تغییر سبک زندگی و تسلط گفتمان فردگرایانه و

بیش از دو یا سه فرزند داشته باشند. ازاین‌رو، می‌توان گفت: نخستین گام در اصلاح سیاست‌های جمعیتی کشور، تغییر گفتمان حاکم و ایجاد گفتمانی جدید بر مبنای ضرورت افزایش زاد و ولد است.

#### ب. ایجاد زمینه‌های لازم برای تحکیم خانواده‌ها

براساس آمارهای سازمان ثبت احوال کشور در سال ۱۳۸۳ تعداد ۷۲۳۹۷۶ رویداد ازدواج و تعداد ۷۳۸۸۲ رویداد طلاق، درحالی‌که در سال ۱۳۹۰ تعداد ۸۷۴۷۹۲ رویداد ازدواج و تعداد ۱۴۲۸۴۱ رویداد طلاق به ثبت رسیده است (پایگاه اطلاع‌رسانی ثبت احوال کشور). براساس این آمار، در طول این مدت، تعداد ازدواج‌ها حدود ۲۰/۸ درصد و تعداد طلاق‌ها حدود ۹۳/۳ درصد رشد داشته است.

آمارهای یادشده، همچنین حکایت از این دارد که نسبت ازدواج به طلاق، در سال ۱۳۸۳، ۹/۸ بوده است، در سال ۱۳۹۰ به ۶/۱ رسیده، یعنی حدود ۶۰ درصد کاهش داشته است.

کاهش چشمگیر نسبت ازدواج به طلاق، و افزایش قابل توجه میزان طلاق، در سال‌های اخیر زمینه‌ساز مشکلات و آسیب‌های گوناگون فرهنگی، تربیتی، اخلاقی و اجتماعی در جامعه ما شده که یکی از آنها کاهش نرخ باروری است.

بی‌تردید، آنگاه می‌توان به ظرفیت خانواده‌هایی که در حال حاضر در جامعه شکل گرفته‌اند، برای افزایش جمعیت تکیه کرد که این خانواده‌ها از ثبات و آرامش لازم برخوردار باشند. در شرایطی که عوامل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی موجب فروپاشی خانواده‌ها و بی‌ثباتی آنها می‌شوند، هرگز نمی‌توان به ایجاد نسلی جدید از دل خانواده‌ها

امیدی داشت. ازاین‌رو، رسانه ملی باید با درپیش گرفتن سیاست‌های ذیل، از همه ظرفیت‌های خود برای تحکیم نهاد خانواده استفاده کند:

۱. آموزش حقوق و مسئولیت‌های خانوادگی زن و مرد به جوانان در آستانه ازدواج؛

۲. توانمندسازی جوانان برای مقابله با مسائل و مشکلاتی که در کانون خانواده با آنها روبه‌رو می‌شوند؛

۳. به تصویر کشیدن روابط مطلوب اعضای خانواده در برنامه‌های نمایشی؛

۴. بررسی و تبیین ویژگی‌های خانواده تراز اسلامی در برنامه‌های کارشناسی؛

۵. پرهیز از به تصویر کشیدن مداوم خانواده‌های نابسامان و روابط ناهنجار اعضای خانواده با یکدیگر در برنامه‌های نمایشی؛

۶. پرهیز از نگرش‌های فمینیستی در به تصویر کشیدن روابط اعضای خانواده با یکدیگر (ر.ک: شفيعی سروستانی، ۱۳۹۱ الف، ص ۸۰-۱۵۵؛ همو، ۱۳۹۰).

#### ج. زمینه‌سازی برای تسهیل شرایط ازدواج

براساس گزارش رئیس سازمان ثبت احوال کشور، «سن ازدواج برای مردان و زنان نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافته و به میانگین ۲۷/۲ سال برای مردان و حدود ۲۳ سال برای زنان رسیده که این آمارها زنگ خطری برای افزایش تجرد قطعی در جامعه است» (خبرگزاری ایسنا). بی‌تردید، افزایش سن ازدواج، موجب تغییر الگوی باروری مادران و کاهش رشد جمعیت خواهد شد.

پیک الگوی سنی باروری مادران در سال ۱۳۸۵، ۲۰ تا ۲۴ سال بوده که این رقم در سال ۱۳۹۰ به ۲۵ تا ۲۹ سال افزایش یافته است. بنابراین، الگوی

باروری مادران در سالهای اخیر تحت تأثیر مستقیم افزایش سن ازدواج بوده است... افزایش سن الگوی باروری مادران می تواند در میان ملت موجب کاهش نرخ موالید شده و به مرور میزان رشد جمعیت را به صفر و حتی منفی برساند» (همان).

بنابراین، یکی از مهم ترین گام ها در راه افزایش جمعیت کشور، زمینه سازی برای کاهش سن ازدواج و تسهیل تشکیل خانواده برای جوانان است. براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰، در حال حاضر بیش از هفده میلیون نفر جوان ۲۰ تا ۲۹ سال در کشور وجود دارند (سرشماری عمومی ۱۳۹۰) که اگر زمینه برای ازدواج آنها فراهم شود، می توان امیدوار بود که در سال های آینده جمعیت کشور به میزان قابل توجهی افزایش یابد. بنابراین، رسانه ملی برای تحقق رهنمودهای مقام معظم رهبری در زمینه افزایش جمعیت، باید یکی از راهبردهای اساسی خود را زمینه سازی برای تسهیل شرایط ازدواج جوانان در آستانه ازدواج قرار دهد و با اقدام های گوناگون برای تسهیل شرایط ازدواج جوانان زمینه سازی کند: برخی اقدام هایی که رسانه ملی در این زمینه می تواند انجام دهد به این شرح است:

۱. فرهنگ سازی برای کاستن سطح توقع جوانان و خانواده های آنان؛

۲. پرهیز از نشان دادن بی دلیل خانه ها و زندگی های اشرافی و پرتجمل در برنامه های نمایشی؛
۳. پرهیز از به تصویر کشیدن زندگی زوج های جوانی که برخلاف بسیاری از همسران جوان، نخستین روزهای ازدواج خود را در کمال رفاه و آسایش و بی هیچ نگرانی مالی تجربه می کنند؛
۴. ترویج قناعت و ساده زیستی و دوری از

زیاده خواهی و تجمل گرایی، با بهره گیری از قالب های اثرگذاری همچون فیلم ها و سریال های تلویزیونی؛

۵. برگزاری نشست های کارشناسی درباره دلایل و زمینه های بالا رفتن سن ازدواج؛
۶. برگزاری نشست های کارشناسی درباره پیامدهای بالا رفتن سن ازدواج (ر.ک: شفیعی سروستانی، ۱۳۹۱ الف، ص ۱۲۰-۱۸۱).

#### د. اصلاح نگرش و رفتار خانواده ها در زمینه

##### فرزندآوری

اجرای بیش از دو دهه سیاست تحدید موالید در کشور و اقدام های گوناگون فرهنگی - اجتماعی که در این زمینه انجام شد، موجب تغییر اساسی نگرش و رفتار خانواده ها در زمینه فرزندآوری شده است. امروز بیشتر زوج های جوان، دست کم در چند سال نخست زندگی، ضرورتی برای فرزنددار شدن احساس نمی کنند و فرزندداری را مزاحم تحصیل، اشتغال، رفاه و رشد و پیشرفت خود می دانند. به همین دلیل، آنها حتی اگر مشکل مالی هم نداشته باشند، حاضر به فرزنددار شدن نمی شوند. به همین دلیل، رسانه ملی برای تحقق سیاست افزایش جمعیت، ابتدا باید به اصلاح و تغییر بینش، نگرش و رفتار خانواده ها در زمینه فرزندآوری بپردازد و با برنامه ریزی دقیق و حساب شده و در بازه زمانی مشخص، بر هر سه حوزه شناختی، عاطفی و رفتاری مخاطبان با ارائه پیام های مناسب اثر بگذارد (همان، ص ۷۲-۱۸۰).

##### ه. ترویج فرهنگ اعتماد و خوش بینی به خداوند

آموزه های اسلامی، همواره مردم را به خوش بینی به خداوند و اعتماد و توکل بر او فرامی خوانند، تا جایی که



۱. جلوگیری از ترویج فرهنگ مادی‌گرایانه و رفاه‌طلبانه در فیلم‌ها، سریال‌ها، آگهی‌های بازرگانی؛  
۲. ترویج فرهنگ اعتماد، توکل و خوش‌بینی به خداوند با نمایش برنامه‌های کارشناسی، نمایشی، مستند، نماهنگ و... (ر.ک: شفيعی سروسرستانی، ۱۳۹۱ الف، ص ۸۰، ۱۱۲ و ۱۱۴).

و. اصلاح برداشت‌های نادرست درباره نقش «مادری» و «همسری» زنان

یکی از آثار پیامدهای ناگوار رواج اندیشه‌های فمینیستی، پدید آمدن برداشت‌های انحرافی درباره هویت زنانه بود. یکی از نویسندگان غربی در این باره می‌نویسد:

نیم قرن پیش، تعداد معدودی از زنان، زمینه ایجاد انقلابی فرهنگی و فلسفی را ایجاد کردند. آنها اعتقاد داشتند که زنان باید خود را از یوغ ستم مردان رها سازند و برای رسیدن به این هدف، کتاب‌ها نوشتند، مقالاتی منتشر کردند، در کالج‌ها تدریس کردند، در خیابان‌ها تظاهرات کردند، کنگره تشکیل دادند و بدین ترتیب، موفق شدند قلب و روح میلیون‌ها زن را تسخیر کنند. آنها برای آنچه مفهوم زن را دربر داشت، تعریفی جدید ارائه دادند و موجب تغییر دیدگاه‌های موجود درباره اولویت‌ها و مسئولیت‌های زنان در زندگی شدند. مفاهیمی چون زهد، پاکدامنی، اطاعت، خویشن‌داری و نجابت از واژه‌نامه ما حذف شد و واژه‌هایی چون انتخاب، طلاق، خیانت و امتیازات یکسان برای هر دو جنس، جای آنها را گرفت. دختران و نوه‌های حاصل از آن نسل، هرگز شیوه تفکر دیگری را نشناخته‌اند.

یکی از مخرب‌ترین اهداف و تأثیرات این دیدگاه

امام باقر (ع) از رسول اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمود: سوگند به آنکه جز او خدایی نیست، خیر دنیا و آخرت به مؤمنی ارزانی نمی‌شود، مگر به دلیل خوش‌گمانی و امیدواری او به خدا... سوگند به آنکه جز او خدایی نیست، هیچ بنده مؤمنی به خدا خوش‌گمان نمی‌شود، مگر اینکه خداوند در کنار گمان بنده مؤمنش حاضر می‌شود؛ زیرا خداوند کریم است و همه خیرها به دست اوست. او شرم می‌کند که بنده مؤمنش به وی خوش‌گمان شود، ولی او خلاف گمان بنده‌اش، عمل و امیدش را ناامید کند؛ پس به خداوند خوش‌گمان و به او امیدوار باشید» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۷۲).

قرآن کریم بر این خوش‌بینی، اعتماد و توکل، در تشکیل خانواده و فرزندان شدن بیشتر تأکید می‌کند. «بی‌همسران خود و غلامان و کنیزان درست‌کارتان را همسر دهید؛ اگر تنگدست‌اند، خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد و خدا گشایشگر و داناست» (نور: ۳۲).

«... و فرزندان خود را از بیم تنگدستی مکشید؛ ما شما و آنان را روزی می‌رسانیم» (انعام: ۱۵۱).

از رسول خدا (ص) چنین روایت شده است: «هرکس از بیم تنگدستی ازدواج را ترک کند، به پروردگار خود بدگمان شده است؛ زیرا خداوند می‌فرماید: "اگر تنگدست‌اند، خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد و خدا گشایشگر و داناست"» (مغربی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۹۱). بر این اساس، رسانه ملی برای از بین بردن یکی از موانع عینی و ذهنی تشکیل خانواده و فرزندان شدن، یعنی بیم از تنگدستی یا ناتوانی در تأمین رزق و روزی فرزندان، باید این سیاست‌ها را در پیش گیرد:

خانواده‌هایی پیردازد که با وجود داشتن فرزندان متعدد، به خوبی از عهده تعلیم و تربیت آنها برآمده و نسل شایسته‌ای را تحویل جامعه داده‌اند. این الگوسازی صرفاً در قالب برنامه‌های مستند قابل ارائه نیست، بلکه از قالب برنامه‌های نمایشی نیز می‌توان استفاده کرد (همان، ص ۹۳، ۱۰۱ و ۱۰۸).

#### ح. اصلاح نگرش زنان و دختران درباره بدن و زیبایی خود

در چند دهه اخیر با گسترش فعالیت جریان‌های فمینیستی در مغرب‌زمین و به موازات آن، تولید انبوه فیلم‌ها و سریال‌ها، انتشار گسترده مجلات مد و زیبایی، و گسترش تبلیغات بازرگانی رسانه‌ها، الگوی تازه‌ای از زیبایی و جذابیت، ابتدا در کشورهای غربی و به تدریج در سراسر جهان مطرح شده است که نماد بارز آن عروسک «باربی» است.

هوارد لاولین (Howard Lavine)، استاد دانشگاه ایالتی نیویورک، و استفان اچ. واگنر (Stephen H. Wagner)، استاد دانشگاه ایلینویس آمریکا، در پژوهشی که در زمینه تأثیر تبلیغات تلویزیونی بر گرایش‌ها و رفتارهای زنان غربی انجام داده‌اند، در این زمینه می‌نویسند:

ویژگی‌های قراردادی زیبایی زنان در فرهنگ غربی، در طول تاریخ با تغییرات زیادی مواجه بوده است؛ مثلاً اگرچه جذابیت‌های زنانه در دوره‌ای با داشتن اندام‌هایی چاق سنجیده می‌شد، اما ایده‌آل‌های کنونی فرهنگ ما، هم‌اینک زنانه با اندامی باریک و ترک‌های را می‌پسندد. محققان برای این فرضیه خود، به تصاویر نشریات عامه‌پسند آمریکایی دو قرن اخیر، مسابقات سالانه انتخاب ملکه زیبایی و مدل‌های به‌کارگرفته‌شده در

«جدید» نسبت به زنان، سبک شمردن ازدواج و مادری، و بیرون آوردن جسمی و روحی زنان از خانه‌ها به‌سوی بازارکار بود (دموس، ۱۳۸۷، ص ۷۱).

بنابراین، رسانه ملی باید با پرداختن به موضوع‌های ذیل، برداشت‌های نادرستی را که امروزه در اذهان برخی دختران جوان درباره نقش مادری و همسری زنان شکل گرفته است، اصلاح کند:

۱. معرفی زیبای دیدگاه اسلام درباره هویت زنانه و نقش و جایگاه مادری و همسری؛
۲. بیان روایات واردشده در شأن زنان باردار، از لحظه بسته شدن نطفه تا زایمان؛
۳. تبیین نقش فرزندان صالح در سعادت اخروی پدران و مادران؛
۴. تبیین و توضیح مفاهیم رفاه، آسایش و سعادت در دو نگاه مادی و دینی؛
۵. نقد و بررسی دیدگاه‌های فمینیستی در زمینه نقش مادری و همسری؛
۶. بررسی آثار و پیامدهای رواج این دیدگاه‌ها در مغرب‌زمین (ر.ک: شفیع سروسرستانی، ۱۳۹۱ الف، ص ۱۲۷-۱۸۰).

#### ز. الگوسازی از خانواده‌های موفق پرجمعیت

یکی از اقدام‌های رسانه ملی در سال‌های حاکمیت سیاست تحدید موالید، نشان دادن تصویری نامطلوب از خانواده‌های پرجمعیت بود. در برخی سریال‌هایی که در آن، رفتار زنان در قالب طنز به نمایش درمی‌آمد، نشان داده می‌شد که تعدد فرزندان چه گرفتاری‌ها و مشکلاتی برای پدر و مادرشان پدید می‌آورد. در حال حاضر رسانه ملی باید با اصلاح این رویکرد، به شناسایی و معرفی

تبلیغات تجاری اشاره می‌کنند که در این دوره روزه‌روز لاغرتر شده‌اند. در عین حال، در این سال‌ها، با محبوب‌تر شدن ایده ترکه‌ای و لاغر بودن، نارضایتی زنان از اندام‌هایشان و بی‌نظمی آنان در برنامه صرف غذا، با روندی افزایشی روبه‌رو شده است (لاوین و واگنر، ۱۳۸۷).

تبلیغات گسترده برای معرفی زنان ترکه‌ای و لاغراندام به‌عنوان الگوهای زیبایی و جذابیت، در شرایطی صورت می‌گیرد که بسیاری از کارشناسان، دست یافتن به این الگوها را برای بسیاری از زنان غیرممکن می‌دانند. روبین برگر نویسنده آمریکایی، در این باره می‌نویسد: «شاید آزاردهنده‌ترین حقیقت این باشد که تصاویر زنان زیبا در رسانه، برای همه زنان بجز شمار بسیار اندکی از ایشان دست‌نیافتنی است» (برگر، ۱۳۹۰). بر اساس این الگوی تازه، بسیاری از زنان و دختران در پی این برآمده‌اند که به هر قیمت، اندامی کشیده و استخوانی به سبک عروسک باربی داشته باشند و خود را به مدل‌های مد و زیبایی که رسانه‌های غربی تبلیغ می‌کنند، نزدیک‌تر کنند. با ایجاد این نگرش جدید درباره بدن و زیبایی در دختران، یکی از موضوع‌هایی که مغایر با فرهنگ باربی شدن تلقی شد، بارداری و بچه‌دار شدن بود؛ متأسفانه این نگرش با گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای، به‌تدریج در کشور ما نیز رواج یافت و موجب شد برخی زنان از بیم از دست دادن تناسب اندام، از بچه‌دار شدن یا شیردادن نوزادان خود خودداری کنند. از این رو، رسانه ملی باید با تولید برنامه‌های متنوع و اثرگذار، برای اصلاح نگرشی که در میان برخی زنان و دختران درباره بدن و زیبایی خود پدید آمده است، اقدام کند. برخی اقدام‌هایی که رسانه ملی در این زمینه

می‌تواند انجام دهد، به شرح زیر است:

۱. نقد و بررسی الگوهای غربی مد، زیبایی و جذابیت، و روشن کردن اهداف پنهان و آشکار این الگوپردازی‌ها برای زنان و دختران ایرانی؛
۲. معرفی برخی هنرپیشگان مطرح سینمای هالیوود، که با وجود داشتن زیبایی ظاهری، از بچه‌دار شدن نیز غافل نشده‌اند؛
۳. ترویج ورزش‌ها و نرمش‌هایی که می‌تواند به زنان، در حفظ زیبایی اندام خود پس از زایمان کمک کند (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۱ الف، ص ۹۱ و ۱۶۹).

#### ط. افشای طرح‌های نظام سلطه برای کاهش

##### جمعیت جهان

سال‌هاست سران «مجامع مخفی» جهانی، مانند مؤسسه سلطنتی امور بین‌الملل، شورای روابط خارجی، جامعه بیلدربرگرها، کمیسیون سه‌جانبه، فراماسونری، باشگاه رم و کمیته ۳۰۰، با طرح‌ها و برنامه‌های گوناگون زمینه نفوذ و اقتدار نظام سلطه بر مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ملل جهان را فراهم آورده، سرنوشت ملت‌ها و کشورهای مستقل جهان را به میل و اراده خود تغییر می‌دهند (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۱ ب). یکی از مصادیق آشکار مداخله مجامع مخفی در سرنوشت ملت‌های دیگر موضوع کاهش و کنترل جمعیت جهان است. این مجامع با هدف گسترش سلطه خود بر جهان، از سال‌ها پیش موضوع کاهش جمعیت جهان را در دستور کار قرار داده‌اند. جان کولمن (John Coleman)، نویسنده و پژوهشگر مجامع، که پیشتر از جاسوسان حرفه‌ای سرویس‌های مخفی بریتانیا بوده است، هنگام برشمردن هدفهای گروه‌های پنهان می‌نویسد: آنها بر

مراقبت‌های بهداشتی باروری بهتر، فکر می‌کنیم که بتوانیم این میزان رشد را به ۸/۳ میلیارد نفر کاهش دهیم؛ یعنی گیتس در حال برنامه‌ریزی برای مشارکت کردن در قتل بیشتر از یک میلیارد انسان است (گوانزالز، ۱۳۹۰).

مایکل اسنایدر - پژوهشگر و تحلیلگر مسائل سیاسی - نیز دربارهٔ تصمیم نخبگان جهانی برای کنترل جمعیت جهان می‌نویسد: از نظر من و شما، شاید خلاص شدن از ۹۰ درصد جمعیت جهان کاری جنون‌آمیز باشد، اما هرچه می‌گذرد، این اجماع در بین نخبگان جهانی بیشتر می‌شود که رسیدن به چنین هدفی به نفع سیاره زمین است (اسنایدر، ۱۳۹۰).

تد ترنر (Ted Turner)، مؤسس سی.ان.ان نیز می‌گوید: «جمعیتی ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون نفری، یعنی کاهشی ۹۵ درصدی از میزان فعلی، جمعیتی آرمانی است.» همچنین، دیوید فورمن (D. Forreman)، یکی از مؤسسان ارث فرست، می‌گوید: کاهش جمعیت جهان به صد میلیون نفر، یکی از سه هدف عمده اوست: «سومین هدف اصلی من، کاهش دادن جمعیت جهان به حدود صد میلیون نفر، نابود کردن زیرساخت‌های صنعتی و توجه به حیات وحش با تمام گونه‌های حیات آن خواهد بود.»

میخائیل گورباچف نیز تصور می‌کند کاهش ۹۰ درصدی جمعیت جهان، فکری کاملاً درست است: «ما باید به روشنی دربارهٔ مسائل جنسی، جلوگیری از بارداری، سقط جنین و درباره ارزش‌های کنترل جمعیت سخن بگوییم؛ چراکه بحران زیست‌محیطی در کوتاه‌مدت، بحران جمعیت است. اگر جمعیت جهان را تا ۹۰ درصد کاهش دهید، دیگر تعداد زیادی انسان باقی نخواهد ماند تا آسیب‌های

این باورند که برای تحقق «مسئولیت آسمانی» که بر عهده آنان گذارده شده است، باید «از راه ایجاد جنگ‌های محدود و موضعی در کشورهای پیشرفته و به وجود آوردن گرسنگی و بیماری در کشورهای جهان سوم، موجبات مرگ حدود سه میلیارد انسانی را که اصطلاحاً "مصرف‌کنندگان بی‌مصرف" نامیده‌اند، فراهم شود. تا سال ۲۰۵۰ جمعیت ایالات متحده باید در حد یکصد میلیون نفر کاهش یابد» (کولمن، ۱۳۸۰، ص ۲۶).

سروان‌دوگونزالز (Servando Gonzalez)، نویسندهٔ کوبایی - آمریکایی، نشانه‌شناس و تحلیلگر اطلاعاتی، در مقاله‌ای به بررسی تلاش «باشگاه میلیونرها»ی آمریکایی برای کاهش جمعیت جهان می‌پردازد و می‌نویسد: در پنجم می ۲۰۰۹، تعدادی از بدنام‌ترین اعضای «باشگاه میلیونرها» - دیوید راکفلر، بیل گیتس، تد ترنر، اپرا وینفری، وارن بافت، جرج سوروس، الی براود، پیترو جی. پترسون، پتی استونس فایر، جان مورگریده، مایکل بلومبرگ و تعدادی از میلیونرهای دیگر - مخفیانه در اقامتگاه سر پل نرس، رئیس دانشگاه راکفلر را در منهنن ملاقات کردند... یک روزنامه بزرگ انگلیسی، به نقل از یک فرد ناشناس که در این جلسه شرکت داشته است، گزارش کرد که در این جلسه «بر سر این نکته اجماع شد که آنها باید به راهبردی روی آورند که در آن، از رشد جمعیت به‌منزلهٔ یک تهدید زیست‌محیطی، اجتماعی و صنعتی بالقوه فاجعه‌بار جلوگیری شود»... گیتس در این کنفرانس گفته است: «پیش‌بینی‌های رسمی نشان می‌دهند که جمعیت جهان به ۹/۳ میلیارد نفر خواهد رسید (به نسبت ۶/۶ میلیارد فعلی)، ولی با ابتکارهای خیریه، نظیر

ی. ایجاد حساسیت درباره بحران‌ها و آسیب‌های

#### ناشی از کاهش جمعیت

نتایج پیش‌بینی‌های سال ۲۰۱۰ سازمان ملل متحد درباره تحولات باروری نشان می‌دهد که براساس هر سه سناریو (پایین، متوسط و بالا)، تا سال ۱۴۲۰ سطح باروری ایران به سطح جانشینی افزایش نخواهد یافت. بر اساس همین پیش‌بینی، در صورت ادامه روند کنونی کاهش باروری براساس سناریوی حد پایین، جمعیت ایران تا سال ۱۴۳۰ به حدود ۷۳ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۳۸/۵ درصد، در سال ۱۴۴۵ به حدود ۶۱ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۴۷/۵ درصد، و تا سال ۱۴۸۰ به حدود ۳۱ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۴۷/۴ درصد کاهش خواهد یافت. همچنین در صورت تحقق الگوی رشد متوسط، جمعیت ایران تا سال ۱۴۴۵ به حدود ۷۹ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۳۶/۹ درصد، سپس تا سال ۱۴۸۰ به ۶۲ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۳۴/۷ درصد کاهش خواهد یافت (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۱). در صورت تحقق این پیش‌بینی‌ها، کشور ما با مسائل و چالش‌های گوناگونی روبه‌رو خواهد شد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. چالش‌های جمعیتی: بحران میزان باروری و تجدید نسل، کاهش حجم کل جمعیت ملی، بحران کاهش نیروی در سن کار، بحران سالمندی جمعیت و افزایش مهاجرت‌های بین‌المللی و تغییرات هویتی و فرهنگی، از مهم‌ترین مصادیق چالش‌های جمعیتی به‌شمار می‌آیند.

۲. چالش‌های فرهنگی - اجتماعی: مهم‌ترین چالش‌های فرهنگی - اجتماعی ناشی از کاهش ناگهانی رشد

زیست‌محیطی جدی به زمین وارد آورد» (همان).

در نشست سال ۲۰۱۱ بیلدر برگ، که از ۹ تا ۱۲ ژوئن (۱۹ تا ۲۲ خرداد ۱۳۹۰)، با حضور آندرس فوگ راسموسن دبیرکل ناتو، خواکین آلمونیا معاون رئیس کمیسیون اروپا، خاویر سولانا مسئول سابق سیاست خارجی اتحادیه اروپا، ژان کلود تریشه رئیس بانک مرکزی اروپا، رابرت زولیک رئیس گروه بانک جهانی، هنری کیسینجر مشاور سابق امنیت ملی آمریکا، بیل گیتس رئیس سابق مایکروسافت، رابرت گیتس وزیر دفاع سابق آمریکا، دیوید راکفلر رئیس سابق بانک منهن، میچلت وایت مدیرمسئول هفته‌نامه اکونومیست، آنجلا مرکل صدراعظم آلمان، جورما اولیلا رئیس شرکت نفتی رویال داج شل، جرج دیوید رئیس شرکت کوکاکولا، ملکه هلند، هاگان ولیعهد نروژ، پیتربرایک لتما رئیس شرکت نستله، سوفیا ملکه اسپانیا، خوزه لوییز زاپاترو نخست‌وزیر اسپانیا و... در «سنت موریس» سوئیس برگزار شد، بر موضوع افزایش جنگ و کشتار به‌ویژه در منطقه خاورمیانه به منظور کاهش جمعیت رو به افزایش جهان تأکید شد (bilderbeg 2011.com).

با توجه به مطالب یادشده، ضروری است رسانه ملی موضوعات ذیل را در دستور کار خود قرار دهد:

۱. تبیین و تشریح طرح‌ها و برنامه‌های مجامع مخفی وابسته به نظام سلطه برای کاهش جمعیت جهان (کیث، ۱۳۸۸)؛

۲. بررسی راهکارهای رسانه‌ای مقابله با طرح‌ها و برنامه‌های یادشده؛

۳. بررسی و تبیین نقش ملت ایران در خنثی‌سازی طرح‌ها و برنامه‌های مجامع مخفی جهانی.

جمعیت عبارتند از: بحران ساختاری خانواده، شکاف‌های نسلی بر اثر به هم خوردن توازن جمعیت نسل‌ها، کاهش چترهای حمایتی خانواده از سالمندان، و کاهش تدریجی سرمایه اجتماعی.

۳. چالش‌های اقتصادی: از نگاه جمعیت‌شناختی، جمعیت در حال رشد و جوان، احتیاج بیشتری به کالا و خدمات دارد. به همین دلیل، در جامعه در حال رشد، تقاضا برای امکانات مسکن، املاک و مستغلات افزایش می‌یابد، ولی با کاهش سطح باروری و کم شدن جمعیت، جمعیت متقاضی کالاهای اساسی از جمله مسکن و امکانات رفاهی کاهش خواهد یافت. این موضوع زمینه‌ساز ایجاد بحران اقتصادی در جامعه خواهد بود (دارابی و دیگران، ۱۳۹۱).

۴. چالش‌های سیاسی - امنیتی: کاهش جمعیت جوان، به معنای کم شدن تعداد نیروهای توانمند برای دفاع از اقتدار، امنیت و تمامیت ارضی کشور است. این موضوع برای کشوری با ویژگی‌های نظام جمهوری اسلامی ایران، که همواره در معرض تهدیدهای فزاینده نظام سلطه و جهان استکبار است، بسیار خطرناک است (همان). از این رو، رسانه ملی باید در سیاستگذاری‌های خود در زمینه فرهنگ‌سازی برای افزایش جمعیت، به موضوع‌های ذیل توجه جدی کند:

۱. بررسی دقیق و کارشناسی بحران‌ها، آسیب‌ها و چالش‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی ناشی از کاهش جمعیت؛

۲. تبیین درست و مناسب آثار و پیامدهای این بحران‌ها برای مردم (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۱، ص ۷۹-۱۶۱).

۵. سیاست‌های رسانه ملی: برای تحقق کامل راهبردهای یادشده، رسانه ملی باید سیاست‌های ذیل را در دستور کار خود قرار دهد:

الف. اقناع مدیران و برنامه‌سازان رسانه ملی درباره سیاست جدید جمعیتی: بی‌تردید، مدیران و برنامه‌سازان رسانه ملی، آن‌گاه می‌توانند نقش خود را در زمینه فرهنگ‌سازی برای تحقق سیاست جمعیتی نظام اسلامی به خوبی ایفا کنند که خود درباره این سیاست جدید متقاعد شده، درباره آن به شناخت و باور قلبی رسیده باشند. در غیر این صورت برنامه‌های تولیدی آنها صرفاً جنبه سفارشی و دستوری خواهد داشت و اثر چندانی بر مخاطب نخواهد گذاشت.

بنابراین، سازمان صداوسیما در گام نخست به سوی فرهنگ‌سازی برای افزایش جمعیت، باید با برگزاری همایش‌ها و نشست‌های علمی و تخصصی، مدیران گروه‌های برنامه‌ساز، تهیه‌کنندگان، کارگردانان و پژوهشگران و نویسندگان خود را در این زمینه توجیه کند و به پرسش‌ها و ابهام‌های آنها در این زمینه پاسخ دهد (همان، ص ۱۰۲ و ۱۰۳).

ب. بهره‌گیری از رویکرد القای غیرمستقیم پیام: با توجه به مشکلات گوناگونی که در حال حاضر در زمینه اشتغال، ازدواج، مسکن، تأمین هزینه‌های زندگی و... در جامعه ما وجود دارد، بهره‌گیری از پیام‌های مستقیم در زمینه ضرورت افزایش جمعیت، اثر مثبت چندانی ندارد، و چه‌بسا موجب عکس‌العمل‌های منفی شود. از این رو در تبلیغ و ترویج سیاست جدید جمعیتی کشور، باید از روش القای غیرمستقیم پیام استفاده کرد؛ پیام‌هایی که بیشتر ناظر به آثار و پیامدهای منفی کم شدن زادوولد برای خانواده و اجتماع است.

برخی موضوع‌ها در این زمینه به شرح ذیل است:

۱. آثار و پیامدهای نامطلوب پیرشدن جمعیت؛
۲. ضرورت وجود ارتباط‌های خویشاوندی

گونگون جامعه، به‌ویژه اقشار فرهیخته و تحصیل‌کرده را به برداشتی مشترک در این‌باره برساند. برخی اقدام‌هایی که رسانه ملی در این زمینه می‌تواند انجام دهد، به شرح ذیل است:

۱. برگزاری نشست‌های کارشناسی در زمینه نقد و بررسی سیاست جمعیتی نظام اسلامی؛
۲. برگزاری نشست‌های کارشناسی در زمینه دلایل و بسترهای رهنمود رهبری در زمینه ضرورت تغییر سیاست جمعیتی؛
۳. برگزاری نشست‌های کارشناسی درباره آثار مثبت و منفی افزایش جمعیت؛
۴. برگزاری نشست‌های کارشناسی درباره آسیب‌ها و موانع موجود در زمینه بهره‌برداری از ظرفیت جمعیت جوان کشور برای رشد و توسعه و بالندگی نظام اسلامی (ر.ک: همان، ص ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۸۷).

د. اصلاح رویکرد رسانه در بازنمایی خانواده: در سال‌های اخیر، چند رویداد مهم در عرصه بازنمایی خانواده در رسانه رخ داده است:

۱. کوچک شدن بُعد خانواده: در بیشتر برنامه‌های نمایشی، خانواده‌هایی به تصویر کشیده می‌شوند که یا فرزندی ندارند، یا حداکثر یک یا دو فرزند دارند؛
۲. حذف کودک از موضوع داستان‌ها و برنامه‌های نمایشی: در حال حاضر، کمتر برنامه نمایشی وجود دارد که در آن، گره‌تعلیق داستان بر محور کودک باشد؛
۳. حذف درگیری و اختلاف کودکان از برنامه‌های نمایشی: در پی کوچک شدن بُعد خانواده‌ها در برنامه‌های نمایشی، موضوع اختلاف‌ها و درگیری‌های کودکان در کانون خانواده، که نقش مهمی در جامعه‌پذیر شدن کودکان دارد، از

(عمو، عمه، دایی، خاله) برای رشد عاطفی فرزندان؛

۳. جایگاه و نقش تعدد فرزندان در جامعه‌پذیری و توانمند شدن آنها برای مقابله با مسائل و مشکلات؛

۴. آثار و پیامدهای تنها شدن پدر و مادرها در سنین پیری؛

۵. آثار و برکات دنیوی و اخروی تربیت فرزندان صالح؛

۶. نقش فرزندان در افزایش نشاط و سرزندگی خانواده‌ها؛

۷. نقش زایمان و فرزندآوری، در سلامت جسمی و روحی بانوان؛

۸. بررسی مسائل و مشکلات خانوادگی و اجتماعی جوامع غربی، که دچار کاهش یا رشد منفی جمعیت شده‌اند (ر.ک: همان، ص ۷۳-۱۸۲).

ج. زمینه‌سازی برای ایجاد وفاق اجتماعی در زمینه ضرورت افزایش زادوولد: در حال حاضر، در میان کارشناسان و مردم عادی، در زمینه ضرورت افزایش زادوولد اتفاق نظر وجود ندارد. بنابراین، نمی‌توان صرفاً با بهره‌گیری از اهرم رهنمودهای مقام معظم رهبری، به تبلیغ و ترویج سیاست جدید جمعیتی پرداخت، بلکه باید با ایجاد فضای بحث و گفت‌وگوهای کارشناسانه و بررسی جوانب گوناگون موضوع، زمینه را برای ایجاد وفاق اجتماعی در این زمینه فراهم کرد.

رسانه ملی باید با پرهیز از برخورد احساسی و شعاری با موضوع، برای ایجاد فضای آزاد بحث و گفت‌وگوی پژوهشگران و کارشناسان حوزه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم تربیتی، حقوق، اقتصاد و سیاست، درباره آثار مثبت و منفی افزایش جمعیت، از همه ظرفیت‌های خود استفاده کند و با مدیریت مناسب این بحث و گفت‌وگوها، قشرهای

برنامه‌های نمایشی حذف شد؛

۴. کاهش تعداد یا حذف کلی بستگان نسبی از فضای برنامه‌های نمایشی، در بیشتر فیلم‌ها و سریال‌هایی که در سال‌های اخیر در رسانه ملی پخش شده است، یا به‌طور کلی از بستگان نسبی، اعم از عمو، عمه، دایی و خاله خبری نیست، یا حداکثر به نمایش یک یا دو نفر از این بستگان بسنده شده است. در مجموع، رسانه ملی با این بازنمایی از خانواده اولاً، خانواده بدون فرزند یا حداکثر با یک یا دو فرزند را تبدیل به هنجاری پذیرفته‌شده کرده است. ثانیاً، احساس نیاز به داشتن بستگان نسبی را از بین برده و مردم را متقاعد کرده است که نداشتن عمو، عمه، دایی و خاله هیچ مشکلی برای افراد جامعه ایجاد نمی‌کند. درحالی‌که امروزه ضرورت‌ها و کارکردهای بسیار مهم خویشاوندان برای رشد روحی و عاطفی فرزندان یک خانواده، کاملاً به اثبات رسیده است. بنابراین، رسانه ملی در راستای اصلاح سیاست‌های جمعیتی نظام جمهوری اسلامی، باید در بازنمایی‌های خود از خانواده تجدیدنظر کند. افزون بر اصلاح اشتباه‌های گذشته، در برنامه‌های خود به این سیاست‌ها توجه کند:

۱. روایت داستان‌های شیرین و جذاب از زندگی خانواده‌های پرجمعیت؛

۲. نشان دادن بچه‌ها به شکل عامل شادی و نشاط فضای خانه‌ها؛

۳. به تصویر کشیدن نقش مهم بستگان نسبی در رشد روحی و عاطفی فرزندان (ر.ک: همان، ص ۷۳-۱۸۰).

ه توجه دقیق به سازوکارهای «فرهنگ‌سازی»: هرچند بحث از «فرهنگ‌سازی» بسیار شنیده می‌شود و مسئولان و کارشناسان برای حل مسائل و مشکلات

گوناه‌گونی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، بر ضرورت «فرهنگ‌سازی» تأکید می‌کنند، اما هنوز سازوکارهای فرهنگ‌سازی و لوازم و بایسته‌های آن شناخته نشده است.

بنابراین، رسانه ملی ضمن توجه به ضرورت فرهنگ‌سازی برای افزایش جمعیت، باید به سازوکارها و لوازم فرهنگ‌سازی به‌طور دقیق توجه کند و با بهره‌گیری از کارشناسان مختلف، به‌ویژه روان‌شناسان اجتماعی شیوه‌ها و روش‌های درست فرهنگ‌سازی را در برنامه‌های اصلاح سیاست جمعیتی به کارگیرد (همان، ص ۷۲، ۷۷ و ۱۳۳).

و. پرهیز از بهره‌گیری مستقیم از روحانیت، برای تغییر سیاست جمعیتی: مبلغان مذهبی، به‌ویژه در سال‌های آغاز اجرای سیاست تحدید موالید، نقش مهمی در تبلیغ و ترویج این سیاست، به‌ویژه در روستاها و مناطق دورافتاده کشور داشتند. در پی ارائه دیدگاه‌های کارشناسان و مسئولان کشور در زمینه ضرورت کنترل جمعیت و تحلیل‌هایی که آنها در زمینه پیامدهای ناگوار رشد جمعیت در سال‌های آینده ارائه می‌دادند، روحانیان و نهادهای مذهبی، با احساس تکلیف و مسئولیت در برابر نظام اسلامی، به فرهنگ‌سازی در زمینه تحدید موالید، با بهره‌گیری از متون دینی پرداختند و به تدریج، این باور را در مردم ایجاد کردند که کنترل جمعیت و استفاده از انواع وسایل پیشگیری از حاملگی، با آموزه‌های دینی هیچ ناهماهنگی ندارد (علیی، ۱۳۸۴؛ طلعتی، ۱۳۸۳، ص ۸۶-۱۴۸).

اما در حال حاضر که سیاست جمعیتی نظام جمهوری اسلامی با توجه به مصالح موجود، تغییر کرده است، شایسته نیست که بار دیگر از روحانیان و نهادهای مذهبی برای تبلیغ و ترویج مستقیم سیاست



بردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه و بخصوص افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم‌التعلیم» (قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۳۶۸) و «اعتلای موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی اجتماعی جامعه و خانواده» (همان) اثر مستقیم و بلندمدت داشتند.

بی‌تردید، تغییر و اصلاح طرح‌ها و برنامه‌های دارای اثر مستقیم، چندان دشوار نیست. می‌توان با اصلاح برخی قوانین و آئین‌نامه‌ها در کوتاه‌مدت به آن دست یافت؛ ولی اصلاح و دگرگون کردن طرح‌ها و برنامه‌های بلندمدت دارای اثر غیرمستقیم، به راحتی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا آنها در طول بیش از دو دهه موجب تغییر گسترده در مناسبات فردی، خانوادگی و اجتماعی جامعه ما شده و سبک زندگی ویژه‌ای را در میان اقشار گوناگون جامعه، به‌ویژه زنان رواج داده‌اند و به همین دلیل تغییر آنها نیازمند کار فرهنگی گسترده و طولانی مدت است.

بنابراین، رسانه ملی باید با برنامه‌ریزی دقیق و حساب‌شده، زمینه را برای اصلاح برخی تغییرهایی که در سال‌های اخیر و در پی اجرای طرح‌ها و برنامه‌های تحدید موالید، به‌ویژه در سبک زندگی زنان جامعه ما پدید آمده است، آماده کند؛ تغییرهایی چون گرایش گسترده دختران به تحصیلات دانشگاهی، بدون توجه به ویژگی‌های جنسیتی و نیازهای جامعه، ارزش تلقی شدن اشتغال بانوان و بی‌توجهی به نقش مهم و اثرگذار مادری و همسری آنان. از این رو، رسانه ملی، شایسته است این سیاست‌ها را در برنامه‌های خود در پیش گیرد:

۱. الگوسازی در زمینه شغل‌های مناسب بانوان، با

افزایش جمعیت استفاده شود؛ زیرا این کار موجب خدشه‌دار شدن جایگاه و شأن روحانیان و نهادهای مذهبی و حتی آموزه‌های دینی در نزد مردم می‌شود و اعتماد آنها به علمای دینی و مبلغان مذهبی را از بین می‌برد. بنابراین، بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و مبلغان مذهبی برای نهادینه ساختن سیاست افزایش جمعیت، صرفاً باید به حوزه القای غیرمستقیم پیام و پرداختن به مباحثی چون ضرورت و اهمیت ازدواج، تشکیل خانواده، صلح‌رحم، پیوندهای خویشاوندی و همچنین آثار و برکات دنیوی و اخروی فرزندان صالح برای پدر و مادرها محدود شود (ر.ک: شفیع سروستانی، ۱۳۹۱، ص ۷۴-۱۹۱).

#### ۲. زمینه‌سازی برای اصلاح طرح‌ها و برنامه‌های ناظر به

**تحدید موالید:** در سال‌های حاکمیت سیاست تحدید موالید، طرح‌ها و برنامه‌های گوناگونی برای کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت و باروری عمومی زنان اجرا شد که برخی از آنها اثرگذاری مستقیم و کوتاه‌مدت، و برخی دیگر اثرگذاری غیرمستقیم و بلندمدت داشتند. طرح‌ها و برنامه‌هایی چون «لغو کلیه مقررات مشوق رشد جمعیت و اتخاذ تدابیر متناسب با سیاست تحدید موالید کشور» (قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۳۶۸) یا غیرقابل محاسبه و اعمال تلقی شدن «کلیه امتیازاتی که در قوانین بر اساس تعداد فرزندان یا عائله پیش‌بینی و وضع شده‌اند، در مورد فرزندان چهارم و بعد» (قانون تنظیم خانواده و جمعیت، ۱۳۷۲) یا «ترویج انواع روش‌های پیشگیری از بارداری» و «عرضه رایگان وسایل پیشگیری از بارداری در مراکز بهداشتی»، دارای اثر مستقیم و کوتاه‌مدت بودند و طرح‌ها و برنامه‌هایی مانند «بالا

داشتن وضع نسبتاً مطلوب اقتصادی و دارا بودن شغل، درآمد، مسکن و خودروی مناسب، همچنان از زیر بار فرزنددار شدن شانه خالی، و همواره آن را به فرصتی دیگر که وضع بهتر شود، موکول می‌کنند. این موضوع، نشان می‌دهد که در جامعه ما، بیش و پیش از آنکه واقعیت وضع اقتصادی خانواده‌ها مانع فرزنددار شدن باشد، تصور آنها از وضع اقتصادی مطلوب، مانع این موضوع است.

بنابراین، رسانه ملی باید با درپیش گرفتن سیاست‌های ذیل و با بهره‌گیری مناسب از ابزار برنامه‌های نمایشی، به تدریج سطح توقع و انتظار مردم از زندگی را متعادل کند:

۱. پرهیز از نشان دادن فیلم‌ها و سریال‌هایی که به تجمل‌گرایی در جامعه دامن می‌زنند؛
۲. نشان دادن سریال‌هایی که داستان آنها در فضاهایی ساده و بدون تجمل، ولی سرشار از امید و نشاط رخ می‌دهد (ر.ک: همان، ص ۱۲۰-۱۷۸).

ط. زمینه‌سازی برای تحقق مصوبه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی: شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲، شش راهبرد ملی در زمینه جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن، متناسب با آموزه‌های اسلامی و اقتضائات راهبردی کشور پیش‌بینی کرده است که بندهای ۱ و ۳ آن به‌طور مستقیم به سازمان صداوسیما ارتباط دارد. این سازمان باید همه توان خود را در راه تحقق آنها به کار گیرد؛ ولی این بدان معنا نیست که رسانه ملی هیچ وظیفه‌ای در زمینه تحقق سایر بندهای راهبرد یادشده به عهده ندارد. بی‌تردید، رسانه ملی می‌تواند با نظارت بر عملکرد دستگاه‌های مختلف سیاستگذار و اجرایی، بازتاب فعالیت آنها و همچنین

توجه به ویژگی‌های روحی و توانمندی‌های جسمی آنان؛

۲. اصلاح بینش و نگرش دختران درباره آموزش عالی و تبیین ضرورت تناسب رشته‌ها و گرایش‌های آموزش عالی با ویژگی‌ها و نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زنان؛

۳. فرهنگ‌سازی در زمینه اهمیت و ارزش نقش همسری و مادری و کار خانگی زنان، در مقایسه با مشاغل اجتماعی و کارهای اقتصادی؛

۴. الگوسازی از زندگی بانوان موفق که در عین همسررداری، به تحصیل خود هم ادامه داده‌اند؛

۵. تبیین مفهوم حضور و مشارکت اجتماعی زنان و تفاوت این مفهوم با اشتغال و درآمدزایی (ر.ک: شفیعی سروستانی، ۱۳۹۱، ص ۷۲-۱۸۸).

ح. تعدیل سطح توقع و انتظار مردم از زندگی: بسیاری از خانواده‌ها، مسائل و مشکلات اقتصادی و هزینه بالای تأمین مخارج خوراک، پوشاک، بهداشت، آموزش، تفریح و سرگرمی کودکان را عامل بچه‌دار نشدن خود اعلام می‌کنند و معتقدند که همسران تا به وضعیت اقتصادی مطلوب نرسند، نباید به فرزندآوری اقدام کنند. این مطلب، شاید تا حدی و درباره بخشی از خانواده‌ها درست باشد؛ ولی در درستی کلیت آن به چند دلیل تردید جدی وجود دارد:

۱. وضع اقتصادی مطلوبی که بسیاری از خانواده‌ها در پی آن هستند، براساس حداقل انتظارات از زندگی تعریف نشده است. عموم مردم به دلیل رواج فرهنگ تجمل و رفاه‌طلبی و بالا رفتن سطح توقع از زندگی، وضع اقتصادی مطلوب را مترادف با فراهم شدن همه امکانات، شامل درآمد بالا، خانه ملکی، خودرو، لوازم زندگی کامل و... می‌دانند.

۲. تعداد قابل توجهی از همسران جوان، با وجود

مطالبه مستمر از مسئولان کشور، زمینه‌ساز تحقق هرچه بیشتر راهبردهای مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی شود.

ی. پرهیز از هرگونه شتابزدگی و سطحی‌نگری: یکی از شروط مهم موفقیت رسانه ملی در ایفای رسالت و مسئولیتی که در زمینه تغییر جمعیتی نظام جمهوری برعهده دارد، اقدام همراه با تدبیر، دوراندیشی و میانه‌روی و پرهیز از هرگونه شتابزدگی، سطحی‌نگری و روش‌های تبلیغی رسانه‌ای مبتنی بر تکرار و تهاجم است. موضوع افزایش جمعیت، کاملاً به موضوع تغییر سبک زندگی مردم وابسته است. به همین دلیل، برای تحقق آن ابتدا باید به اقناع اقشار گوناگون جامعه، به‌ویژه نخبگان، فرهیختگان و اقشار تحصیل‌کرده پرداخت. از این رو، هرگونه شتابزدگی، سطحی‌نگری و اقدام‌های صرفاً شعاری، رسانه ملی را از ایفای رسالت و مسئولیت واقعی خود ناکام گذاشته و پیام‌های رسانه را خنثی می‌کند. بنابراین، رسانه ملی باید با برنامه‌ای دقیق و حساب‌شده و با شیبهی منطقی و ملایم، موضوع ضرورت افزایش جمعیت را در دستور کار خود قرار دهد و تلاش می‌کند تا به تدریج اقشار گوناگون جامعه را با سیاست جدید جمعیتی نظام جمهوری اسلامی همراه و هم‌آوا سازد (ر.ک: همان، ص ۱۰۰-۱۸۲).

### نتیجه‌گیری

کاهش شدید و نگران‌کننده روند رشد جمعیت کشور در سال‌های اخیر، بیش از آنکه ناشی از برخی سیاست‌ها و اقدام‌های اجرایی دستگاه‌های دولتی باشد، ناشی از تحولات ساختاری گسترده جامعه ایران، تغییر سبک زندگی مردم و تسلط گفتمان

فردگرایانه و مصرف‌گرایانه بر جامعه ما بوده است. البته برخی سیاست‌های غیرمستقیم جمعیتی، که در دو دهه گذشته با هدف کاهش سطح باروری در کشور در پیش گرفته شد، مانند «افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم‌التعلیم» و «افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی - اجتماعی جامعه» در تغییر سبک زندگی در ایران و شکل گرفتن کاهش باروری بی‌تأثیر نبوده است. به همین دلیل، برای تحقق سیاست جدید جمعیتی نظام جمهوری اسلامی و افزایش روند رشد جمعیت کشور، به جای دل بستن به برخی اقدام‌های مقطعی، سطحی و کم‌تأثیر همچون دادن سکه یا افزایش مدت مرخصی زایمان، باید در پی اصلاح تدریجی سبک زندگی مردم و تغییر گفتمان شکل گرفته در جامعه بود.

بی‌تردید، برای محقق شدن این امر، باید از همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سازمان‌ها و نهادهای فرهنگ‌ساز جامعه استفاده کرد. در این میان، رسانه ملی به دلیل نقش مهم و بی‌بدیلی که در مدیریت و هدایت فرهنگ و افکار عمومی جامعه دارد و به دلیل گستردگی دامنه نفوذ و تأثیرگذاری آن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

رسانه ملی برای ایفای شایسته وظیفه و مسئولیت خود در این موضوع، باید پیام‌های خود را به گونه‌ای مهندسی کند که بتواند در سه سطح شناختی (اعتقادی)، عاطفی (هیجانی) و رفتاری بر مخاطبان خود اثر بگذارد و آنها را با سیاست جدید جمعیتی نظام اسلامی همراه و هم‌آوا سازد.

مهم‌ترین راهبردهایی که رسانه ملی در این زمینه باید در پیش گیرد، عبارت‌اند از:

۱. گفتمان‌سازی در زمینه ضرورت افزایش زاد و

ولد؛ ۲. ایجاد زمینه‌های لازم برای تحکیم خانواده‌ها؛ ۳. زمینه‌سازی برای تسهیل شرایط ازدواج؛ ۴. اصلاح بینش، نگرش و رفتار خانواده‌ها در زمینه فرزندآوری؛ ۵. ترویج فرهنگ اعتماد و خوش‌بینی به خداوند؛ ۶. اصلاح برداشت‌های نادرست درباره نقش «مادری» و «همسری» زنان؛ ۷. الگوسازی از خانواده‌های موفق پرجمعیت؛ ۸. اصلاح نگرش زنان و دختران درباره بدن و زیبایی خود؛ ۹. افشای طرح‌های نظام سلطه برای کاهش جمعیت جهان؛ ۱۰. ایجاد حساسیت عمومی درباره بحران‌ها و آسیب‌های ناشی از کاهش جمعیت. با تحقق راهبردهای فوق، سیاست‌های متناسب با آن را باید در پیش گیرد.

امید است رسانه ملی بتواند با در پیش گرفتن راهبردها و سیاست‌ها، رسالت و مسئولیت سنگین خود در زمینه تغییر گفتمان ویژه‌ای که در دو دهه گذشته در جامعه ما، درباره زاد و ولد شکل گرفته است، اصلاح و زمینه‌های فرهنگی لازم را برای تحقق سیاست جدید جمعیتی نظام اسلامی فراهم کند.

#### منابع .....

اسناد، مایکل، «از هفت میلیارد به پانصد میلیون نفر: دستور کار نخبگان جهانی برای کنترل جمعیت» (اسفند ۱۳۹۰)، سیاست غرب، سال نهم، ش ۱۰۳.  
امانی، سید مهدی (۱۳۸۸)، *جمعیت‌شناسی عمومی ایران*، چ چهارم، تهران، سمت.  
برگر، روبین، «تصویر اندام و زیبایی در رسانه» (آبان ۱۳۹۰)، *سیاحت غرب*، سال نهم، ش ۹۹.  
تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۸)، *مبانی جمعیت‌شناسی*، چ چهارم، تهران، جامعه‌پژوه و دانیال.  
«خطر افزایش تجرد قطعی در جامعه»، در: پایگاه اطلاع‌رسانی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا): isna.ir  
دارابی، سعدالله و دیگران، «پیامدهای اقتصادی - اجتماعی

سالخوردگی جمعیت در ایران (۱۳۳۰-۱۴۳۰)» (دی ۱۳۹۱)، *کتاب ماه اجتماعی*، سال شانزدهم، ش ۵۸.  
دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۱)، *نقشه مهندسی فرهنگی کشور، تحلیل کلان وضعیت فرهنگی کشور*، بخش چهارم (وضعیت جمعیت ایران: گذشته، حال، آینده).  
دموس، نانس لی (۱۳۸۷)، *دروغ‌هایی که زنان باور می‌کنند و حقایقی که آنها را آزاد می‌سازد*، ترجمه و تلخیص پریسا پورعلمداری، قم، معارف.  
رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۰)، *توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران*، چ پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار.  
سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام کhamenei.ir، در: ۱۳۹۱/۵/۳  
شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۹۰)، *رسانه ملی؛ زن و خانواده*، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.  
\_\_\_\_\_ (۱۳۹۱)، *رسانه ملی و تغییر سیاست جمعیتی؛ مسئله‌شناسی، راهبردها و سیاست‌ها*، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.  
شفیعی سروستانی، اسماعیل، «مجامع مخفی» (خرداد ۱۳۹۱)، *موعود*، سال شانزدهم، ش ۱۳۶.  
«ضرورت بازنگری در سیاست‌های جمعیتی کشور»، میزگرد تخصصی با حضور دکتر سیدرضا معینی و طه نوراللهی (دی ۱۳۹۱)، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، سال شانزدهم، ش ۵۸.  
طلعتی، محمدحادی (۱۳۸۳)، *رشد جمعیت، تنظیم خانواده و سقط جنین: آرا و مبانی فقهی و حقوقی*، قم، بوستان کتاب.  
علینی، محمدولی، «تأثیر آموزه‌ها و فتاوی شیعی در رشد و کنترل جمعیت» (زمستان ۱۳۸۴)، *شیعه‌شناسی*، سال سوم، ش ۱۲.  
کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.  
کولمن، جان (۱۳۸۰)، *کمیت ۳۰۰ کانون توطئه‌های جهانی*، ترجمه یحیی شمس، چ هشتم، تهران، فیروزه.  
کیث، جیم، «بمب جمعیت»، ترجمه فاطمه شفیع سروستانی (مهر ۱۳۸۸)، *موعود*، سال چهاردهم، ش ۱۰۴.  
گوانزالز، سرواندو، «میلیاردها در خدمت نسل‌کشی» (خرداد ۱۳۹۰)، *سیاحت غرب*، سال هشتم، ش ۹۴.  
لاوین، هوارد و استفان اچ. واگنر، «نگاهی به تأثیرات روانی و اجتماعی نمایش زنان در تبلیغات تلویزیونی» (بهمن ۱۳۸۷)، *سیاحت غرب*، سال ششم، ش ۶۷.  
مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در: پایگاه اطلاع‌رسانی شورای عالی انقلاب فرهنگی: www.iranculture.org  
مغربی، نعمان‌بن محمد (بی‌تا)، *دعائم الاسلام*، قم، مؤسسه آل‌البیت.

## تحدید نسل شیعه؛ تهدید جامعه ایران (علل کاهش جمعیت و پیامدهای آن)

زهرا سوختانلو\*

اعظم رحمت آبادی\*\*

### چکیده

این تحقیق، به موضوع علل کاهش جمعیت و پیامدهای آن می‌پردازد. هدف از این پژوهش، شناخت سیاست‌های کنترل جمعیت، به عنوان یک معضل اجتماعی و سیاسی و پیش‌گیری از آن برای حفظ بقای نسل می‌باشد. اهداف سیاسی نهفته در این جریان، با ابزارهای فرهنگی همچون تبلیغات، ترویج مدرنیته، و تبعیت از سیاست‌های بهداشتی یونسکو در کشورهای اسلامی رشد یافت و زمینه‌های اجتماعی، مثل گسترش بزهکاری، رواج دیدگاه‌های فمینیستی و طلاق، آن را حمایت کرد. کنترل جمعیت در ایران پیامدهای ناگواری را به ارمغان آورده که از جمله تأثیرات آن در درازمدت می‌توان به تضعیف نیروی دفاعی کشور، کاهش نیروهای جوانان و نخبه، برهم خوردن تعادل جمعیتی و تهدید مذهب شیعه اشاره کرد.

**کلیدواژه‌ها:** شیعه، امنیت ملی، سیاست کنترل جمعیت، پیامدهای کنترل جمعیت.

## مقدمه

امروزه مسئله کنترل جمعیت و شعار «جمعیت کمتر، زندگی بهتر» به قدری جدی گرفته شده و هیاو و تبلیغات بر سر عواقب و خطراتی که برای آن شمرده می شود به قدری فراگیر گشته، که کمتر کسی مجال تفکر، تحلیل و یا احیاناً تشکیک در این مسئله را می یابد. متأسفانه این ذهنیت چنان حاکم گشته که حتی از سوی کسانی که انسان کوچک ترین شکی در خلوص نیت و دلسوزی شان برای جامعه و اسلام ندارد واکنش های انفجالی و جانبدارانه مشاهده می شود تا حدی که گاه انسان متحیر می ماند چگونه عقل سلیم تحت تأثیر تبلیغات فریبنده ای قرار می گیرد که با اندکی توجه و دقت، نادرست بودنشان قابل تشخیص است.

زمزمه کنترل جمعیت که از سال ۱۳۶۸ آغاز شد، کم کم به چنان همه‌مهمه و موجی تبدیل گشت که دولت و حتی مجلس را نیز تحت تأثیر خود قرار داد تا سرانجام لایحه ای که از سوی دولت برای محدود کردن موالید در خانواده های تحت پوشش دولت و اجبار ایشان به کنترل جمعیت به مجلس فرستاده شده بود، از سوی نمایندگان مجلس مورد تصویب قرار گرفت. آنچه در این زمینه تعجب آور بود اینکه بجز یکی دو نفر، حتی نمایندگان مخالف نیز - که صرفاً با قسمت هایی از لایحه مخالفت نمودند - در اصل وجوب و لزوم کنترل موالید هیچ گونه شکی به خود راه نداده بودند. علت این امر را شاید بتوان در همان ذهنیت منفی و هجوم تبلیغاتی در مورد این مسئله جست و جو کرد که - چنان که اشاره شد - حتی چهره های موجه و دلسوز این ملت را نیز تحت تأثیر خود قرار داده بود.

سیاست های کنترل جمعیت، به سیاست هایی گفته می شود که بر کاهش میزان موالید یا رشد جمعیت توجه دارد. مبحث کنترل جمعیت، از مباحث مهمی است که از چند سال پیش در جمهوری اسلامی ایران با مخارج سنگین و نگرشی کاملاً یکطرفه توسط عده ای خاص دنبال می شود و کلیه مجاری قانون گذاری، اجرایی و بخش عمده تبلیغات کشور را به دنبال خود می کشاند. متولیان این امر، با انحصاری کردن این مقوله در حیطه اقتدار خود و ارائه آمارها و اطلاعات قابل تشکیک، تلاش می کنند افکار عمومی را به همان جهتی سوق دهند که خود می خواهند و متأسفانه تاکنون در این زمینه پیشرفت هایی هم داشته اند. عوارض این نگرش یک سویه و حاکمیت آن بر همه شئون، به تدریج در حال ظاهر شدن است و اگر با آن مقابله نشود، مشکلات فراوانی به وجود خواهد آورد.

بر این اساس، در این مقاله سعی شده است به این سؤال ها پاسخ داده شود: ۱. اهداف و سیاست های کنترل جمعیت در ایران و کشورهای اسلامی چگونه است؟ ۲. عوامل و پیامدهای کاهش جمعیت چه می باشد؟

به اعتقاد نگارنده، مطرح شدن مسئله کنترل جمعیت فقط برای کشورهای اسلامی بخصوص ایران است، در حالی که کشورهای مثل رژیم صهیونیستی و آمریکا از اجرا شدن این طرح در کشورشان جلوگیری می کنند.

اگر تعداد جمعیت، یکی از عناصر تشکیل دهنده قدرت است، باید نتیجه گرفت که استکبار اقتصادی و سیاسی دنیا برای جلوگیری از افزایش قدرت

جامعه از نظر سیاسی - اقتصادی در صدد است که از تعداد نیروهای کمی کشور بکاهد.

### مفاهیم کلیدی

**تهاجم:** در کتاب‌های لغت، «تهاجم» به معانی ذیل آمده است: هجوم، یورش، ناگاه آمدن (عمید، ۱۳۸۹، ص ۱۱۷۲)، حمله کردن یکی بر دیگری، و به یکدیگر هجوم کردن (دهخدا، ۱۳۴۹، ص ۱۱۵۰).

**امنیت ملی:** درامان بودن، ایمنی یک ملت، آرامش و آسودگی (عمید، ۱۳۸۹، ص ۱۲۶)، بی‌خوف، جای امن (دهخدا، ۱۳۴۹، ص ۲۱۱)، و ایمن شدن (معین، ۱۳۸۵، ص ۳۵۵).

**امنیت ملی در اصطلاح،** به معنای آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند، و نیز در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن می‌باشد (شایان‌فر، ۱۳۸۰، ص ۱۱۳).

**سیاست کنترل جمعیت:** سیاست‌های کنترل جمعیت، به سیاست‌هایی گفته می‌شود که بر کاهش میزان مولید یا رشد جمعیت توجه دارد (ابتکار و شاهویی، ۱۳۸۱، ص ۵۹).

### وضعیت کنترل جمعیت در ایران امروز

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «اَکْثَرُوا الْوَالَدَ اُکْثَرِ بَکَمِ الْأُمَمِ غَدًا» (صفاتی، ۱۳۸۰، ص ۱، به نقل از: حرعاملی، بی‌تا، ج ۲۱، ص ۳۵۷)؛ فرزندان خود را زیاد کنید که من، روز قیامت، به فزونی شما نسبت به امت‌های دیگر افتخار می‌کنم.

اما در سال‌های اخیر، رسانه‌های گروهی کشورمان به تبعیت از سیاست ضرورت کنترل جمعیت، مطالب زیادی همسو با این سیاست به

چاپ رسانده و پخش کردند. در نتیجه همین تبلیغات سنگین و یکطرفه، اکنون این تفکر به صورت یک اصل بدیهی در اذهان عمومی جای گرفته است. این وضعیت نامطلوب تا آنجا پیش رفت که یکی از پزشکان سرشناس کشورمان، در مقاله‌ای در خصوص خطرات این سیاست نوشت: «روش‌های کنونی کنترل جمعیت در کشور ما با فرهنگ اسلامی مغایرت دارد... در اصل موضوع تنظیم خانواده، بیشتر دست‌اندرکاران توافق دارند؛ اما آنچه مورد بحث است روش رسیدن به این هدف است. با توجه به اینکه در حال حاضر کشور ما به عنوان مسئول برنامه‌ریزی کنترل مولید در منطقه انتخاب شده است، مسئله از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بوده و حیثیت اجتماعی جمهوری اسلامی مورد توجه است. نحوه حرکت ما در این زمینه برای سایر کشورهای اسلامی الگو خواهد بود. لذا هرگونه خطا می‌تواند خدای ناکرده اثرات سوئی به این الگوپذیری برای کشورهای اسلامی منطقه بگذارد (حسینی طهرانی، ۱۳۴۵، ص ۸۶).

استاد قاسم روانبخش (عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه) نیز می‌گوید: «ایران در حال حاضر نیز جزو ۱۰ کشوری است که به سرعت به سمت کهنسالی در حال حرکت هستند و در جایگاه ششمین کشور جهان قرار دارد که افراد آن به سن پیری می‌رسند. بر اساس این گزارش، تعداد فرزندان در یک خانواده ایرانی، کمتر از تعداد فرزندان در خانواده‌های انگلیسی، آمریکایی، فرانسوی و حتی یک خانواده اسرائیلی است» (محمدی، ۱۳۹۱).

زنان ایرانی با دارا بودن ۱/۸۷ فرزند، در مکان ۱۴۴ ام جدول جهانی قرار می‌گیرند، این در حالی

وزارت بهداشت با راه اندازی خانه های سلامت و بهداشت، فاصله گذاری بین زایمان ها را از طریق گسترش دسترسی به وسایل مدرن پیش گیری از باروری های ناخواسته، وازکتومی داوطلبانه برای مردان متقاضی، و برگزاری همایش های مختلف انجام داد. البته برخی از این روش ها از دیدگاه مراجع تقلید هیچ تطبیقی با احکام شریعت نداشت؛ ازجمله شیوه «وازکتومی و داروهای ضدبارداری» که به مردم و مراجع تحمیل شده بود.

صداوسیما در راستای شعار «دو بچه کافی است»، آموزش ها و تبلیغاتی را از طریق پخش تیزرو فیلم های کوتاه انجام داد و نقش بزرگی در همگانی شدن این شعار ایفا کرد و برنامه ها و همایش هایی را که در حوزه کنترل جمعیت بود، پوشش داد. نظام آموزش عالی، واحد «تنظیم خانواده» را جزو واحدهای درسی تمام رشته های دانشگاهی قرار داد، که در آن، راه های پیش گیری از بارداری آموزش داده می شود.

در روستاها قرص ضدبارداری و توبکتومی بیشترین سهم و وازکتومی و IUD پایین ترین سهم را در بین روش های تنظیم خانواده داشت. آمپول نیز ازجمله روش هایی بود که در روستاها مورد استفاده قرار می گرفت، به گونه ای که در برخی از این روستاها علی رغم فقدان آب، برق، حمام و داروهای ابتدایی و ضروری، قرص ضدبارداری به طور مجانی در اختیار اهالی قرار می گرفت.

در تمام مراکز و سازمان ها، پوسترهایی در راستای تبلیغ فرزندآوری کمتر مشاهده می شد و حذف کلیه سیاست های تشویقی ۳ اولاد به بالا به عنوان اساس فعالیت های اجرایی مدنظر قرار

است که اسرائیل با رتبه ۷۵، آفریقای جنوبی ۹۷، برزیل ۱۰۶، ترکیه ۱۱۰، فرانسه ۱۱۸، آمریکا ۱۲۲، و انگلیس ۱۳۷ در مکان های بالاتر از ایران قرار می گیرند (سبحانی نیا، ۱۳۹۱، ص ۲۷).

گزارش سازمان آمار ایران در سال ۹۰ به این صورت است: رشد جمعیت ایران براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ به ۱/۳ درصد رسیده که به میانگین رشد جمعیت جهان در سال ۲۰۱۱ میلادی به میزان ۱/۲ درصد، نزدیک شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱). جمعیت شناسان و کارشناسان آمار معتقدند: اگر رشد جمعیت یک کشور در ۲۵ سال متوالی کمتر از ۲/۵ درصد باشد، نجات فرهنگ و تمدن آن کشور امکان پذیر نخواهد بود. نرخ رشد ۲/۱۱ درصد، حداقل رشد ضروری برای حفظ یک تمدن به شمار می رود (افق حوزه، ۱۳۸۸).

### تاریخچه کنترل جمعیت

در ایران قبل از انقلاب، این سیاست به عنوان پایه توسعه مدنظر برنامه ریزان بود. سیاست های تنظیم خانواده در زمان پهلوی دوم و از سال ۱۳۳۷ به صورت غیرمتمرکز در شکل هایی در حال اجرا بود. در سال ۱۳۴۶ در وزارت بهداشتی «معاونت جمعیت و تنظیم خانواده» زیرنظر هویدا تأسیس شد. در آن دوره، نرخ رشد به طور متوسط سالانه ۱/۳ درصد بود که با اجرای سیاست های «فرزند کمتر، زندگی بهتر» در دهه ۱۳۴۵-۱۳۵۵ فقط با اندکی کاهش به ۷/۲ درصد رسید.

سرانجام در تاریخ ۸ اسفند ۱۳۶۷ و یک ماه پیش از آنکه برنامه دوم توسعه کشور در دستور کار مجلس قرار گیرد، این سیاست ها به هیأت دولت ارائه شد.



گرفت و این‌گونه جمعیت ایران کنترل شد.

اصولاً مطرح شدن مسئله کنترل جمعیت از سوی غربیان و استکبار سیاسی و اقتصادی دنیا، و آمد و رفت عناصر فاسد آنها به کشور ما پیرامون این مسئله و اختصاص بودجه کلان برای تأمین نیازمندی‌های کنترل جمعیتی کشور توسط سازمان ملل و... گویای وجود برخی انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی دنیای غرب از طرح این مسئله است.

به عبارت بهتر، اینکه ثروتمندان دنیا و استکبار اقتصادی تا این حد به ملت و مردم کشورهای جهان سوم و بخصوص کشور انقلابی ما علاقه نشان می‌دهند که برای انجام کنترل جمعیت و مطالعات موردنیاز آن در کشور، پول و امکانات در اختیار ما قرار دهند، باید شک و تردید ما را برانگیزاند که عاطفه مستکبران اقتصادی چرا به جای آنکه در سرمایه‌گذاری و رشد فناوری کشور ما لبریز شود، در مسئله کنترل جمعیت کشور منعطف شده است؟

خانم دکتر نفیس صدیق سفیر سازمان ملل در ایران، می‌گوید: «... همه معتقدند که برای جلوگیری از رشد نامعقول جمعیت ایران باید کاری کرد... ما به ایران آمده‌ایم تا در تنظیم یک برنامه جمعیتی به ایران کمک کنیم. ضمن آنکه این برنامه کوتاه‌مدت ۲ ساله، ۴ میلیون دلار هزینه خواهد داشت.» این در حالی است که بوش، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، طرح برنامه کنترل جمعیت آمریکا را رد می‌کند! حال آیا نباید این سؤال و این فکر در ذهن ما شکل بگیرد که سفیر سازمان ملل برای چه اهدافی راهی کشور ما شده است؟!

اگر گفته شود که بهترین دلیل خیرخواهی کشورهای غربی برای کشور ما در این است که

خودشان برنامه کنترل جمعیت را اجرا کرده‌اند و به‌خاطر همین نیز از رشد اقتصادی برخوردار شده‌اند، باید در مقابل گفت: اولاً، آنها هرگز برنامه‌ای مدون برای کنترل جمعیت نداشته و ندارند، بلکه با فراگیر شدن ارزش‌های مادی اجتماعی جدید از قبیل رفاه‌طلبی، فردیت‌خواهی، اشتغال زنان و... دیگر نیازی به برنامه کنترل جمعیت ندارند تا مردم آن کشورها در چارچوبه سیاست‌گذاری‌های کنترل جمعیت قرار گیرند. ثانیاً، بحران جمعیتی کشورهای پیشرفته به دلیل کاهش میزان رشد جمعیت در حد منفی، کار را به آنجا رسانیده است که تلاش همه‌جانبه و وسیعی برای ازدیاد نسل در اروپا شروع شود، چنان‌که کاهش قیمت بلیط قطارها و کمک‌های نقدی برای خانوارهای بیش از ۲ فرزند در فرانسه بهترین مؤید آن است. در هر صورت، آیا جای این شک و تردید وجود ندارد که باید اهداف و انگیزه‌های سیاسی به دنبال این مسئله وجود داشته باشد؟ (حسینی طهرانی، ۱۳۴۵، ص ۱۱۶-۱۱۸).

## اهداف اجرای سیاست‌های جمعیتی در کشورهای اسلامی

### ۱. هدف مستقیم

هدف مستقیم سیاست‌های جمعیتی در کشورهای اسلامی، کاهش میزان رشد طبیعی جمعیت است که این هدف از طریق کاهش سطح زاد و ولد صورت می‌گیرد. اگرچه سیاست‌های جمعیتی با رشد اقتصادی و اجتماعی در ارتباط است، اما این موضوع هدف اصلی این سیاست‌ها نیست؛ چرا که برنامه‌ریزی‌های کنونی مربوط به رشد اقتصادی و اجتماعی، با منافع

مصرف‌کنندگان سروکار دارد نه تولیدکنندگان، و فقط می‌کوشد سطح رشد جمعیت را کاهش دهد.

## ۲. هدف غیرمستقیم

در جهان امروز هدف‌های غیرمستقیم سیاست‌های جمعیتی، فقط وسیله‌ای برای تأمین اهداف سیاسی می‌باشد (همان، ص ۸۹). سیاست‌های جمعیتی با اهداف سیاسی براساس جهانی‌سازی غربی تنظیم می‌شود. طی دهه‌های گذشته، حجم نسبی جمعیت کشورهای سرمایه‌داری سیر نزولی داشته است تا جایی که جمعیت کشورهای غربی (اروپا، آمریکا و کانادا) در دو دهه قبل به ۱۲/۱ درصد از جمعیت جهانی رسیده بود و به دلیل فروپاشی خانواده و حاکمیت ارزش‌های مادی و خودمحوری و لذت‌طلبی باز هم رو به نزول است. ازاین‌رو، کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا برای ایجاد تعادل جمعیتی به نفع خود و به‌عنوان یکی از سیاست‌های راهبردی در دکترین دفاع ملی و سیاست خارجی، به کاهش رشد جمعیت در جهان سوم بخصوص کشورهای اسلامی پرداختند و عمده فعالیت‌های کنترلی آمریکا بر این کشورها از طریق صندوق بین‌المللی پول و آژانس‌های سازمان ملل متحد، ازجمله صندوق کودکان ملل متحد (UNICEF)، صندوق جمعیت (UNFPA)، سازمان بهداشت جهانی (WHO)، سازمان کشاورزی و تغذیه بین‌المللی (FAO) صورت می‌گیرد.

امروزه آمریکا متوجه شده است که اگر سطح فناوری و علم، به‌ویژه در زمینه نظامی، در کشورهای دیگر رشد یابد و با آنها مساوی شود، افزایش جمعیت عامل قطعی موفقیّت ملت‌ها خواهد بود و

به این مهم در چین و هند و پاکستان رسیده است و معتقد است که باید ضمن جلوگیری از تمرکز جمعیت زیاد تحت یک حاکمیت سیاسی، آنها را به تعدادی از واحدهای کوچک سیاسی تقسیم کرد. ازاین‌رو، در سیاست خارجی در مورد عامل جمعیت به شکل زیر عمل می‌کند:

۱. تبدیل کشورهای پرجمعیت به کم‌جمعیت و تجزیه آنها؛

۲. طرح توسعه دموکراسی و آزادی و حقوق بشر به‌ویژه برای زنان و جذب آنها به بازار کار و اشتغال برای تحقق اهداف فوق؛

۳. دخالت‌های مالی و ارائه خدمات ذی‌ربط (به نحوی که در شرایط تحریم، ابزار کنترل جمعیت به وفور و در دسترس همگان وجود دارد و حتی برای شرایط بحران مانند سیل و زلزله انبار شده است)؛

۴. استفاده ابزاری از بهداشت و سلامت مادر و فرزند به‌عنوان یکی از راه‌های کنترل جمعیت به‌ویژه در کشورهای اسلامی است. سازمان بهداشت جهانی با ایجاد پایگاه‌های منطقه‌ای بهداشت از طریق پروژه‌های علمی، پژوهشی، خدماتی و... به این مهم می‌پردازند (مشفق، ۱۳۸۹، ص ۲۰).

از امور قابل‌توجه این است که تمامی این سازمان‌ها در کنار فعالیت‌های مخصوص به خود، به سیاست‌های تنظیم جمعیت در کشورهای اسلامی نیز می‌پردازند.

نکته‌ای که توجه به آن مهم است، این است که نقشه‌های کنترل جمعیت کشورهای اسلامی از سوی گروهی که در پشت این سازمان‌ها قرار دارند طرح‌ریزی می‌شود. همان‌گونه که در طرح‌های آمریکایی آمده است، ایالت متحده به دلیل سیطره‌ای

آموزش‌های جدی تنظیم خانواده به اجرا گذاشت و عقیم‌سازی مردان و زنان را رایگان کرد و نظام آموزش عالی درس «تنظیم خانواده و جمعیت» را در دانشگاه‌ها دایر نمود و تلویزیون فیلم‌هایی را که بیشتر الگوی خانواده جوان را خانواده‌ای با یک یا دو فرزند معرفی می‌کردند، پخش نمود (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۱).

۲. تبدیل شدن تک‌فرزندی و یا بی‌فرزندی به یک فرهنگ مدرن: متأسفانه تک‌فرزندی و یا بی‌فرزندی به یک فرهنگ مدرن تبدیل شده و مورد استقبال بسیاری از زوج‌های جوان قرار گرفته است. بسیاری از افراد ثروتمند و یا دانشجویان فرهیخته که ازدواج کرده‌اند، تمایلی به بچه‌دار شدن ندارند. حتی نداشتن بچه را نوعی برتری اجتماعی می‌دانند و داشتن فرزند زیاد را در خانواده‌هایی که سطح تحصیلات بالایی دارند، نوعی ناآگاهی قلمداد می‌کنند. جوانان ما فکر می‌کنند داشتن فرزند یعنی بی‌سواد یا بی‌فرهنگی و عقب‌ماندگی. آنها فرزند را مانع پیشرفت تحصیل و زندگی خود می‌دانند. همین افکار باعث شده سن باروری و کاهش تمایل زوجین برای بچه‌دار شدن و مادر بودن کاهش یابد. بنا بر تحقیقی که یکی از جامعه‌شناسان انجام داده، مشخص شده است نسل اول کمتر از ۵ فرزند نداشته‌اند؛ یعنی از ۱۰ فرزند شروع می‌شد تا ۵ فرزند. نسل دوم بین ۲ تا ۴ فرزند داشتند و اما نسل سوم که زنان جوان هستند، ۶۰ درصد آنها علاقه‌ای به بچه‌دار شدن نداشته و تنها ۵ درصدشان بچه داشتند. بیشتر آنها از نبود امکانات و نداشتن شرایط لازم برای بچه‌دار شدن صحبت می‌کنند و علاقه چندانی به بچه‌دار شدن نشان نمی‌دهند. درواقع، نسل جدید، یا فرزند ندارند یا به تک‌فرزندی اعتقاد دارند (همان).

که بر سازمان‌های وابسته به آن دارد، این سازمان‌ها را رهبری می‌کند (حسینی طهرانی، ۱۳۴۵، ص ۹۵). حال اگر به این نکته توجه کنیم که امام خمینی ۱ از ظرفیت جمعیت ۲۰۰ میلیونی و مقام معظم رهبری از ظرفیت جمعیت حداقل ۱۵۰ میلیونی برای ایران بارها سخن گفته‌اند، جای این سؤال باقی می‌ماند که کدام علل فرهنگی و اجتماعی، موجب فریب مردم و تبعیت کورکورانه از توصیه‌های غرب در زمینه کنترل جمعیت شده است؟

## علل کاهش جمعیت

### علل فرهنگی

۱. تبلیغات گسترده بر ضد فرزند زیاد: سیاست‌های کنترل جمعیت تمامی وسایل ارتباط جمعی (تلویزیون، رادیو، روزنامه و...) را به منظور کاهش رشد جمعیت به کار گرفته است. این رسانه‌ها با پخش برنامه‌های هدف‌دار، ارزش‌های جدیدی را در مردم به وجود می‌آورند و آنها را برای کنترل جمعیت و یا تنظیم خانواده تشویق می‌کنند.

رسانه‌ها در انتشار این امور سهم بزرگی داشته‌اند. سیاست‌های کنترل جمعیت، به صورت قصه یا جمله‌هایی در پوسته‌های رنگارنگ درآمده و یا از طریق سریال‌های تلویزیونی، و یا ترانه‌هایی مربوط به آن منتشر می‌شود (همان، ص ۹۹).

در این چند سال هر جا را نگاه کردیم، از شیشه آلبیمو و قوطی کبریت گرفته تا بنرهای گسترده در سطح شهر، همگی یک چیز را تبلیغ می‌کردند: فرزند کمتر، زندگی بهتر.

از سوی دیگر، وزارت بهداشت و سازمان بهداشت جهانی در دورافتاده‌ترین روستاها

۳. مطرح کردن امور بهداشتی: یکی از راه‌های کنترل جمعیت در کشورهای اسلامی، مطرح ساختن امور بهداشتی است. یکی از اهداف اعلام‌شده این سیاست، تقلیل زایمان می‌باشد که احتمال مرگ و میر مادران و نوزادان شیرخوار را کاهش می‌دهد. دنبال‌کنندگان این سیاست، با طرح این مسئله که رابطه‌ای بین افزایش جمعیت و مرگ و میر (در سطح مرگ و میر نوزادان شیرخوار یا مرگ مادران به خاطر بارداری) وجود دارد، مردم را برای به‌کارگیری وسایل جلوگیری از بارداری متقاعد می‌سازند.

سازمان جهانی یونسکو، به‌منظور ترویج سیاست‌های کنترل جمعیت در میان مردم که در نتیجه، کاهش جمعیت را به دنبال دارد، مجموعه‌ای از کتاب‌ها و نشریه‌هایی را در همین زمینه منتشر کرده که در کشورهای اسلامی، مدارس ملی تدریس این‌گونه کتاب‌ها و نشریه‌ها را به عهده گرفته‌اند (حسینی طهرانی، ۱۳۴۵، ص ۹۷-۹۸).

درحالی‌که سلامت بدن زن، در زاییدن و حامله شدن و شیر دادن است. مطابق آخرین نتیجه‌کنگره‌های پزشکی که در آمریکا برگزار شده است و طبق آخرین مدارک و آمار، دخترانی که پیش از ۱۸ سالگی زایمان کنند سرطان پستان نمی‌گیرند و هرچه دیرتر بچه بزنند، درصد خطر تهدید سرطان پستان در آنها زیاد می‌شود و از سن سی سالگی که بگذرند، خطر سرطان پستان به نحو مضاعف بالا می‌رود. اما زنانی که اصلاً ازدواج نکنند و بچه نیاورند، درصد خطر سرطان پستان در آنها سرسام‌آور است (همان، ص ۴۱-۴۳).

### علل اجتماعی

۱. بزهکاری اجتماعی: بعضی زوجین به دلیل مشکلات

تربیتی، از داشتن فرزند امتناع می‌ورزند. بیماری‌ها، اختلالات روانی، اعتیاد و بزهکاری اجتماعی، ازجمله عواملی هستند که والدین را از داشتن فرزند زیاد باز می‌دارند. آنها نگران هستند که مبادا فرزندانشان به این مسائل دچار شوند. وقتی که مسئولان بهداشت، آمار و ارقام وحشتناکی از مشکلات روحی و روانی کودکان و نوجوانان یا آنهایی که دست به خودکشی می‌زنند اعلام می‌کنند، می‌گویند که همه اینها تقصیر پدر و مادر است. در نتیجه، والدین دچار اضطراب و نگرانی می‌شوند و از داشتن فرزند صرف‌نظر می‌کنند، و آمادگی خود را از دست می‌دهند؛ چراکه داشتن یک فرزند و به عهده گرفتن مسئولیت کامل جسمی و روانی او و بزرگ کردنش به‌صورت انسانی کارآمد، هماهنگ با اجتماع و مسئولیت‌پذیر و مفید برای جامعه، باری بسیار بزرگ را به دوش والدین می‌گذارد. والدین هم باید دیدن چنین مشکلاتی، از داشتن تعداد زیاد فرزند خودداری می‌کنند (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۱).

اما وجود جرایم در جامعه هیچ‌گاه به دلیل جمعیت زیاد نیست؛ زیرا در اغلب کشورهای غربی که با کاهش جمعیت نیز مواجهند، آمار جرایم و جنایات، بسیار بالا و گاه تا ۵۰ برابر کشورهای پرجمعیت جهان سوم می‌باشد. و اگر هر فرد از جمعیت هر کشور را انسانی هوشمند با قابلیت جسمی و فکری مناسب بدانیم که خود در تولید کشورش نقش مؤثر خواهد داشت، برداشت مثبتی نسبت به جمعیت پیدا خواهیم کرد (حسینی طهرانی، ۱۳۴۵، ص ۱۱۰-۱۱۱).

۲. رواج دیدگاه‌های فمینیستی: فمینیسم عمده‌ترین عامل بدبختی و تبعیض زنان و دختران را کانون خانواده و ازدواج و مادرشدن می‌داند. از نظر آنها، پایبندی زنان

سمت الگوهای فرهنگی غرب می‌کشاند (حسینی طهرانی، ۱۳۴۵، ص ۸۸).

۳. **اشتغال زنان:** امروزه بسیاری از زنان در سازمان‌ها، ادارات، مراکز دولتی و خصوصی مشغول کار هستند و برخی هم در مشاغل اشتغال دارند که غیرضروری و غیرمرتبط و در حیطه و مسئولیت مردان است. این مشاغل که هیچ سنخیتی با جسم و روح زن ندارد، به دست زنان افتاده است. این موضوع باعث شده زنان بیشتر در خارج خانه مشغول به کار باشند. حتی شاغل بودن، یک ارزش برای آنان شده است، به گونه‌ای که زنان شاغل به زنان خانه‌دار که مشغول تربیت فرزند هستند فخرمی‌فروشند و خود را یک سر و گردن بالاتر از آنان می‌دانند. از این رو، این زنان به خاطر ترس از دست دادن کار و موقعیت اجتماعی خود، پابروی میل مادری خود می‌گذارند و تنها به یک فرزند فکر می‌کنند (همان).

اسلام با کار و فعالیت‌های اجتماعی زنان مخالف نیست؛ اما این را نیز نمی‌پسندد که زنان از صبح تا شب به فکر تأمین معاش باشند و زمان و حوصله کافی برای تربیت و رسیدگی به فرزندان‌شان که اولویت اول آنان می‌باشد نداشته باشند. اسلام با تقسیم کار و واگذاری تربیت فرزندان به زنان و ملزم کردن مردان به تأمین هزینه اقتصادی همسر و فرزندان، هرگونه اجباری را از زنان برداشت تا آنان بدون هیچ نگرانی و اضطراب خاصی به فکر تربیت و وظیفه اصلی خود باشند. برخلاف دنیای مدرن که به زنان - به اصطلاح - آزادی داد و خواست آنها را از بردگی در خانه‌هایی بخشد؛ غافل از آنکه زن به بردگی مدرن و فشار کار مضاعف سپرده شد (سالاری مقدم، ۱۳۹۰، ص ۲۷، به نقل از مطهری، ۱۳۶۹، ص ۲۰۳).

۴. **شه‌رنشینی:** سیاست‌های جمعیتی تابعی از

به مسائل خانوادگی و تعهد زنان نسبت به ازدواج و تربیت فرزندان، باعث نابودی حقوقشان و بدبختی آنها در طول تاریخ بوده است. بنابراین، زنان برای رهایی از این بدبختی و عقب‌ماندگی نباید ازدواج کنند؛ چراکه آنها اعتقاد دارند زن تمام وقتش را برای خانواده و تربیت فرزندان می‌گذارد و برای خود وقتی نمی‌ماند. آنچه باعث استقلال فکری و شخصیتی زنان و رشد اجتماعی آنها می‌شود، دوری از روابط خانوادگی و بنیان‌های خانواده است. وقتی نهاد خانواده از سوی فمینیست‌ها فاقد ارزش تلقی می‌شود، مطمئناً نقش‌های سنتی پدر و مادر در خانواده و تربیت فرزندان کم‌ارزش به‌شمار می‌آید. فمینیست‌ها نقش پدر و مادر را در خانواده و اجتماع زیر سؤال برده‌اند. از دیدگاه آنها، نقش مادر در خانواده و تربیت فرزندان از ارزش و اعتبار زن در اجتماع می‌کاهد و باعث می‌شود زن از رشد اجتماعی و پیشرفت همپای مردان باز ماند. به‌باور فمینیست‌ها، ارزش زن و اعتبار واقعی آن در نقش مادری دلسوز برای فرزندان نیست، بلکه در میزان کارکرد اجتماعی و فعالیت‌های عمومی وی در جامعه است.

متأسفانه رواج نگاه فمینیستی در طبقات گوناگون زنان جامعه و حتی نفوذ آن در قشر مذهبی کشور، سبب شده تا بسیاری از زنان از زیر بار مادر شدن شانه‌خالی کنند و مواردی نظیر کار، فعالیت‌های اجتماعی، پیشرفت، تحصیلات و... را بهانه این امتناع قرار دهند (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۱).

آنها تلاش می‌کنند زنان را متقاعد کنند که زایمان، زیبایی و سلامتی زن را به خطر می‌اندازد. تردیدی نیست که حرکت زنان در کشورهای اسلامی که راه فرهنگ غرب را در پیش گرفته‌اند، زنان مسلمان را به

(وشمگیر، ۱۳۸۸، ص ۱۲۶).

یکی از عواملی که سبب کاهش باروری می‌شود وجود و گسترش شهرنشینی است؛ چراکه آمارها تفاوت ۱/۵ تا ۲ بیچه را میان خانوار شهری و روستایی نشان می‌دهد. بنابراین، از دید طرف‌داران کنترل جمعیت، رشد شهرنشینی یکی از عوامل کاهش باروری جامعه است.

۵. **افزایش سن ازدواج:** سن ازدواج برای مردان و زنان، نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافته و به میانگین ۲۷/۲ سال برای مردان و حدود ۲۳ سال برای زنان رسیده است (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۱).

ناگفته پیداست که غریزه جنسی و نیاز به محبت و عاطفه مادری، ازجمله علل و انگیزه‌های اصلی گرایش انسان به ازدواج و تشکیل خانواده است. ازاین‌رو، جوامع انسانی در طول تاریخ برای پاسخ‌گویی به نیازهای جنسی و عاطفی بیشتر، به ازدواج و تشکیل خانواده روی می‌آورند. حال اگر نیازهای مذکور از راهی آسان‌تر، کم‌هزینه‌تر، متنوع‌تر و با کمترین مسئولیت فردی و اجتماعی تأمین و تدارک شود، بدیهی است که ازدواج و تشکیل خانواده، دست‌کم در بدو امر، مطلوبیت خود را از دست می‌دهد. دیر ازدواج کردن و مسئولیت سنگین تشکیل خانواده، باعث می‌شود شمار مجردان زیاد شود. درنتیجه، وقتی سن ازدواج بالا رود فرصت زمانی برای باردار شدن کم می‌شود و تعداد فرزندان پایین می‌آید.

یکی از اهداف اجتماعی کنترل جمعیت، محدود کردن ازدواج‌ها و کشاندن بی‌رویه زنان به صحنه اجتماع و فعالیت‌های اقتصادی و در یک کلام، نابود کردن بنیاد خانواده و ایجاد فساد اجتماعی است (حسینی طهرانی، ۱۳۴۵، ص ۱۲۳).

الگوهای توسعه است. الگوی زندگی شهرنشینی نیز متناسب با سیاست افزایش جمعیت می‌باشد. شیوه زندگی آپارتمان‌نشینی، که اکنون در کشور با آن مواجه هستیم، با سیاست کاهش جمعیت تطبیق دارد. اکنون ۷۱ درصد جمعیت کشور در شهرها و ۲۹ درصد در روستاها زندگی می‌کنند که این آمار، توازن را نشان نمی‌دهد. درحالی‌که چهار دهه قبل، این ترکیب جمعیتی برعکس بود؛ یعنی فقط ۳۰ درصد جمعیت کشور شهرنشین بودند (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۱). بررسی آمار و اطلاعات جمعیتی کشور در طول نیم قرن اخیر حاکی از آن است که رشد جمعیت ایران بیشتر معطوف به مناطق شهری کشور بوده است؛ به‌گونه‌ای که عملاً جمعیت مناطق روستایی افزایش نیافته و حتی در بعضی مناطق روستایی، جمعیت با رشد منفی مواجه بوده است و مواردی را نیز می‌توان یافت که روستاها خالی از سکنه و تبدیل به مناطق متروکه شده است. تعداد شهرها از سال ۱۳۳۵ از ۲۰۱ شهر، به ۱۳۳۱ شهر در سال ۹۰ افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱).

سیاست‌های غلط دولت‌ها سبب شده که بسیاری از روستاییان کار پرزحمت بر روی زمین و درکنار دام را رها کرده و در جست‌وجوی رفاه بیشتر و کار کم‌زحمت‌تر در ادارات، سازمان‌ها و حتی مشاغل کاذب، به شهرها مهاجرت کنند که این امر، تورم جمعیت در نقاط خاص را به دنبال دارد (حسینی طهرانی، ۱۳۴۵، ص ۱۱۱).

عامل اصلی رشد شهرنشینی در ایران، مهاجرت از روستا به شهر بوده است و از آنجا که اغلب مهاجران را جوانان تشکیل می‌دهند، توسعه شهرنشینی در ایران، با سالخوردگی جمعیت در روستاها همراه بوده است

## پیامدهای کنترل جمعیت

### خطرات سیاسی و امنیتی

۱. تضعیف نیروی دفاعی کشور: نیروی جوان و جمعیت فراوان، یکی از شاخص‌های اقتدار نظامی و دفاعی است. از فرصت‌های مهم ناشی از جمعیت کشور، می‌توان به توانمندی و اقتدار نظامی و سیاسی کشور در عرصه بین‌المللی اشاره کرد. به‌طور قطعی، جامعه‌ای که در سطح بین‌المللی دارای جمعیت بیشتر و جوان‌تری است، می‌تواند دارای ارتش و قدرت نظامی قوی‌تری نیز باشد. دوران جنگ تحمیلی و حضور جوانان در عرصه‌های نظامی و عملیات‌های سرنوشت‌ساز، برگ برنده‌ای بود که ایران اسلامی توانست در دوران دفاع مقدس آن را کسب کند. مطمئناً کشوری که دارای جمعیت اندک و یا پیر باشد، توان رویارویی مقتدرانه در برابر تجاوز بیگانگان را نخواهد داشت (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۱). اگرچه امروزه اقتدار نظامی در مناسبات بین‌المللی از اولویت خارج شده است و دولت‌ها تسلط بر مناسبات جهانی را در اقتدار اقتصادی جست‌وجو می‌کنند، اما در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران در معرض تهدیدهای جدی دشمنان سیاسی خود قرار دارد و آشکارا مورد تهدید قدرت‌های زورگو قرار می‌گیرد، نمی‌توان از این مزیت در راستای اقتدار نظامی کشور، چشم‌پوشی نمود (وشمگیر، ۱۳۸۸، ص ۱۳۲).

۲. کاهش جمعیت جوان و نخبه کشور: از اصلی‌ترین پایه‌های پیشرفت و توسعه کشور، نیروی انسانی است. کشوری که با پیری جمعیت روبه‌رو شود، خود به خود جمعیت جوان و نخبه آن دچار آسیب می‌گردد و این کشور مهم‌ترین برگ برنده خود را در توسعه از دست خواهد داد. همان‌گونه که بسیاری از

۶. افزایش طلاق در زندگی جدید: در گذشته کمتر درباره طلاق و عوارض سوء آن و علل پیدایش و افزایش طلاق و راه‌های جلوگیری از وقوع آن فکر می‌کردند. در عین حال، کمتر طلاق صورت می‌گرفت و کمتر خانواده‌ها از هم می‌پاشیدند. مسلماً تفاوت دیروز و امروز در این است که امروز علل طلاق فزونی یافته است. زندگی اجتماعی شکلی پیدا کرده است که موجبات جدایی، تفرقه و ازهم‌گسستن پیوندهای خانوادگی بیشتر شده. در هر کجا که آداب و رسوم جدید غربی بیشتر نفوذ کرده، آمار طلاق هم افزایش یافته است. مثلاً، اگر ایران را در نظر بگیریم، طلاق در شهرها بیش از روستاهاست و در تهران که رواج آداب و عادات غربی بیش از شهرهای دیگر است، بیش از یک چهارم طلاق‌های ثبت شده سراسر کشور مربوط به تهران است؛ یعنی ۲۷ درصد طلاق‌های ثبت شده را تهران تشکیل می‌دهد، با اینکه نسبت جمعیت تهران به جمعیت سراسر کشور ۱۰ درصد است. به‌طور کلی، درصد طلاق در شهر تهران بیش از درصد ازدواج است. تعداد ازدواج تهران ۱۵ درصد کل ازدواج کشور است. طلاق عوارض تلخ و ناگواری را به دنبال دارد؛ عوارضی همچون: سست شدن ارزش‌های مذهبی و فرهنگی، مشکلات اجتماعی و اقتصادی، فشارهای عصبی و روانی، کاهش علائق و روابط انسانی و انحرافات و اعتیاد به مواد مخدر (صابری زفرقندی، ۱۳۸۷، ص ۴-۱).

بیچه‌هایی که خود فرزند طلاق هستند، چون از نظر شاخص‌های سلامت روان نمره خوبی به دست نیآورده‌اند. بیشتر از بقیه بیچه‌ها مستعد طلاق هستند و چون ترس از طلاق دارند، ممکن است دیرتر ازدواج کنند یا اصلاً ازدواج نکنند. این مسئله باعث می‌شود که زندگی‌ها از هم پاشیده شود و فرزندی به وجود نیاید.

اراضی تحت تأثیر تراکم جمعیت متحول می‌گردد؛ به گونه‌ای که شهرها در بهترین زمین‌های کشاورزی گسترش می‌یابد. این امر، ضمن داشتن آثار و پیامدهای منفی ناشی از تراکم جمعیت برای زندگی افراد جامعه، از ناحیه کاهش زمین‌های کشاورزی موجود، تخلیه منابع طبیعی جامعه و در نتیجه، تضعیف امنیت غذایی کشور و به تبع آن، افزایش وابستگی به مواد غذایی وارداتی، امنیت عمومی جامعه را تهدید می‌کند (همان، ص ۱۲۶-۱۲۷).

۴. تضعیف جایگاه ایران به عنوان یک کشور شیعی: هرچند که شیعیان در سراسر جهان در میان ملل اسلامی پراکنده هستند؛ ولی تنها کشوری که در آن دولتی با حاکمیت شیعه سرکار است، کشور ایران است. این کشور هم‌اکنون ام‌القرای جهان اسلام است و چشم جهان اسلام به آن دوخته شده است. این سرمایه ارزشمند شیعه که منادی اسلام ناب محمدی در جهان است، می‌باید هم از نظر کمی و هم کیفی شاخص‌های لازم را داشته باشد و یکی از این شاخص‌ها، جمعیت قابل قبول است که بتواند در برابر جهان کفر قد علم کند (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۱).

نکته حایز اهمیت در خصوص کاهش جمعیت، برنامه‌ای است که سیاست‌مداران و استراتژیست‌های آمریکایی و اروپایی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته‌اند. برژینسکی - مشاور سابق امنیت ملی آمریکا - در مصاحبه‌ای با روزنامه «وال استریت ژورنال» در مارچ ۲۰۰۹، در خصوص تغییر جمعیت ایران نکته‌ای را بیان کرد که ابعاد بسیار گسترده‌ای دارد. وی در این مصاحبه گفته بود: «از فکر کردن به حمله پیش‌دستانه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران بپرهیزید و گفت‌وگوها با تهران را

کشورهای پیشرفته، فقدان جمعیت نخبه خود را با مغزهای متفکر جوانان کشورهای جهان سوم جبران می‌کنند (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۱).

۳. برهم خوردن تعادل جمعیتی: در بیان ساده‌تر، منظور از نرخ باروری کل تعیین تعداد فرزندان است که جانشین والدین شوند. اگر این شاخص در حد ۲/۱ بچه یا کمتر باشد، به معنای کاهش تدریجی جمعیت و در نهایت، انقراض نسلی است. با مراجعه به ارقام مرکز آمار ایران و سازمان ملل در سال ۱۳۸۵ این رقم برای کل کشور ۱/۸ فرزند است. یعنی ۱۸ فرزند با ۲۰ نفر والدین جایگزین می‌شود که ۲ نفر کمتر از حد جانشینی است. این رقم در حال حاضر (۱۳۹۰) به حدود ۱/۶ فرزند برای هر مادر رسیده است. در صورت اثبات صحت رقم یادشده، علی‌رغم نظر منتقدان، موضوع انقراض تدریجی نسل مطرح و با ملحوظ داشتن عامل مهاجرت تقویت می‌شود. تردیدی نیست که باید برای اصلاح آن به روش مقتضی اقدام شود (مشفق، ۱۳۸۹، ص ۲۲).

امروزه شاهد تفاوت نرخ رشد جمعیت در استان‌های مرکزی و حاشیه‌ای هستیم، به گونه‌ای که نرخ رشد استان‌های مرزی تقریباً حدود ۵ برابر نرخ رشد جمعیت مرکزی است. با نگاهی به نقشه توزیع جمعیت در کشور، می‌توان دریافت که جمعیت ایران در بستر جغرافیایی خود به گونه‌ای ناموزون پخش شده است؛ یعنی اگر سرزمین ایرن به دو نیمه شرقی و غربی تقسیم شود، می‌توان دریافت که تراکم جمعیت در نیمه غربی کشور ایران به مراتب بیشتر از نیمه شرقی آن است (وشمگیر، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴).

همین تراکم کم یا زیاد، خود بر روی نحوه بهره‌برداری از زمین تأثیر می‌گذارد و بنابراین، کاربری



حفظ کنید، بالاتر از همه، بازی طولانی مدتی را انجام دهید؛ چون زمان و آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست» (همان).

### نتیجه‌گیری

سیاست کنترل جمعیت که با توصیه کشورهای غربی و با حمایت سازمان‌های بین‌المللی در ایران اجرا شد، امروزه باعث تهدید نسل شیعه شده است و نرخ رشد جمعیت ایران را به  $1/3$  درصد کاهش داده که می‌تواند زنگ هشدار برای افق چشم‌انداز آینده کشور تلقی گردد.

گسترش فرهنگ رفاه‌زدگی و ادعای دفاع از حقوق برابر زن و مرد، از عوامل مهمی است که بحث اکتفا به حداقل فرزندآوری را ترویج کرد. هرچند عواملی مثل اشتغال مادران و کشاندن آنان به صحنه‌های فعالیت اجتماعی و ترک خانه و تبلیغات نادرست در مورد سیاه نشان دادن فرزندآوری و خطرات بهداشتی و اقتصادی که می‌تواند برای خانواده و جامعه در پی داشته باشد، در روی آوردن خانوارهای ایرانی به سیاست کنترل جمعیت دامن زده است. ازاین‌رو، امروزه که خطرات تحدید نسل و کنترل آن مشخص شده، لازم است تا با حمایت از خانواده‌های ایرانی و آگاه‌سازی آنان از اهداف دشمنان، زمینه‌های گذار از این تهدید اجتماعی و ملی را فراهم آوریم.

### پیشنهادهای

در پایان، به منظور حل مشکلات جمعیتی کشور و دستیابی به الگوی توسعه پایدار، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. تشکیل شورای عالی سیاست‌گذاری و

برنامه‌ریزی جمعیت با تأکید به منابع اسلامی؛  
۲. رصد مداوم تحولات جمعیتی توسط مراکز علمی - پژوهشی معتبر در سطح کشور و منطقه و بررسی نیازهای آینده‌شناسانه جهان اسلام و ایران در بحث جمعیت؛

۳. انجام مطالعات عمیق در زمینه ارزیابی سیاست‌های جمعیتی گذشته، حال و آینده برای رسیدن به حد مطلوب جمعیت و جلوگیری از بروز عواقب پیش‌گفته؛  
۴. تدوین سیاست‌های جامع جمعیتی.

..... منابع

حرّعاملی، محمدبن حسن (بی‌تا)، *وسائل الشیعه*، قم، دارالکتب الاسلامیه.

حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین (۱۳۴۵)، *کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین*، مشهد، مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلامی.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۹)، *لغت‌نامه دهخدا*، زیرنظر محمد معین، تهران، دانشگاه تهران.

سالاری‌مقدم، مریم (۱۳۸۴)، *مادران شاغل و تربیت فرزند*، پایان‌نامه سطح ۲، مشهد، مؤسسه علمی - پژوهشی مکتب نرجس علیها السلام.

سبحانی‌نیا، محمد، «تحدید خانواده، تهدید جامعه» (محرم ۱۳۹۱)، *ره‌توشه راهیان‌نور*، ش ۱، ص ۲۵-۵۰.

صابری زفرقندی، احمد (۱۳۸۷)، *علل و عوامل طلاق در جامعه ایران و اثر آن در کودکان و نوجوانان*، تهران، رایحه یاس.

صفاتی، زهره (۱۳۸۰)، *پیشگیری از بارداری (کنترل جمعیت و مسائل فقهی مرتبط به آن)*، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

عمید، حسن (۱۳۸۹)، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر.

مشفق، محمود و همکاران (۱۳۸۹)، *لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی ایران*، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران، صدرا.

معین، محمد (۱۳۸۵)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، امیرکبیر.

وشمگیر خسروی، حسن (۱۳۸۸)، *آسیب‌شناسی تحولات ساختار جمعیت در ایران (با رویکرد امنیت اقتصادی)*، تهران، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر.

## چالش‌های روش‌شناختی و معرفتی در پژوهش‌های موجود جمعیتی

فرزانه شکری\*

فروغ‌الصباح شجاع‌نوری\*\*

### چکیده

همزمان با تحولات جمعیتی سریع در کشور، پژوهش‌های مربوط به حوزه جمعیت رویکردهای متفاوتی داشته است. پژوهش حاضر به منظور مشخص شدن خلأها و اشکالات روش‌شناختی تحقیقات در زمینه جمعیت، با روش فراتحلیل به بررسی مطالعات مربوطه بین سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۹۰ در حیطه علوم انسانی پرداخته است. برای این منظور، ۶۳ مقاله بررسی شد. نتایج فراتحلیل، نشان داد رویکرد ۶۱/۹۰ درصد کل مقالات مورد بررسی به افزایش جمعیت منفی است. همچنین، مطالعات از نظر روش تحقیق دارای اشکالات و نواقص متعددی می‌باشند؛ ازجمله: شیوه انجام تحقیق در ۹۰/۴۷ درصد مطالعات انجام شده روش اسنادی-کتابخانه‌ای، ۹۰/۴۷ درصد مطالعات مورد بررسی فاقد تکنیک نمونه‌گیری، ۶۳/۵۰ درصد از مطالعات دارای میدان مطالعه نامشخص، ۵۳/۹۷ درصد مطالعات فاقد فرضیه یا سؤال، و ۵۷/۱۵ درصد مقالات فاقد تکنیک تجزیه و تحلیل بودند. با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش، بجاست در زمینه افزایش یا کاهش جمعیت مطالعات وسیع با رعایت اصول روش‌شناختی تحقیق علمی صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: جمعیت، فراتحلیل، افزایش و کاهش جمعیت.

## مقدمه

جمعیت از متغیرهای اصلی توسعه هر کشور است که برنامه‌ریزی‌ها براساس آن صورت می‌گیرد. از این‌رو، شناخت اندازه جمعیت، رشد، ساختار سنی و جنسی آن و همچنین رسیدن به یک جمعیت متناسب علاوه بر اینکه یکی از عوامل مهم در برنامه‌ریزی توسعه می‌باشد، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. درواقع، جمعیت نقش مهمی در تحقق برنامه‌های کلان کشور دارد، به گونه‌ای که همواره تغییرات جمعیتی مورد توجه و مطالعه بسیاری از پژوهشگران و اندیشمندان بوده است (مهرگان و رضائی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۸). تحقیقاتی که در حوزه جمعیت‌شناسی و جغرافیای جمعیت انجام می‌شود، جمعیت ایران را از دو دیدگاه قابل بررسی می‌داند (مصری، ۱۳۸۷، ص ۲۰؛ کریمی، ۱۳۸۷)؛ یکی از نظر ویژگی‌ها یا خصوصیات جمعیت و رشد آن، و دیگری از نظر توزیع یا پراکندگی جمعیت. درواقع، بین علم جمعیت‌شناسی و جغرافیای جمعیت تفاوت آشکار وجود دارد. پیش‌بینی‌های جمعیتی با توجه به عناصر مخصوص جمعیت و ویژگی‌های مربوط به آن صورت می‌گیرد. علاوه بر این، رابطه مستقیمی با پدیده‌های جمعیتی یعنی موالید، مرگ و میر و مهاجرت دارد. در جغرافیای جمعیت، رشد مکانی و زمانی جمعیت اهمیت دارد؛ یعنی هر جغرافی‌دان جمعیت باید بداند در چه زمانی و در کجا رشد جمعیت چقدر است و این نرخ رشد یا کاهش جمعیت چه اثراتی در نظام اجتماعی - اقتصادی هر جامعه یا کشوری دارد (شکوری گنجوی و طاهری، ۱۳۸۸).

با این حال، مشاهده می‌شود تحقیقات در حوزه

جمعیت به‌طور کلی دو نوع نگرش نسبت به رشد جمعیت دارند:

۱. نگرش منفی که به توماس مالتوس برمی‌گردد. وی معتقد بود: گرایش مردم به داشتن فرزند، ناگزیر موجب محدودیت عرضه مواد غذایی، کاهش دسترسی به منابع طبیعی و در نهایت، کاهش سطح رفاه قابل دسترس برای مردم است.
۲. نگرش مثبت برگرفته از نظریه هارود است که می‌گوید: رشد مثبت جمعیت رشد طبیعی برای اقتصاد است (بخشی دستجودی و خاکی نجف‌آبادی، ۱۳۸۹، ص ۳). با مبنا قرار دادن هریک از این نگرش‌ها نسبت به موضوع جمعیت، مطالعاتی در ایران انجام شده است. برای نمونه، سوری و کیهانی حکمت (۱۳۸۲) به بررسی اهمیت متغیرهای جمعیتی در تعیین رشد اقتصادی و تأثیر ارتباط بین اندازه دولت و رشد اقتصادی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنان گویای این است که متغیرهای جمعیتی نه تنها بر رشد اقتصادی تأثیرگذارند، بلکه اندازه دولت را نیز مشخص می‌کنند. در همین زمینه، نتایج تحقیقات بخشی دستجودی و خاکی نجف‌آبادی (۱۳۸۹)؛ مهرگان و رضائی (۱۳۸۸)؛ و ساعی ارسى (۱۳۸۸) مؤید نگرش مثبت به تأثیر جمعیت است. امانظری (۱۳۸۲) در تحقیقی به بررسی علل و اثرات رشد سریع جمعیت و نقش نامطلوب آن در توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران پرداخت. وی بیان داشت: بالا بودن درصد بچه‌سالان در بین گروه‌های سنی، دلالت بر عدم توسعه کشورها داشته و از آنجا که این گروه سنی هزینه‌بر و از نظر اقتصادی غیرمولد است، مبالغ قابل ملاحظه‌ای از درآمد ملی را می‌بلعد و آن را

در قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، در زمینه خطوط کلی سیاست کاهش فرزند کشور در بخش جمعیت چنین آمده است: بر مبنای بررسی‌های به عمل آمده، اعمال سیاست تعدیل موالید از ۶/۴ مولد زنده به دنیا آمده در طی دوران بالقوه باروری یک زن سال ۱۳۶۵ به ۴ نوزاد در سال ۱۳۹۰ و کاهش آهنگ رشد طبیعی جمعیت از ۳/۲ به ۲/۳ درصد در همین مدت با توجه به ساختمان فعلی بسیار جوان جمعیت و ویژگی‌های زیستی و فرهنگی جامعه امکان‌پذیر خواهد بود. از این رو، کاهش باروری عمومی زنان تا حد ۴ نوزاد و آهنگ رشد طبیعی ۲/۳ درصد ۱۳۹۰ مهم‌ترین هدف‌های درازمدت سیاست تحدید موالید کشور خواهد بود و متناسب با این هدف‌ها، کاهش آهنگ رشد طبیعی جمعیت به ۲/۹ درصد در انتهای این برنامه و ابتدای برنامه توسعه بعدی، از طریق اثرگذاری آگاهانه و برنامه‌ریزی شده بر متغیر باروری به عنوان عمده‌ترین هدف جمعیتی این برنامه در نظر گرفته شد. نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ کشور نشان داد که روند تحولات جمعیتی کشور با آنچه در قانون توسعه آمده است، دارای انحراف چشمگیر بوده و براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ رشد جمعیتی کشور ۱/۶۲ و میزان باروری کل کشور ۱/۸ اعلام شده (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) و در سال ۱۳۹۰ رشد جمعیت به ۱/۳ رسانده است. این انحرافات از قانون برنامه توسعه ضرورت تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی را بیشتر می‌کند (محمودی، ۱۳۸۹، ص ۶۳؛ سیاح و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۳۰).

تحقیقات در حیطه جمعیت از ابعاد دیگری نیز انجام گرفته است؛ از جمله: جمعیت و تابع مصرف؛

از قرار گرفتن در مسیر توسعه و پیشرفت بازمی‌دارد. همچنین، با توجه به اینکه موالید رابطه مستقیمی با جمعیت دارد، محققان به مطالعاتی در این زمینه پرداخته‌اند. عوامل و متغیرهای گوناگونی به طور مستقیم (عوامل جمعیتی، سن مادر و پدر، آشنایی با وسایل جلوگیری از باروری، خواست جلوگیری از باروری، و تأثیر به کار بردن وسایل) و غیرمستقیم (محیط اجتماعی و فرهنگی، همبستگی زوجین، و وضع زوجین) باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهند (رهنورد، ۱۳۸۰، ص ۷۵). تاکنون مطالعات مختلفی روند تحولات باروری در ایران و عوامل مؤثر بر آن را مورد بررسی قرار داده‌اند (زنجان، ۱۳۷۲؛ امیرخسروی، ۱۳۷۴؛ میرزایی، کوششی و ناصری، ۱۳۷۵؛ امانی، ۱۳۷۸؛ آقاجانیان، ۱۹۹۵؛ آقاجانیان، ۱۹۹۹، نقل از: کلاتری و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۱۴۰). این مطالعات بر نقش عواملی مانند: مدرنیزاسیون، کاهش مرگ و میر کودکان، جهت‌گیری علمای مذهبی در قبال برنامه تنظیم خانواده، تحصیلات زنان و عامل تغییر در سن ازدواج و باروری نکاحی تأکید نموده‌اند.

سیاست‌های جمعیتی و ضرورت پرداختن برنامه‌ریزان کشور، از دیگر مطالعات پس از پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷ به شمار می‌آید. مسئولان کشور رشد بالای جمعیت را تهدیدی علیه سعادت خانواده و جامعه دانستند و تلاش‌هایی برای توقف و کاستن از این رشد آغاز نمودند (علینقی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲). در حقیقت، عامل ازدیاد شدید جمعیت در برنامه اول توسعه به عنوان یک عامل منفی و نامطلوب تلقی شد و سیاست‌های کاهش فرزند در این برنامه پاسخی به این تلقی به شمار آمد.

جمعیت و امنیت؛ جمعیت و سکونت؛ جمعیت و پس‌انداز و...

با توجه به شیب تند روند کاهش جمعیت از سال شروع برنامه اول توسعه تاکنون این ضرورت به وجود آمد تا مشخص شود سیاست‌گذاری صورت‌گرفته در طی این سال‌ها تا چه حد مبنای تحقیقاتی داشته و تحقیقات انجام‌شده تا چه اندازه معیارهای علمی روش‌شناسی تحقیق را رعایت کرده‌اند. از این رو، برای پی بردن به این دو موضوع، مطالعات منتشرشده در فصلنامه‌های علمی کشور طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۹۰ (شروع سیاست کنترل جمعیت و ادامه آن تاکنون) گردآوری و با شیوه فراتحلیل بررسی شدند. بر همین اساس و با فرض اجرای تحقیقات نسبتاً کافی در حوزه جمعیت، سعی شده مقاله‌ها از بُعد روش‌شناختی بررسی و به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

۱. آیا مطالعات صورت‌گرفته در حوزه جمعیت اصول روش تحقیق علمی را رعایت کرده‌اند؟
۲. در صورت وجود مطالعاتی که اصول روش تحقیق علمی را به طور کامل رعایت نکرده‌اند، این مطالعات دارای چه نقاط ضعفی از بعد روش تحقیق می‌باشند؟

### مبانی نظری پژوهش

جمعیت و ابعاد آن، نقطه مرکزی هر نظام اجتماعی محسوب می‌شود. تحولات جمعیتی تقریباً تمام جنبه‌های زندگی انسان و جهان پیرامون وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اثرات متعددی بر خرده‌نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی وارد می‌کند و منشأ تحولات چشمگیری در این حوزه‌ها می‌شود. در مقابل، جمعیت نیز متأثر از تحولات نظام

اجتماعی، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای است. این ارتباط تعاملی جمعیت و جامعه، در چارچوبی مفهومی - تحلیلی تحت عنوان «جمعیت، توسعه و برنامه‌ریزی» مطرح شده و گسترش یافته است (صادقی، ۱۳۸۸). این چارچوب هرچند از موضوعات قدیمی اندیشه و دانش جمعیت‌شناسی محسوب می‌شود، اما در دوران معاصر از پویایی خاصی برخوردار بوده و همواره بر اهمیت علمی و کاربردی آن افزوده شده است. بر این اساس، باید برای بررسی تغییرات جمعیتی، با بیان نظریه‌های جمعیت به تأثیرات این نظریات بر مطالعات در این حوزه پرداخت.

### نظریه‌های جمعیتی

#### ۱. نظریه افزایش جمعیت

حامیان افزایش جمعیت یا «ناتالیست‌ها» معتقدند: افزایش سریع جمعیت نه تنها مشکلات اقتصادی و گرفتاری ایجاد نمی‌کند، بلکه ازدیاد جمعیت در نیرومندی، قدرت نظامی و اقتصادی کشور نقش مهمی ایفا می‌نماید. برخی از اقتصاددانان، افزایش و تراکم جمعیت را علت اساسی فنون تولیدی و در نتیجه، رشد و پیشرفت اقتصادی می‌دانند (کلانتری و صادقی ده‌چشمه، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳).

#### ۲. نظریه کاهش جمعیت

مالتوس از جمله افراد مخالف افزایش جمعیت است. مکتب مخالفان افزایش جمعیت را «مالتوسیانیسم» می‌نامند. به اعتقاد مالتوس، بین گرایش طبیعی نوع بشر (قانون جمعیت) و گرایش طبیعی تولیدات

#### ۴. نظریه حد متناسب جمعیت

مطابق این نظریه، کاهش یا افزایش جمعیت نمی‌تواند ملاک ارزیابی نسبت به مطلوب بودن موضع موجود باشد. فقط وجود و حصول شرایط با تعداد معینی از جمعیت در ارتباط است. جمعیت متناسب، جمعیتی است که به بهترین وجه، رسیدن به هدف یا هدف‌های خاص را ممکن سازد. ازجمله این هدف‌ها، می‌توان به رفاه و بهزیستی انسان‌ها، افزایش ثروت جامعه، اشتغال در سنین کار، و طول عمر و سلامتی اشاره کرد. از نظر جمعیت‌شناسان، جمعیت متناسب عبارت است از: ایجاد بهترین تعادل ممکن بین منابع و تعداد جمعیت. اما با توجه به اینکه امکانات طبیعی و اقتصادی کشورها متفاوت است، از این رو، حد تناسب جمعیت در هر کشوری متفاوت است (همان، ص ۱۰۱).

با طرح نگاه منفی مالتوس به افزایش جمعیت در اواسط قرن هجدهم، بحث‌ها و نقدهایی درباره نظریه وی آغاز شد. اولین خط انتقادی در برابر نظریه او، مشاهدات تجربی بود. درحالی‌که جمعیت در انگلیس، کل اروپا و کل جهان در حال افزایش بود، سطح زندگی هم از رشد برخوردار بود. دلایل اساسی که برای توجیه این مسئله به کار می‌رفت، تقسیم کار بیشتر و پیشرفت فناوری بود؛ مسئله‌ای که مالتوس سرعت رشد آن (فناوری) را کمتر از سرعت رشد جمعیت محاسبه کرد. درواقع، دیگر قانون طبیعت موردنظر مالتوس حاکم نبود. البته خود مالتوس بعدها جزو اصلی‌ترین منتقدان مالتوس‌گرایان شد. او با توجه به اینکه پیش‌تر عنوان کرده بود که یکی از راه‌های جلوگیری از عقب‌ماندگی جامعه، پس‌انداز و انباشت سرمایه تا حد ممکن

کشاورزی (قانون معیشت)، شکافی وجود دارد. براساس این قانون، جمعیت هر ۲۵ سال با تصاعد هندسی (مانند...، ۱۶، ۸، ۴، ۲) به میزان ثابتی رشد می‌کند، در صورتی‌که بنا بر قانون معیشت، تولیدات کشاورزی براساس تصاعد حسابی (مانند...، ۴، ۳، ۲، ۱) افزایش می‌یابد. مالتوس نتیجه می‌گیرد: نسبت جمعیت به مواد غذایی پس از دو قرن به ۲۵۶ در برابر ۹ بالغ می‌رسد. برای اجتناب از فقر باید به تحدید آزادی زاد و ولد از طریق ازدواج دیر هنگام و پرهیزگاری جنسی قبل از دواج اقدام کرد. مالتوس بیان می‌کند: از طریق کنترل جمعیت، جامعه‌ای مرفه به وجود خواهد آمد و فقر و تنگدستی ریشه‌کن خواهد شد (زنجانی، ۱۳۸۰، ص ۱۹). وی در کتاب *مقاله‌ای درباره جمعیت* (ویرایش اول)، سه اثر منفی برای افزایش جمعیت را مطرح ساخت:

۱. گسترش فقر از نظر کمی و کیفی؛

۲. محدودیت منابع طبیعی و تخریب محیط‌زیست؛

۳. عدم بهبود در کیفیت محیط زندگی (دلالتی اصفهانی و اسمعیل‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰).

#### ۳. نظریه ثبات جمعیت

در نظریه ثبات جمعیت، تغییر شمار جمعیت سبب ازهم‌پاشیدگی نظام اجتماعی می‌شود. استوارت میل طرفدار ثبات جمعیت بود. این نظریه، هر نوع افزایش جمعیت را غیرمنطقی دانسته و معتقد است: باید منابع از امکانات موجود به نحو احسن برای بهتر ساختن زندگی افراد موجود جامعه بهره‌برداری کند (زنجانی، ۱۳۸۰).

است، بعد از مدتی اعلام داشت که اگر شاهد کاهش مستمر مصرف باشیم، هیچ کشوری نمی‌تواند با انباشت سرمایه به رشد ثروت خود ادامه دهد (دلایلی اصفهانی و اسمعیل‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳).

به علاوه، برخی محققان دیگر تلاش کرده‌اند تا اثبات کنند آنچه می‌تواند پیامدهای تحولات جمعیتی را معنادار سازد عوامل جنبی دیگر می‌باشد. مثلاً، در این مورد هانری ژان به نقش دو عامل «منابع انرژی، محیط» و «امکان پیشرفت فناوری» اشاره دارد که وجود یا عدم وجود آنها می‌توانند جمعیت را به عناصر توسعه‌ساز یا مانع توسعه تبدیل کند. ژرژ بالاندیه محقق فرانسوی نیز معتقد است که باید به عوامل اقتصادی در تحلیل پیامدهای جمعیتی توجه کرد. بنابراین، تراکم جمعیتی هنگامی تراکم اخلاقی، توسعه اقتصادی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت که با سایر عوامل و یا با شرایطی از نوع اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی ترکیب گردد (فوزی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۴).

استفاده هریک از دیدگاههای مذکور سبب خواهد شد که مطالعاتی با ضرورت افزایش و کاهش جمعیت در جوامع مختلف صورت پذیرد. درواقع، هر جامعه همان‌گونه که برای سامان دادن و استفاده مطلوب از منابع طبیعی و مادی برنامه‌ریزی می‌کند، برای پرورش جمعیت و استفاده بهینه از توان جسمی و روحی آن نیز باید برنامه‌ای مدون و منطقی داشته باشد. تهیه برنامه مستلزم نوعی سیاست جمعیتی است که آن را طبق دیدگاهی که برمی‌گزینند انتخاب می‌گردد. از سوی دیگر، رشد جمعیت حاصل تفاوت باروری و مرگ و میر به اضافه خالص مهاجرت جمعیت بین‌المللی می‌باشد و از میان عوامل

مذکور باروری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ازاین‌رو، سیاست‌های جمعیتی در دنیا به‌طور عمده حول محور کاهش یا افزایش باروری اعمال می‌شود (عباسی‌شوازی و حسینی چاوشی، ۱۳۹۰، ص ۹).

در ایران، سیاست‌های جمعیتی بعد از سال ۱۳۶۹ با تشکیل شورای تحدید موالید به سمت کاهش باروری بوده است. اعضای این شورا شامل وزرای بهداشت، آموزش و پرورش، آموزش عالی، کار و امور اجتماعی، کشاورزی و ارشاد اسلامی بود که توسط وزارت بهداشت سرپرستی می‌شد. ازجمله اهداف این شورا، می‌توان به کاهش تولد، کاهش میزان جمعیت، افزایش میزان مصرف عوامل ضدبارداری در میان زنان متأهل و کاهش بارداری عمومی اشاره کرد. برای رسیدن به این اهداف، چهار فعالیت اصلی برنامه‌ریزی شده بود:

الف) برنامه آموزش سازمان‌دهی شده توسط مدارس، دانشگاه‌ها، وسایل ارتباط جمعی در ارتباط با مسئله جمعیت و تنظیم خانواده؛

ب) افزایش دسترسی به روش‌های پیش‌گیری برای متأهلان؛

ج) ارائه طیف وسیعی از روش‌های تنظیم خانواده و سیاست‌های جمعیتی؛

د) هدایت تحقیقات بر جوانب مختلف تنظیم خانواده و سیاست‌های جمعیتی.

در راستای تحقق اهداف این شورا بود که برنامه تنظیم خانواده با سه هدف کلی ذیل دنبال شد:

الف) تشویق به فاصله‌گذاری بین تولدها؛  
ب) برحذر داشتن زنان از بارداری در سنین زیر ۱۸ سال و بیشتر از ۳۵ سال؛

ج) محدود کردن تعداد زنان به ۲ تا ۳ فرزند



(سیمبر، ۱۳۸۹، ص ۸۴).

در برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸) و سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳) توسعه نیز برنامه کنترل جمعیت به عنوان سیاست نظام پیگیری شده است (سمیعی نسب و ترابی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۱). آنچه بیان شد بیانگر این است که طی سال‌های ۱۳۶۹ تاکنون نگاه به جمعیت در ایران برگرفته از نظریه مالتوسی منفی است؛ چراکه با جدیت تمام سیاست کنترل جمعیت اجرایی شده است. اما در یکی دو سال اخیر با تأکید مقام معظم رهبری بر افزایش جمعیت، رویکردی که از سوی سیاست‌مداران کشور دنبال می‌شود تجدیدنظر در سیاست‌های کنترل جمعیت است، به گونه‌ای که افزایش جمعیت را ضروری می‌دانند و با مطرح کردن این سؤال که «آیا کاهش جمعیت در راستای منافع ملی است یا خیر؟»، می‌خواهند به نوعی در جهت اصلاح سیاست‌های کنترل جمعیتی که بعد از جنگ تحمیلی اعمال شده گام بردارند.

## روش پژوهش

تحقیق حاضر به روش فراتحلیل انجام، و داده‌ها به صورت توصیفی طبقه‌بندی و ارائه شده است. فراتحلیل روشی است که به کمک آن می‌توان تفاوت‌های موجود در تحقیقات انجام شده را استنتاج کرد و در رسیدن به نتایج کلی و کاربردی از آن بهره جست. در روش فراتحلیل، ابتدا از طریق شکستن اجزای کل به ماوراء و فراتر از کل اولیه می‌رسیم، سپس تحلیل اولیه را به نحوی منتقل یا تبدیل می‌کنیم که یافته‌های نامناسب در چارچوبی قابل قبول قرار گیرند و سرانجام، تحلیل‌های ترکیب شده اطلاعاتی را نشان دهند که اطلاعات

اولیه نشان نداده باشند. در عمل، ابتدا اطلاعات از منابع اولیه استخراج و سپس با یکدیگر ترکیب می‌شوند و سرانجام یک کل جدید را تشکیل می‌دهند (دلاور، ۱۳۸۴، ص ۲۸۸).

## جامعه آماری و نمونه پژوهش

جامعه آماری پژوهش، مقاله‌های چاپ شده در نشریات علمی - پژوهشی شاخه علوم انسانی بودند که در بیست سال گذشته (۱۳۷۰-۱۳۹۰) در زمینه جمعیت ایران انجام شده‌اند. برای گردآوری تحقیقات، به آرشیو نشریات علمی - پژوهشی موجود در وبسایت پایگاه اطلاعات علمی ایران sid، وبسایت بانک اطلاعات نشریات کشور magiran و وبسایت پایگاه مجلات تخصصی نور (noormags) مراجعه شد. تعداد ۶۳ مقاله علمی که از لحاظ روش‌شناختی شرایط لازم را احراز کرده‌اند، انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفتند.

## ابزار تحقیق

برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزارهای زیراستفاده شد:  
۱. منابع دست اول، تحقیقات مربوط به موضوع پژوهش؛

۲. چک لیست تحلیل محتوا. از این چک لیست برای استخراج اطلاعات لازم برای انجام فراتحلیل از مقاله‌های پژوهشی استفاده شد.

## یافته‌های تحقیق

جدول (۱) پراکندگی موضوعات تحقیق در حوزه جمعیت را نشان می‌دهد که از سوی محققان مورد توجه قرار گرفته است.

با ملاحظه جدول (۲) مشاهده می شود نگاه منفی بیشترین میزان را با فراوانی ۳۹ مقاله و ۶۱/۹۰ درصد برای افزایش جمعیت کشور به خود اختصاص داده است.

جدول ۳: توزیع درصد فراوانی بر حسب روش تحقیق

روش تحقیق	فراوانی	درصد
کمی	۵	۷/۹۳
کیفی	۱	۱/۵۸
کتابخانه‌ای - اسنادی	۵۷	۹۰/۴۷
جمع	۶۳	۱۰۰

نتایج جدول (۳) نشان می دهد ۷/۹۳ درصد از روش کمی و ۱/۵۸ درصد از روش کیفی استفاده کرده اند و ۹۰/۴۷ درصد از مطالعات انجام شده، از روش اسنادی - کتابخانه‌ای برای مطالعه موضوع مورد بررسی بهره برده اند. نکته قابل توجه این است که علی رغم اهمیت موضوع و تأثیر آن بر توسعه کشور، پژوهشگران به تحقیقات میدانی، تجربی و کیفی برای بررسی مسائل جمعیتی کمترین عنایت را داشته اند.

جدول ۴: توزیع درصد فراوانی بر حسب تکنیک نمونه گیری

تکنیک نمونه گیری	شبهه های نمونه گیری	فراوانی	درصد
تکنیک نمونه گیری	در دسترس	۳	۴/۷۶
	تصادفی ساده	۱	۱/۵۹
	هدفمند	۱	۱/۵۹
	خوشه ای و سیستماتیک	۱	۱/۵۹
فاقد نمونه گیری	۶		۹/۵۳
	۵۷		۹۰/۴۷
جمع	۶۳		۱۰۰

جدول (۴) بیانگر این است که محققان به طور عمده از دیدگاه ها، نظریات و نتایج تحقیقات سایرین استفاده نموده اند و دستاوردهای تحقیقاتی که در مقالات منتشر شده، فاقد بررسی های میدانی کافی و قابل اتکا است. فقط ۹/۵۳ درصد مطالعات دارای تکنیک نمونه گیری است و ۹۰/۴۷ درصد مطالعات فاقد

جدول ۱: پراکندگی موضوعی آثار علمی

ردیف	موضوع تحقیق	فراوانی	درصد
۱	جمعیت و کنترل	۲۱	۳۰/۶۴
۲	جمعیت و رشد آن	۹	۱۴/۵۱
۳	جمعیت و رشد اقتصادی	۶	۱۴/۵۱
۴	جمعیت و سیاست های دولت	۶	۹/۶۷
۵	جمعیت و توزیع	۹	۱۲/۹
۶	جمعیت و مصرف	۳	۴/۸۳
۷	جمعیت و توسعه	۵	۴/۸۳
۸	جمعیت و پس انداز	۱	۱/۶۱
۹	جمعیت و امنیت	۲	۱/۶۱
۱۰	جمعیت و پول	۱	۱/۶۱
	جمع کل	۶۳	۱۰۰

همان گونه که در جدول (۱) ملاحظه می شود، بر حسب موضوعات ده گانه، بیشترین اولویت پژوهشی در حوزه جمعیت کشورمان به ترتیب به سه موضوع جمعیت و کنترل، جمعیت و رشد اقتصادی و جمعیت و رشد آن با ۵۹/۶۶ درصد اختصاص داشته اند. موضوع جمعیت و سیاست های دولت و جمعیت و توزیع آن در مراتب بعدی اهمیت قرار دارند و این در حالی است که فقط ۱۴/۴۹ درصد مقالات اختصاص به موضوع جمعیت با مصرف، توسعه، پس انداز، امنیت و پول دارد.

جدول ۲: توزیع درصد فراوانی بر حسب نوع نگاه به موضوع جمعیت

رویکرد مقالات به موضوع جمعیت	فراوانی	درصد
نگاه منفی به رشد جمعیت و لزوم کنترل آن	۳۹	۶۱/۹۰
نگاه مثبت به رشد جمعیت و لزوم افزایش آن	۵	۷/۹۳
رشد متناسب جمعیت مدنظر بوده	۹	۱۴/۲۹
نظری نسبت به افزایش یا کاهش جمعیت ارائه نشده	۱۰	۱۵/۸۸
جمع	۶۳	۱۰۰

ضعف آشکار در مطالعات مورد بررسی می‌باشد. اصولاً فرضیه یا سؤال تحقیق رکن اساسی تحقیق است و کل فرایند تحقیق برای رد یا تأیید آن است. بیش از نیمی از مطالعات مورد بررسی فاقد فرضیه یا سؤال بوده‌اند و بدون توجه به فرضیه‌ها یا سؤال، به بررسی و شناخت مسئله پرداخته شده است.

جدول ۸: توزیع درصد فراوانی بر حسب تکنیک تجزیه و تحلیل داده‌ها

وضعیت تکنیک تجزیه و تحلیل داده‌ها	فراوانی	درصد
دارای تکنیک تجزیه و تحلیل داده‌ها	۲۷	۴۲/۸۵
فاقد تکنیک تجزیه و تحلیل داده‌ها	۳۶	۵۷/۱۵
جمع	۶۳	۱۰۰

جدول (۸) بیانگر این است که ۴۲/۸۵ درصد مقالات دارای تکنیک تجزیه و تحلیل داده‌ها و ۵۷/۱۵ درصد مقالات فاقد تکنیک می‌باشند.

نکته قابل تأمل از یافته‌های پژوهش حاضر این است که هم مقالات انجام‌شده به شیوه کمی و هم تنها مقاله انجام‌شده به صورت کیفی، از بعد روش‌شناسی اصول کامل یک تحقیق علمی را رعایت نکرده‌اند. در تنها تحقیق کیفی صورت‌گرفته، مقاله فاقد سؤال یا فرضیه است و تکنیک مورد استفاده هرچند تحلیل محتوا بوده است، اما عملاً یافته‌های تحقیق به صورت کتابخانه‌ای ارائه شده. همچنین از میان ۵ تحقیق کمی که از ابزار پرسش‌نامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده، شیوه نمونه‌گیری سه مقاله در دسترس و فاقد فرضیه یا سؤال بوده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

روند کاهش سریع جمعیت از برنامه اول توسعه تاکنون سبب شد تا این تحقیق به بررسی وضعیت مطالعات جمعیتی و تحلیل آنها از بعد روش‌شناختی به شیوه

تکنیک نمونه‌گیری می‌باشد و این امر، ضعف تحقیقات جمعیت از بعد روش‌شناختی محسوب می‌شود.

جدول ۵: توزیع درصد فراوانی بر حسب تکنیک جمع‌آوری اطلاعات

تکنیک جمع‌آوری اطلاعات	فراوانی	درصد
کتابخانه‌ای - اسنادی	۵۷	۹۰/۴۷
پرسش‌نامه	۵	۷/۹۳
مصاحبه	۱	۱/۵۹
جمع	۶۳	۱۰۰

ملاحظه جدول (۵) بیانگر این است که ۱/۵۹ درصد مقالات از شیوه مصاحبه، ۷/۹۳ درصد از شیوه پرسش‌نامه و ۹۰/۴۷ درصد از تکنیک کتابخانه‌ای - اسنادی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده نموده‌اند.

جدول ۶: توزیع درصد فراوانی بر حسب میدان مطالعه

میدان مطالعه	فراوانی	درصد
کشوری - ملی	۱۳	۲۰/۶۳
منطقه‌ای - استانی	۱۰	۱۵/۸۷
نامشخص	۴۰	۶۳/۵۰
جمع	۶۳	۱۰۰

جدول (۶) بیانگر این است که ۶۳/۵۰ درصد از مطالعات نامشخص، ۲۰/۶۳ در سطح کشوری، و ۱۵/۸۷ درصد منطقه‌ای - استانی انجام شده است.

جدول ۷: توزیع درصد فراوانی بر حسب سؤال یا فرضیه

سؤال یا فرضیه	فراوانی	درصد
دارای سؤال یا فرضیه	۲۹	۴۶/۰۳
فاقد سؤال یا فرضیه	۳۴	۵۳/۹۷
جمع	۶۳	۱۰۰

جدول (۷) نشان‌دهنده آن است که ۴۶/۰۳ درصد از مقالات دارای فرضیه و ۵۳/۹۷ درصد هم فاقد فرضیه یا سؤال می‌باشند. این موضوع یک

فرا تحلیل پردازد و به دو سؤال زیر پاسخ دهد:

۱. آیا مطالعات صورت گرفته در حوزه جمعیت اصول روش تحقیق علمی را رعایت کرده اند؟
۲. در صورت وجود مطالعاتی که اصول روش تحقیق علمی را به طور کامل رعایت نکرده اند، این مطالعات چه نقاط ضعفی را از بُعد روش تحقیق دارا می باشند؟ به بیان دیگر، آیا تحقیقات صورت گرفته در حوزه جمعیت معیارهای لازم پژوهش علمی را در حد قابل قبول دارا هستند تا مبنای تصمیم گیری برای موضوع با اهمیت افزایش یا کاهش جمعیت در کشور باشند؟ برای پاسخ به این دو پرسش، مطالعات حوزه جمعیت طی سال های ۱۳۷۰-۱۳۹۰ از آرشیو مجلات علمی - پژوهشی موجود در وب سایت پایگاه اطلاعات علمی ایران sid، وب سایت بانک اطلاعات نشریات کشور magiran و وب سایت پایگاه مجلات تخصصی نورمگز (noormags) مورد جست و جو قرار گرفت و تعداد ۶۳ مقاله که امکان دسترسی به آنها وجود داشت، انتخاب و مورد ارزیابی قرار گرفتند.

یافته های این پژوهش نشان داد: از میان ۶۳ مقاله مورد بررسی، ۳۰/۶۴ درصد مطالعات به موضوع کنترل جمعیت اختصاص داشت که همسو با سیاست گذاری های کلان کشور در طی این سال ها بوده است.

در پاسخ به سؤال های پژوهش، یافته به دست آمده حاکی از عدم توجه کامل به معیارها و استانداردهای علمی رعایت اصول روش شناسی تحقیق در مطالعات صورت گرفته است. از جمله اشکالات و نواقص روش شناسی، می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- شیوه انجام تحقیق ۹۰/۴۷ درصد از مطالعات انجام شده، روش اسنادی - کتابخانه ای بوده است.
- ۹۰/۴۷ درصد مطالعات مورد بررسی فاقد تکنیک نمونه گیری بودند.
- ۹۰/۴۷ درصد مقالات از تکنیک کتابخانه ای - اسنادی برای جمع آوری اطلاعات استفاده نموده اند.
- ۶۳/۵۰ درصد از مطالعات دارای میدان مطالعه نامشخص بودند.
- ۵۳/۹۷ درصد مطالعات مورد بررسی فاقد فرضیه یا سؤال بودند.
- ۵۷/۱۵ درصد مقالات فاقد تکنیک تجزیه و تحلیل بودند.
- یافته های این پژوهش بیانگر این مطلب است که مسئله اساسی در پژوهش های حوزه جمعیت، ضعف علمی از بُعد روش شناختی است. همچنین انجام بیش از ۹۰ درصد تحقیقات به شیوه اسنادی - کتابخانه ای بیانگر ضعف عمده ای در تحقیقات انجام شده است. شاید بتوان گفت: سیاست کنترل جمعیت از برنامه اول توسعه تاکنون بر مبنای تحقیقات قابل استناد و اتکا نبوده است. از این رو، ضرورت دارد به شیوه های دیگر تحقیق که با استفاده از ابزار پرسشنامه، مشاهده، مصاحبه و... صورت می گیرد بیشتر توجه نمود تا به اطلاعات بهتر در حوزه جمعیت دست یافت. از طرفی، پیشنهاد می شود که در تحقیقات آینده دیدگاه های بومی و اسلامی برای مبانی نظری در حوزه جمعیت مورد توجه قرار گیرد.
- محدودیت این تحقیق عدم امکان بررسی تحقیقات محققان شاخه علوم پزشکی است که تحقیقی مکمل را می طلبد، تا چالش ها و موانع و تنگناهای مطالعات در این حوزه نیز مشخص گردد.

تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیت آسیا و اقیانوسیه.

علینقی، امیرحسین، «دین و برنامه‌های تنظیم خانواده: مطالعه موردی ایران» (۱۳۸۸). *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، سال هفتم، ش ۳، ص ۱۱۹-۱۳۷.

فوزی، یحیی، «چالش‌های اجتماعی انقلاب اسلامی در ایران: بررسی تغییرات جمعیتی بعد از انقلاب و پیامدهای آن بر مشروعیت نظام سیاسی» (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره پنجم، ش ۳، ص ۱۷۲-۱۹۰.

کریمی، فاطمه (۱۳۸۷)، *جغرافیای جمعیت*، تهران، دبیرخانه کشوری راهبری جغرافیا.

کلاتری، صمد، حسن بیک‌محمدی و اکبر زارع شاه‌آبادی، «عوامل جمعیتی مؤثر بر باروری زنان یزد در سال ۱۳۸۳» (۱۳۸۴)، *پژوهش زنان*، دوره سوم، ش ۲، ص ۱۳۷-۱۵۶.

کلاتری، صمد و ستار صادقی ده‌چشمه، «برآورد و مقایسه چند شاخص جمعیتی در ایران و برخی کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه» (۱۳۸۵)، *جمعیت*، ش ۵۶ و ۵۵، ص ۱۳۳-۱۵۰. محمودی، محمدجواد، «تحولات جمعیتی، چالش‌های پیش‌رو و لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی ایران» (تابستان و پاییز ۱۳۸۹)، *برداشت دوم*، سال هفتم، دوره جدید، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۴۱-۷۳.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور*، تهران.

مصری، کنایون، «رشد جمعیت در ایران» (۱۳۸۸)، *روزنامه جام جم*، ش ۲۴۴۸.

مهرگان، نادر و روح‌الله رضایی، «اثر ساختار سنی جمعیت بر رشد اقتصادی» (۱۳۸۸)، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال سیزدهم، ش ۳۹، ص ۱۳۷-۱۴۶.

نظری، علی‌اصغر، «بررسی علل و اثرات رشد سریع جمعیت و نقش نامطلوب آن در توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران» (۱۳۸۲)، *پژوهش‌های جغرافیایی*، ش ۴۴، ص ۳۱-۴۰.

## منابع .....

بخشی دستجردی، رسول و ناهید خاکی نجف‌آبادی «بررسی تأثیر جمعیت بر رشد اقتصادی در چارچوب الگوی رشد بهینه در اقتصاد ایران (۱۳۵۰-۱۳۸۶) کاربرد از الگوریتم ژنتیک» (۱۳۸۹)، *تحقیقات اقتصادی*، دوره ۴۶، ش ۹۴.

دلالی اصفهانی، رحیم و رضا اسمعیل‌زاده، «نگرشی نو بر ایده‌های جمعیتی (بازبینی اندیشه‌های مالتوس، کینز و بکر)» (بهار و تابستان ۱۳۸۶)، *علوم اجتماعی* (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد)، ص ۹۷-۱۲۰.

دلاور، علی (۱۳۸۴)، *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران، ویرایش.

ره‌نورد، زهرا (۱۳۸۰)، *بررسی متغیرهای مؤثر در کاهش رشد جمعیت با به‌کارگیری مدل‌های عمومی خطی و تعیین روش‌های آموزشی کنترل جمعیت در تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰)، *مهاجرت*، تهران، سمت. ساعی‌ارسی، ایرج، «پرسیمان‌های اقتصادی - اجتماعی جمعیت ایران: یک جستار نظری» (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی*، ش ۵، ص ۶۹-۷۹.

سمعی‌نسب، مصطفی و مرتضی ترابی، «شاخص‌ها و سیاست‌های جمعیتی در ایران» (تابستان و پاییز ۱۳۸۹)، *برداشت دوم*، سال هفتم، دوره جدید، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۱۴۳-۱۸۸.

سوری، علی و رضا کیهانی حکمت، «متغیرهای جمعیتی، اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران» (۱۳۸۳)، *پژوهش‌های اقتصادی*، ش ۹ و ۱۰، ص ۶۰-۸۳.

سیاح، مونس، مانا مس‌کار و مهلا مس‌کار، «بررسی اهمیت زمان در اعمال سیاست‌های جمعیتی با استفاده از مدل پویایی سیستم» (۱۳۹۱)، *مطالعات راهبردی زنان*، سال چهاردهم، ش ۵۵، ص ۲۶۲-۲۲۷.

سیمبر، معصومه، «دستاوردهای تنظیم خانواده در ایران» (۱۳۸۹)، *مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی*، دوره هشتم، ش ۱، ص ۸۱-۹۲.

شکوری گنجوی، حامد و شکیب طاهری، «بحث و بررسی نرخ رشد جمعیت کشور» (۱۳۸۸)، *راهبرد*، سال هجدهم، ش ۵۲، ص ۲۴۵-۲۶۵.

صادقی، رسول (۱۳۸۸)، *جمعیت و توسعه: ابعاد و چالش‌ها*،

## سایر منابع .....

آل‌مولانا، بابک و محمد مهدی اسماعیلی، «بررسی سیاست‌های  
تحدید و تنظیم خانواده» (تابستان و پاییز ۱۳۸۹)، **برداشت**  
**دوم**، سال هفتم، دوره جدید، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۱۰۹-۱۴۲.  
اطاعت، جواد، «جمعیت و توسعه پایدار در ایران» (۱۳۹۰)، **رفاه**  
**اجتماعی**، سال یازدهم، ش ۴۲، ص ۳۶-۷.  
امانی، مهدی، «نگاهی به چهل سال تحول جمعیت‌شناختی ازدواج  
در ایران (۱۳۳۵-۱۳۷۵)» (۱۳۸۰)، **نامه علوم اجتماعی**، ش ۱۷.  
بیانلو، یوسف و محمدکریم منصوریان، «رابطه تراکم جمعیت با  
میزان و نوع جرم» (۱۳۸۵)، **رفاه اجتماعی**، سال ششم، ش  
۲۲، ص ۵۶-۲۹.  
جوان، جعفر، «جمعیت و توسعه» (۱۳۷۹)، **جمعیت**، ش ۳۱-۳۲،  
ص ۴۵-۳۱.  
جهانفر، محمد، «سیاست‌های رشد جمعیت در جهان امروز»  
(۱۳۸۲)، **رهیافت**، ش ۳۱، ص ۸۸-۷۹.  
حاجیان، کریم‌الله و همکاران، «روند تغییرات هفت ساله در الگوی  
انتخاب روش‌های پیشگیری از بارداری در جمعیت روستایی  
بابل (۱۳۷۳-۱۳۸۲)» **مجله دانشگاه علوم پزشکی**  
**گرگان**، سال پنجم، ش ۱۲، ص ۲۴-۱۹.  
حبیبی، محسن و زهرا اهری، «بررسی تطبیقی دگرگونی جمعیت،  
خانوار، سکونت و شهرگرایی ایران، فرانسه، رومانی» (۱۳۸۳)،  
**هنرهای زیبا**، ش ۱۹، ص ۱۶-۵.  
حسینی، حاتم، «پویایی توسعه و همگرایی باروری در کشورهای  
مسلمان» (۱۳۸۹)، **جامعه‌شناسی ایران**، ش ۱۱، ص ۲۸.  
خزایی، حسین، «رسانه و سیاست تنظیم خانواده» (۱۳۸۷)،  
**پژوهش و سنجش**، ش ۱۴، ص ۱۸۱-۱۹۴.  
دواتی، علی و فرهاد جعفری، «بررسی نظر دانشجویان  
دانشگاه‌های تهران در مورد درس جمعیت‌شناسی و تنظیم  
خانواده» (۱۳۸۷)، **دانشور پزشکی دانشگاه شاهد**، سال  
شانزدهم، ش ۷۷، ص ۲۲-۱۵.  
رخشانی‌نسب، حمیدرضا و اصغر ضرابی، «تحلیل روند تحولات  
سلسله‌مراتب ایران طی سال‌های ۱۳۶۵-۸۵» (۱۳۸۹)،  
**جمعیت**، ش ۷۳ و ۷۴، ص ۴۴-۲۵.  
رسولی، رضا و همکاران، «تحولات نیروی انسانی و توسعه پایدار»  
(۱۳۸۶)، **جمعیت**، ش ۶۰ و ۵۹، ص ۶۰-۱.  
زیاری، کرامت‌الله و همکاران، «بررسی تحولات جمعیتی و

سکونت در شهر قشم تا افق ۱۴۰۵» (۱۳۸۹)، **مطالعات و**  
**پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای**، سال اول، ش ۲، ص ۵۰-۳۷.  
سرای، حسن، «ترکیب سنی، نیروی محرکه رشد و جمعیت آینده  
ایران» (بهار و تابستان ۱۳۷۹)، **نامه علوم اجتماعی**، ش ۱۵،  
ص ۶۶-۴۱.  
سیفی، غلامعلی، «آزادی اراده و سلب توانایی باروری، باروری و  
ناباروری» (۱۳۸۹)، دوره یازدهم، ش ۴، ص ۳۰۳-۲۹۵.  
شفقی، سیروس و اصغر ضرابی، «روند تحولات جمعیت بندر  
ترکمن طی سال‌های ۱۳۳۵-۷۵ و افق آینده آن» (بهار و تابستان  
۱۳۸۳)، **جغرافیا و توسعه**، ص ۷-۳۰.  
صرامی، حسین «رابطه جمعیت و امنیت» (بهار ۱۳۸۰)، **تحقیقات**  
**جغرافیایی**، ش ۱۶، ص ۷۰-۶۵.  
عباسی‌شوازی، محمدجلال و حاتم حسینی، «تفاوت‌های قومی  
باروری در ایران: روندها و عوامل مؤثر بر آن» (۱۳۸۶)،  
**جامعه‌شناسی ایران**، سال هشتم، ش ۲۰، ص ۳۶-۳.  
عباسی‌شوازی، محمدجلال و میمنت حسینی چاوشی، «تحولات  
باروری، تنظیم خانواده و سیاست‌های جمعیتی در ایران»  
(۱۳۹۰)،  
عبدالملکی، حجت‌الله، «تحلیل فرایند و معیارهای تعیین حد بهینه  
جمعیت در کشور» (تابستان و پاییز ۱۳۸۹)، **برداشت دوم**،  
سال هفتم، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۲۱۲-۱۸۹.  
عرب‌مازار، عباس و علی کشوری‌شاد، «بررسی اثر تغییر ساختار  
سنی جمعیت بر رشد اقتصادی» (۱۳۸۴)، **پژوهش‌های**  
**اقتصادی**، ش ۱۵، ص ۵۱-۲۷.  
عطائی‌سعیدی، حامد، «بررسی برخی عوامل مؤثر بر گرایش به  
برنامه‌های تنظیم خانواده در بین متأهلین شهر سردشت»  
(۱۳۸۷)، **جمعیت**، ش ۶۶ و ۶۵، ص ۹۵-۷۹.  
علی‌بی، محمدولی، «تأثیر آموزه‌ها و فتاوی شیعی در رشد و کنترل  
جمعیت» (۱۳۸۴)، **شسیعه‌شناسی**، سال سوم، ش ۱۲، ص  
۱۷۱-۱۴۰.  
علی‌عسکری، فاطمه، «گزارش کارشناسی واحد درسی جمعیت و  
تنظیم خانواده» (۱۳۹۰)، **معرفت در دانشگاه اسلامی**، سال  
پانزدهم، ش ۳، ص ۱۸۱-۱۶۵.  
غیبی، محمد و کاظم جاجرمی، «بررسی و تحلیل تحولات نظام  
شهری استان تهران طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۸۵» (۱۳۹۰)،  
**نگرش نو در جغرافیای انسانی**، سال سوم، ش ۳، ص ۴۲-۲۷.

- فرهودی، رحمت‌الله و همکاران، «چگونگی توزیع فضایی جمعیت در نظام شهری ایران طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۵» (۱۳۸۸)، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ش ۶۸، ص ۶۸۵۵.
- فلاح محسن‌خانی، زهره و محمدرضا فریدروحانی، «کاربرد فرایند تصادفی نرخ رشد جمعیت در پیش‌بینی احتمالی جمعیت» (۱۳۸۷)، *جمعیت*، ش ۶۶ و ۶۵، ص ۷۹-۶۵.
- قنبر، افسانه، «رشد نامتناسب جمعیت، تهدیدی برای توسعه انسانی» (۱۳۷۴)، *جمعیت*، ش ۱۳ و ۱۴، ص ۹۷-۱۱۰.
- قیصریان، اسحاق، «بررسی ابعاد اجتماعی، اقتصادی پدیده سالمندی در ایران» (۱۳۸۸)، *جمعیت*، ش ۷۰ و ۷۱، ص ۲۸۱.
- کاظمی‌پور، شهلا، «توسعه و مناسبات جمعیتی در ایران: با رویکرد آینده‌نگر» (تابستان و پاییز ۱۳۸۹)، *برداشت دوم*، سال هفتم، دوره جدید، ش ۱۲ و ۱۱، ص ۱۰۸-۷۵.
- کهن، شهناز و همکاران، «تبیین نقش خدمات تنظیم خانواده در توانمندی زنان: یک مطالعه کیفی» (۱۳۹۱)، *حکیم*، دوره پانزدهم، ش ۱، ص ۷۷-۶۸.
- محبی، فاطمه و ستار پروین، «تغییرات جمعیتی و بایسته‌های واحد درسی جمعیت و تنظیم خانواده» (۱۳۹۰)، *معرفت در دانشگاه اسلامی*، سال پانزدهم، ش ۳، ص ۱۶۸-۱۴۱.
- محمودی‌فر، یوسف و زیبا خضرطه، «تأثیر آموزش درس جمعیت و تنظیم خانواده بر آگاهی و نگرش دانشجویان پسر» (۱۳۸۸)، *راهبردهای آموزش*، دوره دوم، ش ۳، ص ۹۵-۱۰۱.
- معرفت در دانشگاه اسلامی*، سال پانزدهم، ش ۳، ص ۲۵۸.
- موقر، مهناز و همکاران، «تأثیر آموزش درس جمعیت و تنظیم خانواده بر میزان آگاهی و نگرش دانشجویان دختر نسبت به روش‌های پیشگیری از بارداری در دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبادان، ۱۳۸۴-۱۳۸۵» (۱۳۸۶)، *مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی*، دوره چهارم، ش ۱، ص ۴۴-۵۰.
- میرزایی، محمد و همکاران، «تغییرات نظری و مفهومی در نظریات جمعیت‌شناسی و توسعه روستایی» (بهار ۱۳۸۴)، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۵، ص ۲۴-۱.
- نوراللهی، طه و الهام فتحی، «چشم‌اندازی به شاخص‌های جمعیتی منطقه آسیای جنوب غربی و جایگاه ایران در منطقه، سال ۱۳۸۵» (۱۳۸۷)، *جمعیت*، ش ۶۴-۶۳، ص ۲۷-۶۰.
- نوری همدانی، حسین، «کنترل جمعیت» (۱۳۸۲)، *فقه اهل‌بیت*، سال نهم، ش ۳۳، ص ۲۴-۵۱.
- نوفرستی، محمد، «تحولات جمعیتی و تقاضا برای پول در ایران» (تابستان ۱۳۹۰)، *روند پژوهش‌های اقتصادی*، سال نوزدهم، ش ۵۸، ص ۱۵-۳۲.
- نوفرستی، محمد و صهیب مدنی‌تنکابنی، «اثر تغییر ساختار سنی جمعیت بر هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی: تحلیلی به روش همجمعی» (۱۳۸۵)، *پیک نور*، سال چهارم، ش دوم، ص ۱۱۷-۱۰۶.
- نوفرستی، محمد و محبوبه احمدی، «بررسی اثر ساختار سنی جمعیت بر پس‌انداز جامعه» (بهار ۱۳۸۷)، *پژوهش‌های اقتصادی*، (پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار)، سال هشتم، ش ۱، ص ۴۳-۶۶.
- واقعی، یدالله و همکاران، «ارائه روشی برای برآورد میزان رشد متغیر جمعیت» (۱۳۸۲)، *علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، سال دوازدهم و سیزدهم، ش ۴۴ و ۴۵، ص ۲۶۱-۲۸۰.
- ولی شریعت‌پناهی، مجید، «بررسی نقش فعالیت‌های اقتصادی در توزیع جمعیت بین شهر و روستا در ایران» (۱۳۹۰)، *جغرافیای سرزمین*، سال هشتم، ش ۲۹، ص ۸۵۵-۶۸.
- یاسوری، مجید، «بررسی روند توزیع جغرافیایی جمعیت ایران، آینده‌نگری، مشکلات و راهبردها» (۱۳۸۹)، *جمعیت*، ش ۷۳-۷۴، ص ۱-۲۴.
- یاوری، کاظم، «بررسی رابطه مصرف انرژی و ساختار جمعیت: مطالعه موردی: کشورهای آسیای جنوب غربی» (۱۳۸۹)، *مطالعات اقتصاد انرژی*، سال هفتم، ش ۲۵، ص ۳۳-۶۲.





## جستاری در دیدگاه‌ها؛ فرصت‌ها و چالش‌های جمعیتی بر روی شهرها با تأکید بر توسعه پایدار شهری

یونس شاکری\*

### چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی دیدگاه‌های جمعیتی، فرصت‌ها و چالش‌های جمعیتی پیش‌روی شهرهاست؛ یعنی مسائلی که در راستای ارتباط منطقی جمعیت با شهرها مطرح می‌باشد و برنامه‌ریزان و مدیران شهری برای برنامه‌ریزی در شهرها و خدمات‌رسانی هرچه بهتر به شهروندان باید آنها را مدنظر قرار دهند. از یافته‌های تحقیق حاضر می‌توان به این موارد اشاره کرد: نظر خوش‌بینانه به افزایش جمعیت در صورت آماده‌سازی بسترهای لازم برای آن، توزیع مناسب فضایی جمعیت در سطح شهرها و برقراری عدالت اجتماعی در سطح شهرها، و افزایش جمعیت فعلی کشور به دلیل روند پیر شدن جمعیت کشور در سال‌های آتی.

مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از کتب، مقالات، گزارش‌ها و اسناد به بررسی دیدگاه‌های مختلف جمعیتی و فرصت‌ها و چالش‌های جمعیتی و اثرات آن بر روی محیط شهری پرداخته و در پایان برای رسیدن به شهرهای پایدار راهکارهایی ارائه نموده است.

**کلیدواژه‌ها:** شهر، شهر پایدار، دیدگاه‌های جمعیتی، خدمات شهری، توسعه پایدار.

## مقدمه

و کلاتشهرهای ما فرصت است یا چالش؟ برای پاسخ به این سؤال، باید جنبه‌های مختلف جمعیت را بررسی کرده و از دل آن به فرصت‌ها و چالش‌های موجود در افزایش جمعیت شهری اشاره کرد. از آنجاکه هر شهر ظرفیت و گنجایش خاصی برای شهرنشینان دارد، بنابراین، محیط شهری در برابر سیل عظیم جمعیت انسانی زانو خم کرده و برای پاسخ به نیازهای ساکنانش درمانده خواهد شد. همین امر موجب شده که فشاری مضاعف بر روی محیط شهری وارد شود و مشکلات عدیده‌ای از جمله ترافیک سنگین، عدم ارائه امکانات و تسهیلات مناسب برای شهروندان، بیکاری، بزهکاری، جنایت و... را در پی خواهد داشت. اینجاست که باید برنامه‌ریزان شهری، مدیران شهری و دولت با برنامه‌ای دقیق سیاست‌هایی به منظور جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه از روستاها به شهرها اتخاذ کنند تا بتوانند جمعیت متناسب با گنجایش و ظرفیت هریک از شهرها را در آنها جای دهند.

## اهمیت و ضرورت تحقیق

بررسی آمار و ارقام جمعیتی نشان می‌دهد که تا سال ۱۴۰۰ شمسی، جمعیت شهرهای ۱۰۰۰۰۰ نفره با بالا از حدود ۱۸ میلیون نفر در سال ۶۵ به بیش از ۷۰ میلیون نفر، و جمعیت شهری کشور از ۵۵ میلیون کنونی به ۹۹ تا ۱۱۰ میلیون نفر خواهد رسید و شبکه‌های متعدد به هم پیوسته شهری ایجاد خواهد شد که از هم‌اکنون تعدادی از آنها شکل گرفته است. آماده شدن برای یافتن راه‌حل‌های ممکن برای برنامه‌ریزی چنین مجموعه‌های بزرگ جمعیتی، لزوم

جمعیت منبع فناپذیر و خلاقه‌ای است که می‌تواند نقش قاطعی در تحقق برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی کشور ایفا کند. رابطه منطقی بین جمعیت و توسعه باعث توسعه هماهنگ اقتصادی و اجتماعی، اعتلای سطح زندگی و بهروزی مردم، تأمین سلامتی مادران و نوزادان، ایجاد محیط مساعد برای تحصیل و کار زنان، فراهم ساختن امکانات و بهبود شرایط تحصیل نسل‌های آینده، توجه به حقوق بشر و جلوگیری از جنگ و جدال‌ها شده، حراست از محیط‌زیست، منابع حیاتی و دستاوردهای انسانی را نوید می‌دهد. در کشور ما توجه به جمعیت در برنامه‌ریزی‌ها، بعد از جنگ جهانی دوم آغاز شده است. در برنامه عمرانی اول اشارات مختصری به جمعیت و اثرات آن در توسعه اقتصادی دیده شده می‌شود. ولی از برنامه‌های عمرانی دوم به بعد جمعیت به عنوان یکی از زیربناهای فکری و سیاسی برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی درآمده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جمعیت مهم‌ترین سرمایه کشور تلقی شد و با توجه به زیربناهای عقیدتی، میزان افزایش سالانه آن نیز بالا رفت، به گونه‌ای که ایران دهه ۱۳۷۰ یکی از بالاترین میزان‌های رشد جمعیت را دارا بود (ساعی‌ارسی، ۱۳۸۹، ص ۷۰). مقوله جمعیت همیشه مدنظر حکومت‌ها و دولت‌ها بوده است. از آن‌رو که جمعیت شهرنشین روز به روز به دلایل مختلف مهاجرتی افزایش پیدا می‌کند، مدیران و برنامه‌ریزان شهری باید با تدبیری ویژه در پی رفع نیازهای شهرنشینان باشند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا افزایش یا کاهش جمعیت شهرنشین در شهرها

### پیشینه پژوهش

در ارتباط با جمعیت، بحث‌های فراوانی در کشور صورت گرفته است که تغییرات و تحولات جمعیتی شهرها و روستاهای کشور را مورد بررسی قرار داده است. نویسندگان مختلفی در حوزه‌های مشابه موضوع مورد تحقیق، مقاله‌ها و کتاب‌های گوناگونی را تحریر نموده‌اند.

مینایی و زهدی در مقاله‌ای به نام «بررسی میزان تأثیر انسجام اجتماعی و تغییرات جمعیتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، از جمعیت به عنوان عنصری مهم در مطالعات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی، و نیز به عنوان یکی از منابع قدرت یاد می‌کنند و تغییرات آن را برای سیاست‌گذاران قابل اعتنا می‌دانند (مینایی و زهدی، ۱۳۹۱). همچنین قربانی و همکاران در مقاله «بررسی تغییرات جمعیتی و اثرگذاری‌های آن بر تغییرات کاربری اراضی» (مطالعه موردی: منطقه بالاظالقان)، از عامل جمعیت به عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر تغییرات کاربری اراضی یاد شده است (قربانی و همکاران، ۱۳۸۹).

### مبانی نظری تحقیق

#### تعاریف و مفاهیم

۱. مهاجرت معکوس: مهاجرت به معنای ترک سرزمین، وطن و دیار مادری (اصلی) خود به سرزمین (شهر و یا کشور) دیگر به و اسکان و زندگی در آن منظور دستیابی به اهداف موردنظر خود می‌باشد. این اهداف می‌تواند اقتصادی، سیاسی و یا دینی باشد. مهاجرت گاه به صورت اختیاری و گاهی نیز اجباری است. با توجه به مفهوم مهاجرت، بازگشت مجدد

مطالعه جدی‌تر را در زمینه دورنمای توسعه اقتصادی کشور، فراهم کردن امکانات زیست و اشتغال و برنامه‌ریزی‌های جامع جمعیت و شهرنشینی مطرح می‌سازد (ساعی‌ارسی، ۱۳۸۹، ص ۷۱). در هر جای جهان و در هر کشور و شهری، جمعیت آن می‌تواند به عنوان نقطه قوت و یا ضعف آن محسوب شود. آن چیزی که در این میان اهمیت دارد این است که چگونه از این جمعیت استفاده شود. یک جامعه می‌تواند با به کارگیری منطقی و صحیح و ایجاد زیرساخت‌های لازم جمعیتی مسیر خود را به سوی پیشرفت سوق دهد و از طرفی، جامعه بدون در نظر گرفتن زیرساخت‌های جمعیتی و نداشتن برنامه‌ریزی دقیق به سوی رکود و هرج و مرج کشانده می‌شود. اهمیت این موضوع تا آنجاست که از جمعیت به منزله موتور محرکه شهر یاد می‌شود و این جمعیت است که می‌تواند حیات اقتصادی شهر را پویا و فعال کند.

### اهداف تحقیق

در این تحقیق به دنبال اهداف زیر خواهیم بود:

۱. بررسی دیدگاه‌های جمعیتی؛ ۲. تشریح فرصت‌ها و چالش‌های جمعیتی فراروی شهرها؛
۳. ارائه راهکارهایی برای متعادل ساختن جمعیت با محیط شهری.

### سؤالات تحقیق

سؤالات تحقیق، به قرار ذیل می‌باشند:  
آیا افزایش جمعیت برای شهرهای کشور، فرصت محسوب می‌شود یا چالش؟  
آیا کمبود جمعیت کشور، یک فرصت است یا چالش؟

در تعریف شهر پایدار، ساترث ویت در بحث آگاهانه خود درباره شهر پایدار، از ضرورت جست‌وجوی شهرها و نواحی روستایی سخن به میان می‌آورد که در آنجا نیازهای ساکنان به توسعه بدون تحمیل کردن تقاضاهای ناپایدار بر منابع و نظام‌های طبیعی و محلی یا جهانی برآورده شود (پاتر و ایونز، ۱۳۸۴، ص ۲۱۹). در شهر پایدار، بیشترین توجه پیرامون استفاده مفیدتر از زمین‌هایی است که زیر پوشش توسعه شهری درآمده است. پایداری در شهر برای اینکه از ارزش مورد نیاز برخوردار باشد، باید افزون بر جنبه‌های زیست‌محیطی، جنبه‌های اجتماعی را دربرگیرد. شهر پایدار، آلودگی، ازدحام و شلوغی، بی‌هویتی، بیگانگی، بی‌روحي و دوری از طبیعت را از شهر می‌گیرد و محیط‌های قابل پیاده‌روی، فعال، پرتحرک و اجتماعی را پدید می‌آورد (پورموسوی، ۱۳۸۵، ص ۳۹). نظریه توسعه پایدار شهری با تأکید بر حفظ محیط‌زیست شهری، آسایش شهروندان را مورد توجه قرار داده است. بنابراین، تمام تلاش هواداران این نظریه، در راستای سلامت شهروندان و جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست شهری است. مفهوم اصلی توسعه پایدار شهری توسط پیتروال این‌گونه تعریف می‌شود: شکلی از توسعه امروزی که توان توسعه همیشگی شهرها و جوامع شهری نسل‌های آینده را تضمین کند. از نظر کالبدی، توسعه پایدار شهری یعنی اینکه تغییراتی در کاربری زمین و سطوح متراکم برای برآوردن نیازهای ساکنان شهر در زمینه مسکن، حمل و نقل، اوقات فراغت و غذا به عمل آید (همان، ص ۳۷). در شهرهایی که به معیارهای توسعه پایدار توجه می‌شود، وابستگی به اتومبیل در

مهاجران به موطن اصلی خود برای زندگی به دلایل گوناگون، که مهم‌ترین آن توسعه زیرساخت‌ها و امکانات زیربنایی برای فعالیت‌های اقتصادی و رشد و پیشرفت فرهنگی و سیاسی در منطقه مهاجرفرست می‌باشد، منجر به بروز پدیده «مهاجرت معکوس» می‌شود. مهاجرت معکوس در ایران بیشتر به بازگشت مردم از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک و یا از شهرها به مناطق روستایی مربوط می‌شود. درحالی‌که در سطح بین‌المللی، بازگشت مهاجران از کشور مقصد به موطن اصلی خودشان، یعنی کشور مهاجرفرست، را مهاجرت معکوس می‌گویند ([www.wikipedia.org](http://www.wikipedia.org)).

۲. شهر: به‌طور کلی، شهر را می‌توان مجموعه‌ای از ترکیب عوامل طبیعی، اجتماعی، محیط‌های انسان‌ساخت که در آن جمعیت ساکن متمرکز شده است تعریف کرد (شیعه، ۱۳۸۳، ص ۴).

۳. شهر پایدار: شهر پایدار شهری است آرمانی که بتواند سرپناه و آسایشگاهی برای انسان فراهم نماید، به‌گونه‌ای که بتواند تمامی نیازهای ساکنانش را فراهم سازد. در اروپا و آمریکای شمالی، دولت‌ها و برنامه‌ریزان، شهر فشرده را تشویق می‌کنند که زندگی کردن در تراکم زیاد را تسهیل و جمعیت را به بازگشت به محله‌های قدیمی درون شهر تشویق می‌کند، و به این وسیله، زمان سفر از خانه به محل کار را کوتاه و از مصرف انرژی می‌کاهد (پاتر و ایونز، ۱۳۸۴، ص ۲۹۰). در تعریفی دیگر آمده: شهر پایدار شهری است، که به دلیل استفاده اقتصادی از منابع، اجتناب از تولید بیش از حد ضایعات و بازیافت آن تا حد امکان و پذیرش سیاست‌های درازمدت، بتواند به حیات شهری خود ادامه دهد (رهنما، ۱۳۸۸، ص ۷۰).

آنها کمتر است، متمرکزند و استفاده از زمین در آنها متراکم‌تر است؛ یعنی اینکه جمعیت و محل‌های اشتغال بیشتری در هر واحد سطح متمرکزند. در این شهرها مردم گرایش بیشتری به پیاده‌روی، دوچرخه سواری و استفاده از حمل و نقل عمومی دارند (برآبادی، ۱۳۸۳، ص ۴۶).

۴. شاخص‌های توسعه پایدار شهری: با توجه به مطالعات گسترده مرتبط با تحولات شهری در نقاط مختلف جهان، شاخص‌های متعددی در زمینه‌های ساختاری مانند فرهنگی - اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی، فناوری و گردشگری معرفی شده و در مورد شهرهای بزرگ مورد بررسی قرار گرفته است.

الف. شاخص سیاسی: تأثیر دگرگونی‌های سیاسی در توسعه شهرها در کشور ما کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در جهانی که شهرنشینی در آن رو به گسترش است، اغلب دگرگونی‌ها در شهرها به وقوع می‌پیوندد. مشارکت به معنای میثاق نوین اجتماعی عبارت از اشکال گوناگون اداره امور شهری، ضرورت ابداع روش‌های جدید مشورت با مردم و تمرکززدایی در مدیریت و تصمیم‌گیری، تقسیم کلان شهرها به اجتماعات کوچک‌تر و طراحی اشکال جدیدی برای حاکمیت در شهرهای بزرگ و مناطق شهری است (نوریان، ۱۳۷۹، ص ۹۶).

ب. شاخص اجتماعی - فرهنگی: توسعه اجتماعی - فرهنگی پویایی درازمدت است که به واسطه ارگان‌های رسمی و غیررسمی در جامعه تحقق می‌یابد و رفته‌رفته آثار خود را در جامعه ظاهر می‌کند. توسعه شهری زمانی پویا خواهد بود که در ارتباط نزدیک با توسعه فرهنگی و درواقع، بخشی جدایی‌ناپذیر از آن باشد. حیات کالبدی بدون توسعه

فرهنگی نامتعادل خواهد بود؛ چنان‌که نمونه بارز آن را در شکست مدرنیسم در عرصه معماری و شهرسازی می‌بینیم. زندگی شهری با توسعه شهرنشینی نیاز به رهیافتی فرهنگی - اجتماعی دارد که این رهیافت همان رهیافت فرهنگی - اجتماعی است (مرصوصی و بهرامی، ۱۳۸۹، ص ۶۰).

ج. شاخص‌های اقتصادی: برای هر شهر باید ظرفیت‌های اقتصادی را با دقت در نظر بگیریم و توانایی‌های بالقوه آن را برای رشد و توسعه پیدا کنیم. اگر بخواهیم برای تحول اقتصادی و رونق اقتصادی شهر خود برنامه داشته باشیم، باید مطالعات توسعه شهری را افزایش دهیم (کاظمی، ۱۳۸۰، ص ۶۵).

د. شاخص فناوری: در کشورهای در حال توسعه، فناوری اطلاعات در مدیریت توسعه شهری موضوعی نسبتاً جدید است. تولید، پردازش و توزیع اطلاعات، یکی از مشکلات اساسی برنامه‌ریزان و مدیریت توسعه شهری است؛ زیرا در این فرایند برای شناخت وضع موجود شهرها، بیشتر سرمایه و نیروی انسانی صرف گردآوری اطلاعات آشفته، پراکنده و ناهماهنگ می‌شود. در فرایند تصمیم‌گیری درباره شهر، باید اطلاعات اصلی درباره زمین، املاک، زیرساخت‌ها و وضعیت زیست‌محیطی شهروندستری وجود داشته باشد (قدیمی، ۱۳۷۹، ص ۱۵).

ه. شاخص زیست‌محیطی: شهر به‌عنوان یک واحد اکولوژیکی رابطه دقیق میان انسان و محیط را در خود نهفته دارد که در آن، تحت تأثیر عواملی همچون زمان و مکان قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که در جوامعی با محدودیت‌های محیطی و تکنولوژیکی، غلبه طبیعت بر انسان بیشتر بوده است و بعکس. هرچند در جامعه آرمانی رابطه میان انسان و محیط باید به گونه‌ای باشد

که هیچ یک مقهور دیگری نباشد و این امر مورد توجه توسعه پایدار نیز می باشد (موحد، ۱۳۷۹، ص ۴۳).

جدول ۱: جنبه های یک محیط ساخته شده پایدار

کاربری زمین و فرم ساخته شده	نگهداری از انرژی محیطی	باز یافت و استفاده دو باره محیطی	ارتباط و حمل و نقل
- استفاده فشرده از زمین شهری - شبکه های دالان های سبز - ایجاد اجتماعات محلی خودمدیریتی - ترکیبی از کاربری ها با تراکم بالا - مسکن در استطاعت - هویت محلی - مصالح ساختمانی پایدار - طراحی انعطاف پذیر و استانداردهای فضایی خوب	- ترکیب نیرو و گرما - تولید نیروی محلی - تولید خرده نیرو - انرژی تجدیدپذیر - کاهش مصرف انرژی و انرژی مدنظر - سطوح بالای عایق کاری - روشنائی - هوشمند و امنیت، گرمایش و سیستم فناوری و اطلاعات یکپارچه - داشتن کالاهای برچسب انرژی سفید - داشتن رتبه بندی محیطی به عنوان مثال معماری مسکن دارای رتبه عالی	- سیستم های خاکستری آب - باز یافت آب برای باغداری و ماشین شویی - استفاده دوباره آب و تصفیه، برای نگهداری از پارک ها یا فضاهای سبز - باز یافت زباله، و استفاده برای تولید بیوگاز - کاهش و تولید زباله ها - الگوی زندگی بدون کربن - داشتن کالاهای توانمند کردن فناوری اطلاعات	- مسیرهای خط ویژه، اتوبوس های سازگار با محیط زیست و راه های دوچرخه رو - باشگاه های خودرو و تسهیلات دوچرخه - زیرساخت های پیاده مدار - محدودیت پارکینگ خودرو - پایش زیست محیطی اتوبوس/حمل و نقل بار، انرژی و آب - توانمند کردن فناوری اطلاعات

مأخذ (Jenks & Jones, 2010, p. 3)

۵. جنبه های ناپایداری شهر: در خصوص جنبه های ناپایداری شهر، می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- افزایش پیامدهای نامناسب زیست محیطی؛

- تراکم بالا و شلوغی؛

- هدر رفتن انرژی و زمان؛

- بهره برداری بیش از حد از منابع تجدیدنپذیر؛

- ترافیک بالا به ویژه در مرکز شهر (برآبادی،

۱۳۸۳، ص ۵).

#### ۱. جستاری در نظریه های مربوط به رشد جمعیت

به طور کلی، فرایند رشد جمعیت به سه دوره یا مرحله «پیشامدرن»، «مدرن» و «فرامدرن» قابل تقسیم می باشد. دوره پیشامدرن، دوره ای است که اگرچه میزان مولید بالاست، اما به دلیل عدم توان مقابله با بیماری های واگیردار و شیوع این بیماری ها، نبود امکانات بهداشتی و رفاهی و سوء تغذیه، مرگ و میر نیز در سطح بالایی قرار داشت. در دوره پیشامدرن بین مولید و مرگ توازن و تعادل طبیعی ایجاد می گردید. حتی برخی از مناطق با کم جمعیتی مواجه می شدند. در دوره مدرن با پیشرفت علم، دانش و کشف داروهای جدید و مصونیت در مقابل بیماری های واگیردار و در کنار آن، انقلاب سبز و افزایش تولیدات زراعی و دامی، مرحله جدیدی از فرایند رشد جمعیت را شاهد هستیم. در این دوره، میزان مرگ و میر نسبت به مولید رو به نقصان گذاشت و افزایش شتابان جمعیت آغاز شد که با گذشت زمان، برخی از مناطق جهان با بحران پرجمعیتی مواجه شدند. در دوره سوم یا مرحله فرامدرن، اگرچه میزان مرگ و میر در سطح پایینی قرار دارد، اما به همان نسبت میزان مولید نیز کاهش می یابد و مجدداً وارد

مرحله ثبات و سکون جمعیت خواهیم شد که نمود آن را هم اکنون در کشورهای پیشرفته صنعتی از جمله کشورهای اروپایی شاهد هستیم.

در مورد چگونگی رشد جمعیت نیز نظریه‌های متفاوتی وجود دارد. این رویکردها را می‌توان در سه گروه طرفداران رشد و ازدیاد جمعیت، مخالفان رشد جمعیت یا موافقان محدودیت رشد، و هواداران جمعیت ثابت تقسیم‌بندی نمود. برخی از پژوهشگران و سیاست‌گذاران که نگرش کمی به مقوله جمعیت دارند، به دلیل تأکید بر شاخص‌های کمی که مربوط به دوران پیشامدرن است، نه تنها با رشد جمعیت مخالفتی ندارند، بلکه افزایش جمعیت را ضروری می‌دانند و رشد فزاینده جمعیت را توجیه می‌نمایند. جامعه‌شناسانی نظیر اگوست کنت، امیل دورکهایم و آرسن دومون طرفدار ازدیاد جمعیت بوده‌اند (کتابی، ۱۳۶۴). دورکهایم در رساله تقسیم‌کار اجتماعی، با تأکید بر افزایش حجم و تراکم جمعیت، بر این باور است که توسعه کمی جمعیت موجبات تقسیم کار اجتماعی بیشتر و بهتر را فراهم می‌آورد و این تقسیم کار به نوبه خود، منشأ ایجاد تکامل در مظاهر مختلف زندگی می‌گردد (بهنام، ۱۳۶۸). پیروان مکتب سوداگری (مرکانتلیست‌ها) از جمله ویلیام تمپل (William temple) عموماً از کثرت جمعیت طرفداری می‌کردند. تمپل در کتابی تحت عنوان *ملاحظات دربار هلد* در سال ۱۶۷۳ عنوان می‌دارد که ازدیاد جمعیت نشانه ثروت است. به اعتقاد وی، وقتی تعداد جمعیت یک کشور کم باشد، افراد آن به آسانی آذوقه خود را تأمین می‌کنند و به همین خاطر، به تبلی و بیکاری متمایل می‌شوند، اما اگر جمعیت متراکم باشد، مردم از روی الزام و اجبار به کار و

فعالیت خواهند پرداخت. مون کرتین (Mon Keratin) که یک مرکانتلیست صنعتی است نیز بر این باور است که انسان تنها یک رعیت یا سرباز نیست، بلکه یک نفر تولیدکننده است. توکر (Tucker) از همفکران این نحله فکری هم عنوان می‌دارد که بین ازدیاد جمعیت و افزایش میزان اشتغال و توسعه اقتصادی رابطه مستقیم وجود دارد. فیزیوکرات‌ها هم که به قابلیت تولید زمین اعتقاد ویژه‌ای داشتند، به پدیده رشد و افزایش جمعیت با نظر موافق می‌نگریستند. آدلف کست (Adolph Coast)، باستیه (Beastie)، مارکس دوسیرابو (Marks Dousirabo) و سربو استروپ (Serbo Strop) نیز از جمله موافقان رشد جمعیت به شمار می‌آیند. آدلف کست افزایش جمعیت را یکی از معیارهای مهم افزایش رفاه عمومی قلمداد می‌کند. باستیه بر این باور است که از افزایش جمعیت نباید نگران بود؛ چراکه هر فرد دارای دو بازوی آهنین و یک مغز پولادین است و می‌تواند بر مقدار تولید بیفزاید. مارکس دوسیرابو بر این عقیده است که جمعیت و مواد غذایی با تأثیرات متقابل، افزایش یکدیگر را باعث می‌شوند. افزایش جمعیت درواقع، انگیزه‌ای در تحول و تکاپوی انسان‌ها برای پیشرفت و استفاده صحیح از منابع بالقوه است (کلاهی، ۱۳۴۹). سربو استروپ با ارائه نظریه «انتقال جمعیت»، عنوان می‌کند که نوسازی کشاورزی که خود نتیجه تحولات تکنیکی، اقتصادی و اجتماعی است، اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه جامعه در معرض فشار جمعیتی قرار گیرد (الهی، ۱۳۶۷).

مخالفت با رشد فزاینده جمعیت نیز از قدمتی دیرینه برخوردار است. فلاسفه و صاحب‌نظران حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی از دیرباز با رشد

مرحله ثبات و سکون جمعیت خواهیم شد که نمود آن را هم اکنون در کشورهای پیشرفته صنعتی از جمله کشورهای اروپایی شاهد هستیم.

در مورد چگونگی رشد جمعیت نیز نظریه‌های متفاوتی وجود دارد. این رویکردها را می‌توان در سه گروه طرفداران رشد و ازدیاد جمعیت، مخالفان رشد جمعیت یا موافقان محدودیت رشد، و هواداران جمعیت ثابت تقسیم‌بندی نمود. برخی از پژوهشگران و سیاست‌گذاران که نگرش کمی به مقوله جمعیت دارند، به دلیل تأکید بر شاخص‌های کمی که مربوط به دوران پیشامدرن است، نه تنها با رشد جمعیت مخالفتی ندارند، بلکه افزایش جمعیت را ضروری می‌دانند و رشد فزاینده جمعیت را توجیه می‌نمایند. جامعه‌شناسانی نظیر اگوست کنت، امیل دورکهایم و آرسن دومون طرفدار ازدیاد جمعیت بوده‌اند (کتابی، ۱۳۶۴). دورکهایم در رساله تقسیم‌کار اجتماعی، با تأکید بر افزایش حجم و تراکم جمعیت، بر این باور است که توسعه کمی جمعیت موجبات تقسیم کار اجتماعی بیشتر و بهتر را فراهم می‌آورد و این تقسیم کار به نوبه خود، منشأ ایجاد تکامل در مظاهر مختلف زندگی می‌گردد (بهنام، ۱۳۶۸). پیروان مکتب سوداگری (مرکانتلیست‌ها) از جمله ویلیام تمپل (William temple) عموماً از کثرت جمعیت طرفداری می‌کردند. تمپل در کتابی تحت عنوان *ملاحظات دربار هلد* در سال ۱۶۷۳ عنوان می‌دارد که ازدیاد جمعیت نشانه ثروت است. به اعتقاد وی، وقتی تعداد جمعیت یک کشور کم باشد، افراد آن به آسانی آذوقه خود را تأمین می‌کنند و به همین خاطر، به تبلی و بیکاری متمایل می‌شوند، اما اگر جمعیت متراکم باشد، مردم از روی الزام و اجبار به کار و

روزافزون جمعیت به مخالفت برخاسته‌اند. افلاطون در راستای جمعیت متناسب و استفاده مطلوب از امکانات، جمعیت ۵۰۴۰ نفری را برای شهرها آرمانی می‌داند (شیخی، ۱۳۷۲). مکاتب اپیکوریان و رواقیان نیز از جمله مخالفان افزایش جمعیت بوده‌اند. در اواخر سده هجدهم توماس آلبرت مالتوس کشیش و جمعیت‌شناس انگلیسی از مخالفان جدی رشد جمعیت، در سال ۱۷۹۸م، در کتابی تحت عنوان تحقیق درباره اصل جمعیت و تأثیر آن در پیشرفت جامعه به ارتباط بین جمعیت با منابع طبیعی پرداخت. وی با استفاده از قانون بازده نزولی و همچنین افزایش تصاعدی جمعیت در مقابل نسبت حسابی مواد غذایی، عدم تعادل و توازن جمعیت و وسایل معیشت را موجب بحران دانست.

جان استوارت میل اقتصاددان و فیلسوف سیاسی در اواسط قرن نوزدهم، کثرت جمعیت در خانواده را به عنوان قباحتی نظیر میخوارگی تلقی می‌نماید. برتراند راسل رشد فزاینده جمعیت را خطری معادل به کارگیری بمب هیدروژنی تلقی نموده و پیشنهاد می‌دهد که اگر یک صدم هزینه نظامی صرف کنترل مواید شود، نتیجه ارزنده‌ای به بار خواهد آورد (جانک، ۱۹۶۴). در بین پیشگامان جامعه‌شناسی دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی در سال ۱۹۳۳ تأثیر اندازه، تراکم و ترکیب جمعیت را بر جامعه و ساختار اجتماعی مورد تأکید قرار داد و توسعه اجتماعی را در گرو جمعیت متوازن دانست. به اعتقاد وی، عدم کنترل کمیت و بهبود کیفیت مسائل مربوط به فقر، آلودگی محیط‌زیست، مسائل بهداشتی، کمبودهای هنری و فرهنگی را برای جوامع به وجود می‌آورد. برخی از صاحب‌نظران نیز از منظری زیست‌شناسانه

نسبت به خطر رشد جمعیت و تأثیر آن بر محیط‌زیست اظهارنظر کرده‌اند. مارگات مید مردم‌شناس آمریکایی عنوان می‌کند که جمعیت زیاد تعادل اکولوژیکی را به هم می‌زند؛ زیرا مواردی که انسان به صورت غذا، لباس و سایر کالاهای کارخانه‌ای مصرف می‌کند، قابل برگشت به طبیعت نیست. همچنین با از بین رفتن جو زمین بر اثر برهم خوردن تعادل اکولوژی، این خطر وجود دارد که گرمای زیاد باعث شود که اقیانوس‌ها نتوانند وظیفه خنک نگه داشتن زمین را عهده‌دار شوند و در نتیجه، زمینه مساعد تولیدات از بین خواهد رفت. وی نتیجه می‌گیرد که سلامت کره خاکی به حفظ تعادل بین جمعیت، طبیعت و محیط‌زیست وابسته است (اطاعت، ۱۳۹۰، ص ۱۳).

۱-۱ دیدگاه اسلام درباره جمعیت: اگرچه گفته می‌شود دین اسلام با افزایش جمعیت موافق است و از ظاهر برخی آیات و روایات نیز برای تأیید این مطلب استفاده می‌شود، اما در بین فقها و اندیشمندان اسلامی نظریات متفاوتی در این خصوص وجود دارد. برخی معتقدند که از دیدگاه اسلام، طلب فرزند و کثرت نسل مطلوبیت ذاتی دارد. مقصود از مطلوبیت ذاتی، مطلوبیت این امر با قطع نظر از شرایط اجتماعی و سیاسی مربوط به فرد و جامعه است؛ یعنی مطلوبیتی که الزاماً با شرایط دنیایی و مادی زندگی اجتماعی و فردی پیوند ندارد و در مقابل، ریشه در جنبه معنوی و فرامادی حیات انسان دارد. در نظریه «مطلوبیت معنوی»، فزونی یافتن عدد مسلمانان صرفاً به منزله ابزاری برای تأمین شوکت و قدرت مادی جامعه اسلامی و یا منافع دنیایی پدر و مادر مسلمان دیده نمی‌شود، بلکه مطلوبیت آن ریشه در ارج و ارزشی دارد که مکتب اسلام برای یک فرد



موحد و گوینده «لا اله الا الله» به عنوان هدف آفرینش او قایل است و نیز به خاطر تأثیری است که این امر در سعادتمندی معنوی پدر و مادر به عنوان مخاطبان اصلی این دستور الهی دارد و این همان چیزی است که علّامه طباطبائی آن را نقش نسل مسلمان در ساختن جامعه‌ای توحیدی عاری از شرک و فساد معرفی کرده و تحقق آن را مهم‌ترین مقصد شریعت و دین دانسته است (www.sadrsite.com).

قریب به اتفاق علما و فقهای اسلامی چنین دیدگاهی دارند و دلایل آنها بدین صورت است که اگرچه بچه‌دار شدن واجب نیست، ازدیاد فرزند نیز واجب نمی‌باشد، اما کاری بسیار پسندیده است و به خاطر بهانه‌های سست و بی‌پایه نمی‌توان از آن سر باز زد. وظیفه دولت اسلامی است که مردم را به سوی آنچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دعوت نمود، سوق دهد. اما اگر عوارض جانبی مانند اضطراب وجود داشت، اشکالی در منع موقت آن نیست، لکن در صورت امکان، دولت باید با برنامه‌ریزی درست درصدد رفع اضطراب باشد تا دوباره زمینه ترغیب به آنچه پیامبر تشویق می‌فرمود، فراهم شود و مردم، به داشتن فرزند متعدد تشویق شوند (خرازی، ۱۳۷۹، ص ۴۱-۶۹). اما در مقابل، برخی دیگر معتقدند که اسلام گرچه به تکثیر موالید توصیه و ترغیب نموده است، اما شواهد فراوان نشان می‌دهد که تنها تکثیر عددی منظور نیست. فزونی کمی و کیفی هر دو باید مورد لحاظ قرار گیرد. به عبارت دیگر، آنچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن توصیه نمودند، تکثیر فرزندان شایسته و نیکوست و بدون شک، توجه به کیفیت و ابعاد روحی و جسمی فرزندان، موجب محدودیت‌هایی در تولیدمثل خواهد شد. اگر نشانه‌های

اطمینان‌بخشی وجود داشته باشد که وجود فرزندان زیاد موجب در حرج قرار گرفتن والدین و نابسامانی زندگی آنان یا بازماندن از امور معنوی به‌خاطر اشتغال بیش از حد به امور فرزندان می‌شود، کثرت فرزندان رجحانی نخواهد داشت. بنابراین، توجه به کثرت عددی به‌معنای عدم جواز اعمال هرگونه کنترل و محدودیت نیست (رجبیان، ۱۳۸۶، ص ۱۶).

**۲. بررسی چالش‌های رشد جمعیت بر روی شهرها**  
جمعیت دربرگیرنده زمینه‌ها و موضوعاتی از ترکیب اجتماعی جمعیت است. مواردی نظیر وضعیت تأهل، موقعیت جغرافیایی، موقعیت آموزشی و تحصیلی، وضعیت خانواده، نژاد، زبان، مذهب، موقعیت اشتغال و نیروی انسانی، صنعت و... از جمله مواردی هستند که در قالب جمعیت‌شناسی اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند (آشفته‌تهرانی، ۱۳۸۱، ص ۵۷). در ادامه مطلب به برخی از چالش‌های رشد جمعیتی پرداخته می‌شود.

**۲-۱. رشد جمعیت در سن کار:** در اکثر کشورهای جهان سوم، بیکاری و بیکاری پنهان، در حال افزایش است. برنامه‌ریزان برای اشتغال کامل معمولاً برنامه‌ریزی می‌کنند، و ایجاد اهداف اشتغال به ندرت براساس پیش‌بینی رشد نیروی کار می‌باشد. برنامه‌ها معمولاً به تولید تأکید می‌ورزند تا اشتغال (ساعی ارس، ۱۳۸۰، ص ۴۷).

**۲-۲. افزایش سن مدرسه‌رو:** تغییر توزیع سن یک جمعیت، هم در تقاضا برای آموزش و هم ظرفیت یک جامعه برای تأمین تقاضا را تحت شعاع قرار می‌دهد. ترکیب سن یک جمعیت معمولاً به‌وسیله باروری در گذشته تعیین می‌شود تا به‌وسیله مرگ و میر. اکثر کشورهای جهان سوم دارای سطوح بالای

جمعیت نوزادان بالا، نیازمند افزایش تسهیلات پزشکی فزاینده می‌باشند. معیارهای بهداشت عمومی به مقیاس وسیعی با کاهش داخلی مرگ و میر مربوط می‌شود. خدمات بهداشتی شخصی به مثابه خدمات ناکافی ولی ضروری در این کشورها تشخیص داده می‌شود (همان، ص ۵۷).

۲-۶. فشار جمعیت بر مسکن: تولید مسکن با افزایش جمعیت یا خانواده‌های تازه تشکیل یافته در ارتباط است. در کشورهای جهان سوم کمبودهای مسکن در رابطه با مهاجرت و شهرنشینی مورد توجه قرار می‌گیرد. یکی از نیازهای ناشی از رشد جمعیت، مسکن می‌باشد (همان، ص ۵۸).

۲-۷. فشار جمعیت بر رفاه فردی یا خانواده: در برخی کشورهای جهان سوم، اثرات رشد جمعیت بر رفاه فردی و رفاه خانواده مورد توجه قرار می‌گیرد. برای مثال، سلامتی مادران و کودکان و توزیع منابع کمیاب بین اعضای خانواده‌های پرجمعیت حایز اهمیت است. اغلب این فشارها در تنظیم خدمات برنامه‌های تنظیم خانواده معقول بحث می‌شود. تعدادی از کشورهای جهان سوم، به‌طور غیرمستقیم، فشار جمعیت بر معیارهای زندگی فردی و خانواده را در سایر چالش‌های جمعیت مطرح می‌کنند (همان، ص ۶۰).

۲-۷. تراکم بالای جمعیتی شهرها: برخی از کشورهای جهان سوم به پرمسکن تراکم جمعیت شهری و یا منطقه‌ای توجه کرده‌اند. تراکم جمعیت در شهرها و مناطق به نبود سیاست‌های جامع جمعیتی و به‌ویژه به نبود سیاست‌های مهاجرتی مربوط می‌شود (همان، ص ۶۲).

۲-۹. سطح زندگی پایین جمعیت: در کشورهای جهان سوم، سطح زندگی با معیارهای زندگی سالم

باروری می‌باشند، که در ساختار سنی جوان اثر می‌گذارد. تحت این شرایط اندازه مطلق نسبت به جمعیت در گروه‌های در سن مدرسه به‌طور زیاد افزایش می‌یابد. در عین حال، نسبت کاهش‌یابنده جمعیت از نسل‌های در سن کار باید نیازهای آموزشی جمعیت جوان در حال افزایش را تأمین کند. بدین سان، ظرفیت اجتماعی برای تأمین هزینه‌های آموزشی برای هر دانش آموز در گذشته کاهش یافته است (همان، ص ۴۸).

۲-۳. کاهش رشد اقتصادی به وسیله رشد جمعیت: در اکثر کشورهای جهان سوم، رشد اقتصادی به وسیله رشد جمعیت کاهش می‌یابد. درحقیقت، رشد جمعیت، درآمد سرانه را کاهش می‌دهد. در این قبیل کشورها، رابطه بین جمعیت و روند توسعه ملاحظه نمی‌شود، ولی سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای محدود کردن اثر رشد جمعیت روی درآمد سرانه محاسبه می‌شود (همان، ص ۵۱).

۲-۴. فشار جمعیت بر خدمات اجتماعی: افزایش جمعیت هزینه کارایی و ماهیت خدمات اجتماعی و رفاهی دولت را در کشورهای جهان سوم تحت تأثیر قرار می‌دهد. فشار جمعیت ناشی از مهاجرت به نواحی شهری در کشورهای جهان سوم کاملاً مشهود است. در اکثر موارد، این مقوله، طبقه‌بندی بهداشت، آموزش و مسکن را تحت تأثیر قرار می‌دهد (همان، ص ۵۳).

۲-۵. فشار جمعیت بر خدمات بهداشتی: رشد سریع جمعیت نیاز به خدمات بهداشتی را افزایش می‌دهد و شهرنشینی، تسهیلات پزشکی جاری را در ارائه خدمات به آنها با مشکل مواجه می‌کند. خدمات بهداشتی در کشورهای جهان سوم باید گسترش یابد تا بتواند نسبت ناکافی جاری خدمات به جمعیت را تأمین کند. در این کشورها، جمعیت با باروری بالا و با

این کشورها، به تدریج جوانی جمعیت به پدیده‌ی سالمندی جمعیت تبدیل می‌شود. نسبت‌های اجتماعی از یک سو و نبود امکانات نگهداری از جمعیت سالخورده از سوی دیگر، پرسمان‌های خاص را برای جمعیت در پیش خواهد داشت.

۲-۱۲. **پرسمان مهاجرت:** در کشورهایی که میزان رشد طبیعی جمعیت آنها بالاتر از میزان رشد اقتصادی آنهاست، اقدام به مهاجرت وجود دارد. مهاجرت با پدیده‌ی شهرنشینی عجین است. همواره به دنبال توسعه‌ی شهرنشینی، مهاجرت صورت می‌گیرد. به تعبیری دیگر، همیشه به دنبال مهاجرت، توسعه‌ی شهرنشینی معنا و مفهوم پیدا می‌کند. مهاجرت نشانه و نمادی از تفاوت‌های گسترده در شرایط اقتصادی و اجتماعی بین مبدأ و مقصد می‌باشد (همان، ص ۹۷).

۲-۱۳. **تأثیر مهاجرت بر محیط‌زیست:** پدیده‌ی مهاجرت بر محیط‌زیست تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند. مهاجرت به مثابه یکی از ارکان عمده‌ی جمعیت‌شناسی، جایگاه مهمی در افزایش و کاهش و نیز رشد طبیعی در جوامع مختلف پیدا کرده است. مهاجرت همچنین بر محیط‌زیست تأثیر دارد و تراکم جمعیت، آلودگی، بی‌سازمانی اجتماعی، بروز انحرافات جدید و... از آثار آن به شمار می‌رود. محیط‌های جدید و شهری بر ویژگی‌های رفتاری، کنش‌های اجتماعی و چگونگی شخصیت افراد نیز تأثیر می‌گذارد؛ از جمله روی رفتار باروری جمعیت مهاجر تأثیر بسزایی دارد (همان، ص ۹۴).

۲-۱۴. **پدیده‌ی حاشیه‌نشینی:** دو پدیده‌ی شهرنشینی و مهاجرت به عنوان پیامدهای رشد جمعیت از یک سو، و تغییرات اجتماعی از سوی دیگر، به طور وسیعی در نقاط مختلف جهان در جریان است. کشورهای جهان

همخوانی ندارد. سطح زندگی پایین باعث کاهش کیفیت زندگی مردمان این کشورها می‌شود. نبود همخوانی بین جمعیت و توسعه، سطح زندگی، جمعیت را در سطوح پایین نگه می‌دارد.

۲-۱۰. **فشار جمعیت بر منابع:** در کشورهای جهان سوم، محدودیت منابع غذایی، انرژی، آب و... از یک سو، و افزایش جمعیت و بالا بودن میزان‌های رشد جمعیت از دیگر سو، موجب عدم تعادل بین جمعیت و منابع می‌شود. کمبود منابع بر بهداشت و تغذیه جامعه اثرات سوئی دارد. یکی از پیامدهای مستقیم رشد جمعیت، فشار بر ذخایر و منابع آب در جهان به طور عام و جوامع رو به توسعه به طور خاص است. افزایش جمعیت، تغییر الگوهای مصرف، بالا رفتن سطوح بهداشت فردی و... همگی مصرف آب را افزایش می‌دهند. رشد جمعیت نه تنها نیازهای آب انسان‌ها را افزایش می‌دهد، بلکه به تسریع مشکلات محیطی چرخه‌ی آب به عنوان یک دستاورد تولید بیشتر غذا و سوخت کمک می‌کند. از جمله این مشکلات، می‌توان به از بین رفتن جنگل‌ها و سایر استفاده‌های نامناسب و مخرب از زمین، افزایش زباله، استفاده از سموم دفع آفات و کودهای شیمیایی و افزایش گازهای گلخانه‌ای اشاره کرد که موجب گرم شدن آب و هوای جهانی می‌شود. بسیاری از این فعالیت‌ها علاوه بر اینکه امکان ذخیره‌سازی را بسیار محدود می‌کنند، آب‌های موجود را نیز آلوده می‌سازند (شیخی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۱).

۲-۱۱. **پرسمان سالخورده‌ی جمعیت:** در کشورهای جهان سوم به علت افزایش خدمات بهداشتی و درمانی و مهار مرگ و میر و در نتیجه، افزایش امید به زندگی در

جدول ۲: فرصت‌ها و چالش‌های رشد جمعیت بر شهرها

چالش‌ها	فرصت‌ها
- افزایش مهاجرت‌ها	- تأمین منابع انسانی
- فشار جمعیت بر خدمات بهداشتی	- جوانی جمعیت
- فشار جمعیت بر مسکن	- اقتصاد پویای شهری
- فشار جمعیت بر رفاه فردی و خانواده	- نیروی کار ارزان
- فشار جمعیت بر غذا و تولیدات کشاورزی	
- تراکم بالای شهرنشینی	
- پیدایش حاشیه‌نشینی در اطراف شهرها	
- فشار جمعیت بر محیط‌زیست	
- فقر و ناهنجاری‌های اجتماعی	
- فشار جمعیت بر منابع	
- ترافیک سنگین در شهرها	
- سطح زندگی پایین در شهرها	
- بیکاری	
- مهاجرت	
- کاهش خدمات شهری	
- آلودگی زیست‌محیطی	
- کاهش امنیت اجتماعی	

(مأخذ: نگارنده)

۳-۱. آثار مثبت جمعیت: با توجه به اینکه بیشترین فراوانی جمعیتی مربوط به دهه ۶۰ است و بعد از آن در دهه هفتاد سیاست‌های تنظیم خانواده در کشور باعث روی آوردن بیشتر خانواده‌های ایرانی به تک‌فرزندی گردید، از نظر نگارنده، این وضعیت به‌طور طبیعی در سال‌های آتی جمعیت کشور را به جمعیت پیر و سالخورده مبدل و کشور را دچار بحران خواهد نمود. از نظر نگارنده، نکات و اثرات مهم افزایش جمعیت در کشور به شرح زیر است:

- جلوگیری از پیر شدن جمعیت کشور؛
- جوان شدن جمعیت کشور و تأمین منابع انسانی و

سوم که در آنها شهرنشینی در مدت کوتاهی به‌طور وسیع صورت گرفته است، از مشکلات و نتایج آن اغلب در رنجند؛ چراکه شهرنشینی با رشد صنعتی شدن در این کشورها شکل نگرفته است. گسترش انحرافات، افزایش بیکاری، آلودگی محیط‌زیست و حاشیه‌نشینی از جمله پیامدهای مستقیم شهرنشینی در این جوامع می‌باشد (همان، ص ۱۴۵).

۲-۱۵. فقر و ناهنجاری‌های اجتماعی: میزان بالای رشد جمعیت، عامل عمده فقر در کشورهای در حال توسعه است. رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهای صنعتی به معنای بالا رفتن میزان درآمد سرانه برای مردم آن کشورهاست. درحالی‌که چنین تناسب و برابری درباره کشورهای رو به توسعه وجود ندارد. یکی از راه‌های بالا بردن سطح زندگی کشورهای رو به رشد، پایین آوردن میزان رشد جمعیت می‌باشد. رشد جمعیت با موضوعاتی همچون توسعه و سیاست‌گذاری‌های عمومی دولت‌ها در ارتباط است. رشد سریع جمعیت فشارهای بیشتری بر منابع موجود وارد می‌کند و در بسیاری از کشورها که مردم برای معیشت خود بیشتر به کشاورزی وابسته هستند، افزایش جمعیت در آنها، توازن بین منابع طبیعی و جمعیت را تهدید می‌نماید. رشد سریع جمعیت همچنین آهنگ شکل فعلی تحول اقتصادی - اجتماعی را پیچیده‌تر می‌نماید (همان، ص ۱۵۰).

### ۳. فرصت‌ها و چالش‌های جمعیت بر شهرها

در ادامه بحث، نگارنده به‌طور اجمالی به فرصت‌ها و چالش‌های افزایش جمعیتی شهرها پرداخته و به فرصت‌ها و چالش‌های موجود در این زمینه اشاره کرده است.

۳-۳. مهاجرت معکوس (از روستا به شهرها یا از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک): در لایحه برنامه پنجم توسعه ایران، یک ماده به توسعه روستایی اختصاص دارد که به صورت مفصل در ۱۳ بند به موضوعاتی مانند به سازی روستاها، ارتقای شاخص‌های توسعه روستایی و حمایت مالی کشاورزان از طریق اعطای تسهیلات و همچنین گسترش بیمه اجتماعی روستاییان پرداخته است.

بر اساس این ماده، دولت مکلف است به منظور بهبود وضعیت روستاها در زمینه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی راهبردی و نظارت و هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی، ارتقای سطح درآمد و کیفیت زندگی روستاییان و کشاورزان و کاهش نابرابری‌های موجود بین جامعه روستایی و عشایری و جامعه شهری حمایت لازم را از اقداماتی که در این ماده ذکر شده به عمل آورد.

همچنین مقرر شده است شاخص‌های توسعه روستایی و ارائه خدمات نوین و تهیه برنامه اولویت‌بندی خدمات روستایی با توجه به شرایط منطقه‌ای و محلی ارتقا یابد. دولت باید از گسترش کشاورزی صنعتی و صنایع روستایی با اولویت توسعه خوشه‌ها و زنجیره‌های صنعتی، کشاورزی کوچک و متوسط که بخش اعظم نهادها و عوامل تولید آن در جغرافیای روستایی وجود دارد و همچنین صنایع دستی و خدمات گردشگری و ایجاد و توسعه بازارهای محلی با اولویت مراکز دهستان‌های دارای قابلیت توسعه حمایت کند. از جمله عواملی که می‌تواند بر مهاجرت معکوس و به تبع آن، توسعه روستایی کمک نماید، بحث فناوری اطلاعات و ارتباطات خواهد بود؛ چراکه براساس

کارآمد در تخصص‌های مختلف برای پیشرفت کشور؛ - فعالیت جمعیت شهری و روستایی و رونق گرفتن بخش تولیدی کشور و در نتیجه، رشد صادرات غیرنفتی؛

- سامان‌دهی جمعیت و به کارگیری آن در ارتقای امنیت ملی؛

- رشد حیات اقتصادی شهرها با توجه به فعالیت‌های مختلف جمعیتی؛

- ظرفیت بالقوه جمعیتی در برابر تهدیدها و حملات کشورهای خارجی؛

- تأمین منابع انسانی کشورهای همسایه به دلیل پیری جمعیت و ارزآوری برای کشور؛

۳-۲. روند جمعیت شهرنشینی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰: اگر نگاهی به رشد شهرنشینی در کشور بیندازیم، خواهیم دید که از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ روند شهرنشینی رشد داشته و سالیانه بر تعداد شهرنشینان افزوده می‌شود تا آنجا که در آخرین سرشماری که در سال ۹۰ صورت‌گرفت ۷۱/۴ درصد مردم در شهرهای کشور سکونت داشته و فقط ۲۹/۶ درصد ساکن روستاها هستند. در جدول (۳) روند جمعیت شهری ایران طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ آورده شده است:

جدول ۳: جمعیت کل شهری، درصد و نرخ رشد در هفت دوره

سرشماری (۱۳۳۵-۱۳۹۰)

سال	جمعیت کل	جمعیت شهری	نرخ شهرنشینی	نرخ رشد
۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	۵۹۹۷۱۶۱	۳۱/۴	-
۱۳۴۵	۲۵۰۷۸۹۲۳	۹۷۱۴۶۱۲	۳۹	۴/۹
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۵۸۵۴۵۸۰	۴۷	۵
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۹	۲۶۹۵۲۸۹۴	۵۴/۳	۵/۴
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۵۱۹	۳۶۸۰۸۴۰۰	۶۱/۳	۳/۱
۱۳۸۵	۶۹۲۸۶۹۱۳	۴۸۲۴۲۷۹۷	۶۹/۶	۲/۷
۱۳۹۰	۷۵۷۶۸۱۴۸	۵۷۱۴۲۹۳۱	۷۱/۴	۱/۶

(نظریان، ۱۳۹۱، ص ۱۵۰)

شواهد، بسیاری از مهاجرت‌های صورت گرفته از روستا و یا شهرهای کوچک به کلان‌شهرها، نبود امکانات زیرساختی و همچنین امکانات و فناوری جدید می‌باشد. پدیده فناوری اطلاعات و ارتباطات روستایی که اولین بار در کشور هند و در امور کشاورزی مورد استفاده قرار گرفت، پس از آن در کشورهایی همچون سنگال، آمریکا و کانادا دنبال شد. این تجربه در ایران نیز اولین بار در روستای شاهکوه در سال ۱۳۷۹ مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گرفت. پدیده فناوری اطلاعات می‌تواند کمک شایان توجهی در بخش‌های مختلف آموزشی، زیست محیطی و... به روستاییان نماید. تحقق این مهم باعث افزایش بهره‌وری نیروی کار و در نتیجه، نیل به توسعه روستایی و به تبع آن توسعه کشور خواهد شد ([www.wikipedia.org](http://www.wikipedia.org)).

۳-۴. سیاست‌های کنترل جمعیت بر زندگی شهرنشینان: آنچه که می‌توان در رابطه با رشد جمعیت شهرها متذکر شد، این است که بعد از سیاست‌های کنترل جمعیت و تنظیم خانواده در سطح شهرها، خانواده‌های شهرنشین بخصوص در کلان‌شهرها به‌سوی تک‌فرزندی روی آورده و نرخ رشد سالانه جمعیت شهرنشینی کاهش یافته است، ولی نکته قابل تأمل این است که روزه‌روز مهاجرت‌های روستایی به‌سوی شهرها افزایش یافته و ترکیب جمعیتی شهرها را بر هم می‌زند. از این رو، مدیران و برنامه‌ریزان شهری مجبور خواهند شد شهر را در ارتباط با سیل عظیم مهاجرت‌های روستایی آماده سازند. این امر، کاری بسیار مشکل و پیچیده است؛ چراکه هر شهر زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های مشخصی برای پذیرش جمعیت در خود دارد و اگر از

سقف جمعیتی متناسب با هر زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های موجود فراتر رود، خودبه‌خود مدیران و برنامه‌ریزان شهری با بحران و چالش‌های عدیده‌ای برای برآورده ساختن نیازهای ساکنان شهرها مواجه می‌شوند و جمعیت مهاجر به شهرها بر منابع، مسکن، ترافیک، خدمات، آلودگی زیست محیطی و... فشار وارد کرده و شهرها را از مسیر شهرهای پایدار خارج می‌سازند. پس در این زمینه باید قوانینی در رابطه با مهاجرت روستا - شهری وضع شود و امکانات و تسهیلاتی برای روستاییان فراهم گردد تا روستاییان رغبت بیشتری برای ماندن در روستاها پیدا کرده و به کار و فعالیت در روستا مشغول شوند تا از این طریق، هم از روند گسترش شهرنشینی کاسته شود و هم چرخه تولید ملی که روستاییان نقش بسیار مهمی در آن ایفا می‌کنند شکوفا شده و کشور را از واردات محصولات کشاورزی و دامی بی‌نیاز کنند و ضمن افزایش سهم صادرات غیرنفتی ما در جهان، کشور را به‌سوی پیشرفت و آبادانی سوق دهند.

از نظر نگارنده، افزایش جمعیت شهرها که به تبع آن، رشد توسعه شهرها را در پی خواهد داشت، باعث کاهش هزینه‌های شهر خواهد شد. این امر، منوط به توزیع فضایی مناسب جمعیت و برقراری عدالت اجتماعی در سطح شهرها خواهد بود. با این کار، می‌توان با نگاهی خوش‌بینانه به افزایش جمعیت، امکانات و بسترهای یک زندگی سالم را برای جمعیت اضافه‌شده فراهم کرد. افزایش جمعیت اگر به‌طور صحیح سامان‌دهی شود، پویایی شهرها را به دنبال خواهد داشت و یک کشور با پشتوانه نیروی جمعیتی جوان می‌تواند قله‌های پیشرفت و ترقی را یکی پس از دیگری فتح کند.

## نتیجه‌گیری و راهکارها

با توجه به نظریات مختلف جمعیتی، می‌توان از «جمعیت» هم به عنوان فرصت نام برد؛ در صورتی که بسترهای لازم برای فعالیت همه‌جانبه جمعیت وجود داشته باشد و از آن به‌طور بهینه استفاده شود و هم از آن به‌عنوان یک چالش یاد کرد؛ زمانی که هیچ‌گونه برنامه‌ای برای افزایش جمعیت تجویز نشده باشد. افزایش جمعیت بدون برنامه‌ریزی، مخاطرات و مشکلات اساسی را در جنبه‌های مختلف (از جمله بیکاری، ناامنی، فساد و...) برای یک کشور در پی خواهد داشت.

در منابع گوناگون، از جمعیت به‌عنوان عاملی اثرگذار در قدرت جوامع یاد شده و جایگاه ویژه‌ای برای آن در نظر گرفته شده است.

در رابطه با کشور ایران، باید این نکته مهم را یادآور شد که جمعیت ایران با روند کنونی، در سال‌های آتی به سمت کشوری پیر و سالخورده تبدیل خواهد شد که مشکلات عدیده‌ای از جمله پیری جمعیت، کمبود نیروی جوان و فعال، کاهش تولید کشور (به علت کاهش نیروی انسانی)، و تهدیدهای نظامی علیه کشور (به دلیل کاهش نیروهای نظامی) را به دنبال خواهد داشت. به همین منظور، برنامه‌ریزی مدون و صحیح و بسترسازی لازم برای جمعیت گامی مؤثر در راستای توسعه پایدار شهری خواهد بود.

در پایان بحث، برای شهرهای پایدار در رابطه با جمعیت، راهکارهایی به شرح زیر ارائه شده است:

- تجدیدنظر در سیاست‌های کنترل جمعیت و تنظیم خانواده با رویکرد جلوگیری از پیری جمعیت؛
- سیاست‌های تشویقی دولت برای افزایش جمعیت از طریق مزایا و تسهیلات ویژه برای خانواده‌ها؛

- آماده ساختن زیرساخت‌ها، اشتغال و... در

شهرها متناسب با جمعیت‌پذیری؛

- سیاست‌های تشویقی دولت برای مهاجرت معکوس، یعنی از شهر به روستا، به‌منظور تعادل‌بخشی بین جمعیت روستا و شهر در راستای توسعه پایدار شهری؛

- قانون‌گذاری در ارتباط با سقف جمعیتی مشخص برای شهرها و پذیرش جمعیت مهاجر؛

- تجدیدنظر در رابطه با شهرهای جدید و مهیا ساختن این شهرها برای جمعیت مهاجر روستایی؛

- دادن تسهیلات و امکانات به روستاییان کشور برای رونق کشاورزی و دامداری در روستاها برای جلوگیری از مهاجرت به شهرها؛

- ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی به منظور جلوگیری از مهاجرت نسل جوان روستاها به شهر در راستای توسعه پایدار شهری.

## منابع .....

- آشفته‌تهرانی، امیر (۱۳۸۱)، *جمعیت‌شناسی و تحلیل جستارهای جمعیتی*، تهران، گسترده.
- اطاعت، جواد، «جمعیت و توسعه پایدار در ایران» (۱۳۹۰)، *رفاه اجتماعی*، سال یازدهم، ش ۴۲.
- الهی، همایون (۱۳۶۷)، *امپریالیسم و عقب‌ماندگی*، تهران، شرکت انتشاراتی افست.
- برآبادی، محمود، «توسعه پایدار شهری» (۱۳۸۳)، *شهرداری‌ها*، سال ششم، ش ۶۱.
- بهنام، جمشید (۱۳۴۸)، *جمعیت‌شناسی جهان*، تهران، سمت.
- پاتر، رابرت و سلی لوید ایونز (۱۳۸۴)، *شهر در جهان در حال توسعه*، ترجمه کیومرث ایران‌دوست و همکاران، تهران، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- پورموسوی، موسی، «پارادایم توسعه پایدار شهری و پایداری شهری» (۱۳۸۵)، *آبادیوم*، ش ۶.
- خرازی، محسن، «کنترل جمعیت و عقیم‌سازی» (بهار ۱۳۷۹)، *فقه اهل‌بیت*، ش ۲۱، ص ۴۱-۶۹.
- رجیبیان، زهره، «کنترل موالید از دیدگاه اسلام» (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶)، *حوراء*، ش ۲۴.
- رهنما، محمدرحیم (۱۳۸۸)، *برنامه‌ریزی مناطق مرکزی شهرها (اصول، مبانی، تئوری‌ها، تجربیات و تکنیک‌ها)*، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- ساعی‌ارسی، ایرج، «پرسமான‌های اقتصادی - اجتماعی جمعیت ایران: یک جستار نظری» (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی*، ص ۶۹-۹۷.
- ساعی‌ارسی، ایرج (۱۳۸۰)، *ملاحظات جمعیتی در برنامه‌ریزی های توسعه در ایران*، ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۷۵)، *جمعیت‌شناسی اقتصادی و اجتماعی*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۷۲)، *در زمینه جامعه‌شناسی جمعیت*، تهران، سفیر.
- شیهه، اسماعیل (۱۳۸۳)، *با شهر و منطقه در ایران*، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- عابدین درکوش، سعید (۱۳۸۷)، *درآمدی به اقتصاد شهری*، چ نهم، تهران، نشر دانشگاهی.
- قدیمی، حجت‌الله، «فناوری اطلاعات و مدیریت توسعه شهری» (۱۳۷۹)، *شهرداری‌ها*، سال دوم، ش ۲۳.
- قربانی، مهدی و همکاران، «بررسی تغییرات جمعیتی و اثرگذاری‌های آن بر تغییرات کاربری اراضی (مطالعه موردی: منطقه بالاطالقان)» (۱۳۸۹) *مرتع و آبخیزداری*، دوره شصت و سوم، ش ۱، ص ۸۸-۷۵.
- کاظمی، موسی (۱۳۷۹)، *توسعه پایدار شهری: مطالعه موردی قم*، مجموعه مقالات اولین همایش مدیریت و توسعه شهری پایدار در نواحی شهری تبریز.
- کتابی، احمد (۱۳۶۴)، *نظریات جمعیت‌شناسی*، تهران، اقبال.
- کلاهی رسول (۱۳۴۹)، *جغرافیای جهان سوم، بنیان‌های اجتماعی و مشخصات اقتصادی*، شیراز، دانشگاه شیراز.
- مرصوصی، نفیسه و رحمت‌الله بهرامی، (۱۳۸۹)، *توسعه پایدار شهری* (جزوه درسی دانشگاه پیام نور).
- موحد، علی «توسعه پایدار شهری» (۱۳۷۹)، *مسکن و انقلاب*، ش ۹۱.
- مینایی، حسین، یعقوب زهدی، «بررسی میزان تأثیر انسجام اجتماعی و تغییرات جمعیتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۹۱)، *راهبرد دفاعی*، سال دهم، ش ۳۹، ص ۷۳-۱۱۲.
- نظریان، اصغر (۱۳۹۱)، *پویایی نظام شهری ایران*، چ سوم، تهران، مبتکران.
- نوریان، فرشاد، «کاربرد سیستم اطلاعاتی در مدیریت برنامه‌ریزی شهری در ایران» (۱۳۷۹)، *مدیریت شهری*، ش ۴.
- Jenks, Mike & Jones Colin (ed) (2010), *Dimension of the Sustainable City*, CRC Press.
- Junk, W (1964), *Population Crisis-and the use of World*, Resource Publishers the Hague.



## بررسی عوامل مؤثر بر باروری با تکیه بر رویکردی چندسطحی

محمد شیری\*

طه نوراللهی\*\*

الهام رستمی\*\*\*

### چکیده

کشور ایران در دهه‌های اخیر تحولات چشمگیری در زمینه تغییرات جمعیت تجربه نموده است. افزایش نرخ رشد جمعیت به ۳/۹ درصد در دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵ و کاهش رشد جمعیت به ۱/۲۹ درصد در دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰ به خوبی این مهم را نشان می‌دهد. تغییرات باروری مهم‌ترین عامل تبیین‌کننده تغییرات رشد جمعیت بوده است. با توجه به تفاوت‌های استانی باروری در ایران و نقش تعیین‌کننده تغییرات استانی در روند آتی باروری، بررسی ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی منطقه‌ای در تبیین باروری ضروری به نظر می‌رسد. هدف اصلی این مقاله بررسی نقش ویژگی‌های استانی در تبیین باروری است.

به منظور نیل به هدف این مقاله، روش تحلیل چندسطحی به کار گرفته شده است. داده‌های مورد استفاده برگرفته از داده‌های خام ۲ درصد سرشماری ۱۳۸۵ است که در دو سطح فردی و استانی طبقه‌بندی شده‌اند. میانگین استانی تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده و میانگین سنی زنان در معرض باروری به عنوان متغیرهای پیش‌بین سطح ۲ و متغیرهای اشتغال، تحصیلات، سن و ساختار خانواده به عنوان متغیرهای پیش‌بین سطح ۱ مدل‌سازی شده‌اند.

نتایج مبین این است که ویژگی‌های سطح استانی، تأثیرات ثابت و تصادفی معناداری را در ضرایب رگرسیونی سطح فردی در تبیین باروری دارد، به گونه‌ای که میانگین میزان باروری زنان از باروری استان و میانگین سن زنان در معرض باروری تأثیر پذیرند. همچنین نتایج گویای این مهم است که میزان تأثیر متغیر تحصیلات زنان بر باروری در استان‌هایی که میانگین کل تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده در سطح بالاتری قرار دارد به مراتب پایین‌تر است.

**کلیدواژه‌ها:** باروری، مدل‌سازی چندسطحی، اشتغال، ساختار خانواده.

## مقدمه

رشد جمعیت و تغییر ساختار آن، امروزه به یکی از موضوعات اصلی مورد مناقشه در عرصه سیاست‌گذاری تبدیل شده و بحث درباره روند تحولات، فرصت‌ها و چالش‌های آن یکی از مباحث مهم و اساسی حال حاضر کشور است. در ارتباط با تحولات سریع و پویایی فرایندهای جمعیتی کشور و استان‌ها در دهه‌های اخیر، تعیین و بازنگری راهبردها و سیاست‌های جمعیتی کشور موضوعی است که بیش از پیش توجه برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و محققان کشور را در حال حاضر به خود معطوف داشته است. بدیهی است که بدون توجه به روندهای گذشته و شرایط حال حاضر جمعیتی و همچنین پیش‌بینی‌های جمعیتی نمی‌توان به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری پرداخت. از این رو، پویایی جمعیت که با بررسی تعیین‌کننده‌ها و پیامدهای تغییرات در ساختار، توزیع و رشد جمعیت سروکار دارد، از اهمیت تحقیقاتی - سیاستی بسیاری برخوردار است.

کشور ایران در طول دهه‌های اخیر تحولات جمعیتی متفاوتی را تجربه نموده است. در دوره ۱۳۵۵-۱۳۶۵ میزان رشد سالانه جمعیت کل کشور حدود ۳/۹ درصد بوده است که این میزان در طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۷۵، به رقم ۱/۹۶ درصد رسیده است. با ادامه کاهش رشد جمعیت، در طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ متوسط رشد سالانه جمعیت برابر با ۱/۶۲ درصد برآورد شده است. با وجود این تغییرات، رشد جمعیت در مناطق مختلف ایران و استان‌های مختلف کشور از الگوی متفاوتی تبعیت می‌کند. به عبارتی، در دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ متوسط

رشد جمعیت نقاط شهری ۳/۲۱ درصد و جمعیت نقاط روستایی ۰/۲۸ درصد بوده است. در سطح استانی نیز پراکندگی قابل توجهی مشاهده شده است، به گونه‌ای که استان‌های سیستان و بلوچستان (۳/۴ درصد)، کرمان (۲/۸۴ درصد)، هرمزگان (۲/۸۳ درصد)، تهران (۲/۶۴ درصد)، قم (۲/۰۷ درصد) و یزد (۲/۰۳ درصد) از بیشترین درصد رشد سالانه جمعیت برخوردارند. رشد سالانه جمعیت استان‌های همدان (۰/۱۵ درصد)، اردبیل (۰/۵ درصد)، کرمانشاه (۰/۵۵ درصد)، کردستان (۰/۶۸ درصد)، زنجان (۰/۶۹ درصد)، گیلان (۰/۷ درصد)، لرستان (۰/۸ درصد)، آذربایجان شرقی (۰/۸۱ درصد) و مرکزی (۰/۹۵ درصد) زیر یک درصد بوده است (نوراللهی و همکاران، ۱۳۸۶). با کنکاشی در روند تغییرات میزان رشد جمعیت در استان‌های متفاوت، می‌توان گفت که اگرچه در برخی مناطق کشور مهاجرت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی در تغییرات جمعیت و آهنگ رشد جمعیت مؤثر بوده است، اما مؤلفه‌های مرگ و میر و باروری نقش تعیین‌کننده را در این تغییرات ایفا می‌نماید.

در پویاشناسی جمعیت، اگرچه شاخص‌های مرگ و میر، مهاجرت و ساختار سنی از اهمیت بسزایی برخوردار است، لیکن باروری مهم‌ترین شاخصی است که نقش بسزایی در تغییرات جمعیت می‌تواند ایفا نماید (هایند، ۱۹۴۵، ص ۱۷). نتایج تحقیقات عباسی و همکاران (۱۳۸۰) حاکی از این است که میزان باروری پیش از انقلاب به دلیل سیاست‌های تنظیم خانواده، روند کاهش نسبی و —طئی داشته است و در دوران انقلاب

باروری در کاهش نسبی آتی باروری تأکید دارد. از این رو، بررسی نقش ویژگی‌های استانی در بررسی باروری با هدف شناخت جامع‌تر و برنامه‌ریزی منطقه‌ای برای مواجهه با تغییرات باروری ضروری به نظر می‌رسد. به عبارتی، اعمال اقدامات مداخله‌ای در زمینه تغییرات باروری به مثابه محرک اصلی رشد جمعیت، مستلزم شناخت این عوامل و بررسی نقش ویژگی‌های استانی در باروری افراد می‌باشد. این وضعیت می‌تواند به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کمک کند تا محیط و بستر سیاستی مناسبی را برای بهره‌برداری از فرصت‌ها و مقابله با چالش‌های جمعیتی ایجاد کنند. بنابراین، لازم است برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، علاوه بر عوامل مؤثر بر رشد جمعیت و باروری به تعیین‌کننده‌های جمعیتی منطقه‌ای نیز توجه شود.

از این رو، با تکیه بر اهداف مطالعه حاضر، سؤال اساسی این است که آیا الگوهای متفاوتی استانی از نظر مؤلفه‌های جمعیتی قابل شناسایی است؟ مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های باروری در سطح فردی چیست؟ ویژگی‌های استانی اعم از ویژگی‌های اجتماعی و جمعیتی (میزان شهرنشینی، سهم زنان سنین ۲۵-۲۹ ساله ازدواج کرده از کل زنان در معرض باروری، ساختار سنی و...) چه تأثیری در نقش باروری زنان دارد؟

#### پیشینه تجربی و نظری مسئله

دیدگاه‌های متفاوتی برای تبیین تحولات باروری در کشورهای مختلف جهان ارائه شده است. یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نظریه‌های حوزه باروری، «نظریه انتقال جمعیتی» است. اگرچه نظریات

(۱۳۵۷-۱۳۵۹) این روند، روبه افزایش گذاشته و از حدود ۶/۹ به ۶/۹ فرزند رسیده است. روند افزایش باروری تا سال ۱۳۶۳ روندی افزایشی بوده است و لیکن نتایج سرشماری‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ حاکی از این است که پس از سال ۱۳۶۴ میزان باروری کل رو به کاهش بوده است و پس از اعمال سیاست‌های تنظیم خانواده، میزان باروری در سال ۱۳۷۵ به ۲/۷ فرزند و در سال ۱۳۸۵ به حدود ۱/۸ فرزند رسیده است (عباسی شوازی، ۱۳۸۰). با وجود همگرایی اساسی در کاهش باروری در طول سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۸۵، تفاوت‌های معنادار منطقه‌ای در زمینه سرعت کاهش باروری و میزان کل باروری وجود داشته است. به عبارتی، استان‌های سیستان و بلوچستان و هرمزگان اگرچه از سرعت بالایی در کاهش باروری برخوردار بوده‌اند، اما میزان باروری در این مناطق در سطح بالاتری در مقایسه با سایر استان‌های کشور قرار داشته است. به عبارتی، میزان باروری استان‌های سیستان و بلوچستان و هرمزگان به ترتیب از ۸/۱ و ۷/۷ فرزند در دوره ۱۳۶۲-۱۳۶۵ به حدود ۴/۶ و ۳/۹ فرزند در دوره ۱۳۷۲-۱۳۷۵ رسیده است و در سال ۱۳۸۵ نیز استان‌های سیستان و بلوچستان و هرمزگان به ترتیب بیشترین میزان باروری را به خود اختصاص داده‌اند (عباسی و همکاران، ۲۰۰۹).

روند تغییرات آتی باروری در تحقیقات متفاوت حاکی از ادامه روند کاهش باروری با سرعت بطئی است (عباسی شوازی، ۲۰۰۲). عباسی شوازی (۲۰۰۹) در کنار عواملی همچون تداوم روند افزایش تحصیلات زنان، افزایش برابری جنسیتی، و تداوم روند شهرنشینی، به نقش تفاوت‌های باروری استان‌ها و همگرایی آتی این استان‌ها در زمینه

ازدواج، درصد زنان ازدواج کرده، فراوانی و نسبت طلاق و بیوگی و ازدواج) و «عوامل غیرمستقیم» (محیط اقتصادی، اجتماعی و بیولوژیک) تقسیم می‌کند. جفری مک نیکل (۱۹۹۸) و گرین هال (۱۹۸۸) عوامل نهادی را مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری رفتار باروری می‌دانند. هر کدام از دیدگاه‌های فوق از یک منظر رفتارهای باروری و کاهش باروری را مورد مذاقه قرار داده‌اند.

تحقیقات متفاوتی در ایران در زمینه باروری انجام شده است. این تحقیقات، روند تحولات باروری را پس از انقلاب اسلامی مورد مطالعه قرار داده‌اند که ازجمله آنها می‌توان به مطالعات آقاجانیان و مهریار (۱۹۹۱ و ۱۹۹۹)، میرزایی (۱۹۹۸)، امانی (۱۳۷۸)، امیرخسروی (۱۳۷۶)، مطالعات کاربردی مرکز آمار ایران (۱۳۷۲ و ۱۳۷۷)، حاتم حسینی (۱۳۸۳) و صادقی (۱۳۸۳) اشاره کرد.

این مقاله، عوامل مؤثر بر باروری را با تکیه بر دو سطح ویژگی‌های فردی و استانی مورد بررسی قرار داده است. با توجه به تحقیقات اشاره شده در زمینه باروری و مطالعات جمعیتی، یکی از جنبه‌های نوآورانه این مقاله استفاده از روش تحلیل چندسطحی است. یکی از مطالعات انجام شده در تبیین رفتارهای باروری با تکیه بر مدل‌های چندسطحی، مطالعه هیرشمن و گست (۱۹۹۰) است. هیرشمن در این مطالعه از متغیرهای اشتغال همسر، تحصیلات مادر و مهاجرت به عنوان متغیرهای سطح فردی و متغیرهای موقعیت زنان (درصد زنان ۱۵-۳۴ ساله شاغل در بخش‌های غیرکشاورزی و درصد زنان ۱۵-۳۴ ساله با تحصیلات راهنمایی)، وضعیت اقتصادی - اجتماعی کودکان (درصد کودکان ۱۰-۱۴

متفاوتی در زمینه انتقال جمعیتی وجود دارد، لیکن به نظر می‌رسد که جامع‌ترین نظریه در این رابطه، نظریه انتقال جمعیتی ۵ مرحله‌ای بلاکر است. بلاکر پنج مرحله تکامل جمعیتی را چنین مشخص می‌کند (زنجان و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۷۲):

۱. مرحله سطح ابتدایی با مشخصات میزان‌های بالای مرگ و میر و موالید؛

۲. اوایل مرحله توسعه با میزان‌های موالید و مرگ و میر بالا و در حال کاهش؛

۳. اواخر مرحله توسعه با میزان‌های رو به کاهش موالید که کاهش باروری خیلی سریع‌تر از میزان مرگ و میر است؛

۴. مرحله ایستایی پایین با میزان‌های موالید پایین؛

۵. مرحله کاهش با مرگ و میر پایین و موالید پایین‌تر و مرگ و میر بیشتر از موالید.

نشتاین (۱۹۵۳) در تبیین باروری بر نقش توسعه‌یافتگی اقتصادی و اجتماعی تأکید داشته است. کینگزلی دیویس (۱۹۶۳) در نظریه خود تحت عنوان «تئوری تغییرات و واکنش‌های جمعیتی»، مدرنیزاسیون را عامل مهمی در انتقال باروری می‌داند. اقتصاددانان نیز با در نظر گرفتن قانون عرضه و تقاضا و همچنین قرار دادن بحث هزینه‌ها در قانون توجه خود تغییرات و انتقال باروری را تبیین نموده‌اند (ایسترلین، ۱۹۸۳). کالدول (۱۹۸۲)، با ارائه نظریه «جریان ثروت بین‌نسلی» معتقد بود که علل کاهش باروری، جریان ثروت از نسل‌های سالمندتر به کودکان است. علت این امر، ظهور و جایگزینی تفکر فرهنگی خانواده هسته‌ای و کم‌اولاد به جای خانواده گسترده می‌باشد. دیویس و بلیک (۱۹۶۳) عوامل مؤثر بر باروری را در دو دسته «عوامل مستقیم» (سن

داده‌اند که متغیرهای سطح منطقه‌ای همچون تحصیلات، زیرساخت‌ها، ساختار سنی و درصد زنان در سنین باروری تأثیر بسزایی در باروری داشته است. کاترینا گوستی و دانلیه ویجنولی (۲۰۰۶) تعیین‌کننده‌های وسایل پیش‌گیری از بارداری را در مصر با استفاده از مدل‌سازی چندسطحی مورد بررسی قرار دادند. آنها در سطح فردی ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی زنان و در سطح منطقه‌ای، ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی منطقه سکونت را وارد مدل تحلیلی خود کردند.

### داده و روش

به منظور نیل به اهداف موردنظر، از روش تحقیق تحلیل ثانوی استفاده می‌شود. در این مقاله، از داده سرشماری ۱۳۸۵ و نیز از روش‌های سلسله‌مراتبی خطی به منظور بررسی نقش عوامل و متغیرهای زمینه‌ای و سطح کلان بر ضرایب رگرسیونی سطح فردی در تبیین باروری استفاده شده است. مدل‌سازی چندسطحی، تکنیک آماری است که با هدف گسترش و اصلاح مشکلات تکنیکی و تئوریک رگرسیون چند متغیره گسترش یافته است. به عبارت بهتر، مدل‌سازی چندسطحی در شرایطی که داده‌ها، سلسله‌مراتبی و خوشه‌ای باشند مورد استفاده قرار می‌گیرد. در تبیین باروری، فرض اساسی بر این است که عوامل زمینه‌ای همچون ساختار سن زنان، موقعیت مرگ و میر نوزادان منطقه، سطح آگاهی و تحصیلات منطقه، مدل‌های فردی باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش، در دو مجموعه داده جداگانه و در دو سطح تنظیم خواهد شد. در سطح

ساله غیرشاغل، درصد کودکان محصل در سنین ۱۵-۷ ساله، میزان مرگ و میر نوزادان و درصد زنان ازدواج‌نکرده سنین ۱۵-۲۴ ساله به عنوان متغیرهای سطح دوم (منطقه) برای مدل‌سازی متغیر باروری (تعداد فرزندان به دنیا آمده) استفاده نموده است. نتایج تحقیق حاکی از این است که متغیرهای زمینه‌ای (سطح دوم) تأثیر مهم و معناداری در تبیین باروری داشته‌اند. *انتوسیل* و *میسون* نقش توسعه اقتصادی و اجتماعی و برنامه‌های تنظیم خانواده بر فرزندان زنده به دنیا آمده را براساس داده‌ها و اطلاعات ۱۵ کشور مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاکی از این بود که میزان درآمد سرانه کشورها و برنامه‌های تنظیم خانواده، علاوه بر تأثیر بر میانگین تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده، نقش تعیین‌کننده‌ای در رابطه بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان و تعداد فرزندان به دنیا آمده ایفا کرده است (*انتوسیل* و *میسون*، ۱۹۸۵). چارلز میرچام (۲۰۰۰) روند کاهش باروری در تایلند، فیلیپین، مالزی و اندونزی در بین سال‌های ۱۹۶۸-۱۹۷۰ و ۱۹۸۰-۱۹۹۰ را با استفاده از مدل‌های چندسطحی مدل‌سازی کرده است. وی متغیرهای نسبت زنان ۱۵-۴۹ سال، سطح توسعه‌یافتگی استان‌ها، درصد زنان ازدواج‌کرده، درصد کودکان مشغول به کار، جوانی جمعیت و مهاجرت‌های بین استانی متغیرهای زمینه‌ای را مدنظر قرار داده است. میرچام نشان داد که مجموعه ویژگی‌های سطح کلان در مقایسه با ویژگی‌های فردی بخش قابل توجهی از تغییرات کاهش باروری را تبیین نموده است (چارلز میرچام، ۲۰۰۰). علاوه بر این مطالعات، *کراودال* (۲۰۰۰ و ۲۰۰۲)، *مورساند* و *کراودال* (۲۰۰۳) و *آکسین* و *باربر* (۲۰۰۱) نشان

فردی، ویژگی‌های فردی، گردآوری شده و در سطح استانی نیز ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی مورد استفاده قرار گرفته است. به منظور بررسی برآزش مدل‌های سلسله‌مراتبی، از مدل شرطی استفاده شده است. در مدل شرطی که به مدل «ضرایب شیب خط و عرض از مبدأ به مثابه متغیر تابع» موسوم است، معادلات رگرسیونی سطح اول تغییری نکرده و ضرایب رگرسیونی سطح اول به عنوان تابعی از ویژگی‌های ثابت و تصادفی سطح دوم (استانی) در نظر گرفته می‌شوند. مدل‌سازی دو سطحی رفتار باروری در مدل شرطی به ترتیب زیر است:

در سطح اول رفتار باروری که تعداد فرزندان به دنیا آمده است، تابعی است از عوامل اقتصادی و اجتماعی همچون میزان تحصیلات، سن، شغل، و ساختار خانواده (خانواده هسته‌ای و یا گسترده). به عبارت بهتر، تابع رگرسیونی سطح اول به ترتیب زیر خواهد بود:

$$Y_{ij} = \beta_0 + \beta_1(\text{employment}) + \beta_2(\text{education}) + \beta_3(\text{age}) + \beta_4(\text{formation}) + r(\text{family})$$

$Y_{ij}$ : متغیر تابع (شاخص باروری یا تعداد فرزندان به دنیا آمده)؛

$\beta_0$ : عرض از مبدأ معادله سطح اول است؛  
 $\beta_1$ : شیب خط و یا میزان تأثیر متغیر وضعیت اشتغال در تغییرات متغیر تابع؛  
 $\beta_2$ : شیب خط و یا میزان تأثیر متغیر وضعیت تحصیلات در تغییرات متغیر تابع؛  
 $\beta_3$ : شیب خط و یا میزان تأثیر متغیر سن در تغییرات متغیر تابع؛  
 $\beta_4$ : شیب خط و یا میزان تأثیر متغیر ساختار خانواده در تغییرات متغیر تابع؛

$r$ : جزء خطای مدل سطح اول.

همچنان‌که اشاره شد، با توجه به فرض تأثیرات تصادفی سطح دوم بر ضرایب رگرسیونی سطح اول، مدل رگرسیونی سطح دوم به ترتیب زیر خواهد بود: به منظور مدل‌سازی ضرایب رگرسیونی سطح اول از ۴ متغیر میانگین تعداد فرزندان به دنیا آمده، میزان شهرنشینی، سهم زنان ۲۵-۲۹ ازدواج کرده از کل جمعیت زنان در معرض باروری و میانگین سن در بین زنان واقع در سنین باروری استفاده شد که پس از آزمون ترکیب‌های متفاوتی از مدل‌ها، مدل رگرسیونی سطح دوم نهایی استخراج شد:

$$\beta_0 = Y_{00} + Y_{01}(\text{Mean CEB}) + Y_{02}(\text{age Mean}) + u_0$$

$$\beta_1 = Y_{10} + u_1$$

$$\beta_2 = Y_{20} + Y_{21}(\text{CEB Mean}) + u_2$$

$$\beta_3 = Y_{30} + u_3$$

$$\beta_4 = Y_{40} + u_4$$

$Y_{00}$ : تفاوت میانگین کل تعداد فرزندان به دنیا آمده در سطح استان‌های کشور؛  
 $Y_{01}$ : میزان تأثیر متغیر میانگین تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده استان در عرض از مبدأ (میانگین تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده) سطح اول؛  
 $Y_{02}$ : میزان تأثیر متغیر میانگین سنی زنان در معرض سن باروری در عرض از مبدأ (میانگین تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده) سطح اول؛  
 $Y_{10}$ : تفاوت میانگین کل میزان تأثیر متغیر وضعیت اشتغال در باروری زنان در سطح استان‌های کشور؛  
 $Y_{20}$ : میانگین کل میزان تأثیر متغیر وضعیت تحصیلات در سطح استان‌های کشور؛  
 $Y_{21}$ : میزان تأثیر متغیر میانگین تعداد فرزندان

است. یکی از مهم‌ترین نتایج برگرفته از تأثیرات ثابت ویژگی‌های استانی در شیب خط متغیرهای تبیینی سطح اول، مرتبط با تأثیر میانگین تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده استانی در شیب خط متغیر تحصیلات زنان در سطح ۱ ( $Y_{21}$ ) است. مقدار ضریب رگرسیونی  $0/027-$  حاکی از این است که با افزایش میانگین کل تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده در بین استان‌ها، میزان تأثیر متغیر تحصیلات زنان بر باروری کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، تأثیر تحصیلات زنان در باروری آنها در استان‌هایی که از باروری کل بالاتری برخوردارند، پایین‌تر است. با وجود این، با توجه به مقدار ضریب  $0/027-$ ، شدت این تأثیر ضعیف ولی معنادار است. افزون بر این، نتایج تأثیرات ثابت حاکی از معناداری میانگین کل تعداد فرزندان به دنیا آمده ( $Y_{00}$ )، میانگین کل میزان تأثیر متغیر وضعیت اشتغال در باروری زنان ( $Y_{10}$ )، میانگین کل میزان تأثیر متغیر وضعیت تحصیلات در باروری زنان ( $Y_{20}$ )، میانگین کل میزان تأثیر متغیر سن باروری زنان ( $Y_{30}$ )، میانگین کل میزان تأثیر ساختار خانواده در باروری زنان ( $Y_{40}$ ) در سطح استان‌های کشور است. با توجه به مقدار ضرایب مؤلفه‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال زنان با مقدار ضریب  $0/14-$ ، میزان تحصیلات با مقدار ضریب  $0/12-$  و ساختار خانواده با مقدار ضریب  $0/474-$  نقش معکوسی در باروری داشته است. در مقابل، متغیر سن با مقدار ضریب  $0/15$  نقش تأثیر مثبتی در باروری داشته است. به عبارت دیگر، با اشتغال زنان، افزایش تحصیلات زنان، و زندگی در ساختار خانواده هسته‌ای، باروری را کاهش می‌دهد.

زنده به دنیا آمده استان در شیب خط متغیر میزان تحصیلات در سطح اول؛

$Y_{30}$ : تفاوت میانگین کل میزان تأثیر متغیر سن در باروری زنان در سطح استان‌های کشور؛  
 $Y_{40}$ : تفاوت میانگین کل میزان تأثیر ساختار خانواده در باروری زنان در سطح استان‌های کشور؛  
 $Y_{0...4}$ : خطای تصادفی سطح دوم در ضرایب ذکر شده.

#### یافته‌ها

نتایج برآورد تأثیرات ثابت و تصادفی مدل دو سطحی در جدول ۱ ارائه شده است. تأثیرات ثابت و تصادفی مؤلفه‌های مدل‌سازی شده در مدل دو سطحی، حاکی از تأثیرات معنادار ثابت و تصادفی سطح دوم در عرض از مبدأ و شیب خط مدل سطح اول است. نتایج جدول ۱ حاکی از این است که متغیرهای میانگین استانی تعداد فرزندان به دنیا آمده و میانگین سنی زنان در معرض باروری تأثیرات ثابت معناداری بر عرض از مبدأ یا میانگین تعداد فرزندان به دنیا آمده داشته است. مقدار ضرایب  $0/63$  حاکی از این است که در استان‌هایی که میانگین تعداد فرزندان زده به دنیا آمده بالاتر است، احتمال برخورداری از تعداد زیادی فرزندان زنده به دنیا آمده را افزایش می‌دهد. در مقابل، مقدار ضریب  $0/095-$  حاکی از این است که در استان‌هایی که میانگین سنی زنان در معرض باروری کمتر است، احتمال افزایش باروری بیشتر است. اگرچه مقدار این ضریب پایین است، لیکن نمایانگر نقش ساختار سنی زنان در معرض باروری استان در باروری زنان

جدول ۱: ضرایب رگرسیونی ثابت و تصادفی مدل دو سطحی و برآورد پایایی ضرایب

آماره های تأثیرات ثابت با فرض خطای استاندارد استوار (Robust)					
تأثیر ثابت (fixed effect)	ضرایب	خطای معیار	نسبت T	درجه آزادی	P value
$\gamma_{00}$	2.49	0.014	166.68	27	0.000
$\gamma_{01}$	-0.03	0.042	14.99	27	0.000
$\gamma_{02}$	-0.095	0.152	-6.28	27	0.000
$\gamma_{10}$	-0.145	0.019	-7.4	29	0.000
$\gamma_{20}$	-0.123	0.002	-60.95	28	0.000
$\gamma_{21}$	-0.027	0.013	-2.08	28	0.046
$\gamma_{30}$	0.15	0.0036	41.28	29	0.000
$\gamma_{31}$	-0.474	0.022	-21.33	29	0.000
برآوردهای مؤلفه واریانس					
تأثیرات تصادفی (Random effect)	انحراف استاندارد	مؤلفه واریانس	درجه آزادی	آماره $\chi^2$	P value
$u_0$	0.083	0.0069	27	724.7	0.000
$u_1$	0.09	0.0085	29	117.17	0.000
$u_2$	0.01	0.00011	28	255.7	0.000
$u_3$	0.02	0.00042	29	2809.9	0.000
$u_4$	0.1	0.011	29	120.98	0.000
$\sigma^2$	1.45	2.11			
برآورد پایایی ضرایب					
ضرایب تصادفی سطح ۱	مقدار پایایی برآورد شده				
$\beta_0$	0.95				
$\beta_1$	0.7				
$\beta_2$	0.96				
$\beta_3$	0.98				
$\beta_4$	0.72				

$u_2$ ،  $u_3$  و  $u_4$  مبین این مهم است که تأثیر اشتغال، سطح تحصیلات، سن و ساختار خانواده در باروری زنان، در بین استان‌های کشور متفاوت بوده است که بخشی از آن به واسطه متغیرهای موجود در مدل سطح ۲ تبیین نشده و نیازمند مدل‌سازی متغیرهای پیش‌بین جدید است. در جدول ۱ مقدار پایایی ضرایب رگرسیونی برآورد شده ارائه شده است. مقدار پایایی عبارت است از: نسبت واریانس بین گروهی از کل واریانس. اگر واریانس درون‌گروهی در مقایسه با واریانس بین گروهی کوچک‌تر باشد، در نتیجه، پایایی بزرگ‌تر خواهد بود، و ضرایب رگرسیون سلسله‌مراتبی قابل اعتمادتر (پایاتر) خواهد بود. به عبارت بهتر، بالا بودن میزان شاخص پایایی برای ضرایب تصادفی حاکی از پایایی ضرایب برآورد شده در مدل‌های سلسله‌مراتبی خطی در مقایسه با برآوردها به روش OLS است. همچنان‌که در جدول ۱ آمده است، مقدار پایایی همه ضرایب تصادفی برآورد شده سطح ۱ در سطح بالایی قرار دارد و این مهم حاکی از پایایی مدل سلسله‌مراتبی انجام شده در برآورد ضرایب مذکور است.

جدول ۲ مؤلفه‌های تبیینی مدل دو سطحی را بیان می‌دارد. در این جدول، ۳ مؤلفه واریانس تبیین شده سطح ۱، میزان واریانس تبیین شده ضرایب رگرسیونی و نکویی برازش مدل ارائه شده است.

همچنان‌که در جدول ۲ آمده است، حدود ۵۶/۵ درصد از تغییرات واریانس متغیر تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده با ورود متغیرهای پیش‌بین سطح فردی تبیین شده است. نتایج واریانس تبیین شده مدارس حاکی از این است که تفاوت‌های استانی حدود ۸۷ درصد از تغییرات میانگین تعداد فرزندان زنده

در جدول ۱ میزان تأثیرات تصادفی سطح دوم در عرض از مبدأ و شیب خط سطح اول حاکی از تأثیر تصادفی معنادار مؤلفه‌های واریانس است. براساس معناداری آماره  $\chi^2$ ، فرضیه صفر که دال بر عدم وجود تفاوت ضرایب رگرسیونی عرض از مبدأ و شیب خط در بین واحدهای سطح دوم (استان) است رد شده و تأثیرات تصادفی سطح دوم در تبیین میانگین تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده (عرض از مبدأ سطح ۱) و شیب خط متغیرهای پیش‌بین مدل‌سازی شده در سطح ۱ معنادار بوده است. معناداری این مؤلفه‌ها حاکی از تفاوت معنادار ضرایب رگرسیونی سطح اول در بین استان‌های کشور است. معناداری حاکی از این است که میانگین تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده (عرض از مبدأ سطح ۱) در بین استان‌های کشور از تفاوت معناداری برخوردار است. معناداری مؤلفه‌های واریانس  $u_1$ ،



برازش مدل و توانایی مدل در تبیین تغییرات است. مقدار شاخص انحراف در مدل شرطی که به واسطه متغیرهای پیش‌بین وضعیت اشتغال، میزان تحصیلات، سن و ساختار خانواده در سطح اول و متغیرهای میانگین سنی زنان در معرض باروری و میانگین تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده استان در سطح دوم مدل سازی شده‌اند، برابر با ۸۶۴۱۵۶/۹ است که در مقایسه با مقدار متناظر در مدل غیرشرطی (۱۰۴۴۱۴۶) در سطح پایین‌تری قرار دارد. این مطلب، نشان از نکویی برازش مدل چند سطحی با استفاده از متغیرهای پیش‌بین سطح فردی و استانی است.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از تحلیل چندسطحی حاکی از این است که اشتغال زنان با مقدار ضریب ۰/۱۴-، میزان تحصیلات با مقدار ضریب ۰/۱۲- و ساختار خانواده با مقدار ضریب ۰/۴۷۴- نقش معکوسی در باروری داشته است. در مقابل، متغیر سن با مقدار ضریب ۰/۱۵+ نقش تأثیر مثبتی در باروری داشته است. ویژگی‌های سطح استانی، تأثیرات ثابت و تصادفی معناداری را ضرایب رگرسیونی سطح فردی در تبیین باروری دارد. به عبارت بهتر، میانگین میزان باروری زنان تابعی است از ویژگی‌های ثابت و تصادفی استانی، به گونه‌ای که میانگین میزان باروری زنان از باروری استان و میانگین سن زنان در معرض باروری تأثیرپذیرند. همچنین تأثیر میانگین تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده استانی در شیب خط متغیر تحصیلات زنان در سطح ۱ مبین این است که میزان تأثیر متغیر تحصیلات زنان بر باروری در استان‌هایی

به دنیا آمده (عرض از مبدأ) را تبیین می‌کند. در رابطه با ضرایب، شیب خط سطح اول کمتر است. در رابطه با تأثیر اشتغال زنان بر باروری ( $\beta_1$ ) نیز تفاوت‌های استانی حدود ۲/۳ درصد از واریانس تأثیر اشتغال بر باروری را تبیین می‌کند. تأثیر تفاوت‌های استانی در رابطه با پیوند تحصیلات و باروری از اهمیت بالاتری برخوردار است، به گونه‌ای که حدود ۲۱/۴ درصد از واریانس تأثیر میزان تحصیلات بر باروری به واسطه تفاوت‌های استانی تبیین می‌گردد. تأثیر ویژگی‌های استانی در رابطه بین ساختار خانواده و سن با باروری به ترتیب با میزان واریانس تبیین شده ۳/۲ درصد و ۴ درصد در اولویت بعدی قرار دارند.

جدول ۲: مؤلفه‌های تبیینی مدل دو سطحی تبیین باروری

واریانس تبیین شده سطح ۱ با ورود متغیرهای پیش‌بین سطح ۱	
$\text{total variance explained} = \frac{\hat{\sigma}^2(\text{unconditional}) - \hat{\sigma}^2(\text{conditional})}{\hat{\sigma}^2(\text{unconditional})} = \frac{4.86 - 2.11}{4.86} = 56.3$	
میزان واریانس تبیین شده ضرایب رگرسیونی	
$\beta_1 = \frac{\hat{\tau}_{11}(\text{unconditional}) - \hat{\tau}_{11}(\text{conditional})}{\hat{\tau}_{11}(\text{unconditional})} = \frac{0.05491 - 0.00696}{0.05491} = 87\%$	
$\beta_2 = \frac{\hat{\tau}_{21}(\text{unconditional}) - \hat{\tau}_{21}(\text{conditional})}{\hat{\tau}_{21}(\text{unconditional})} = \frac{0.00834 - 0.00854}{0.00834} = 2.3\%$	
$\beta_3 = \frac{\hat{\tau}_{31}(\text{unconditional}) - \hat{\tau}_{31}(\text{conditional})}{\hat{\tau}_{31}(\text{unconditional})} = \frac{0.00014 - 0.00011}{0.00014} = 21.4\%$	
$\beta_4 = \frac{\hat{\tau}_{41}(\text{unconditional}) - \hat{\tau}_{41}(\text{conditional})}{\hat{\tau}_{41}(\text{unconditional})} = \frac{0.00041 - 0.00042}{0.00041} = 2.4\%$	
$\beta_5 = \frac{\hat{\tau}_{51}(\text{unconditional}) - \hat{\tau}_{51}(\text{conditional})}{\hat{\tau}_{51}(\text{unconditional})} = \frac{0.01109 - 0.01145}{0.01109} = 3.2\%$	

نکویی برازش مدل

شاخص انحراف (Deviance) مدل غیر شرطی: ۱۰۴۴۱۴۶

شاخص انحراف (Deviance) مدل شرطی: ۸۶۴۱۵۶/۹

در جدول ۲، شاخص انحراف به منظور بررسی نکویی برازش مدل نهایی و شرطی مورد استفاده قرار گرفته است. در مدل غیرشرطی، متغیر تابع (باروری) تابعی است از تأثیرات ثابت و تصادفی سطح اول و دوم بدون ورود متغیر پیش‌بین در سطح اول و دوم. در مدل شرطی متغیرهای پیش‌بین سطح اول و دوم در تبیین تغییرات متغیر تابع مدل سازی می‌گردد. کاهش مقدار شاخص انحراف در مدل شرطی در مقایسه با مدل غیرشرطی مبین نکویی

که میانگین کل تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده در سطح بالاتری قرار دارد به مراتب پایین تر است. با وجود این، با توجه به مقدار ضریب  $۰/۰۲۷$ ، شدت این تأثیر ضعیف ولی معنادار است. در رابطه با تأثیرات تصادفی، معناداری مؤلفه های واریانس مبین این مهم است که تأثیر اشتغال، سطح تحصیلات، سن و ساختار خانواده در باروری زنان، در بین استان های کشور متفاوت بوده است.

بنابراین، می توان نتیجه گرفت که ویژگی های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی منطقه ای (استانی) نقش تعیین کننده ای در تبیین تغییرات باروری زنان به واسطه ویژگی های فردی دارد. معناداری تأثیرات تصادفی استانی در تبیین باروری زنان نشان داد که مدل سازی تغییرات باروری زنان با تکیه بر ویژگی های فردی در بین استان های کشور متفاوت می باشد، نیز تابعی است از ویژگی های اجتماعی و جمعیتی منطقه ای که نیازمند مدل سازی جامع تری است. اعمال اقدامات مداخله ای در زمینه تغییرات باروری به مثابه محرک اصلی رشد جمعیت، مستلزم شناخت این عوامل و بررسی نقش ویژگی های استانی در باروری افراد می باشد. این وضعیت می تواند به سیاست گذاران و برنامه ریزان کمک کند تا محیط و بستر سیاستی مناسبی را برای بهره برداری از فرصت ها و مقابله با چالش های جمعیتی ایجاد کنند. بنابراین، لازم است برای سیاست گذاری و برنامه ریزی علاوه بر عوامل مؤثر بر رشد جمعیت و باروری، به تعیین کننده های جمعیتی منطقه ای نیز توجه شود.

#### منابع .....

- حسینی، حاتم (۱۳۸۳)، قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه های قومی کرد و ترک در مناطق روستایی شهرستان ارومیه، طرح پژوهشی مرکز مطالعات و پژوهش های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- زنجانی، حبیب الله و دیگران (۱۳۷۸)، جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، تهران، نشر و تبلیغ بشری.
- صادقی، رسول (۱۳۸۳)، قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه های قومی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد جمعیت شناسی، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- عباسی شوازی، محمد جلال و همکاران (۱۳۸۴)، تحولات باروری در ایران به شواهدی از چهار استان منتخب، تهران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- ، «همگرایی رفتارهای باروری ایران: میزان، روند و الگوی سنی باروری در استان های کشور در سال های ۱۳۷۵-۱۳۵۱» (۱۳۸۰)، نامه علوم اجتماعی، ش ۱۸، ص ۲۰۱-۲۳۱.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۷)، نماگرهای جمعیتی ایران (۱۳۷۵-۱۳۳۵).
- نورالهی، طه (۱۳۷۹)، برآورد سطح و الگوی باروری در ایران با استفاده از روش فرزندان خود ۱۳۷۵-۱۳۵۱، پایان نامه کارشناسی ارشد جمعیت شناسی، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- و همکاران (۱۳۸۶)، بررسی و تحلیل ویژگی های جمعیتی کشور و استان ها براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، پژوهشکده آمار ایران.
- Abbasi-Shavazi, M.J & P. McDonald & P. Hosseini-Chavoshi (2009), *The Fertility Transition in Iran*, Springer.
- Abbasi-Shavazi, M.J. & P. McDonald (2005), *National and Provincial-Level Fertility Trends in Iran, 1972-2000*, Working Paper in Demography No. 94, Australian National University.
- Abbasi-shavazi, M.j, & P. McDonald (2006), *Fertility Decline in the Islamic Republic Iran, journal of Asian population studies*, V. 2, N. 3, p. 217-237.
- Aghajanian, A. & A. H. Mehryar (1991), *'Fertility transition in the Islamic Republic of Iran, 1976-1996'*, Asian-Pacific Population Journal, 14: 21-42.

- Africa: Individual and Community Effects*, Demography, 39, 233-250.
- Mirzaie, M (1998), *'Swing in Fertility limitations in Iran'*, Working Paper in Demography, N. 72, Canberra, The Australian National University.
- Moursund, A. & O. Kravdal (2003), *Individual and community effects of women's Education and autonomy on contraceptive use in India*, Population Studies, 57, 285-301.
- Vignoli .D , C Giusti (2006), *'Determinants of Contraceptive Use in Egypt: A Multilevel*, Statistical Methods and Applications, V. 15, Issue 1, p. 89-106.
- Bryk, A. S. & S. W. Raudenbush (1992), *Hierarchical Linear Models*, Newbury, Park, California, Sage.
- Caldwell, John C (1982), *Theory of Fertility Decline*, London, Academic Press.
- Cleland, J. G. & C. Wilson (1987), *Demand Theories of the Fertility Transition: An Iconoclastic View* Population Studies, 41, 5-30.
- Davis, Kingsley (1963), *'The Theory of Change and Response in Modern Demographic History'*, Population Index 29: 345-366.
- Easterlin, Richard A. & M. Eileen (1985), *The Fertility Revolution: A Supply-Demand Analysis*, Chicago, University of Chicago Press.
- Entwisle, B., & W. M. Mason (1983), *'The Multilevel Effects of Socioeconomic Development and Family Planning Programs on Children Ever Born'*, Research Report no. 83-53. Ann Arbor, University of Michigan, Population Studies Center.
- Entwisle, B., W. Mason & A. I. Hermalin (1989), *'Multilevel Dependence of Contraceptive Use on Socioeconomic and Family planning Program Strength'*, Demography, 23, 199-216.
- Entwisle. B & W. Mason (1985), *Multilevel Effects of Socioeconomic Development and Family Planning Programs on Children Ever Born*, The American Journal of Sociology, V. 91, N. 3, p. 616-649.
- Gelman, Andrew and Jennifer Hill (2007), *Data Analysis Using Regression and Multilevel/Hierarchical Models*, Cambridge University Press.
- Hinde, A (2002) *Demographic perspectives on Human population Dynamics*, Cambridge University Press.
- Hirschman. C, P Guest (1990), *'Multilevel Models of Fertility Determination in Four Southern Asian Countries: 1970 and 1980'*, Demography, V. 27, Issue 3, p. 369-396.
- Kravdal, O (2000), *A Search for Aggregate-Level Effects of Education on Fertility, Using Data from Zimbabwe*, Demographic.
- Kravdal, O (2002), *Education and Fertility in Sub-Saharan*



## سکولاریزاسیون خانواده و تأثیر آن در کاهش جمعیت

سیدحامد عنوانی\*

### چکیده

به موازات انقلابات علمی، با تغییر در مفاهیم خدا، حیات و انسان، اخلاقیات جدیدی تعریف می‌شود که عنصر مشترک آن منش‌ها، فقدان معنویت است. این جریان که نگرش «سکولار» نام می‌گیرد، الگویی از حیات را ارائه می‌دهد که طبق آن، ارتباط انسان‌ها با یکدیگر بر اساس جلب منفعت شخصی رقم می‌خورد. نزاع سکولاریسم با پایگاه زندگی بشر، یعنی خانواده، که به سکولاریزیشن خانواده منجر می‌گردد، از ایجاد انحراف در فلسفه وجودی خانواده آغاز می‌شود و با تغییر جهت در اهداف تأسیس آن تا تغییر محتوایی در وظایف، رفتار و تکالیف اعضای خانواده پیش می‌رود تا انسان‌ها را به جدازیستن از یکدیگر و زوجها را به جداشدن و زنان را به استقلال اقتصادی و عاطفی مجاب کند؛ جریانی که سرانجام به تحدید نسل بشر خواهد انجامید. تحقیق حاضر به روش توصیفی - تحلیلی است و سعی دارد تا نشان دهد در این جریان با خارج شدن خانواده از سیر منطقی خود، ازدیاد نسل انسان‌ها با مخاطره روبه‌رو می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** سکولاریسم، سکولاریزاسیون خانواده، کاهش نرخ جمعیت، نهاد خانواده، اشتغال مادران، طلاق، تجرد.

## مقدمه

نسل بشر است، مهم‌ترین کار این تحقیق این است که نشان دهد چطور این اندیشه توانسته است ادامه حیات بشر را به مخاطره بیندازد.

جنبه نوآوری این تحقیق در به دست آوردن ثمرات عینی و عملی ایدئولوژی سکولاریسم و یافتن و تحلیل اثری است که می‌تواند مهم‌ترین عرصه زندگی بشر یعنی خانواده را با خطر انقراض مواجه سازد. بسیاری از تحقیقات انجام شده در موضوع سکولاریسم در بعد علمی و نظری و عموماً با سبقت بحث‌های سیاسی است و بر فرض صحت فهم آنها از این جریان، از تأثیرات عملی این اندیشه غافل شده‌اند.

بنابراین، لازم است به دو سؤال اصلی پاسخ داده شود: اول اینکه دقیقاً سکولاریسم و سکولاریزیشن خانواده به چه معناست و دوم اینکه چگونه سکولاریزیشن خانواده می‌تواند با اخلال در روند طبیعی خانواده باعث کاهش تولیدمثل انسان‌ها شود.

## ۱. تعریف سکولاریسم

معانی متنوعی برای واژه «سکولاریسم» وجود دارد؛ غیردین‌گرایی، نادین‌گری، جداشدن دین از دنیا، دنیویت (بريجانيان، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۷۸۰)، اعتقاد به اصالت امور دنیوی (بابایی، ۱۳۷۴، ص ۳۶۱) و دنیاپرستی (جمعی از پژوهشگران، بی‌تا، ص ۵۲۱). سکولاریسم از واژه «seculum» و به معنای گیتی و دنیا است (اعوانی، ۱۳۷۵).

برای روشن شدن تعریف واژه مذکور، در ذیل، به تعاریف برخی دیگر از پژوهشگران معاصر اشاره می‌گردد:

فرایند سکولاریزیشن در طول قرن‌ها توانست حضور خدا را از تمامی زمینه‌های مرتبط با زندگی انسان‌ها حذف کند یا به حاشیه براند تا فرهنگی رقم بخورد که در آن، هدف از معیشت هر فردی در عالم، توجه تام به بهره‌وری و جلب لذت حداکثری از دنیا قلمداد شود. در سبک زندگی برآمده از نگرش سکولار، انسان‌ها با نوعی خودمختاری و استقلال در برابر ماوراءالطبیعه، دیگر حاضر نیستند مفاهیم دینی برای آنها راه و رسم زندگی را ترسیم کنند، بلکه سعادت انسانی در لذت، قدرت و ثروت این جهانی خلاصه می‌شود.

سکولاریسم، با گذر از مرحله نظریه‌پردازی‌های علمی، به مهم‌ترین، قدیمی‌ترین و مستحکم‌ترین پایگاه زندگی بشر، یعنی خانواده، برخورد کرد که تقابل این دو - به عنوان دو رقیب تعیین‌بخش در حیات انسانی - آوردگاه تزاحماتی گردید که در آن بنیان‌های خانواده دستخوش تغییرات بنیادی شد. سکولاریسم که فردگرایی لذت‌گرایانه را تبلیغ می‌کرد، در برابر خانواده‌ای ایستاد که از مهم‌ترین ارکانش محبت، گذشت و فداکاری بود و در آن، اعضا علاوه بر تأمین منافع شخصی، می‌تواند باعث تکامل دنیایی و آخرتی یکدیگر باشند.

اهمیت و ضرورت این تحقیق از آنجاست که به نظر می‌رسد چنانچه انسان‌ها سر تسلیم در برابر اعتقاد به وجود خدای مشرّع فرود نیاورند - صرف‌نظر از اثرات سوء آخرتی - در همین دنیا نیز با زیان‌های بزرگی مواجه خواهند شد؛ که کاهش جمعیت یکی از این اثرات است. از این رو، با فرض اینکه خانواده تنها مرجع اصیل تولیدمثل و ازدیاد

۱۳۸۵، ص ۱۰۴).

با توجه بررسی سایر منابع، تعریف ویلسون تعریف جامع و مانعی است که می‌تواند همه تعاریف صحیح را شامل شود و از تعاریف ناقص و انحرافی به دور باشد. وی در تعریف سکولاریسم می‌گوید: «سکولاریسم یک ایدئولوژی است که قایلان و مبلغانش آگاهانه همه اشکال اعتقاد به امور و مفاهیم ماوراءالطبیعی و وسایط و کارکردهای مختص به آن را طرد و تخطئه می‌کنند و از اصول غیردینی و ضددینی به عنوان مبنای اخلاق شخصی و سازمان اجتماعی حمایت می‌کنند» (Bryan, 1987, v.13, p.159). البته باید توجه داشت که طرد ماوراءالطبیعه در حال افراطی به رد و انکار آن ختم می‌شود و در حالت حدافلی منجر به غفلت و فراموشی نسبت به ماورا می‌گردد. ثمره این تفکر، اندیشه و انگیزه غافلانه نسبت به حیثیات غیرمادی عالم وجود است که برای انسان معیشتی مبتنی بر زندگی در این دنیا می‌سازد که در آن جایی برای دین و حیانی وجود ندارد. بنابراین، بسیاری از تعاریف دیگر می‌توانند لازمه تعریف سکولاریسم باشند.

## ۲. سکولاریزاسیون خانواده

سکولاریسم اولین ایدئولوژی مؤثر در فروپاشی خانواده دانسته شده است (گاردنر، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵). همان‌گونه که ویتز (Poal Vitz) غلبه سکولاریسم را مانع جدی بر سر راه تحقق پیشنهادهای حمایت از خانواده می‌شمارد (ویتز، ۱۳۸۳ الف).

مهم‌ترین تأثیری را که سکولاریسم در خانواده می‌گذارد باید با عنوان کلی «کاهش دلدادگی به شناخت دین و کاهلی در سرسپردگی به دستورات

سکولاریسم دکترینی است که همه ملاحظات ناشی از ایمان به خدا یا ایمان به آخرت بر مبنای این دیدگاه، بایستی کاملاً سکولار باشد، حتی آموزش و پرورش یا تحصیلات عمومی مردم که طی آن اخلاقیات صرفاً بر مراعات رفاه انسان در زندگی حاضر بنا گذارده می‌شود (Murry, 1993, v. 9, p.366).

سروش پس از بررسی معانی گوناگون، به تعریفی از سکولاریسم دست می‌یازد که عبارت است از: «توجه کردن به عالم ماده و چشم برگرفتن از مراتب دیگر وجود؛ مراتبی که ورای این حیات تنگ مادی قرار دارد، و این چشم برگرفتن در دو جا تحقق پیدا می‌کند: یکی در اندیشه‌های ما و دیگری در انگیزه‌های ما. سکولاریسم در اندیشه؛ یعنی انسان دانسته‌های خود را منحصر می‌کند به آنچه در این عالم ماده می‌شود دید و خواند. از آن طرف، انگیزه‌های ما هم اگر سکولار بشود بدین معناست که انسان فقط برای همین حیات و همین معیشت دنیوی تلاش کند و کوشش خود را معطوف به این امر بکند؛ به چیز دیگر نیندیشد و برای دیگری کار نکند، و حساب دیگری در زندگی و عمل و ذهن خویش برای هیچ چیز باز نکند» (سروش، ۱۳۷۶، ص ۷۹). اصطلاح سکولاریسم بر هر آن چیزی که غیرمذهبی است دلالت می‌کند (Esposito, 2004, v.4, p.20).

سکولاریسم در یک معنای گسترده، نوعی دین قلمداد شده (McDonald, 1967, v.13, p.36) که هم تبیین‌کننده جهان است و هم تعیین‌کننده ارزش‌ها (مشکی، ۱۳۸۸، ص ۵۱). نوعی شیوه و تفسیر زندگی است که اشیا و موجودات را در یک نظم طبیعی می‌بیند و برای خدا یا موجودات روحانی هیچ‌گونه ارزشی در زندگی قایل نیست (همتی،

دینی» یافت (هاشمی، ۱۳۹۰، ص ۵۱). ازاین‌رو، سکولاریسم در اجتماعات متکی به ارزش‌های الهی به دین و مرامی در خانواده تن درمی‌دهد که صرفاً اهداف سکولاریسم را تأمین نماید؛ دینی که باید دنیای انسان‌ها را آباد کند، به مرجعیت علم مدرن احترام بگذارد، تکثرگرایی دینی را بپذیرد و به حقوقی که به‌عنوان حقوق بشر و دموکراسی اعلام می‌شود گردن نهد.

سکولاریسم برای رسیدن به منافع خود، دست از هر ارزشی که دنیای مادی انسان‌ها را بی‌ارزش و بی‌اهمیت جلوه می‌دهد، برمی‌کشد. ازاین‌رو، بر انسان سکولار لازم است جهان مادی را به بهترین نحو درک کند و آباد سازد و لذت ببرد؛ هرچه بیشتر و هرچه بهتر. بنابراین، باید تمام قداست‌ها زدوده شده و به‌جای تمامی ارزش‌های ماورای طبیعی، عقل مادی‌نگر انسانی حاکم شود که متمرکز بر بهره‌وری تام از دنیای پیرامون خود است. سکولاریسم برای تحقق این آرمان در نهاد خانواده، در پی استقلال بخشیدن به عقل محض و محور قرار دادن آن در تمامی تصمیم‌گیری‌هاست تا دین و اخلاق مبتنی بر دین، تضعیف و در نهایت ویران گردد. این روند را سکولاریزاسیون خانواده نام می‌دهیم که در آن، فرایند عینی سکولارشدن در حیطه خانواده، با نقصان و زوال فعالیت‌ها، باورها و روش‌های الهی محقق می‌شود. سکولاریزاسیون خانواده در حالت افراطی و الحادی خودش، ضمن طرد تمام اشکال اعتقاد به امور ماورای طبیعت، از تمام اصول غیردینی و ضددینی در خانواده حمایت می‌کند. در حالت کمتر فعال و معتدل، اجازه تبلیغ و تشویق و عمل به آموزه‌های ماورای طبیعی در خانواده را

نمی‌دهد. با توجه به مطالب فوق، مقصود از خانواده سکولار، خانواده‌ای است که در آن فرایند سکولاریزاسیون عینیت پیدا کرده و یا در حال عینیت یافتن است (البته توجه این نکته لازم است که اساساً خانواده سکولار به‌معنای تمامیت یافتن سکولاریزیشن در آن نیست).

### ۳. سکولاریزاسیون خانواده و نقش آن در کاهش

#### نرخ جمعیت

در اینجا پنج مؤلفه از مؤلفه‌های سکولاریزاسیون خانواده را که در طی آن خانواده دچار تغییرات کارکردی می‌گردد و نمی‌تواند رسالت تولید نسل را به‌خوبی ایفا کند بررسی می‌کنیم. پرواضح است که همگی این مؤلفه‌ها باعث نقصان در کارکرد تولیدمثل در خانواده می‌شود و این نقصان لازمه‌ای مهم‌تر از کاهش نرخ جمعیت ندارد.

۳-۱. شهرنشینی سکولارآبانه و کاهش نرخ جمعیت: سکولاریسم با دادن اهمیت فوق‌العاده به عقلانیت محض و بالتبع حیات این‌جهانی، تلاش برای ساختن دنیای آبادی که در آن رفاه مادی انسان‌ها رقم می‌خورد را از اولویت‌های زندگی بشر قرار داده است. برای رسیدن به زندگی راحت‌تر، شهر، مظهر عقلانی زیستن و مرکز اقتصاد پولی گردید (فراهانی، ۱۳۸۹، ص ۹). انسان‌ها ناگزیر برای داشتن جامعه و خانواده‌ای نو و زندگی مدرن و یافتن زیبایی‌ها و لذت‌های بیشتر، ترجیح می‌دهند به شهرها مهاجرت کنند. آمار طلاق به علت گسیخته شدن پیوندها و سنت‌ها در میان شهرنشینان بسیار بیشتر از روستاییان است (نیازی و صدیقی ارفعی، ۱۳۹۰، ص ۹۸). از سویی دیگر، در فرایند شهرنشینی



ثمره فرایند تجرّد با خودارضایی و همجنس‌گرایی نمایان و حتی توصیه می‌شود، که این دو را باید از مهم‌ترین دلایل متهم دانستن سکولاریزیشن خانواده در توقف رشد جمعیت قلمداد کرد. در هم‌خانگی که شبه‌شکلی از خانواده معرفی شده است، زوجین بدون اینکه ازدواج کرده باشد، با هم زندگی می‌کنند و رابطه جنسی دارند که به یمن سیطره بی‌خدایی بر جوامع غربی، به‌صورت هنجار درآمده است و صورت‌های عینی آن را در کشورهای غربی می‌توان دید. در بریتانیا تعداد زنان و مردان ازدواج نکرده که خانه مشترکی دارند در سال ۱۹۷۰ رشد ۳۰۰ درصدی را نشان داده است (گیدنز، ۱۳۷۳، ص ۴۴۱). با این حال، احتمال طلاق این‌گونه زوج‌ها که پیش از ازدواج مدتی را با هم زندگی کرده‌اند، بیش از آنانی است که قبل از ازدواج با هم زندگی نکرده‌اند (ویتز، ۱۳۸۳ ب).

طبق آمارها، در سال ۱۹۶۰ در آمریکا ۴۳۹۰۰۰ نفر زندگی مشترک بدون ازدواج داشته‌اند و با گسترش نگرش سکولار در سال ۱۹۹۸ این رقم به ۴۲۳۶۰۰۰ رسید و با رشد روی‌گردانی از تشکیل خانواده، طبیعتاً باید دست‌کم انتظار کندی رشد جمعیت را داشت. در انگلستان تقریباً ۳۰ درصد از زنان غیرشوهردار واقع در سنین ۲۰ تا ۳۹ سالگی به هم‌خانگی رو آورده‌اند. البته توجه به این نکته ضروری است که نگرش سکولار که بر مبنای فردگرایی و لذت‌طلبی استوار است، هرگز تمایلی به صاحب فرزندشدن به خاطر ایجاد محدودیت و تکالیف حاصل از آن ندارد، آن‌هم در شرایطی که پدر یا مادری نیز در قالب خانواده وجود نداشته باشد.

۳-۳. طلاق و کاهش نرخ جمعیت: با توجه به اهرم

ترجیح دادن و یا اکتفا کردن به زندگی در خانه‌های کوچک مثل آپارتمان، موجب شرایطی خاص می‌شود. ازجمله اینکه به علت محدودیت مکان، جز خانواده هسته‌ای، سایر اقسام خانواده‌ها نمی‌توانند در آنجا زندگی کنند. بنابراین، از میان رفتن تدریجی خانواده‌های بزرگ و کاهش اعضای خانواده، که به‌عنوان یکی از عناصر مشخصه روزگار ما شناخته می‌شود، حاصل مقتضیات زندگی شهری است (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۱۰۹). بنابراین، با لحاظ رشد طلاق و کوچک شدن خانواده در شهرنشینی که از الزامات زندگی سکولار است، سکولاریسم را در کاهش جمعیت مؤثر می‌دانیم.

۳-۲. تشویق به تجرّد و کاهش نرخ جمعیت: سکولاریسم، با تشویق به مجرد ماندن و ارضای جنسی بدون داشتن خانواده و مشکل جلوه دادن تشکیل خانواده، جبهه جدیدی را در مقابل خانواده گشوده است؛ چون آزادی و خوشی بی‌قید و شرط و ارضای بی‌دغدغه، بدون محدودیت و مسئولیت شهوت‌ها، یکی از رهنمون‌های نگرش سکولار به زندگی است. ازاین‌رو، سرسپردگی به خانواده، به نوعی عدم تمکین در برابر اهداف سکولاریسم است. در جوامع سکولار - با اینکه از لحاظ سنتی فرزندداری یکی از مهم‌ترین وظایف و یکی از بزرگ‌ترین منابع رضایتش از زندگی کردن است - این باور رشد کرده است که زن نیازی به فرزند ندارد (اینگلهارت، ۱۳۸۲، ص ۲۲۴).

با گسترش جهان‌بینی سکولار در جوامع، آزادی وسیع روابط جنسی میان زن و مرد پدید آمد. این آزادی روابط جنسی نوعی روابط بین مرد و زن را رقم می‌زد که به آن هم‌خانگی یا زندگی مشترک یک زن با یک مرد بدون ازدواج می‌گویند. البته گاهی نیز

خویشتن را در نظر می‌آورند... آنجاکه همه چیز در چهارچوب امور مادی، ملموس، و حتی جسمانی خلاصه می‌شود» (ساروخانی، ۱۳۷۲، ص ۸۰).

به بیان قدسی: «هرچه سکولاریسم در اعتقادات افراد بیشتر گسترش می‌یابد، به سبب کاهش قبح و ناپسندی طلاق که در مذاهب بر آن تأکید شده است، طلاق در بین آنها افزایش می‌یابد» (قدسی، ۱۳۹۰).

اینکلهارت با تحلیل آمارهای اخذشده، معتقد است: جوامع اروپایی شاهد کاهش ۱۹ تولد در هر هزار نفر جمعیت در سال ۱۹۶۰ به کمتر از ۱۲ نفر در هر هزار نفر در سال ۱۹۸۵ بوده‌اند. با این حال، نسبت روابط جنسی نامشروع در کل جامعه اروپایی در همین دوره ۲۵۰ درصد افزایش یافته و طلاق در همه کشورها - بجز ایرلند که ممنوع است - ۴۰۰ درصد رشد یافته است. وی نتیجه می‌گیرد که هنجارها و ضوابط مربوط به مذهب و حرمت خانواده سست گردیده است (اینکلهارت، ۱۳۸۲، ص ۲۲۸-۲۳۰).

در کشورهایی مانند ایران زنانی که چه‌بسا تا دیروز در زیر سایه آموزه‌های وحیانی، حاضر می‌شدند مشکلات و یکنواختی کسل‌کننده زندگی را با سعه‌صدر بپذیرند، امروزه - با تصور داشتن مزایایی همچون مهریه - می‌کوشند به یکنواختی زندگی خاتمه دهند و با داشتن ثروت ناشی از جداشدن که در سایه اشتغال یا گرفتن حق و حقوق خود - مثل مهریه - رقم می‌خورد، شرایط جدید و متنوعی را برای خود ایجاد کنند.

از سویی دیگر، در خانواده‌هایی که با انگیزه‌های سکولاری تشکیل می‌شوند، چون به ازدواج تنها از نظر کامجویی و فردمحوری می‌اندیشند، پیوندهای زناشویی هرچه زودتر تجدید و تبدیل می‌شود تا

فردگرایی لذت‌گرایانه حاکم بر تفکر سکولاریسم، والدین جدا از هم، مطلقه‌ها و خانواده‌های ازهم‌پاشیده غیرسنتی بهترین نمونه‌های خانواده سکولار هستند. این خانواده‌ها، خروجی منطقی و اجتناب‌ناپذیر سکولاریزاسیون به‌شمار می‌روند (ویتز، ۱۳۸۳ الف). سکولاریسم توانسته است این عقیده را در خانواده‌ها نهادینه کند که خوشی و لذت، مقدم بر استواری و نگهداری کانون خانوادگی است و همه چیز باید فدای لذت فردی بشود، حتی اگر آن لذت آنی و زودگذر باشد. علت این قاطع‌گویی این است که سکولاریسم توانست با معیار پر قدرت زندگی برای لذت بیشتر بی‌میلی به تحمل ناسازگاری‌های دیرین و هوس‌برای درک کامجویی‌های جدید را بالا ببرد. ازاین‌رو، طلاق بزرگ‌ترین ناهنجاری است که سکولاریسم به خانواده‌ها می‌قبولاند؛ چراکه افزایش طلاق‌ها در خانواده‌های دیرینه‌پیوند، توجیه ناسازگار شدن زوجین را - که در مورد جوانان نوپیوند عرضه می‌کردند - بی‌معنا کرده است (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۲۴۵).

ویتز می‌گوید: «سکولاریسم همان‌طور که گسترش یافت، به همراه خود بحران مفاهیم و سپس خانواده را خلق کرد... از زمانی که جهان‌بینی سکولاریسم فراگیر شده است، دیگر دلیلی برای پذیرش محدودیت‌های ازدواج و تن دادن به مسئولیت‌های پدر و یا مادرشدن باقی نمی‌ماند» (ویتز، ۱۳۸۳ الف).

این بیان ویتز علت بالادستی ریشه‌یابی‌ای است که ساروخانی به آن دست یازیده است: «عمیق‌ترین علل طلاق، پیدایی بحران در ارزش‌هاست؛ هنگامی که انسان‌ها صرفاً به تمتع می‌اندیشند و فقط مصالح

درصد دچار اضطراب دایمی، ۸۲ درصد دارای احساس گناه و ۶۲ درصد مبتلا به پریشانی‌اند. این عده پس از طلاق، دچار خستگی و کاهش کمیت و کیفیت در شغل، بی‌علاقه شدن به آن، بی‌اعتمادی به دیگران، دلتنگی و بی‌حوصله شدن در تربیت و نگهداری فرزندان، ستیزه‌جو شدن، تمایل برای خودکشی و... شده‌اند (فرجاد، ۱۳۷۲، ص ۳۴۰-۳۴۲). البته هویدا است که تمامی این موارد با عدم تمایل به فرزند بیشتر و کاهش جمعیت به‌طور مستقیم در ارتباط است.

در جوامعی که هنوز پیوندهای خانوادگی مستحکم است، تبلیغات سکولاریسم بر روی طلاق متمرکز است؛ با این شعار که با طلاق خویشتن را آزاد کنید! بروس کوئن می‌گوید: این یک واقعیت است که گسست پیوند زناشویی ننگ محسوب نمی‌شود و این وضعیت از تغییر ارزش‌های ما سرچشمه می‌گیرد (کوئن، ۱۳۷۰، ص ۱۳۳).

با استقبال از این شعار در تجربه آمریکایی - جایی که طلاق گرفتن از تا کسی گرفتن نیز آسان‌تر شده - این شعار به غیر از آزاد شدن از مسئولیت خانواده، شرایط دیگری را با خود به همراه آورد؛ زنان مطلقه آمریکایی خرسند نیستند. این ناکامی را می‌توان از مراجعات روزافزون این زنان به روان‌کاوان و یا پناه بردن آنها به الکل یا افزایش سطح خودکشی در میان آنها یافت. از هر ۴ زن مطلقه آمریکایی، یکی الکی می‌شود و میزان خودکشی در میان آنها، سه برابر زنان شوهردار است (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۲۴۵). بنابراین، خودکشی که ریشه در ناهنجاری‌های خانوادگی منشعب از سکولاریسم دارد، خود از علایم تحدید نسل‌ها خواهد بود.

لذت بیشتری به کام زن و مرد بریزد و طبعاً وجود فرزند مانع تحقق این هدف است و این همان کاهش نرخ جمعیت است. هر قدر لذت‌خواهی سکولار رشد کند، خانواده‌ها سست‌تر و انگیزه‌ها برای جدایی بیشتر می‌شوند. با حذف اهرم‌های فداکاری، ایثار، صبر، از خودگذشتگی - که در فرامین و حیانی بسیار مورد تأکیدند - افراد با محوریت خودپرستی و فردیت، به دنبال یافتن راه‌هایی هستند که هرچه بیشتر و بهتر کام خود را شیرین کنند. هوس یافتن همسری جدید و هرچند موقتی، جوان و ثروتمند - و ترجیحاً با تحصیلات - برای زوجین لذت طلب، انگیزه‌ای است تام برای جدایی.

گیدنر در مورد علل گسترش طلاق در خانواده‌ها می‌گوید: به‌طور کلی، رفاه بیشتر به این معناست که در صورت نارضایتی از زناشویی، می‌توان خانه جداگانه تشکیل داد و این امر امروزه آسان‌تر از گذشته ممکن است. وی از دیگر عوامل طلاق را جست‌وجوی افراد در یافتن رابطه‌ای ثمربخش و ارضاکننده در پس اطلاق می‌داند تا زن و شوهر بدون مواجه شدن با محرومیت اجتماعی، به یک رابطه غیررضایت‌بخش پایان دهند (گیدنر، ۱۳۷۳، ص ۴۲۷-۴۲۸). ولی دست‌کم از لحاظ آماری، میزان طلاق در ازدواج‌های دوم بالاتر از میزان طلاق در ازدواج‌های اول است؛ چراکه ممکن است اینها در ازدواج‌های بعدی انتظارات بالاتری از ازدواج داشته باشند. از این رو، ممکن است، آمادگی بیشتری برای برهم‌زدن ازدواج‌های جدید داشته باشند (همان، ص ۴۳۳).

از سویی دیگر، طبق آمارهای اکتباس شده از مردان و زنان جدا شده از هم، ۶۸ درصد اظهار کرده‌اند در اثر طلاق بیمار و رنجور شده‌اند، ۶۰

سرمایه‌گذاری اقتصادی و روانی است. البته این مشکلات زمانی که زن، عهده‌دار سرپرستی باشد، بیشتر است؛ زیرا زنان سرپرست، با مشکلات اشتغال و کمبود درآمد مواجهند. بر حسب برخی آمارها، زنان، سرپرست ۹۰ درصد از خانواده‌های تک‌سرپرست در آمریکا هستند و این درحالی است که خانواده‌های تحت سرپرستی زنان، ۵۵ درصد از کل خانواده‌های فقیر را تشکیل می‌دهد و ۲۳ درصد از کل خانواده‌های آمریکایی دارای فرزند، توسط مادران بدون شوهر اداره می‌شوند (همان، ص ۶۰). بنابراین، سکولاریسم با شیوه‌های گوناگون محبت زن را از دل مرد بیرون می‌کشد و چیزهای دیگری را جایگزین آن می‌کند که خود موجب ازهم‌گسیختگی خانواده می‌شود و پرواضح است که پدیده طلاق و جدایی می‌تواند از مهم‌ترین عوامل کاهش نرخ جمعیتی محسوب شود.

۳-۴. **برهنگی و گسترش فحشا و کاهش نرخ جمعیت:** یکی دیگر از این تأثیرات سکولاریزیشن خانواده، برهنگی اعضای خانواده است که با بدحجابی، بی‌حجابی، بی‌عفتی و بی‌بندوباری تبلور می‌یابد. اعضای خانواده‌ای که زیر سیطره سکولاریسم‌اند و در زندگی‌شان خدا و معاد حضور ندارد و با خودنمایی و جلب توجه دیگران، می‌کوشند شهوت‌ها را به‌سوی خویش جذب کنند، چه ارزشی می‌توانند برای حیا و عفت قایل شوند؟ از این رو، به محض آنکه هریک از اعضای خانواده سکولار بفهمند در بی‌حیایی چه لذت‌های دنیایی پیدا و پنهانی وجود دارد، هیچ مانعی نمی‌تواند آنها را از کسب حداکثری آنها منصرف گرداند و این خود منجر به پدیده‌ای به نام برهنگی می‌شود که خود به

سکولاریسم با محوریت لذت در زندگی و دورکردن هرگونه ناراحتی و تلاش برای کسب منفعت بیشتر، آستانه تحمل زوجین را پایین می‌آورد؛ چراکه زمانی که زندگی بر اساس مادیات است، نباید مشکلات سخت وجود داشته باشد و این خوی فرار از مشکلات، که از لوازم نگرش سکولار است، باعث افزایش میزان طلاق می‌شود. گسترش طلاق یا استنکاف از ازدواج، رابطه مستقیم و طرفینی با گسترش فحشا دارد. از طرفی، خود تشکیل خانواده، ملازم با تقبل بسیاری از وظایف و مسئولیت‌هاست و در مقابل، انسان سکولار باید به دنبال حقوق خویش باشد نه انجام وظایف و مسئولیت‌ها؛ بنابراین، به ارضای جنسی خویش متمایل می‌شود که این ارضاها عموماً برای کسب لذت جنسی است نه تولیدمثل دست و پاگیر و پرمسئولیت و پرهزینه.

بدین ترتیب، در نیمه دوم قرن بیستم با رواج سکولاریسم و نفی سیطره خدا از جوامع، خانواده تک‌سرپرست گسترش یافت؛ به گونه‌ای که در سال ۱۹۶۷ کمتر از ۴ میلیون خانواده آمریکایی تک‌سرپرست وجود داشت. اما این رقم در ۱۹۹۱ به ۱۰ میلیون خانوار رسید. در انگلستان نیز در سال ۱۹۷۱ حدود ۵۷۰ هزار خانواده تک‌سرپرست وجود داشت، اما در سال ۱۹۹۶ این رقم به حدود یک میلیون و ششصد هزار خانوار افزایش یافت (بستان، ۱۳۸۳، ص ۵۹).

فقدان پدر یا مادر - که هریک، رکنی از مدیریت خانواده است - موجب آسیب‌های جدی روانی و اقتصادی به اعضای آن خانواده می‌شود و این مشکلات مانع از تولیدمثلی است که خود نیازمند

محیطی با امنیت اخلاقی - تربیتی برای خانواده، وظایف ایمانی و عاطفی خویش را نسبت به همسر و فرزندان خود انجام دهد و چگونه می‌خواهد خود را وقف احساسات خانوادگی‌اش کند؟

با ادامه رویه برهنگی زن، نوعی التذاذجویی جنسی در او ایجاد می‌شود که هرچه بیشتر حریص می‌شود تا با خودآرایی و نمایش خود، توجه مردان بیشتری را - در پوشش مهربانی آنها - به خود جلب کند، غافل از اینکه توجه مردان به او همگی زیر نقاب شهوت مردان مخفی شده است. این منش با محدود شدن التذاذ جنسی به محیط خانوادگی - در جهت ایجاد وحدت و پیوند بیشتر زوجین - ناسازگار است. این زنان با بدپوشی خود، لاجرم، همسر قانونی خود را به یک رقیب، مزاحم و زندانبان تبدیل می‌کنند که او را از لذت زندگی و چشیدن تفاوت‌ها محروم می‌سازد. این نوع نگاه به همسر، در کوتاه‌مدت به نوعی دشمنی و نفرت نسبت به او تبدیل می‌شود.

بر این اساس، با تقویت انگیزه‌های فردمحوری و لذت‌جویی از جانب سکولاریسم در خانواده‌ها، جامعه به فروشگاه ارزان‌قیمت جنس مؤنث تبدیل می‌شود تا هر مردی به راحتی بتواند به لذتی از زن نایل آید. یکی از دلایلی که امروزه جوان‌ترها تمایلی به ازدواج نشان نمی‌دهند، چه‌بسا همین رویه باشد که کامجویی‌ها لزوماً در کادر خانواده نمی‌گنجد (مطهری، ۱۳۵۳، ص ۸۲-۹۰). زمانی که دختر یا مادر خانواده با به معرض نمایش گذاردن خود، صریحاً اعلام می‌کنند با روی‌گردانی از حدود الهی، به الگوهای زیستی سکولاریسم پایبندند تا برایشان لذت دنیا، حرف اول را بزند، ناخودآگاه همفکران خود را به سوی خویش دعوت می‌کنند.

طریق عکس، باعث می‌شود عشق و شور و احساسات مرد نسبت به زن کاهش یابد. به همین دلیل، ویل دورانت می‌گوید: «زنان بی‌شرم جز در موارد زودگذر، برای مردان جذاب نیستند... مرد جوان به دنبال چشمان پرحیاست... عفت، زن را توانا می‌سازد که با جست‌وجوی بیشتر، عاشق خود را یعنی کسی که افتخار پدری فرزندان او را خواهد داشت، برگزیند» (دورانت، ۱۳۵۴، ص ۱۳۳-۱۴۰).

نگرش سکولار با عنوان آزادی زنان، ایشان را هرچه توانستند برهنه کرده‌اند، ولی از آنجا که مردان در این مسئله ذینفع‌ترند، این مسئله تأثیر مستقیمی در تحکیم خانواده دارد؛ چرا که هر قدر زن نسبت به مردان بیرون از حریم خانواده خود، باعفت‌تر باشد، این نشان‌دهنده وفاداری بیشتر زن است. زن به شوهرش نشان می‌دهد که حاضر نیست حتی گوشه‌ای از جسم خود را در اختیار تمتع غیر او قرار دهد و فقط همسر قانونی او است که لیاقت دارد از وجود او بهره‌برد. زمانی که زن خود را - با نمایان کردن زیبایی‌هایش - در معرض دید مردان می‌گذارد، باعث می‌شود التهاب‌ها و تقاضاهای جنسی نسبت به او فزونی یابد. از این رو، با توجه به اینکه غریزه جنسی، غریزه‌ای است دریا صفت، این زن با برهنگی، خود را در خیل توجهاتی که به این واسطه به او جلب می‌شود - دست‌کم به صورت روحی و روانی - گرفتار می‌کند. به تعبیر دیگر، چنین زنی، مشغول توجهات دیگران می‌شود و باید به اتخاذ تدابیری برای پاسخ‌گویی به این توجهات مشغول شود. در چنین شرایطی، این زن چگونه می‌تواند مادر خانواده‌ای سالم - که براساس آرمان‌های اخلاقی و وحیانی شکل می‌گیرد - شود و با فراهم آوردن

برهنگی حتی بر اقتصاد خانواده‌ها نیز به گونه‌ای مؤثر است. مردی که با برهنگی‌های پیرامون خود و پوشش‌های محرک روبه‌روست، نمی‌تواند به اندازه کافی بر فعالیت اقتصادی و حتی علمی متمرکز شود تا معیشت خود و خانواده‌اش را تأمین کند و گاه انگیزه خود را برای خرجی آوردن برای همسر خود از دست می‌دهد؛ زیرا خود را در شرایطی می‌یابد که گویا می‌تواند با تلاشی کمتر برای معیشت همسر قانونی خود، به کامجویی‌های دیگر و چه‌بسا جدیدتر و بهتری دست یابد - از این رو، مرد خانواده دو راه پیش‌رو دارد؛ یکی اینکه با کار بیشتر در بیرون منزل، کاستی‌های ناشی از بی‌انگیزگی و بی‌تمرکزی خود را جبران کند و یا اینکه با فرستادن همسر خود به کار بیرون از منزل، او را شریک در درآمد خانواده کند. در این راه، گاهی زن با بیرون آمدن از کنج دنج خانه، به میدان مقابله با امیال مردان هوسران درمی‌آید! چنان‌که گیدنز بر پایه گزارش‌های شخصی، برآورد کرده است که در انگلستان از هر ده زن، هفت زن در دوره زندگی شغلی به مدت طولانی دچار آزار جنسی می‌گردند (گیدنز، ۱۳۷۳، ص ۲۰۲).

بنابراین، هر دو این راه‌ها هرچند از سر ناپجاری انجام می‌پذیرد، ولی با حضور کمتر مرد در خانه و یا حضور بیشتر همسرش در بیرون خانه، اوضاع عاطفی و اخلاقی در این خانه سست‌تر می‌شود. از طرف دیگر، برهنگی هرچند به بهانه کسب آزادی و لذت خود زن انجام می‌گیرد، باعث تحقیر شدن زن می‌شود؛ چون در نتیجه، خود را به یک آلت دست محتاج توجه و وسیله‌ای برای لذت مردان تبدیل می‌کند. طبیعی است که از چنین زنی نمی‌توان توقع داشت که بتواند سنگینی عاطفی خانواده را به دوش

با تمکین تعداد بیشتری از خانواده‌ها از این مرام سکولاری در خانواده و جوامع، ارتباط انسانی به معاشرت‌های آزاد تبدیل می‌شود. در این محیط، دیگر ازدواج، پایان دادن به محرومیت‌ها نیست، بلکه خود آغاز نوعی محدودیت‌الذاذ جنسی است؛ چون پیمان ازدواج، باید به آزادی جنسی پایان می‌داد و طرفین را ملزم به وفاداری می‌کرد. زمانی که در جامعه‌ای این‌گونه خانواده‌هایی رشد کنند که ازدواج را مانع و محدودکننده لذت‌های جنسی محسوب کنند، جوانان ترجیح می‌دهند تا نیروی جوانی و نشاط دارند از محدودیت‌ها بگریزند و ازدواج را به زمان سستی موکول، و زن را برای فرزندزادن و خدمتکاری طلب کنند؛ یعنی خانواده‌ای سست‌بنیان تشکیل یابد که هیچ‌یک از زوجین، دیگری را عامل سعادت خود نمی‌داند، بلکه یکدیگر را زندانبان خود می‌یابند. واضح است روابط خانوادگی در این خانواده چقدر سرد و غیرقابل اطمینان می‌شود. بنابراین، ایجاد پاک‌ترین و صمیمی‌ترین عواطف زوجین و ایجاد اتحاد کامل و یگانگی در کانون خانواده، زمانی میسر است که زوجین از هرگونه استمتاع از غیرهمسر قانونی چشم‌پوشند (همان، ص ۹۱)؛ یعنی نه مردان چشم به زن دیگری داشته باشند و نه زن درصدد تحریک و جلب توجه کسی جز شوهر خود باشد. اساس خانواده زمانی محکم‌تر می‌شود که دختر خانواده نیز پیش از ازدواج، خود را برای مردان به نمایش نگذاشته باشد تا طعم همسر قانونی خود را با تمام وجود بچشد و پس از ازدواج یکدیگر را از هرزگی در دوران مجردی، مبرا بدانند. به این ترتیب، برهنگی باعث تزلزل خانواده، و تزلزل خانواده باعث ایجاد اثر منفی بر تولیدمثل خواهد بود.

خانواده سکولار، زوجین برای توسعه رفاه و کسب وجهه اجتماعی و مادی بیشتر، لازم است هر دو ساعت‌های زیادی را به دور از یکدیگر و فرزندان، مشغول کسب پول باشند. این افراد گمان می‌کنند با داشتن درآمد ماهیانه، می‌توانند از منزلت اجتماعی بهره‌مند شوند. برای بسیاری از خانواده‌های سکولار محرز شده است که هرکس باید به اندازه مخارجش کار کند و درآمدزایی داشته باشد. گویا خانواده به یک شرکت سهامی که زن و مرد باید در آن کار کنند، تبدیل می‌شود (جعفری، ۱۳۷۸، ص ۱۰۴)؛ چراکه در کنار هم آمدن آنها به‌خاطر تجمع درآمد هایشان در جهت یافتن دنیایی آبادتر است.

چنانچه زن کسب درآمد داشته باشد، خود را مستقل و آزاد احساس می‌کند و حاضر نیست زیربار مسئولیت خانواده برود. در چنین حالتی، او رقیب شوهر خود می‌شود نه یار موافق وی؛ همکار و همقطار او می‌شود نه موجب سکون و آرامش او (حاجی‌ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۸). کار مادر در بیرون از منزل سبب می‌شود که او مؤثرترین ساعات روز خود را در خانه حضور نداشته باشد.

ساروخانی اثرات سوء اشتغال زن را با توجه به نظرات صاحب‌نظران جامعه‌شناسی چنین برمی‌شمارد: زنان شاغل امکانات و راه‌های تازه‌ای برای گفت‌وگوی عاشقانه با شوهر نمی‌یابند و از این طریق، شادی زندگی را از دست می‌دهند. با اشتغال زن، دیدار متقابل زن و مرد غریبه افزایش می‌یابد و بالتبع سنت‌های دیرین در گزینش همسر ناپدید و یا کم‌رنگ می‌شوند. با اشتغال زن، کار زن جانشین جهاز او می‌گردد و تسهیل امر اشتغال، معیار تازه و بسیار مهم در گزینش همسر می‌شود. این امر بعد از

بکشد. بنابراین، با افزایش فشار اقتصادی حاصل از بی‌بندوباری و نیز کاهش ارتباط عاطفی در خانواده، سست شدن انگیزه برای ادامه تولیدمثل بسیار متوقع است. از سویی دیگر، بیماری‌های مقاربتی همچون ایدز که ارمغان فحشاست، خود از موانع تولیدمثل خواهد بود و این بیماری در اثر سکولاریزاسیون خانواده در حال رشد است. چنان‌که سازمان بهداشت جهانی گزارش داد: تا پایان سال ۲۰۰۰ در جهان ۲۶ میلیون مرد و زن و کودک مبتلا به ویروس ایدز بوده‌اند که قسمت اعظم مبتلایان را همجنس‌بازان، تشکیل می‌دهند (معظمی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۳).

**۳-۵. اشتغال زنان و کاهش نرخ جمعیت:** اشتغال زنان یکی از عینی‌ترین تأثیرات اندیشه سکولار بر نهاد خانواده است. هر قدر محیط پیرامون خانواده به سمت تثبیت ارزش‌های سکولار و حاکم شدن ارزش‌های مادی - مثل راحت‌طلبی، لذت، کسب پول و کسب جمال و جلال دنیوی - برود، گرایش زنان به کار بیرون از منزل بیشتر می‌شود. زنان از طریق استقلال مادی که در اثر اشتغال پیدا می‌کنند، می‌کوشند برای خود وجهه‌ای اجتماعی و موقعیتی اقتصادی ایجاد کنند (جعفری، ۱۳۷۸، ص ۱۰۰-۱۰۱). در نظر آنها اخذ نفقه و خرجی برای زن، توهین به شخصیت زن است و زن را از استقلال ساقط و او را وابسته می‌گرداند. پس لازم است زن برای تأمین مالی و کسب شخصیت اجتماعی و اعلام استقلال به بازار کار برود (زیبایی‌نژاد، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۶۷). در این صورت، غذاهای آماده، رستوران‌ها و مهدکودک‌ها خلأ او را پر می‌کنند.

از دیگر انگیزه‌های غیردینی و سکولاری زنان برای اشتغال، ارتقای منزلت اجتماعی آنهاست. در

هم گران تمام می‌شوند و هم جلوی دست و پا را می‌گرفتند... شهرها... منع از آبستنی را آوردند... مادر بودن کاری خطرناک گشت. زن نوین به علت اشتغال در کارخانه از نظر جسمانی ضعیف‌تر از پیشینیان گشت. حس زیبایی فرومایه مرد نوین، کار را بدتر کرد؛ زیرا مرد نوین تن باریک و لاغر می‌پسندید... زیرا آنها زیبایی را با جاذبه زودگذر جنسی سنجیدند نه با سلامت و قدرت بنیه که نشانه مادری است. بدین‌گونه، زنان بیش از پیش از آوردن کودکان ناتوان گشتند و هرچه توانستند از مادر شدن گریزان گشتند... این زن فارغ از حال فرزند... در کنار مرد ایستاد... شهر به لزوم فرزندان اعتقادی ندارد؛ به همین جهت، زنان را به فحشا وامی‌دارد تا خود را به مادری آلوده نکنند (دورانت، ۱۳۵۴، ص ۱۵۹-۱۶۱).

#### ۳-۵-۱. کاهش باروری در زنان شاغل و کاهش نرخ

**جمعیت:** کاهش باروری زنان، از مهم‌ترین آثاری است که در اشتغال مادران نهفته است؛ چراکه با داشتن حتی یک فرزند، حضور مستمر و منظم زن در محل کارش با مشکل مواجه می‌شود. ازاین‌رو، با تعدد فرزندان، زن از نظر روحی و جسمی (با لحاظ فشارهای قبل، حین و بعد از بارداری بر مادر) آسیب خواهد دید. در نگرش سکولار به اقتصاد خانواده، فرزنددارنشدن ارزش ریسک‌کردن را دارد؛ چراکه تولد فرزند، مساوی است با اتلاف وقت، هزینه کردن و اضطراب عصبی (ویتز، ۱۳۸۳ الف). بنابراین، زنان شاغل ترجیح می‌دهند کنترل بیشتری بر تعدد فرزندان خویش داشته باشند تا امنیت شغلی‌شان به خطر نیفتد. چنان‌که مدیران نیز ترجیح می‌دهند از زنان مجرد استفاده کنند و یا دست‌کم زنانی را به کار بگیرند که قصد فرزندآوری نداشته

ازدواج نیز بر روابط دیرین زوجین اثرات عمیقی می‌گذارد (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۸-۱۷۰). یکی دیگر از این اثرات، تأثیری است که اشتغال زن بر روحیه مرد دارد؛ چون شوهر (پدر) با داشتن شغل و درآمد نقش رهبر اصلی خانواده را دارد و چنانچه زن، نان‌آوری را به عهده بگیرد، خطر رقابت با شوهرش به میان می‌آید. علاوه بر اینکه با به عهده گرفتن مسئولیت‌های اجتماع توسط زنان، طبیعتاً مردان با معضل بیکاری مواجه خواهند شد و با پیدا نشدن کار برای مردان، ازدواج‌ها به تأخیر می‌افتد و فحشا و روابط جنسی خارج از کانون خانواده، رشد می‌یابد. البته تمامی این موارد باعث سردی روابط زوجین می‌شود و در صورت تداوم تخریب، علاقه زوجین نسبت به یکدیگر و بالتبع انگیزه فرزنددار شدن آنها از همدیگر نیز کاهش می‌یابد.

ویل دورانت اشتغال زن قرن بیستم را، که باعث کاهش علاقه به مادر بودن شده است، این‌گونه به تصویر کشیده است: «صنعتی شدن زنان، طبعاً کار خانگی را از میان برد... بیرون رفتن زن از خانه و پیدا کردن کار در کارخانه به او وجه و اعتبار می‌بخشید... او می‌دانست اگر کار نکند طفیلی بی‌معنی خواهد گشت... زن این بردگی جدید را با وجد و شادی پذیرفت... و چون خانه خالی شد و جایی برای کار و زندگی در آن نماند، مردان و زنان آن را ترک کردند و رو به خوابگاه‌ها و خانه‌های زنبوری که آپارتمان می‌نامیدند نهادند... تمام روز و عصر خود را در غوغا و جنجال کوچه و خیابان گذراندند... رسم و عاداتی که ده هزار سال بر جای مانده بود، در یک نسل از میان رفت... کودکانی که در مزارع مایه شادی و کمک بودند، در شهرهای پرجمعیت و آپارتمان‌های تنگ،



به نوعی مختلط باشد. مضاف بر اینکه چون تجاذب جنسی زوجین از عوامل اساسی تشکیل و استمرار خانواده است، هر عاملی که باعث تأثیر منفی بر تجاذب جنسی زوجین شود، موجبات ناهنجاری‌های جنسی در بین زوجین (مثل تمکین نکردن زن از شوهر یا سست شدن تعلق و وابستگی زن به شوهر) می‌شود (جعفری، ۱۳۷۸، ص ۱۲۶-۱۳۱). ناگفته پیداست که در این شرایط انتظار کاهش توالید بسیار متوقع است.

روزن باوم در این‌باره می‌گوید: «افرادی که مجبورند به‌طور متوسط هشت ساعت یا نه ساعت در روز کار کنند، نمی‌توانند در زندگی خصوصی و شب‌های تعطیل، افرادی خلاق، فعال و پراحساس باشند» (روزن باوم، ۱۳۶۷، ۱۳۶).

**۳-۵-۳. تهدید شدن انسجام خانواده در زنان شاغل و کاهش نرخ جمعیت:** انسجام خانواده و رشد توالید، می‌توانند رابطه مستقیم با یکدیگر داشته باشند. از سویی دیگر، انسجام خانواده از طریق روابط عاطفی اعضا سنجیده می‌شود؛ یعنی هر میزان روابط عاطفی کمتر باشد، انسجام و یکپارچگی اعضا کمتر است و در نتیجه، بروز عینی گسستگی در خانواده‌ها از میزان بروز طلاق‌ها فهمیده می‌شود؛ از این‌رو، وجود رابطه‌ای منطقی بین اشتغال زنان و افزایش طلاق به اثبات رسیده است. از طرفی، افزایش طلاق با کاهش نرخ جمعیت ارتباط مستقیم دارد. گیدنز نیز افزایش طلاق را با استقلال اقتصادی زنان مرتبط می‌داند؛ چون با اشتغال زنان، ازدواج دیگر یک مشارکت ضروری اقتصادی محسوب نمی‌شود (گیدنز، ۱۳۷۳، ص ۴۲۷-۴۲۸). نتایج تحلیل داده‌های آماری سال ۱۳۸۵ - در ایران - نشان می‌دهد: هرچه میزان

باشند و از سوی دیگر، مدیران شرایط کاری نیروهای زن خود را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کنند که زمینه کنترل مولید را برای زنان فراهم کنند. از طرفی، زنانی که برای رسیدن به شغل‌های بهتر و با درآمد بالاتر، زمان زیادی را صرف تحصیل‌های آموزشی و دانشگاهی کرده باشند، با افزایش سنشان عملاً قدرت باروری خود را کاهش داده‌اند (جعفری، ۱۳۷۸، ص ۱۰۹-۱۱۰). ولی غافلند که بی‌فرزند بی‌فرزند نه تنها گرمای خانواده را سلب می‌کند، بلکه خانواده بی‌فرزند بیش از هر خانواده دیگر در معرض گسست قرار دارد (ساروخانی، ۱۳۷۲، ص ۶۶).

ویل دورانت، زن امروزی را حاصل صنعتی شدن جوامع می‌داند و او را عروسکی خطاب می‌کند که از زمانی که از خانه به کارخانه رفته و با داروهای ضدبارداری و با کمک پرستاران از رنج پرستاری جسته، به موجودی مهمل و تنبل تبدیل شده که برای انجام کارهای باقی‌مانده نیز بی‌میل شده است (دورانت، ۱۳۵۴، ص ۱۶۸).

**۳-۵-۲. اخلاص در نظم روابط زناشویی در زنان شاغل و کاهش نرخ جمعیت:** داشتن روابط زناشویی بدون دغدغه و در دسترس، همیشه یکی از کارکردهای خانواده است که با اشتغال زنان می‌تواند دچار اختلال شود؛ یعنی هر قدر زمان اشتغال زنان و خستگی ناشی از آن بیشتر باشد، احتمال تغییر رفتار جنسی در زوجین بیشتر می‌شود. این احتمال تغییر، زمانی تقویت می‌شود که روابط اخلاقی در محیط شغلی - یا تحصیلی - زن ناسالم نیز باشد؛ مانند زمانی که محیط شغلی یا آموزشی - در آموزش‌های آزاد یا آموزش‌هایی که در مراکز آموزشی به‌منظور یافتن شغل به متقاضیان داده می‌شود - زنان با مردان

داشتن است (همان، ص ۱۱۵). به عبارت دیگر، چنانچه بتوان با سکولاریسم در نظر و عمل مبارزه کرد و انسان بار دیگر خودش و خدا را برای این جهان نبیند، می‌توان امیدوار به ادامه نسل بشر بود.

### نتیجه‌گیری

«سکولاریسم» ایدئولوژی‌ای است که در آن با غفلت از ماوراءالطبیعه و امور غیرمادی، گاه تا طرد و انکار امور غیبی مرتبط با خدا و بالتبع علوم و مباحث الهیاتی و وحیانی پیش می‌رود. در این تفکر، انسان‌ها با حاکمیت معیارهای این جهانی، می‌کوشند تمام همت و قدرت خود را وقف آبادانی این دنیا و در نتیجه، کسب ثروت، قدرت و لذت حداکثری کنند. برای چنین انسانی، مهربانی، از خودگذشتگی و برخورد عادلانه و منصفانه با دیگران بی‌معناست؛ او هرگز نمی‌تواند با دیگران در تعامل عاطفی باشد و این همان ضربه سنگینی بود که از جانب نگرش سکولار بر بنیان خانواده وارد می‌شد. بنابراین، تأثیر نگرش سکولار در رفتار، گفتار و کردار انسان‌ها در خانواده، حتی در کاهش کمی و کیفی نرخ ازدواج (با ترویج و تبلیغ تجرد، خودارضایی و همزیستی‌های قبل از ازدواج و...) و تولیدمثل (جلوگیری از فرزنددار شدن یا اکتفا به حداقل فرزند و...) هویدا شد.

ازجمله تأثیرات این نگرش بر نهاد خانواده که دارای تبعات دامنه‌دار زیادی گردید، ترویج شهرنشینی بود که با ارتباط یافتن شهرنشینی و افزایش طلاق و دعوت حضور در خانه‌های آپارتمانی باعث تأثیر منفی بر رشد جمعیت شد. سکولاریسم با ایجاد آزادی‌های جنسی بی‌مسئولیت‌مآبانه و نیز سر دادن شعار زندگی برای

درآمد مردان افزایش یابد، میزان طلاق کاهش می‌یابد و بعکس، هرچه میزان درآمد زنان افزایش یابد، میزان طلاق نیز افزایش می‌یابد؛ چراکه استقلال مالی زنان می‌تواند سطح آستانه تحمل آنان را در برابر سختی‌های زندگی در محدوده خانه و شوهر کاهش دهد. به عبارت دیگر، خودکفایی مالی، دلایل صبورانه بر مسائل خانوادگی را تقلیل می‌دهد. بنابراین، تمایل آنها برای طلاق، بیشتر از زنان خانه‌دار است (جعفری، ۱۳۷۸، ص ۱۲۵). بررسی‌ها در دانشگاه آمستردام هلند بیانگر این است که زنانی که شغل تمام‌وقت دارند، ۲۹ درصد بیشتر و معمولاً زودتر از زنان دیگر مطلقه می‌شوند. طبق این گزارش، میان تعداد ساعاتی که زنان، خارج از خانه کار می‌کنند و میزان ثبات و پایداری خانواده، رابطه معکوس وجود دارد؛ چراکه زنان شاغلی که احساس استقلال بیشتری می‌کنند، زندگی مجردی را راحت‌تر می‌پذیرند (همان، ص ۱۲۲-۱۲۴).

در پایان باید خاطرنشان کرد که برخی از نسل جدید دانشمندان جوان علوم اجتماعی بر این باورند که باید به دنبال علوم انسانی‌تری رفت که در آن، با فردپرستی کنونی که ثمره موقعیت جوامع صنعتی است، مبارزه شود. این دانشمندان با نوعی تردید نسبت به اصالت عقل و شک در علم‌پرستی، مدعی‌اند که دنیای انسان و زندگی انسانی، الزاماً با معیارها و ضوابط علمی قابل سنجش نیست (نراقی، ۱۳۵۴، ص ۵۱-۵۷).

امروزه این تفکر در حال رشد است که انسان‌های هرچند دارای تمکن مالی، ممکن است از زندگی خود راضی نباشند؛ چون برای انسان‌ها این انگاره به وجود آمده است که سعادت فرد، امری مافوق

## منابع .....

- اعوانی، غلامرضا، «میزگرد سکولاریسم و فرهنگ» (بهار ۱۳۷۵)،  
**نامه فرهنگ**، سال ششم، ش ۲۱، ص ۱۳-۳۷.  
 اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲)، **تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی**، ترجمه مریم وتر، تهران، کویر.  
 بابایی، پرویز (۱۳۷۴)، **فرهنگ اصطلاحات فلسفه: انگلیسی فارسی**، تهران، نگاه.  
 بریجانیان، ماری (۱۳۷۱)، **فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی**، ویراسته بهاءالدین خرمشاهی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.  
 بستان (نجفی)، حسین (۱۳۸۳)، **اسلام و جامعه‌شناسی خانواده**، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.  
 جعفری، سیدمحمد (۱۳۷۸)، **تأثیرات اشتغال زنان بر خانواده آسیب‌ها و راهکارها (با تأکید بر جامعه ایران)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).  
 جمعی از پژوهشگران (بی‌تا)، **فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی**، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.  
 حاجی‌ابراهیم‌زاده، تبسم، «زنان متأهل در عرصه کار و تلاش» (اردیبهشت ۱۳۸۸)، **پیام زن**، سال هجدهم، ش ۲۰۶، ص ۱۴-۱۵.  
 دورانت، ویل (۱۳۵۴)، **لذات فلسفه**، ترجمه عباس زریاب‌خویی، تهران، اندیشه.  
 روزن باوم، هایدی (۱۳۶۷)، **خانواده به‌منزله ساختاری در مقابل جامعه**، ترجمه محمدصادق مهدوی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.  
 زیبایی‌نژاد، محمدرضا و محمدتقی سبجانی (۱۳۷۹)، **درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام**، قم، دارالتقلین.  
 ساروخانی، باقر (۱۳۷۲)، **طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن**، تهران، دانشگاه تهران.  
 — (۱۳۷۰)، **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده**، تهران، سروش.

لذت بیشتر و در پی آن، گسترش فحشا و آسان‌گیری طلاق، بنیان‌های خانواده را که اصلی‌ترین الگوی تولیدمثل و افزایش رشد جمعیت انسان‌هاست با تهدید مواجه ساخته است. از سویی دیگر، تبدیل نقش مادری زن به نقش کارمند، کارگر و کاسب، در راستای ایجاد منبعی برای کسب درآمد بود. این اشتغال مادران تبعات زیانبار دیگری را در پی داشت: اخلال در نظم روابط زناشویی، کاهش باروری، و در یک کلام، تهدید شدن انسجام خانواده. نتیجه پنهان این فرایند، از دست رفتن انگیزه شرایط لازم برای تولیدمثل و تربیت فرزند است. در فرهنگ سکولار، لازم نیست کسی مسئولیت پدر یا مادر شدن را بر خود تحمیل کند؛ چراکه اولاً، زمان چندانی برای تربیت فرزند وجود ندارد و زوجین - به فرض تشکیل خانواده و به فرض تشکیل هم‌سفرگی در الگوی پیشنهادی سکولاریسم، در همزیستی‌های خارج از خانواده - باید تمام‌وقت در خارج از خانه مشغول کسب درآمد باشند و ثانیاً، وجود فرزند مستلزم فشار اقتصادی و از دست رفتن امنیت شغلی، بخصوص برای زنان است و ثالثاً، صرف زمان و توجه به فرزند، خود مانع لذت‌جویی و استفاده لذت‌جویانه از اوقات فراغت است که باید به تفریح گذرانده شود. ازاین‌رو، با نهادینه شدن سکولاریسم در طولانی مدت، با تهدید انقراض نسل بشر مواجه خواهیم شد.

- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۶)، *مدارا و مدیریت*، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی زنان و خانواده*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- فرجاد، محمدحسین (۱۳۷۲)، *آسیب‌شناسی اجتماعی ستیزه‌های خانواده و طلاق*، بی‌جا، منصوری.
- قدسی، علی محمد، «بازدارنده‌ها و تسهیل‌کننده‌های اقتصادی و اجتماعی زنان» (پاییز ۱۳۹۰)، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۵۳، ص ۶۷-۴۶.
- کوئن، بروس (۱۳۷۰)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی*، ترجمه محمود نظری‌پور، تهران، فرهنگ معاصر.
- گاردنر، جان ویلیام (۱۳۸۶)، *جنگ علیه خانواده*، ترجمه معصومه محمدی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، *تجدد و تشخص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نی.
- \_\_\_\_ (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی.
- مشکی، مهدی (۱۳۸۸)، *درآمدی بر مبانی و فرایند شکل‌گیری مدرنیته*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، ج ۱ و ۱۹.
- \_\_\_\_ (۱۳۵۳)، *مسئله حجاب*، تهران، انجمن اسلامی پزشکان.
- معظمی، شهلا (۱۳۸۲)، *قرار دختران، چرا؟*، تهران، گرایش.
- نراقی، احسان (۱۳۵۴)، *غربت غرب*، تهران، امیرکبیر.
- نیازی، محسن و فریبرز صدیقی ارفعی (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی طلاق*، تهران، سخنوران.
- ویتز، پل، «پاسخ دین و دولت در قبال بحران خانواده» (فروردین ۱۳۸۳ الف)، *سیاحت غرب*، سال دوم، ش ۹، ص ۸۵-۷۵.
- \_\_\_\_ «زوال خانواده» (فروردین ۱۳۸۳ ب)، *سیاحت غرب*، سال دوم، ش ۱۰، ص ۳۸-۳۴.
- هاشمی، مولود (۱۳۹۰)، *بررسی نمودهای عرفی‌شدن دین در سبک زندگی جوانان شهر اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- همتی، همایون (۱۳۸۵)، *سکولاریسم در پرتو نقد*، تهران، معناگرا.
- Bryan R. Wilson (1987), "Secularization", Mircea Eliade, *The Encyclopedia of Religion*, v. 13, Macmillan Publishing Company A Division of Macmillan, Inc, New York.
- Esposito, John L (2004), *The Oxford Encyclopedia of The Modern Islamic World*, v.4, New York, Oxford University Press.
- Mcdonald, William J. (1967), *New Catholic Encyclopedia*, v.13, The Catholic University of America, Washington D.C.
- Murry, James A. H. (1993), *The Oxford English Dictionary*, v. ix, oxford, Clarendon Press.

## بررسی آثار و پیامدهای رشد سریع جمعیت بر «مضيقه ازدواج» و تجرد دختران (تحلیلی بر تجرد قطعی دختران به مثابه یک مسئله اجتماعی؛ چالش‌ها و راهکارها)

محمد رضا حسینی\*

### چکیده

یکی از بارزترین تحولات جمعیتی کشور از سال ۱۳۷۰ به بعد، بالا رفتن سن ازدواج و افزایش میزان تجرد بخصوص در بین دختران بوده است. این مسئله به بروز برخی تغییر و تحولات ساختاری به‌ویژه در حوزه فرهنگ و اجتماع منجر گشته و همین موضوع، تحلیل و تبیین ابعاد این مسئله را به یک ضرورت تبدیل کرده است. پژوهش حاضر می‌کوشد با روش تحلیلی و با تکیه بر آمار و اسناد و همچنین تحقیقات موجود، ضمن اشاره به برخی علل در بروز پدیده «مضيقه ازدواج» و تجرد دختران، برخی از مهم‌ترین عوارض و پیامدهای سوء این پدیده را گزارش کند. نتایج نشان می‌دهد که گرایش به استقلال اقتصادی، فشار برای ورود به دانشگاه و بازار کار، تضعیف پابندی اخلاقی در روابط خانوادگی، گسترش روابط نامتعارف، گرایش به جرم و سوء مصرف مواد، بی‌هویتی و بروز اختلالات روانی را می‌توان از جمله عواقب احتمالی تجرد دختران برشمرد. در پایان نیز به برخی پیشنهادها و راهکارها برای کاهش عوارض و پیامدهای نامطلوب اشاره شده است.

**کلیدواژه‌ها:** رشد جمعیت، ساختار سنی، تحولات جمعیتی، مضيقه ازدواج، تجرد دختران.

## مقدمه

تحولات ساختاری - جمعیتی منجر به تغییراتی می‌گردد که در نهایت، شاخص‌های عمده اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را دچار تحول می‌نماید. در حقیقت، شاخص‌های عمده ساختار عمومی یک جامعه در یک ارتباط متقابل متأثر از تحولات ساختاری عمل نموده و خود بر تحولات ساختاری مؤثرند. به عبارت دیگر، تحولاتی که در حوزه‌های گوناگون اجتماعی به وقوع می‌پیوندند، در سطح کلان منجر به تحولات ساختاری - جمعیتی می‌شود. همچنان‌که آمارها نشان می‌دهد، میانگین نرخ رشد جمعیت در ایران تا سال ۱۳۷۵، ۳/۹ درصد بوده است. آمارها نشان می‌دهد از سال ۱۳۴۵ تقریباً هر ۱۰ سال به‌طور میانگین حدود ۱۱ میلیون نفر به جمعیت ایران افزوده شده است.

جمعیت کشور در طول مدت نزدیک به دو دهه تقریباً دو برابر شد و به حدود ۶۰ میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ رسید. آنچه در تحول جمعیتی کشور ما اهمیت دارد سهم جدید جوانان در ترکیب آن است. در سال ۱۳۷۰ قریب شش میلیون نفر از جمعیت کشور بین ۱۵ تا ۱۹ سال داشتند و در ۱۳۷۵ به حدود هفت میلیون نفر رسید. این در حالی است که تعداد جمعیت ۷ تا ۱۶ سال دو دهه به بیش از دو برابر رسیده است.

این گروه جمعیتی انبوه با سلیقه‌ها و علاقه‌های خاص دوران نوجوانی و جوانی، متولد و پرورش یافته دوران پس از انقلاب هستند. این پدیده که به «انقلاب جمعیتی» معروف است، ناگهان و در فاصله‌ای کوتاه یک جامعه را به جامعه‌ای دیگر تبدیل می‌کند و طبعاً خواسته‌ها، انتظارات و نگرش‌های تازه‌ای را در عرصه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی و فرهنگی به

دنبال می‌آورد (ربیعی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۱).

براساس آمارهای موجود، نرخ رشد جمعیت کشور در فاصله سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۷۵ نسبتاً بالا بوده است. اما نکته مهمتری که در اینجا مطرح است، بالا یا پایین بودن نرخ رشد نیست، بلکه آهنگ افزایش آن است. از این منظر خاص، فاصله میان سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ کاملاً متمایز است؛ چراکه در این دوره نرخ رشد جمعیت با شتاب زیادی رو به افزایش گذاشت و طی ده سال، از حدود ۲/۷ درصد به ۳/۹ درصد رسید.

نرخ رشد ۳/۹ درصدی در میان سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، امروزه مسئله‌انگیز بودن خود را نشان می‌دهد. متولدان آن دوره، اینک بزرگ‌ترین گروه سنی کشور را تشکیل می‌دهند؛ یعنی گروه سنی جوانان و جوانان بزرگسال. تراکم و تمرکز جمعیتی در این گروه سنی، پیامدهای عدیده اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی به همراه داشته و همچنان خواهد داشت. جوان بودن جمعیت، در صورت فراهم بودن زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی، می‌تواند زمینه‌ساز رشد و توسعه و پیشرفت کشور باشد، اما در نبود چنین شرایطی، خود به مانع بزرگی در برابر رشد و توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور تبدیل می‌شود.

از یک منظر خاص، نرخ رشد جمعیت کشور در فاصله میان سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ کاملاً متمایز است؛ چراکه در این دوره نرخ رشد جمعیت با شتاب زیادی رو به افزایش گذاشت و طی ده سال، از حدود ۲/۷ درصد به ۳/۹ درصد رسید. حاصل این افزایش سریع و قابل توجه نرخ رشد جمعیت، ایجاد

تغییرات را در دو سال پس و پیش از سن متوسط بگیریم، قدر مسلم ۱۳۸۳ این خواهد بود که موج دختران متولد سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۵ از سال ۱۳۸۳ وارد «سن ازدواج» شده‌اند.

با توجه به اختلاف سن متوسط ازدواج برای مردان و زنان، گروه سنی‌ای که این دختران از میان آنها همسران خود را انتخاب می‌کنند، مردان متولد ۱۳۵۵-۱۳۶۰ هستند. اما از آنجاکه این افراد متولدان دوره‌ای با نرخ رشد بسیار پایین هستند، تعداد آنها بسیار کمتر از تعداد زنان در سن ازدواج است. به‌طور مشخص، بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران (۱۳۷۹)، در مقابل ۴۴۵۸۲۰۳ دختر ۲۰-۲۴ ساله در سال ۱۳۸۵ (یعنی همان ۱۰-۱۴ ساله‌های سال ۱۳۷۵، بدون احتساب مرگ و میر آنها که البته در این گروه سنی جوان ناچیز است)، ۳۵۷۹۸۷۵ مرد ۲۵-۲۹ سال وجود دارد (۱۵-۱۹ ساله‌های سال ۱۳۷۵). نمودار زیر نشان می‌دهد که در «بازار ازدواج»، دست‌کم تعداد ۸۷۶۳۲۸ دختر وجود خواهد داشت که قادر به یافتن همسر و ادامه مسیر طبیعی تشکیل خانواده نخواهند بود. از میان این تعداد، بخش عمده (نزدیک به ۶۰ درصد) در شهرها ساکن‌اند (کاظمی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸).

مسئله فوق ناظر به یک واقعه ویژه جمعیت‌شناختی است که بعضاً از آن تحت عنوان «مضيقه ازدواج» (Marriage Squeeze) یاد شده است. مضيقه ازدواج برای توصیف تأثیر عدم توازن تعداد مردان و زنان در سن ازدواج به کار می‌رود. به عبارتی دیگر، مضيقه ازدواج را می‌توان عدم تعادل و تقارن در تعداد مردان یا زنان در سن ازدواج تعریف کرد. جدول (۱)، تعادل یا عدم تعادل در نسبت جنسی

شرایطی است که جمعیت‌شناسان آن را «فشار بر گروه‌های در سن ازدواج» نامیده‌اند. این فشار به‌طور مجمل حاصل این واقعیت است که مردان به‌طور معمول با زنانی ۲ تا ۳ سال جوان‌تر از خود ازدواج می‌کنند، و هنگامی که نرخ رشد رو به افزایش می‌گذارد، گروه‌های سنی جوان‌تر، بسیار پرجمعیت از گروه‌های مسن‌تر می‌شوند. این عدم تعادل جمعیتی میان گروه‌های سنی جوان‌تر و مسن‌تر زمانی به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل می‌شود که این افراد به دهه سوم زندگی خود، یعنی سن ازدواج، پای می‌گذارند. مردان واقع در سن ازدواج، که تعدادشان کمتر است، از میان زنان واقع در گروه‌های سنی جوان‌تر، که تعدادشان بسیار بیشتر است، به دنبال همسر می‌گردند. معنای چنین شرایطی این است که شمار زیادی از زنان واقع در سن ازدواج، به دلیل فزونی تعدادشان، نخواهند توانست برای خود همسر بیابند. به‌طور خلاصه، این عدم تعادل جمعیتی نوعی کمبود مرد در سن ازدواج ایجاد می‌کند. روشن است که بذره‌های چنین مسئله‌ای در جامعه ما از قبل پاشیده شده است و ریشه آن افزایش سریع نرخ رشد جمعیت در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ است.

مسیر ورود این افراد به بازار ازدواج از این قرار است: در ۱۳۷۵، دختران متولد سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۵ بین سنین ۱۰ تا ۱۴ ساله‌اند و ده سال بعد، یعنی در سال ۱۳۸۵، ۲۰ تا ۲۴ ساله‌اند؛ یعنی در گروه سنی‌ای که در آن اکثر دختران ازدواج می‌کنند. اما با توجه به اینکه ۲۴ سال سن متوسط ازدواج است، می‌توان انتظار داشت که تعدادی از آنها در سنین پایین‌تر از ۲۴ سال و تعدادی نیز در سنین بالاتر از ۲۴ سال ازدواج کنند. اگر این طیف

در سنین ازدواج را با استفاده از نسبت جنسی برای کل جمعیت واقع در سنین ازدواج با فرض ۵ سال میانگین تفاوت سنی زوجین نشان می‌دهد. این نسبت، نسبت به شاخص‌های دیگر با توجه به دایره همسرگزینی در ایران به واقعیت نزدیک‌تر است.

جدول شماره ۱: نسبت جنسی کلی افراد در سن ازدواج بر اساس

سرشماری ۱۳۸۵

سال	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
نسبت جنسی	۸۹/۷	۹۸/۹	۱۰۸/۵

منبع: محاسبه شده بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۸۵ کل کشور

در جدول (۱)، مبنای محاسبه نسبت جنسی، تعداد جمعیت در سن ازدواج (ازدواج‌کرده و ازدواج‌نکرده) با فرض ۵ سال فاصله سنی زوجین می‌باشد. نسبت جنسی برای سال ۱۳۸۵ از تقسیم تعداد جمعیت مرد ۲۰-۳۹ ساله (۱۳۵۲۱۵۳۲) بر تعداد جمعیت زن ۱۵-۳۴ ساله (۱۵۰۶۳۷۷۸) به دست آمده که برابر با ۸۹/۷ می‌باشد؛ یعنی در مقابل هر ۱۰۰ زن تقریباً ۹۰ مرد در سن ازدواج وجود دارد (وکیلی، ۱۳۸۷). بر همین اساس، نسبت جنسی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ نیز محاسبه شده است که به ترتیب ۹۸/۹ و ۱۰۸/۵ می‌باشد.

هم‌اکنون تعداد دختران مجرد ۱۵ تا ۱۹ ساله از میزان پسرهای مجرد ۱۵ تا ۱۹ ساله کمتر است. به عبارتی دیگر، در تمامی رده‌های سنی، تعداد دختران مجرد همان رده سنی از میزان پسران مجرد کمتر است. ولی به دلیل اینکه بین سن ازدواج دختران و پسرها به‌طور متوسط پنج سال فاصله وجود دارد، در مقایسه تعداد دخترهای مجرد ۱۵ تا ۳۵ ساله با پسرهای مجرد ۲۰ تا ۴۰ ساله، تعداد دختران حدود یک میلیون نفر بیشتر است. به دلیل

افزایش تعداد موالید در دهه اول انقلاب، کشور ما دارای یک هرم سنی با قاعده وسیع بود و تعداد جمعیت ۱۵ تا ۱۹ ساله کشور از جمعیت ۲۰ تا ۲۴ ساله بیشتر بود و زمانی که تعداد دختران را یک رده سنی پایین‌تر می‌گیریم، این قاعده سنی متورم‌تر است و تعداد دخترهای بیشتری در این رده قرار دارد. با جمع شدن این قاعده هرم سنی، تعداد جمعیت ۱۵ تا ۱۹ ساله از ۲۰ تا ۲۴ ساله کمتر شده و تعداد دخترهای مجرد ۱۵ تا ۳۵ ساله از پسرهای ۲۰ تا ۴۰ ساله کمتر می‌شود و در یک دهه آینده پسرهای در معرض ازدواج از دخترهای در معرض ازدواج بیشتر می‌شوند. این مسئله منجر به مجرد ماندن یک میلیون دختر تا ده سال آینده می‌شود (کاظمی‌پور، ۱۳۸۹).

مجرد ماندن یک میلیون دختر تا چند سال آینده، قطعاً جزو یکی از مهم‌ترین چالش‌های فرهنگی - اجتماعی در سطح کلان کشوری خواهد بود که ممکن است پیامدها و آثار و عوارض بسیار مهمی را در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی به همراه داشته باشد. مسئله اجتماعی زمانی مطرح است که برخی از ارزش‌ها و معیارهای جمعی و گروهی نقض شود و زندگی اجتماعی را با چالش مواجه سازد. جامعه‌شناسان معمولاً مسئله اجتماعی را وضعیت اظهارشده‌ای می‌دانند که با ارزش‌های شمار مهمی از مردم مغایرت دارد و معتقدند باید برای تغییر آن وضعیت اقدام کرد (رایینگن، ۱۳۸۶، ص ۱۲).

دو سؤال و یا پرسش اصلی در تحقیق حاضر وجود دارد که مقاله حاضر درصدد پاسخ‌گویی به آنها می‌باشد: (۱) پایین بودن نسبت جنسی و مجرد ماندن



یک میلیون دختر، و گسست روند عادی و مسیر طبیعی زندگی، چه عواقب و پیامدهای فردی و اجتماعی می‌تواند به دنبال داشته باشد؟ (۲) چه راهکارها و پیشنهادهای عملی و کاربردی می‌توان ارائه داد که تا حدودی بتواند از میزان عوارض و پیامدهای سوء این مسئله بکاهد؟

در ادامه، مقاله می‌کوشد پاسخی در حد وسع برای این دو پرسش فوق فراهم نماید. قسمت نخست مقاله به برخی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل، پیامدها و عواقب تجرد دختران می‌پردازد و قسمت دوم نیز تلاش می‌کند با نظر به جنبه عملیاتی و قابلیت پیاده شدن، راهکارهایی را به منظور کاستن از عواقب و عوارض آن پیشنهاد نماید.

در ادامه، مقاله می‌کوشد پاسخی در حد وسع برای این دو پرسش فوق فراهم نماید. قسمت نخست مقاله به برخی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل، پیامدها و عواقب تجرد دختران می‌پردازد و قسمت دوم نیز تلاش می‌کند با نظر به جنبه عملیاتی و قابلیت پیاده شدن، راهکارهایی را به منظور کاستن از عواقب و عوارض آن پیشنهاد نماید.

آن باره نیز ارائه شود.

#### ۱. بروز اختلالات روانی

افراد مجرد حدوداً سه برابر بیش از افراد متأهل دچار بیماری افسردگی می‌شوند. افراد مطلقه بیشتر اوقات احساس افسردگی دارند و چند برابر بیش از افراد متأهل علایم افسردگی را از خود بروز می‌دهند. افراد بزرگسال مجرد نیز حدود ۴۰ الی ۵۰ درصد بیشتر از افراد متأهل علایم افسردگی را تجربه می‌کنند. به چه دلایلی ازدواج از بروز اختلالات روانی جلوگیری می‌کند؟ اولاً، ازدواج ممکن است استرس و بیماری‌های استرس‌زا را (احتمالاً به واسطه انسجام اجتماعی زیاد) کاهش دهد. ثانیاً، ازدواج ممکن است گونه‌های سالم رفتار را تشویق، و گونه‌های خطرناک و ناسالم (مصرف الکل، سوء مصرف مواد، و غیره) را توبیخ کند (Gardner, 2004, p. 1185). در مجموع،

از دیرباز ترکیب و الگوهای جمعیتی، تعداد جمعیت، نسبت زیرگروه‌های جمعیتی و غیره مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و متفکران اجتماعی بوده است؛ زیرا جمعیت و ترکیب آن، ساختار کلی یک نظام اجتماعی را تشکیل می‌دهد و در رشد و پیشرفت و یا زوال و انحطاط جامعه نقشی حیاتی و بنیادین دارد. ترکیب جنسی جمعیت و نسبت جنسی از موضوعاتی است که تأثیر آن در بسیاری از مسائل و موضوعات اجتماعی و فرهنگی به اثبات رسیده است. برای مثال، عموماً دیده شده که نسبت جنسی جمعیت و جرم با یکدیگر رابطه منفی دارند؛ به این معنا که نسبت بالای مردان با نرخ پایین‌تر جرم ملازمت دارد. تبیین عمده این پدیده، ساختاری است و بر این نکته تأکید دارد که ترتیبات جرم‌خیز خانوادگی احتمالاً زمانی ایجاد می‌شود که تعداد

#### پیامدها و آثار سوء تجرد دختران

از دیرباز ترکیب و الگوهای جمعیتی، تعداد جمعیت، نسبت زیرگروه‌های جمعیتی و غیره مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و متفکران اجتماعی بوده است؛ زیرا جمعیت و ترکیب آن، ساختار کلی یک نظام اجتماعی را تشکیل می‌دهد و در رشد و پیشرفت و یا زوال و انحطاط جامعه نقشی حیاتی و بنیادین دارد. ترکیب جنسی جمعیت و نسبت جنسی از موضوعاتی است که تأثیر آن در بسیاری از مسائل و موضوعات اجتماعی و فرهنگی به اثبات رسیده است. برای مثال، عموماً دیده شده که نسبت جنسی جمعیت و جرم با یکدیگر رابطه منفی دارند؛ به این معنا که نسبت بالای مردان با نرخ پایین‌تر جرم ملازمت دارد. تبیین عمده این پدیده، ساختاری است و بر این نکته تأکید دارد که ترتیبات جرم‌خیز خانوادگی احتمالاً زمانی ایجاد می‌شود که تعداد

می‌کند، و فقدان هویت، آرامش و بهزیستی روانی را به مخاطره می‌افکند.

### ۳. گرایش به جرم و سوء مصرف مواد

چنانچه انتظارات و توقعات هنجاری از فرد برآورد نشود، فرد با فشار روانی و اجتماعی روبه‌رو می‌شود. در صورتی که دختران واقع در سن ازدواج موفق به تشکیل خانواده نشده و نتوانند انتظارات اجتماعی را پاسخگو باشند، نوعی فشار روانی و اجتماعی بر ایشان وارد می‌شود که ممکن است برای رهایی از این فشار، به استعمال دخانیات و مصرف مواد مخدر پناه ببرند. از نظر اگنو (Agnew)، اشکال گوناگون جرم و انحراف ممکن است ناشی از احوال عاطفی باشد؛ به این معنا که برخی از اشکال جرم و انحراف ممکن است به قصد رهایی از فشار (مانند مصرف مواد مخدر)، برخی برای تلافی و انتقام (مانند پرخاشگری و خشونت) و برخی برای غلبه و فایز آمدن بر فشار (مانند جرایم مالی) مورد استفاده قرار گیرد (Higgins, 2011, p. 1275). طبق گزارش‌ها، در ایران آمار دقیقی درباره تعداد معتادان اعم از زن و مرد وجود ندارد. با این حال، آمارها و گزارش‌های به عمل آمده حاکی از افزایش تعداد معتادان در سطح کشور می‌باشد. گفته می‌شود که شیوع مصرف مواد دخانی بین زنان طی سال‌های اخیر از ۱/۴ درصد به حدود ۴ درصد افزایش یافته است. داده‌های پیمایشی طرح سنجش زندگی مطلوب در شهر تهران و سنجش سلامت عمومی بر اساس پرسش‌نامه استاندارد که با ۲۸ سؤال (GHQ-28) انجام شده نیز مؤید این واقعیت است. میانگین سلامت عمومی برای زنان معتاد ۳۲/۸۱ و برای زنان غیرمعتاد

ازدواج به دو دلیل عمده به کاهش افسردگی مدد می‌کند: حمایت اجتماعی و درآمد خانوادگی (Scheid, 2010, p. 372). این مطلب با داده‌های حاصله از تحقیقات تجربی نیز همخوانی دارد. داده‌های پیمایشی طرح سنجش زندگی مطلوب در شهر تهران در مرداد و شهریور ۱۳۷۸ با حجم نمونه ۲۱۷۹۲ در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران با نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به شیوه تصادفی، نشان می‌دهد که میزان اختلال افسردگی در بین زنان متأهل با میانگین ۲/۷۹ به طور معنادار (در سطح معناداری ۰/۰۱) کمتر از زنان مجرد با میانگین (۳/۰۱) می‌باشد.

### ۲. بی‌هویتی و سرگشتگی

چنانچه فرد نتواند خود را با انتظارات و نقش‌های تعریف‌شده اجتماعی همسو و هماهنگ نماید، در شناخت کیستی و هویت خود دچار مشکل می‌شود. هویت سیال و بی‌ثبات، قدرت تصمیم‌گیری و اقدام را از انسان می‌ستاند و او را در وادی سردرگمی و بلاتکلیفی رها می‌سازد. هر نوع هویتی، هرچند هویت بی‌ارزش و کم‌اهمیت، امنیت وجودی پدید می‌آورد. ضمناً اگر فردی به کیستی خود آگاه باشد (در مفهوم اجتماعی)، به طرز رفتار خود نیز واقف خواهد بود. اگر فردی به کیستی خود واقف نباشد، و یا هویت ارزشمندی را از دست دهد، در این صورت، نمی‌داند چگونه باید رفتار کند (Thoits, 1983, p. 175). برای چنین فردی، نه تنها امکان تجربه احساس عمیق اضطراب یا افسردگی وجود دارد، بلکه رفتارهای نابهنجار نیز ممکن است از او سرزند. خلاصه، انباشت هویت، بهزیستی روان‌شناختی را تقویت

«کودک انبوهی» (baby boom) را در مقاطعی از تاریخشان تجربه کرده‌اند، نسبت‌های جنسی نامتبادل در سن ازدواج به پیدایش این آسیب‌های اجتماعی منجر شده‌اند. قضاوت در مورد اینکه آیا چنین پدیده‌هایی در ایران نیز به وقوع پیوسته‌اند یا خیر، به دلیل عدم وجود اطلاعات جامع و سیستماتیک، دشوار است (کاظمی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۱۱۶).

#### ۵. تضعیف پایبندی و تعهد اخلاقی در روابط

##### خانوادگی

در جوامعی که نسبت جنسی بالاست (جوامعی که تعداد مردان نسبت به تعداد زنان بیشتر است)، ممکن است برای مردان، ازدواج و تشکیل خانواده دشوار باشد؛ زیرا زنان بر بازار ازدواج کنترل دارند و انتظار دارند شوهر مناسب و مطلوب خود را پیدا کنند. در این نوع جوامع، ازدواج‌ها عموماً گرایش به ثبات دارند و اغلب تعهد و پایبندی مادام‌العمر شوهر نسبت به تأمین معاش همسر و فرزندان وجود دارد. در مقابل، در جوامعی با نسبت جنسی پایین، جذب شوهر خوب و مناسب با دشواری همراه است. از این رو، وجه مشخصه جوامعی که از نسبت جنسی پایین‌تری برخوردارند، عملاً منازعه و کشاکش میان دو جنس و بی‌ثباتی و ناپایداری ازدواج و زناشویی است (Barber, 2000, p. 26).

#### ۶. فشار برای ورود به دانشگاه و بازار کار

طی ۵ سال ۱۳۸۵-۱۳۹۰، ۳۶۱۲۵۴۲ نفر به دانش‌آموختگان مقطع عالی افزوده شده است. نکته قابل تأمل این است که در سال ۱۳۹۰، تعداد جمعیت زن دارای تحصیلات عالی (۱۸/۴)، از تعداد

۲۲/۲۹ بوده است که در سطح اطمینان ۰/۰۱ معنادار است. بر اساس نمره برش ۲۳، افرادی که نمره ۲۴ یا بیشتر به دست آورده‌اند بیمار تلقی می‌شوند. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که زنان معتاد، با توجه به میانگین سلامت عمومی، جزو بیماران روانی به شمار می‌روند.

#### ۴. گسترش روابط نامتعارف

برخی تحقیقات و ادبیات نظری موجود حاکی از این است که نسبت جنسی پایین، می‌تواند زمینه‌ساز روابط نامتعارف و خارج از ازدواج باشد. چارچوب نظری رایج برای تبیین رابطه و همبستگی بین نسبت جنسی و ازدواج مردان، خانواده و رفتار جنسی «نظریه جمعیتی - فرصت» (Demographic-opportunity theory) نام دارد. گزاره اصلی نظریه جمعیتی - فرصت این است که احتمال شکل‌گیری روابط بین - جنسی مانند ازدواج و سایر روابط عاشقانه عمدتاً تحت تعیین تعداد اعضای جنس مخالف قرار دارد. اگر رفتار جنسی مردان در نظر گرفته شود، مدعای اصلی نظریه جمعیتی - فرصت این است که احتمال ورود به روابط جنسی زود و زیاد با شرکای جنسی مختلف و متعدد، به موازات افزایش تعداد زنان در دسترس برای مردان افزایش می‌یابد. در مقابل، فرصت مردان برای ورود به روابط جنسی، هرگاه تعداد زنان کم باشد، کاهش می‌یابد (South, 2010, p. 377). ارتباطات غیرمتعارف شامل سه نوعند: همجنس‌گرایی در میان زنان، ارتباطات نامشروع مردان خارج از خانواده، و نیز روسپیگری. حداقل در سه کشور دنیا - یعنی کانادا، آمریکا و استرالیا - که پدیده افزایش یکباره نرخ رشد جمعیت موسوم به

### ارائه راهکارها و پیشنهادهای

از آنجا که کشور در سال‌های آینده با مجرد قطعی بیش از یک میلیون دختر مواجه خواهد شد، لازم است مسئولان، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی و فرهنگی توجه لازم را به این مسئله فوق‌العاده حساس و مهم مبذول نمایند. واقعۀ اجتماعی مزبور، هم از حیث فرهنگی و هم از حیث اجتماعی بسیار حایز اهمیت است و پیامدهای عدیده اجتماعی - فرهنگی و حتی سیاسی به‌دنبال دارد. یکی از کارشناسان راه‌حل جلوگیری از مجرد قطعی این تعداد دختر را همسن‌گزینی پسران در ازدواج عنوان کرده‌اند. ولی به نظر می‌رسد راهکار مذکور امکان کمتری برای عملی شدن دارد؛ چراکه اختلاف سنی زوجین مبتنی بر احوال روان‌شناختی و احکام ویرۀ اجتماعی - فرهنگی است که خود جزو پدیده‌های فرهنگی بسیار کلی است و تغییر و دگرگونی سریع و یکباره آن به سادگی و سهولت، حتی اگر مطلوب باشد، مقدور نیست. به این ترتیب، به نظر می‌رسد که بهتر است به جای پیگیری و جست‌وجوی سیاست‌ها و راه‌کارهای ریشه‌ای و بنیادین برای این مسئله، که عملاً غیرممکن است، از یک سو، توجه و تلاش‌های خود را در حال حاضر به سوی کنترل عوارض و کاهش پیامدهای منفی این مسئله معطوف نمایند و از سوی دیگر، در زمینه برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های جمعیتی آتی، این مسئله را مدنظر داشته باشند تا از تکرار و وقوع مجدد چنین پدیده‌ای جلوگیری شود.

گمان ما بر این است که مسئله مجرد قطعی بیش از یک میلیون دختر و افزایش سن ازدواج در مجموع، به معنای دقیق کلمه، دارای ریشه‌های ساختاری

جمعیت مرد دارای تحصیلات عالی (۱۸/۲)، پیشی گرفته است. به عبارتی دیگر، طبق آمارهای موجود، هم‌اینک دختران بیش از ۶۰ درصد از دانشجویان مراکز عالی را، علی‌رغم نرخ بالای بیکاری در بین زنان، تشکیل می‌دهند. افزایش سن ازدواج در جامعه را می‌توان به عنوان یکی از آسیب‌های بیشتر بودن نسبت دختران در ترکیب جنسیتی دانشگاه‌ها دانست. غلبه دختران در ترکیب جنسیتی دانشجویان منجر به محدودتر شدن دایرۀ همسرگزینی برای دختران می‌شود. دختری که مدرک لیسانس اخذ می‌کند، دیگر تمامی پسرانی که تحصیلاتی کمتر از لیسانس دارند از دایرۀ همسرگزینی‌اش خارج می‌شوند و این باعث می‌شود فرصت ازدواج برای دخترانی که تحصیلات بالاتری دارند کمتر شود. یکی از پیامدهای احتمالی چنین شرایطی، کاهش شانس ازدواج دختران و در نتیجه، مجرد قطعی آنها در آینده خواهند بود.

### ۷. گرایش به کسب استقلال اقتصادی فردی

نرخ مشارکت نیروی کار زنان در دهه اخیر از ۹/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۲/۸ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته و ارقام مشابه برای مردان از ۶۰/۸ درصد به ۶۵/۶ درصد رسیده است که افزایش ملایم‌تر نرخ مشارکت زنان را نشان می‌دهد. افزایش ملایم‌تر نرخ مشارکت زنان به‌طور عمده به دلیل افزایش سهم پذیرفته‌شدگان دختر در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و اثر ناامیدکنندگی افزایش نرخ بیکاری است (دفتر معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری).

است و علاج و درمان آن، اگر نیز ممکن باشد، به سهولت و سادگی امکان‌پذیر نیست. برخی مسائل و پدیده‌های اجتماعی، ذاتی عوامل ساختاری نظیر مدرنیته، شهری شدن، صنعتی شدن، نظام آموزشی، نظام اقتصادی، تحول بنیادین ارزش‌ها و باورهای فرهنگی، کمبود مسکن، تغییر ساختمان جمعیتی، و بسیاری از عوامل دیگر است که با تصویب چند لایحه و اعمال برخی سیاست‌های عجولانه و موقتی، حمایت‌های بیمه‌ای و مالی، موعظه و ترغیب به ازدواج آسان و پرهیز از تجمل‌گرایی و مانند آن، درمان‌پذیر نیست. داشتن نگرش سیستمی به مسائل، قرار دادن آن در متن تحولات درونی و بیرونی جامعه، حرکت در امتداد بردارهای زمانی (تاریخی) و مکانی (جغرافیایی) و نگاه واقع‌بینانه به روش استقرایی و نه قیاسی، مهم‌ترین شرط مواجهه با پدیده‌های اجتماعی است.

از منظر نگرش سیستمی، نمی‌توان با اقتصاد ضعیف، بیکاری و تورم شدید، و صرفاً با تکیه بر فضای تبلیغاتی و تحریک عواطف و احساسات، سیاست‌های تشویقی برای افزایش ازدواج تصویب و اجرا کرد؛ چراکه یا بی‌حاصل است و یا خود موردی بر موارد مسائل اجتماعی می‌افزاید. نمی‌توان آموزش عالی را بدون ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و نهادی، در دورترین نقطه کشور گسترش داد و منتظر بیکاری و فقدان مهارت نبود. نمی‌توان با شهرنشینی، تحصیلات بالا و افزایش سطح فرهنگ همچنان ارزش‌ها و باورهای سنتی را از افراد انتظار داشت. با ۶۷ درصد ورودی دختران به دانشگاه‌ها، نمی‌توان جلوی تجرد و افزایش سن ازدواج را گرفت. نمی‌شود که زنان دارای تحصیلات عالیه باشند و در

نظام شغلی و اقتصادی جایگاه و پایگاهی نداشته باشند (مثلاً با این توجیه که بازار کار برای مردان دچار تنگنا نشود!) شغل رسمی و استقلال اقتصادی دختران، آنها را از تن دادن به ازدواج سنتی بازمی‌دارد (آزادی خود را محدود کنند و خود را وقف کارهایی همچون بچه‌داری، آشپزی و شوهرداری نمایند). از این‌رو، نگرش ساختاری و سیستمی به مسائل بیانگر این مطلب است که تغییر در یک جزء از کل (در اینجا جامعه)، ممکن است تغییراتی را در دیگر اجزا به همراه آورد. به عبارتی، هر عملی در یک بخش از جامعه، ممکن است عکس‌العمل سایر بخش‌ها را به دنبال داشته باشد. برای مثال، در زمینه بحث حاضر، تصمیم به افزایش جمعیت و تغییر سیاست‌های جمعیتی در اوایل دهه ۶۰، هم‌اینک یعنی بعد از سی سال، پدیده تجرد قطعی بیش از یک میلیون دختر را به همراه داشته است و همین پدیده نیز خود، ممکن است عامل و مسبب بسیاری دیگر از پدیده‌ها از جمله افزایش جرم و بزهکاری، رفتارهای غیراخلاقی، خشونت و خودکشی، بیماری‌های روانی و بسیاری دیگر از مسائل اجتماعی شده باشد.

با این توضیح، در این قسمت به چند مورد از راهبردها و راهکارها به منظور کاهش پیامدهای منفی تجرد دختران اشاره می‌شود:

۳-۱. تشکیل کانون‌ها و انجمن‌هایی برای دختران مجرد: تشکیل انجمن‌ها و اجتماعات، می‌تواند نوعی هویت مشترک برای اعضای گروه فراهم بیاورد و بدین طریق، از احساس انزوال، تنهایی و پوچی جلوگیری کند. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود که دولت با تشکیل انجمن‌ها و کانون‌های مرتبط برای دختران مجرد، زمینه آشنایی

خارجی برای یافتن کار و شغل و غیره بیشتر باشد، به همان میزان به مجرد بیشتر دختران دامن می‌زند. طبق آمارها، بسیاری از کسانی که به قصد تحصیل به کشورهای خارجی می‌روند، همانجا ماندگار می‌شوند و دیگر به کشور بازمی‌گردند. این مسئله خود به تشدید مشکل مجرد دختران و رکود بیش از پیش ازدواج برای آنها منجر می‌شود.

۳-۵. **ترویج الگوی همسان‌همسری:** اگرچه الگوی همسان‌همسری در ازدواج به مطالعات و پژوهش‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی بیشتری نیاز دارد و از الگوهای دینی و فرهنگی جامعه ایرانی مبنی بر رعایت اختلاف سنی میان زوجین فاصله دارد، اما برای خروج از وضعیت مضیق ازدواج، موقتاً می‌تواند راهکار و علّاجی اجتماعی باشد. شاید وجود فاصله سنی بین زوجین در گذشته بنا به مسائل شغلی، معیشتی و اقتصادی معمول و متعارف بود، ولی اینک با توجه به تحولات صورت‌یافته در جامعه، به نظر نمی‌رسد که اجبار و یا اصراری در این خصوص وجود داشته باشد.

۳-۶. **ایجاد مراکز مشاوره و مددکاری:** یکی از پیامدهای مجرد دختران، مشکلات عمده روحی - روانی (همچنان‌که آمارها نیز نشان می‌دهد) بخصوص تنهایی و افسردگی است. برای غلبه بر این پیامد، اهتمام دولت و مصادر اجرایی به ایجاد و گسترش مراکز مشاوره و مددکاری و تسهیل شرایط استفاده از این مراکز توسط دختران طبقات محروم و کم‌درآمد است که می‌تواند از طریق آموزش و تحقق بهداشت روانی، خودباوری و اعتمادبه‌نفس، سهم بسزایی در کاهش استرس‌ها و فشارهای روحی - روانی دختران مجرد داشته باشد.

۳-۷. **معرفی مجرد به‌مثابه وضعیت طبیعی فرهنگی:** یکی از

آنها با همدیگر و برقراری ارتباط مناسب را فراهم آورد. تشکیل و توسعه این انجمن‌ها به‌طور ماهوی از پیامدهای بخصوص روانی مجرد دختران جلوگیری کرده و بعکس، به تقویت آرامش روحی و روانی آنان کمک می‌کند. طبیعی است که چنین انجمن‌ها و تشکلهای حمایتی می‌توانند در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تشکیل شوند.

۳-۲. **جلوگیری از افزایش آمار طلاق و بیوه شدن:** افزایش آمار زنان بیوه، حلقه تنگ ازدواج را برای دختران، تنگ‌تر خواهد ساخت. از این رو، باید گفت: همان شانس‌هایی که امکان دارد یک دختر مجرد برای ازدواج داشته باشد، با افزایش آمار بیوه شدن از دست خواهد رفت. افزایش طلاق نیز می‌تواند به وخامت اوضاع فعلی کمک کند. طلاق از یک سو، باعث ایجاد نومیثی و بی‌انگیزگی در افراد مجرد برای تشکیل خانواده می‌گردد و از طرف دیگر، خود بر میزان زنان مطلّقه و تنها می‌افزاید که باز هم بر امکان انتخاب شدن دختران مجرد اثر منفی بر جای می‌گذارد.

۳-۳. **پیشگیری از مهاجرت پسران از روستا به شهر:** طبق آمارها، هم‌اینک به علت مهاجرت پسران به شهرها برای جست‌وجوی کار، جمعیت دختران روستایی آماده ازدواج از دو برابر گذشته است. خروج پسران از روستا به شهر به عدم توازن تعداد پسران و دختران در سن ازدواج می‌انجامد و عملاً بازار ازدواج دختران را که معمولاً از خانواده‌های فقیرنشین روستایی‌اند، با رکود مواجه می‌سازد.

۳-۴. **پیشگیری از مهاجرت پسران به خارج از کشور:** منطق اثرگذاری خروج پسران از کشور، بسان خروج پسران از مناطق روستایی به مناطق شهری عمل می‌کند. به هر میزان که تعداد مهاجرت پسران به کشورهای

صورت فقدان مستمری، نمونه‌ها و مصادیقی از امکان اعمال سیاست‌های تبعیض مثبت در مورد دختران و زنان محروم از ازدواج به شمار می‌آید.

۳-۹. ارائه خدمات ویژه اجتماعی به دختران مجرد: با توجه به اینکه دختران در مقایسه با پسران، به‌طور معمول و با توجه به شرایط فرهنگی از برخی از اماکن عمومی از جمله ورزشگاه‌ها و نظایر آن نمی‌توانند استفاده کنند، در گذران اوقات فراغت با محدودیت و مشکلات بیشتری مواجهند و این در کنار تنهایی و مجرد، فشار مضاعفی را بر آنها وارد می‌سازد. فراهم نمودن شرایط استفاده رایگان یا همراه با تخفیف دختران مجرد از فضاها و امکانات فرهنگی مانند اماکن تفریحی و ورزشی، سینماها، تالارهای تئاتر، ورزشگاه‌ها و جز این، توسط دولت و نهادهای ذی‌ربط می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد. این مورد به نظر می‌رسد یکی از راهکارهای عملی در جهت تخفیف آثار و عوارض مجرد در بین دختران باشد.

### نتیجه‌گیری

ساخت جمعیت و ترکیب جمعیتی یکی از واقعیات اجتماعی است که اساساً ریشه در پویش‌های درونی نظام اجتماعی دارد و شدیداً بر نحوه چیش و صورت‌بندی اجتماعی و فرهنگی تأثیر می‌گذارد. جامعه ایرانی در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ یکی از بالاترین دوره‌های موالید را تجربه کرده است. متولدان این سال‌ها هم‌اینک دوره جوانی و یا بزرگسالی جوانی را سپری می‌کنند. افزایش یک‌باره جمعیتی باعث شده که نوعی عدم تعادل جمعیتی در تعداد دختر و پسر به وجود بیاید. این عدم تعادل جمعیتی نوعی کمبود مرد در سن ازدواج ایجاد

مشکلات مهمی که دختران مجرد بعد از رسیدن به مجرد با آن مواجهند، دید منفی مردم نسبت به آنها و وجود نوعی فشار هنجاری است که خود عامل و مسبب فشار روانی به شمار می‌رود. دولت با ارائه برنامه‌های آموزشی در قالب رسانه‌های گروهی، بخصوص تصویری، و با محتوای آموزش شیوه‌های خاص برخورد و رفتار با این دختران، مجرد را به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی، به مردم معرفی و از این رهگذر، زمینه تغییر ذهنیت آنان نسبت به دختران مجرد را فراهم کند.

۳-۸. حمایت از زنان و دختران محروم از ازدواج: دختران در موضوع ازدواج و مضيقه آن در مقایسه با پسران انفعال بیشتری دارند. بنابراین، دختران در مقایسه با پسران کمتر می‌توانند از تدابیر فردی برای برون‌رفت از این وضعیت بهره گیرند. از سوی دیگر، یکی از مسائل مهم جنسیتی، مسئله اقتصاد و نابرابری جنسیتی است. یکی از اهرم‌های حمایت اقتصادی از زنان، بخصوص در جوامع اسلامی، خانواده و ابزارهای وابسته به آن است. بخش مهمی از این حمایت توسط خانواده‌های مبدأ صورت می‌گیرد و انتظار می‌رود همسران بخش دیگری از این حمایت را داشته باشند. در فرض مضيقه ازدواج، فرض حمایت دوم منتفی است و امکان تداوم حمایت اول نیز روز به روز تضعیف و کمرنگ می‌شود. یکی از اولویت‌های سیاست‌گذاری اجتماعی در موضوع مضيقه ازدواج، وضع سیاست‌ها و قوانین و اجرای برنامه‌هایی است که در قالب «تبعیض مثبت» به حمایت از زنان و دختران محروم از ازدواج بپردازد. اولویت اشتغال، تداوم بیمه و مستمری‌های خانواده‌های مبدأ، تخصیص منابع و امکانات در

ازدیاد جمعیت در کشور مطرح است، باید سیاست‌گذاری‌های جمعیتی با دقت و تأمل بیشتری صورت بگیرد و کاملاً مشخص شود که تأکید بر افزایش جمعیت بر مبنای چه واقعیتی استوار است و آثار و نتایج آن در ۲۰ یا ۳۰ سال آینده چه خواهد بود؛ چراکه اگر در اوایل دهه ۶۰، سیاست‌گذاری جمعیتی با احتیاط، تأمل و ملاحظه بیشتری صورت می‌گرفت، هم‌اینک شاهد این‌گونه پدیده اجتماعی، یعنی تجرد قطعی بیش از یک میلیون دختر، نبودیم.

می‌کند. ماحصل کار، بروز «مضيقه ازدواج» و مجرد ماندن بیش از یک میلیون دختر در ایران در چند سال آتی است. این مقاله کوشید ضمن تحلیل تاریخی و جمعیتی این پدیده، برخی از عوارض و نتایج سوء آن را به‌ویژه در حوزه فرهنگ و اجتماع نشان دهد و راهکارهایی برای تقلیل و کاهش پیامدها و عوارض آن ارائه کند.

گرایش به کسب استقلال اقتصادی فردی، بی‌هویتی و سرگشتگی، گرایش به جرم و سوء مصرف مواد، گسترش روابط نامتعارف، تضعیف پابندی و تعهد اخلاقی در روابط خانوادگی، فشار برای ورود به دانشگاه و بازار کار و بروز اختلالات روانی، برخی از نتایج و پیامدهای نامطلوبی است که ضمن اشاره به برخی از مستندات و آمارها و شواهد موجود، بدان‌ها پرداختیم. از راه‌کارهای پیشنهادی نیز به مواردی از قبیل جلوگیری از افزایش آمار بیوه شدن، پیش‌گیری مهاجرت پسران از روستا به شهر، پیش‌گیری از مهاجرت پسران به خارج از کشور، ترویج الگوی همسان‌همسری، ایجاد مراکز مشاوره و مددکاری، ارائه خدمات ویژه اجتماعی به دختران مجرد، و حمایت از زنان و دختران محروم از ازدواج اشاره شد. بی‌تردید مسئله تجرد دختران یک مسئله ساختاری و یک واقعه تاریخی - اجتماعی است که نخست باید وجود آن را به رسمیت شناخت. دوم اینکه تحلیل و تبیین آن با نگرش ساختاری و سیستمی صورت بگیرد. سوم اینکه از شعارزدگی و راهبردهای تبلیغاتی و احساسی محض اجتناب شود.

در پایان، با الهام از ضرب‌المثل «گذشته کلید راه آینده است»، یادآوری می‌کنیم هم‌اینک که مسئله



- South, Scott J. & Katherine Trent (2010), Imbalanced Sex Ratios, Men's Sexual Behavior, and Risk of Sexually Transmitted Infection in China, Journal of Health and Social Behavior.
- Thoits, peggy A. (1983), *Multiple identities and Psychological well-being: A Reformulation and test of the Social Isolation Hypothesis*, American sociological review, v. 48.
- منابع .....
- دفتر معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، شاخص‌های کلیدی بازار کار در سرشماری سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، [www.spac.ir/barnameh/Barnameh](http://www.spac.ir/barnameh/Barnameh).
- رابینگتن، ارل و دیگران (۱۳۸۶)، رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی، تهران، دانشگاه تهران.
- ربیعی، علی (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتارشناسی رأی‌دهندگان در دوم خرداد ۱۳۷۶، تهران، فرهنگ و اندیشه.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۹)، افزایش یک میلیونی دختران مجرد تا ۱۰ سال آینده، سایت عصر ایران، [www.asriran.com](http://www.asriran.com).
- وکیلی، احمد و رضا همتی، «بررسی وضعیت مضيقه ازدواج در ایران، جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی» (۱۳۸۷)، مطالعات راهبردی زنان، ش ۴۱.
- Barber, Nigel (2000), *On the Relationship Between Country Sex Ratios and Teen Pregnancy Rates: A Replication*, Cross-Cultural Research.
- George, Linda K. (1993), *Sociological Perspectives on Life Transitions*, Annual Review of Sociology, v. 19.
- Higgins, George f. et el (2011), *General Strain Theory, Peer Rejection, and Delinquency Crime, Youth & Society*, sage publication.
- Schaible, Lonnie M & A. Hughes Lorine (2011), "Crime, Shame, Reintegration, and Cross-National Homicide: A Partial Test of Reintegrative Shaming Theory", *Sociological Quarterly*, n. 52, p. 104-131.
- South, Scott J. & Katherine Trent (2010), Imbalanced Sex Ratios, Men's Sexual Behavior, and Risk of Sexually Transmitted Infection in China, Journal of Health and Social Behavior.

**مؤسسہ آموزشی و پژوهشی امام خمینی** عج

## المحتويات

نجوى المتوسلين بالمعبود، شرح مناجاة المتوسلين (القسم الثاني): التوسل من وجهة نظر الأئمة المعصومين (ع)  
آية الله العلامة محمد تقى مصباح

### الخلاصة:

هذه المقالة هي شرح وتفسير لكلام الإمام السجاد (ع) وتتمحور حول التوسل والتقرب إلى الله سبحانه وتعالى. وبما أن الإنسان يعد فقيراً بالذات، فليس لديه شيء بذاته كي يقدمه للتقرب إلى البارئ جلّ وعلا؛ والإيمان هو أمر قد أكرم الله تعالى به الإنسان. فالإنسان بسبب هذا الفقر الذاتي عاجز عن أن يأتي بوسيلة إلى ربه العزيز لكي يتقرب إليه، لأن الواسطة يجب أن تكون لائقة في المقام والله تعالى هو الغنى المطلق. ويؤكد الإمام السجاد (ع) على أننا نمتلك وسيلتين للتوسل والتقرب إلى الله تعالى، إحداها الرأفة والرحمة والأخرى شفاعته النبي الأكرم (ص). والوسيلة الوحيدة لنيل القرب الإلهي هي شفاعته المعصومين (ع).

مفردات البحث: التوسل، الشفاعه، الرحمة الإلهية، المعصومون (ع)

خصائص التخطيط المناسب للكثافة السكانية في إيران

إسماعيل نوده فراهاني / عباس مقامى / مهدي كاظمي تكليمي

### الخلاصة:

يتطرق الباحثون في هذه المقالة إلى تصنيف الآراء المطروحة حول تزايد الكثافة السكانية في إطار ثلاثة توجهات، هي: تزايد الكثافة السكانية بمثابة تزايد أعداد الباحثين عن الرفاهية، تزايد الكثافة السكانية بمثابة تزايد الطاقات البشرية خدمة للتنمية، تزايد الكثافة السكانية بمثابة تزايد المسلمين أو الشيعة. بعد ذلك أجريت دراسة تطبيقية - تاريخية لتأسيس أطر تخطيط مناسب للكثافة السكانية في إيران، لذا أجريت دراسة إجمالية لبعض التوجهات الموجودة في مجال التخطيط للسياسة السكانية في بعض البلدان، بما في ذلك بريطانيا والهند وتركيا وفلسطين المحتلة ولبنان، وكذلك أُلقيت نظرة تاريخية في هذا المضمار حول إيران بعد انتصار الثورة الإسلامية وذلك من سنة ١٣٥٧ش إلى ١٣٨٤ش، ومن ثم تمت دراسة أسباب عدم نجاح التوجه الإصلاحى للفترتين الرئاسية التاسعة والعاشر مع الأخذ بنظر الاعتبار سائر البرامج المؤثرة على قضية الكثافة السكانية في إيران بما في ذلك برامج التعلم العالي والبرامج الشاملة الاقتصادية وغيرها. فهذه هي الأقسام الأساسية لهذه المقالة.

وقد تمخضت عن المقالة النتائج التالية التي تلخص في ثلاث أسس، وهي: (١) الكثافة السكانية في إيران يجب أن تتزايد (٢) الكثافة السكانية في العاصمة يجب أن تقلص (٣) سياسة مكافحة التركز لم تكن ناجحة.

مفردات البحث: التخطيط السكاني، النمو السكاني، الكثافة السكانية في إيران، عقد التطور والعدالة

ضرورات تغيير السياسة السكانية في رحاب وسائل الإعلام الوطنية

إبراهيم شفيعى سروستانى

### الخلاصة:

بعد مضي أكثر من عشرين عاماً على تطبيق سياسة تحديد النسل والسيطرة على الكثافة السكانية في نظام الجمهورية الإسلامية، فقد أعيد النظر فيها نظراً للعديد من العوامل الاقتصادية والاجتماعية والثقافية والسياسية والأمنية، وبالتالي تم اتباع سياسة زيادة النسل. ولا بد من اتخاذ إجراءات عديدة في مختلف الجوانب بغية تحقيق السياسة الجديدة، وأهمها مسألة "التثقيف" وتغيير الخطاب الاجتماعي من مبدأ "تحديد" النسل إلى مبدأ "زيادة" النسل.

وعلى هذا الأساس فإن وسائل الإعلام الوطنية التي تعتبر إحدى أهم وسائل التثقيف في البلاد يجب أن تسير وفق خطط وبرامج دقيقة ومعينة وحسب أطر زمنية محددة لأجل أن تدخل الميدان وتعمل على تحقيق السياسة السكانية الجديدة للبلد، كما ينبغي لها تسخير جميع قدراتها في هذا المضمار، ولكن قبل اتخاذ أية خطوة يجب تحديد برامج ووسائل الإعلام في هذا المجال حتى يتم تحقيق أهداف النشاطات التنفيذية والبرامج المنتجة بأفضل وجه.

مفردات البحث: وسائل الإعلام الوطنية، السياسة السكانية، إدارة الرسائل الموجهة، تحديد النسل، زيادة النسل

## تحديد نسل الشيعة، تهديدٌ للمجتمع الإيراني (أسباب انخفاض الكثافة السكانية وعواقب ذلك)

زهراء سوختانلو / أعظم رحمت آبادي

### الخلاصة:

محور البحث في هذه المقالة هو دراسة أسباب انخفاض الكثافة السكانية في إيران وعواقب هذا الانخفاض، والهدف من تدوينه معرفة برامج السيطرة على الكثافة السكانية التي هي معضلة اجتماعية وسياسية، وكذلك تشخيص كيفية الوقاية من هذه البرامج للحفاظ على بقاء النسل. هناك أهداف سياسية كامنة في هذه البرامج حيث تنامت في البلدان الإسلامية عن طريق وسائل ثقافية، كالإعلام وترويج الحداثة وأتباع البرامج الصحية لمنظمة اليونسكو، وبالتالي فقد ساعدت على اتساع نطاق الجرائم وشيوع الرؤى النسوية والطلاق. إن السيطرة على السكان في إيران لها عواقب وخيمة، بما في ذلك إيجاد آثار بعيدة الأمد لإضعاف القوى الدفاعية للبلد وانخفاض الطاقات الشابة والنخبة واختلال التوازن السكاني وتعريض مذهب التشيع للمخاطر.

مفردات البحث: الشيعة، الأمن الوطني، برنامج السيطرة على السكان، عواقب السيطرة على السكان

## التحديات المنهجية والمعرفية في الدراسات السكانية الموجودة

فروغ الصباح شجاع نوري / فرزانه شكرى

### الخلاصة:

تزامناً مع التغييرات السكانية المتسارعة في البلد، فإن الدراسات المتعلقة في المجال السكاني تعتمد على رؤى مختلفة، وقد أجريت هذه الدراسة بهدف تشخيص مناطق الفراغ والإشكاليات المنهجية للدراسات المطروحة في المجال السكاني، وذلك وفق منهج بحث تحليلي للدراسات ذات الصلة بالموضوع في الفترة الواقعة بين سنة ١٣٧٠هـ. ش. إلى ١٣٩٠هـ. ش. وذلك في مجال العلوم الإنسانية، لذلك تمت دراسة وتحليل ٦٣ مقالة. وقد أثبتت نتائج البحث أن رؤية ٦١,٩٠ من جميع المقالات التي تمت دراستها تشير إلى سلبية زيادة الكثافة السكانية. وكذلك فإن الدراسات من الناحية المنهجية تصنف بإشكاليات ونواقص عديدة، بما في ذلك طريقة البحث العلمي، فما مستواه ٩٠,٤٧ من الدراسات التي تم إجراؤها بطريقة وثائقية - مكتبية، و ٩٠,٤٧ من الدراسات تفتقد إلى تكتيك أخذ العينة، و ٦٣,٥٠ من الدراسات تدور في ميدان بحث غير محدّد، و ٥٣,٩٧ من الدراسات تفتقد إلى الفرضية أو السؤال، و ٥٧,١٥ من المقالات تفتقد إلى تكتيك التحليل العلمي. ونظراً للنتائج التي تم الحصول عليها في هذه الدراسة فإنه من الضروري القيام بدراسات واسعة تراعى فيها الأصول المنهجية للبحث العلمي في مجال زيادة أو تقليص الكثافة السكانية.

مفردات البحث: المجتمع، الدراسة التحليلية، زيادة السكان، قلة السكان

## دراسة في الرؤى الفكرية، الأجواء والتحديات السكانية في المدن بالتأكيد على التنمية المستقرة

يونس شاكري

### الخلاصة:

الهدف من تدوين هذه المقالة هو دراسة الآراء حول الأجواء والتحديات حول المسألة السكانية التي تواجهها المدن. أي المسائل التي تطرح في ظل العلاقة المنطقية السكانية للمدن الشهيرة والتي يجب أن يعيها مسؤولو المدن والمخططون لإدارتها اهتمامهم ويقدموا لسكانها أفضل الخدمات. ومن أهم نتائج هذه المقالة ما يلي: هناك رؤية متفائلة حول زيادة العدد السكاني عند تمهيد الأرضية الضرورية لهذا الأمر، التقسيم المناسب للأجواء السكانية على مستوى المدن وإقامة العدل الاجتماعي فيها، زيادة العدد السكاني للبلد في الوقت الراهن نظراً لارتفاع نسبة سنّ المواطنين في السنوات المقبلة.

ومنهج البحث في هذه المقالة هو تفصيلي - تحليلي وبالاعتماد على الكتب والمقالات والتقارير والوثائق بهدف دراسة وتحليل مختلف الآراء حول السكان والأجواء الملائمة والتحديات الكامنة في هذا المضمار وآثاره على البيئة المدنية، وطُرحت في نهاية البحث سبلاً لتأسيس مدن مستقرة.

مفردات البحث: المدينة، المدينة المستقرة، الآراء السكانية، الخدمات المدنية، التنمية المستقرة

## دراسة العوامل المؤثرة على الإخصاب بالاعتماد على رؤية متعدّدة المستويات

محمد شيرى / طه نور اللهى / إلهام رستمى

### الخلاصة:

إن إيران في العقود الماضية قد شهدت تغييرات واسعة في مجال الكثافة السكانية، وارتفاع مستوى النمو السكاني إلى ٣,٩ في العقد ١٣٥٥ - ١٣٦٥هـ. ش. وانخفاض النمو السكاني إلى مستوى ١,٢٩ في الفترة الواقعة بين عام ١٣٨٥هـ. ش. حتى ١٣٩٠هـ. ش. قد عكست هذا الأمر

بوضوح. والتغيرات في مجال الإخصاب تعدّ أهمّ العوامل التي تبيّن تغييرات النموّ السكّاني، ونظراً للاختلافات في المحافظات الإيرانية من حيث الإخصاب والدور الحاسم للتغيرات التي طرأت في المحافظات في عملية الإخصاب، فإنّ دراسة الخصائص الاجتماعية والاقتصادية والسكّانية الإقليمية تعدّ هامةً لبيان مسألة الإخصاب. الهدف الأساسي من تدوين هذه المقالة هو دراسة دور خصائص المحافظات في بيان الإخصاب حيث تمّ تدوينها وفق منهج بحثٍ متعدّد المستويات. أمّا المعلومات التي تمّ الاعتماد عليها فهي مستوحاة من المعطيات المئوية الخالصة للإحصاء السكّاني الذي أجرى عام ١٣٨٥ هـ. ش. حيث تمّ تصنيفها على المستوى الفردي ومستوى المحافظات.

وقد أثبتت نتائج البحث أنّ ميزات مستوى المحافظات لها تأثيرات ثابتة ومعتبرة وفق معايير ريجرسون للمستوى الفردي في بيان الإخصاب، بحيث إنّ متوسط مستوى الإخصاب للنساء متأثر بمستوى الإخصاب في المحافظات وبمتوسط أعمارهنّ. وكذلك أشارت النتائج إلى مسألة هامة، ألا وهي أنّ مستوى تأثير متغيّر المستوى الدراسي للنساء على مسألة الإخصاب في المحافظات في أعلا مستوى من حيث عدد الأولاد الذين ولدوا أحياء هو في مستوى أقل من سواه.

**مفردات البحث:** الإخصاب، طرح أنموذج متعدّد المستويات، الاشتغال، هيكل الأسرة

## علمنة الأسرة وتأثيرها على تقليص الكثافة السكّانية

السيد حامد عنواني

### الخلاصة:

إلى جانب الثورات العلمية يتمّ تعريف قضايا أخلاقية جديدة عبر تغيير مفاهيم الله تعالى، والعنصر المشترك بين هذه الأخلاقيات هو فقدان الأمور المعنوية، وهذا التيار الذي يطلق عليه عنوان الرؤية "العلمانية" يطرح أنموذجاً للحياة على أساس يتمّ فيه تعيين ارتباط الناس مع بعضهم البعض على أساس كسب المصلحة الشخصية. إنّ صراع العلمانية مع قاعدة الحياة البشرية تبدأ من خلق انحراف في الفلسفة الوجودية للأسرة وعبر تغيير التوجه في أهداف تأسيسها وصولاً إلى تغيير مضمون المهام والواجبات، فإنّ سلوك وتكاليف أعضاء الأسرة تسير نحو عزل البشرية عن بعضها والعيش بشكل مستقلّ، وكذلك تفصل بين الأزواج وتلزم النساء بالاستقلال اقتصادياً وعاطفياً؛ وهذا التيار في النهاية سيؤدّي إلى تحديد نسل البشرية. هذه الدراسة التي أجريت وفق منهج بحثٍ تفصيليٍّ - تحليليٍّ تهدف إلى بيان أنّ في هذا التيار يتعرّض ازدياد النسل إلى مخاطر بسبب خروج الأسرة من مسيرها المنطقي.

**مفردات البحث:** العلمانية، علمنة الأسرة، تقليص عدد السكّان، الأسرة، اشتغال الوالدات، الطلاق، العزوبة

## دراسة آثار ونتائج النموّ السكّاني السريع على "مضيقة الزواج" وعزوبة الفتيات

محمد رضا الحسنی

### الخلاصة:

إنّ ارتفاع سنّ الزواج وتزايد العزوبة - ولا سيّما بين الفتيات - يعدّ من أبرز التغيرات التي طرأت على الكثافة السكّانية في البلاد منذ سنة ١٣٧٠ ش، وهذه المسألة قد أدت إلى ظهور بعض التغيرات الهيكلية وبالأخصّ في المجالين الثقافي والاجتماعي ممّا أدّى إلى أن يصبح تحليل وبيان أبعاد هذه المسألة من الأمور الضرورية. وقد قام الباحث في هذه المقالة بالإشارة إلى بعض الأسباب التي أدت إلى رواج ظاهرة "مضيقة الزواج" وعزوبة الفتيات، وذلك وفق منهج بحثٍ تحليليٍّ بالاعتماد على الإحصائيات والوثائق والبحوث المطروحة في هذا الصدد، كما تمّت الإشارة إلى بعض أهمّ الأعراض والعواقب السيئة لهذه الظاهرة. أمّا نتائج البحث فقد أثبتت أنّ أهمّ هذه العواقب السيئة عبارةً عمّا يلي: النزعة إلى الاستقلال الاقتصادي، الضغوط لدخول الجامعات وأسواق العمل، إضعاف التقيد الأخلاقي في العلاقات الأسرية، اتّساع نطاق العلاقات غير المتعارفة، النزعة إلى الجريمة، تعاطي المخدّرات، فقدان الهوية، ظهور الأمراض النفسية.

وفي الختام اقترح الباحث بعض سبل الحلّ لتقليص الأعراض والعواقب غير المحبّذة لهذه الظاهرة.

**مفردات البحث:** النموّ السكّاني، الهيكل السكّاني، التغيرات السكّانية، مضيقة الزواج، عزوبة البنات

population decline rate by 1.29 percent from 1385 to 1390 (2006- 2011). Fertility changes are the most important factor which contributes to explaining the changes in population growth. Regarding the provincial differences in fertility in Iran and the determining role of provincial changes in the future process of fertility, an investigation of the regional, social, economic and demographic features seems necessary for explaining fertility. Using a multi-level analysis method, the present paper mainly seeks to examine the role of provincial features in explaining fertility. The data used in this research are gathered from raw percentile data from a census in 1385 (2006) and are classified into personal and provincial levels.

The research findings indicate that the features of provincial level have fixed, random and significant effects on the regression coefficient of personal level in explaining fertility, in such a way that the mean rate of women's fertility is influenced by the fertility of the province and mean age of the women who are subject to fertility. Furthermore, these findings show an important fact, that is, the rate of the effect of women's educational level on fertility in those provinces in which the total mean of the number of children born alive is high, is significantly lower.

**Key words:** fertility, multi-level modeling, employment, family structure.

## **Secularization of Family and Its Effect on Population Decline**

Seyyed Hamed 'Onvani

### **Abstract**

Along with the scientific revolutions and due to changes in such concepts as God, life and man; new moralities have been defined, common element of which is lack of spirituality. This trend, which is called "secular" attitude, provides a model of life according to which the relationship between individuals is centered on personal interest. The conflict between secularism and basis of man's life begins with a deviation in the philosophy of family existence and moves towards a change in the thrust of family members' duties, behavior and responsibilities by changing the direction of the aims of family formation in order to induce individuals to live separately, spouses to divorce and women to have emotional and economic independence. This trend directs people towards birth control. Using a descriptive-analytical method, the present paper tries to show that following this trend will cause the family to deviate from its rational path and threaten the population growth.

**Key words:** secularism, secularization of family, the rate of population decline, family institution, mothers' employment, divorce, celibacy.

## **A Study of the Effects of Rapid Population Growth on "Marriage Shortage" and Singleness among Girls**

Mohammad Reza Hassani

### **Abstract**

The increase in marriage age and singleness, especially among girls, has been one of the obvious demographic changes in Iran since 1370 (1991). This problem has led to some structural changes, especially in the cultural and social areas; a problem which necessitates analysis and elaboration on this issue. Using an analytical method and existing figures, statistics and studies, the present paper seeks to make explicit some of the causes of the emergence of "marriage shortage" and singleness among girls, and explain some of their most important effects. The research findings show that inclination towards economic independence, pressure to enter university and labor market, weakness of moral commitment in the family relations, prevalence of unconventional relations, inclination towards crime and drug abuse, lack of identity and mental disorders can be regarded as possible outcomes of singleness among girls. Finally, the paper provides some suggestions and modus operands to decrease the bad effects of this problem.

**Key words:** population growth, age structure, demographic changes, marriage shortage, singleness among girls.

## **Birth Control of the Shi'ah ; a Threat to the Iranian Society of Iran (the Causes of Population Decline and Its Consequences)**

Zahra Sookhtanloo & A'zam Rahmatabadi,

### **Abstract**

The present paper expounds the causes of population decline and its consequences. It aims at recognizing the policies of population control as a sociopolitical problem and providing ways of preventing to insure generation survival. Cultural means like propaganda, promotion of modernity, and following the hygienic policies of UNESCO in Islamic countries have furthered the political aims laid behind this trend, and such social contexts like promotion of delinquency, promotion of feministic views and divorce have reinforced it. Population control in Iran has brought unpleasant effects including weakness of defensive force, decrease in the number of elite and young manpower, demographic imbalance and threat to Shi'a school.

**Key words:** Shi'a, national security, policy of population control, consequences of population control.

## **Methodological and Epistemic Challenges in the Existing Demographic Studies**

Forooq al-Sabah Shoja'noori, Farzaneh Shokri

### **Abstract**

The research works on population conducted along with rapid demographic changes in Iran has adopted different approaches. Using a meta-analysis method, the present paper reviews the studies on population conducted from 1370 to 1390 (1991- 2011) in the field of the human sciences in order to identify the methodological gaps and problems of these studies. To this end, 63 articles have been reviewed. The results of the meta-analysis show that %61.90 of all reviewed articles have a negative attitude about population growth. Furthermore, these studies have several defects and problems as far as research method is concerned. For example, %90.47 of them use a library and documentary method and lack sampling technique, %63.50 have unknown field of study, %53.97 lack hypothesis or research question and %57.15 lack analysis technique. Given these research findings, conducting extensive research on population growth or population decline, in which the methodological principles of scientific research are observed, will be worthwhile.

**Key words:** population, meta-analysis, population growth and decline.

## **An Inquiry into the Demographic Views, Opportunities and Challenges Facing the Cities, with Emphasis on Sustainable Development**

Yunus Shakeri

### **Abstract**

The present paper seeks to review the demographic views, opportunities and challenges confronting the cities, that is, the issues which are discussed within the framework of logical relationship between population and cities and should be taken into account by municipal managers and planners in order to make better plans for cities and to serve the citizens. Some of the research findings are as follows: having an optimistic view on the population growth when the necessary conditions are available, a proper distribution of demographic space and establishing social justice in cities, and plans to increase the population of the country because it is aging in the coming years. Using a descriptive-analytical method and reviewing the relevant books, articles, reports and documents, the present paper examines different demographic views, opportunities and challenges and their effects on urban environment and provides modus operandi for building great cities.

**Key words:** city, great city, demographic views, municipal services, sustainable development.

## **A Review of the Factors Influencing Fertility on the Bases of a Multi-level Approach**

Mohammad Shiri, Taha Noorollahi, Elham Rostami

### **Abstract**

In recent decades, Iran has undergone considerable demographic changes. This important fact is manifested by the population growth rate by 3.9 percent from 1355 to 1365 (1976-1986) and

# ABSTRACTS

## **The Whispered Words of the Seekers of Access to the Deity (2): Supplication in the View of Infallible Imams (peace be upon them)**

Ayatollah 'Allamah Mohammad Taqi Misbah

### **Abstract**

The present paper seeks to elucidate Imam Sajjad's words in his supplication about seeking access and proximity to Glorified God. Since man is essentially poor, he has nothing on his own to give or seek nearness to God. Faith, too, is something which God bestows upon man. Due to his essential poverty, man cannot have the by which he gets nearer to God because the means must be presentable, besides the Glorified God is absolutely rich and in need of no such things. Imam Sajjad (peace be upon him) states: "we have two means by which we have access and get nearer to God. They are the Holy Prophet's affection, mercy and courage which are the only means of drawing nigh to God and Infallible Imams' intercession.

**Key words:** supplication, intercession, divine mercy, the infallible Imams (peace be upon them).

## **The Features of Ideal Demographic Policy-making in Iran**

Ismail Noodeh Farahani, 'Abbas Maghami, Mahdiyyeh Kazemi Taklimi

### **Abstract**

The present paper classifies the views about "population growth" into three approaches of "population growth as an increase in the number seekers welfare", "population growth as an increase in manpower to contribute to development", and "population growth as an increase in the number of the Shi'a and Muslims". Then a kind of comparative-historical study is made to formulate an ideal demographic policy-making in Iran. Therefore, the main parts of this paper include a brief review of the existing approaches to demographic policy-making in such countries as England, India, Turkey, the Occupied Palestine and Lebanon; a historical review of demographic policies adopted after the victory of Islamic revolution from 1357 to 1384 (1978-2005); and a review of the reasons of failure of the reformative approach of government in the ninth and tenth terms with regard to other policies which have to do with the issue of higher education policies, macro-economic policies. . . .

The research findings are underlined with emphasis on the following contradictory statements: 1- Iran's population should increase; 2- the population of Capital should decrease; 3- decentralization policy has failed.

**Key words:** demographic policy-making, population growth, Iran's population, the decade of progress and justice.

## **The Necessities of the Change in Demographic Policy with Emphasis on the Role of National Media**

Ibrahim Shafi'i Sarvestani

### **Abstract**

After twenty years of implementing the policy of population control, the system of the Islamic Republic of Iran is now revising it and adopting the policy of population growth due to different economic, social, cultural, political and security considerations. No doubt, the implementation of such a policy requires taking several measures in different fields, the most important of which are "culture-making" and directing the discourse of society from "population decline" to "population growth" Accordingly, national media as one of the most important instrument of culture-making in the country must contribute to this new demographic policy and use all its capacities to implement it, according to a precise, clear and timely program. First of all, the strategies and policies of the national media in this regard should be specified so that the executive activities and programs of national media may contribute to the achievement of the mentioned aims.

**Key words:** national media, demographic policy, management of message, lirth control, population growth.